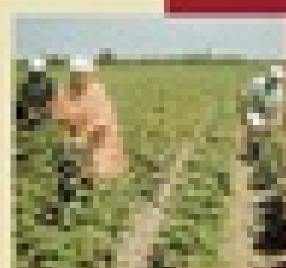
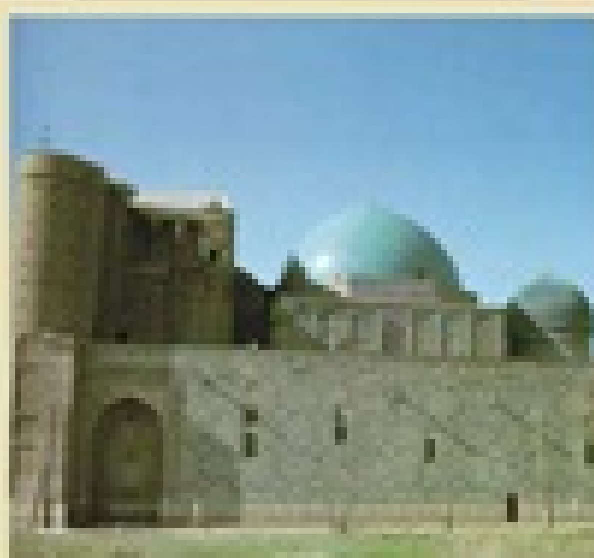


دیار آشنا

ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی

نسرین احمدیان شالچی









بسم الله الرحمن الرحیم

دیار آشنا: (ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی)

نویسنده:

نسرین احمدیان شالچی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دیار آشنا: (ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدیان شالچی، نسرین، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور : دیار آشنا: (ویژگیهای جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی)/ نسرین احمدیان شالچی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری : ۴۲۲ ص.: مصور، جدول، نقشه.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۴-۲۲۳-۰ :

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۹۵] - ۴۰۴.

یادداشت : نمایه.

موضوع : آسیای مرکزی-- جغرافیا

موضوع : آسیای مرکزی--جغرافیای تاریخی

موضوع : آسیای مرکزی--تاریخ

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : DS۳۲۷/۶۵/الف۳د۹ ۱۳۷۸

رده بندی دیویی : ۹۱۵/۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۳۳۲۲۹

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

ص:۷

فصل دوم - سرزمین ازبکستان

ص:۹

ص:۱۲

ص:۱۳

پیشگفتار

بـا قـدرت یـافتن میخاییل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اعتراف وی به نقاط ضـعف کشورش، مقـدمه فروپاشـی دیوار آهنین هفتاد ساله فراهم گردیـد وانـدیشه بروز جنگ اتمی به فراموشـی سپرده شـد. در نخستین سالهای آخرین دهه قرن بیسـتم میلادی نقشه جغرافیـای جهـان شـکل نوینی یـافت و جمهوریهـا و کشورهایی جدیـد به جای اتحاد جماهیر شوروی در صحنه سیاسی جهان ظاهر شدند.

در آن سوی مرزهای شـمال کشورمان و در ناحیه آسیای مرکزی که تاریخ مشترک کهن و مشترکات فرهنگی بسیاری با ایران دارد، پنج جمهوری مسـتقل پا به عرصه جهان گذاشـتند که از همان نخستین روزهای اعلام استقلال، کشورهای مختلف جهان بـا اهـداف گونـاگون، اشتیـاق فراوانی برای برقراری روابـط همه جانبه با آنها از خود نشان دادنـد و به سـرعت در جلب اعتماد رهبران ناحیه کوشیدند.

در میان سرزمینهای مختلف، کشور ما چه از نظر تاریخی و فرهنگی، چه از نظر همجواری و چه به دلیل برخورداری از تواناییها و قابلیتهای گوناگون، در ایجاد ارتباط با ناحیه از مزایای بسیاری بهره مند است. برقراری همکاریهای متقابل و دوستانه، گرچه بهره برداری از منابع اقتصادی را برای طرفین در بر دارد اما در ایجاد صلح و ثبات منطقه ای

نقشی مؤثرتر ایفا می کند.

بـدیهی است که نخستین پیش شـرط برقراری و گسترش روابـط مناسب و مفیـد، آشـنایی با این کشورها و شـناخت موقعیتهای ویژه آنها است. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در جهت اهداف فرهنگی خود از نخستین سالهای تشکیل

جمهوریهای آسیای مرکزی به تحقیق و پژوهش و انتشار آثار مربوط به آسیای مرکزی همت گماشته است و گروه جغرافیای این مرکز در ادامه مطالعات خود، طرحی پیرامون مطالعه کشورهای آسیای مرکزی را از اواخر سال **۱۳۷۲** آغاز کرد که مجموعه حاضر محصول بخشی از این پژوهشها می باشد.

ص:۱۶

دیباچه

برقراری روابط میان کشورهای همسایه از زمانهای بسیار دور رایج بوده است، اما در دو سده اخیر و با گسترش و توسعه فنون و وسایلی که جابجایی کالا و مسافر را سهولت بخشید، همکاریهای متقابل میان کشورهای جهان اهمیت ویژه ای یافت و تمام ملتها و کشورهای جهان با دیدگاههای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی وحتی مذهبی متفاوت، سعی در خروج از انزوا و گسترش مناسبات گوناگون با کشورهای دیگر دارند و برای رسیدن به این هدف، هر کشوری سیاستهای خاص خود را اتخاذ کرده است.

امروزه شماری از کشورهای جهان در گسترش روابطشان با سایر کشورها نفوذ فرهنگی را مد نظر دارند و در کنار بهره های حاصل از روابط اقتصادی، گسترش فرهنگ و ایده لوژی خود را در رأس اهدافشان قرار داده اند. صدور اصول اعتقادی و فرهنگی جوامع، در لوای روابط اقتصادی و به صورت پنهان صورت می گیرد و کشورهای میزبان، غیرمستقیم و تدریجی و از طریق کالاهای اقتصادی، تحت تأثیر فرهنگ وارداتی قرار می گیرند.

برخلاف کشورهای قدرتمند که به آن شکل عمل می کنند، بسیاری از کشورها، برقراری و گسترش همکاریهای اقتصادی و فرهنگی را برای ایجاد صلح و ثبات و رسیدن به توسعه پایدار مورد توجه قرار داده و در رشد روابط گوناگون با بسیاری از کشورهای جهان، بویژه همسایگان خود می کوشند.

ص:۱۷

نخستین اصل در برقراری روابط سالم و دوستانه میان کشورها، آشنایی آنها با توانها و تنگناهای محیطی، انسانی و اقتصادی یکدیگر است. دانش جغرافیا که عملکرد فعالیتهای انسانی را با ملاحظه عناصر محیطی بررسی می کند، می تواند کمک بزرگی به امر گسترش روابط میان کشورها بکند و ضمن تحلیل قابلیتها و دشواریها، راهبردهای لازم را ارائه دهد.

مجموعه حاضر با توجه به موضوع فوق الذکر به بررسی کشورهای آسیای مرکزی می پردازد و می کوشد ویژگیهای کشورهای ناحیه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، ابعاد گوناگون روابط ایران با ناحیه را مطرح کند و برای توسعه و بهبود روابط به نکاتی

اشاره کند و پیشنهاداتی ارائه دهد.

این مجموعه در قالب هفت فصل تدوین شده است:

فصل اول به بررسی ویژگیهای گوناگون آسیای مرکزی اختصاص یافته است. در فصلهای دوم تا ششم، شناخت وضع پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان به صورت مجزا، مورد توجه قرار گرفته است. در فصل هفتم، ضمن بررسی ابعاد گوناگون روابط ایران و استان خراسان با جمهوریهای آسیای مرکزی چند روش در جهت بهبود و گسترش روابط کشورمان با جمهوریهای ناحیه پیشنهاد گردیده است.

در این مجموعه سعی شده است بررسیها در سرفصل هایی یکسان برای تمام کشورها ارائه شود، همچنین به منظور تسهیل تعیین تاریخها، تمام تاریخهای میلادی به تاریخ خورشیدی نیز ذکر شده است.

در پایان لازم می دانم از مسؤولان محترم بنیاد که شرایط لازم را برای تألیف و چاپ این کتاب فراهم کردند و همکاران و دوستانی که هر یک به نوعی در نشر این کتاب مرا یاری داده اند؛ جناب آقای دکتر محمدحسین پاپلی یزدی که مشوق بنده در انجام این طرح بوده اند؛ مدیر و همکاران ارجمند گروه جغرافیا؛ آقایان حسن عطائی که زحمت ویرایش دستنوشت را بر عهده گرفتند؛ محمد فلسفی مدیر خدمات پژوهشی؛ و همکاران گرامی واحد نشر به ویژه رضا ارغیانی و محمّدعلی علاقه مند که آماده سازی و حروفچینی و صفحه آرایی را برعهده داشتند و همچنین همکاران ارجمند گروه نمونه خوانی و واحد تکثیر سپاسگزاری نمایم.

فصل ۱: ناحیه آسیای مرکزی

۱ – حدود آسیای مرکزی

اصطلاح آسیای مرکزی از سالیان دور بر محدوده ای در آسیا اطلاق می شده است، اما «الکساندر فن هومبولت»(۱) نخستین کسی بود که برای تعیین حدود آسیای مرکزی از معیارهای علمی و مشخص استفاده کرد. هومبولت در سال ۱۸۴۳م/۱۲۲۲ش پیشنهاد کرد که واژه آسیای مرکزی برای آن بخش از قاره آسیا درنظر گرفته شود که محدوده میان ۵ درجه شمالی و ۵ درجه جنوبی عرض جغرافیایی ۵/۴۴ درجه، یا به عبارت دیگر محدوده میان ۳۹ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی، را شامل شود. او حد شرقی وغربی آسیای مرکزی را مشخص نکرد، اما از لابلای نوشته هایش می توان دریافت که فلات «اوست اورت»(۲) حد غربی و رشته کوههای «خینگان بزرگ»(۳) حد شرقی منطقه را تشکیل می دهند.

«نیکلای خانیکف»(۴) روسی ملاکی را که هومبولت برای تعیین محدوده آسیای مرکزی برگزیده بود رد کرد. او عقیده داشت که ویژگیهای جغرافیایی، بویژه عوارض

۱- tlobmuH noV rednaxelA -

۲- trutsU -

۳- (taerG nagnihK (niagnahc -

۴- yolociN vokynahK -

طبیعی را باید در تعیین مرزبندی ها در نظر گرفت. خانیکف عدم ریزش آب رودخانه ها به دریاهای آزاد را مهمترین و اصلی ترین عامل تعیین کننده مرزبندی های آسیای مرکزی دانست. براین اساس «افغانستان» و مناطق شرقی ایران نیز در محدوده آسیای مرکزی قرار می گرفتند.

چندی بعد «فردیناند ریشتوفن»(۱) آلمانی نظریه ای جدید ارائه کرد و قاره آسیا را از نظر جغرافیای طبیعی و با تأکید بر دو عامل ویژگیهای طبیعی و تشکیلات زمین شناسی به دو بخش آسیای مرکزی و «آسیای پیرامونی» تقسیم کرد. براساس نظریه وی آسیای مرکزی تمام بخشهای داخلی قاره آسیا است که شبکه آبهای سطحی آن به آبهای آزاد جهان راه ندارند. بنابراین آسیای مرکزی از شمال به رشته «کوههای آلتایی»(۲)، از جنوب به «تبت»(۳)، از مغرب به «پامیر»(۴) و از مشرق به کوههای خینگان محدود می شود.

در دهه های آخر قرن نوزدهم میلادی «ایوان موشکتف»(۵)، زمین شناس و جهانگرد روسی ضمن پذیرش نظریه ریشتوفن در اصلاح و تکمیل آن کوشید. وی بر اساس بررسیها و اکتشافهای خود و مطالعات دانشمندان پیشین اظهار داشت که قسمتهای غربی و شرقی پیرامون آسیای مرکزی ویژگیهای طبیعی و زمین شناسی مشابهی با آسیای مرکزی دارند و نمی توان آنها را منفک از آسیای مرکزی و در قلمرو آسیای پیرامونی دانست. موشکتف دو عامل ریزش یا عدم ریزش آبهای جاری به دریاهای آزاد و انباشتگی ماسه های بادی حاصل از جریان آبهای جاری را مبنای تقسیم بندی آسیا دانست و براین اساس قاره آسیا را به دو بخش آسیای پیرامونی و آسیای داخلی تقسیم کرد و این دو منطقه را از نظر موقعیت، ویژگیهای طبیعی و تشکیلات زمین شناسی با یکدیگر کاملاً متفاوت شمرد.

نظریه موشکتف درباره محدوده آسیای مرکزی با پیشنهاد ریشتوفن مغایرت داشت، زیرا به نظر موشکتف از اصطلاح آسیای مرکزی باید فقط برای اطلاق به نواحی شرقی

ص:۲۰

۱- nefothciR dnanidreF -

۲- iatlA -

۳- tebiT -

۴- rimaP -

۵- votekhsuM navI -

آسیای داخلی (همان آسیای مرکزی ریشتوفن) استفاده کرد.

از اواخر قرن نوزدهم تا زمان حاضر نیز درباره محدوده آسیای مرکزی نظرات گوناگون ارائه شده و حدود آسیای مرکزی با توجه به نوع مطالعات و تا حدودی استنباطهای شخصی محققان و صاحب نظران تعیین شده است. اما در همه موارد محدوده آسیای مرکزی در منطقه حدفاصل «دریای خزر» تا «سین کیانگ»(۱) چین و «مغولستان» بوده است.

«سازمان یونسکو» که از سال ۱۹۶۷م/ ۱۳۴۶ش مطالعاتی جامع درباره آسیای مرکزی آغاز کرده است، با توجه به متغیر بودن محدوده آسیای مرکزی در دوره های مختلف تاریخی، ناحیه مورد مطالعه خود را این گونه تعریف کرده است:

«در حال حاضر در مرزبندی کنونی، کلیّه سرزمینهای افغانستان، قسمت غربی چین، شمال هندوستان، شمال شرق ایران، مغولستان، پاکستان و جمهوریهای آسیای مرکزی سابق قرار می گیرند.»(۲)

همچنان که مشاهده می شود، میان صاحب نظران درباره محدوده آسیای مرکزی وحدت نظر وجود ندارد، تا پژوهشگران و محققان علاقه مند به مسائل و موضوعات گوناگون آسیای مرکزی، تحقیقات خود را در محدوده ای خاص متمرکز کنند.

با توجه به این مهم که واژه آسیای مرکزی، در قلمرو اصطلاحات جغرافیایی قرار دارد، می توان در تعیین حدود آن از معیارهای موجود در جغرافیا کمک گرفت. جغرافیادانان در مطالعات خود، نواحی را مد نظر قرار می دهند. یک ناحیه جغرافیایی دارای چنان وجوه اشتراکی در عوامل طبیعی، انسانی و فرهنگی است که از نواحی مجاورش کاملاً متمایز می شود. در محدوده وسیعی که بنابر تعاریف مختلف قلمرو آسیای مرکزی است، هیچ گونه وحدت جغرافیایی از نظر عوامل طبیعی و انسانی مشاهده نمی شود. و ناهماهنگی ها و عدم تجانس در عوامل گوناگون در این پهنه وسیع دیده می شود. این قلمرو را می توان به چند ناحیه تقسیم کرد ناحیه حدفاصل دریای خزر تا ارتفاعات اطراف فلات پامیر را - که ناحیه طبیعی یک دست و منطبق بر حوزه فرهنگی خاصی است -(۳) می توان آسیای مرکزی نامید. این ناحیه در حال حاضر قلمرو سیاسی

ص:۲۱

۱- gnaikniS -

۲- تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، ص ۳۴۸.

۳- نگاه کنید به: احمدیان، محمد علی، «آسیای مرکزی و حدود آن»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۳، دوره دوم، ش ۵، ص ۳۷ - ۴۸.

جمهوریهای «ازبکستان»(۱)، «تاجیکستان»(۲)، «ترکمنستان»(۳)، «قزاقستان»(۴)، و «قرقیزستان»(۵) می باشد و مطالعه حاضـر نیز درباره همین ناحیه است.

لازم به ذکر است که در بسیاری از پژوهشـها، واژه «آسیای میانه» برای آسیای مرکزی و مترادف با آن به کار برده شده است. باید توجه داشت که این دو واژه یک مفهوم ندارند

زیرا از نظر کاربرد و مفهوم واژه ها، کلمه «میانه» برای خط و کلمه «مرکز» برای سطح به

کار برده می شود. و آسیای مرکزی در سطح گسترده است، نه در طول خط. علاوه برآن همچنان که ذکر شد اصطلاح آسیای مرکزی از قرن نوزدهم میلادی با استناد به معیارهای علمی مطرح شـده و دست کم دو قرن است که این واژه آگاهانه و با مد نظر قرار دادن عوامل و ویژگیهای جغرافیایی به کار گرفته می شود، درحالی که اصطلاح آسیای میانه از سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش به بعد عنوان شد.

روسـها پس از آن که سـرزمینهای بسیاری را تصرف کردند، در سال ۱۸۶۵م/۱۲۴۴ش این ناحیه را «ترکسـتان روس» نامیدند و بلشویکها پس از به دست گرفتن قدرت در روسیه، در سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش نام آسیای میانه را برگزیدند. این نامگذاری کمتر منطبق بر واقعیتهای جغرافیایی بود و بیشتر از دیدگاهی سیاسـی ناشـی می شد. زیرا کمونیسـتها، نواحی تحت سـلطه روسیه را با توجه به فاصـله آنهـا از مرکز به سه نـاحیه تقسـیم کردنـد: «قفقـاز» و اطراف آن، که در طول یـک خط نزدیکترین فاصـله را با مسـکو داشـتند، آسـیای مرکزی نـام گرفتنـد. پنـج کشور شـرق دریای خزر که نسـبت به قفقاز دورتر و از «سـیبری» نزدیکتر به «مسـکو» بودند، آسیای مرکزی نامیده شدند. نام «آسیای دور» برای سیبری و اراضی متصرفه شرق آسیا که بیشترین فاصله را از مسکو داشتند، انتخاب شد.(۶) از آن زمان تاکنون دو اصطلاح «آسیای میانه» و «جمهوریهای شوروی در آسیای مرکزی» برای ناحیه مورد مطالعه به کار برده شده است، در حالی که مشاهده شد اصـطلاح «آسیای میانه» علاوه بر آن که فاقد زمینه تاریخی یا جغرافیایی است، از نظر

ص:۲۲

۱- natsikebzU -

۲- natsikihzdaT -

۳- natsinemkruT -

۴- natshkazaK -

۵- natszihgriK -

۶- «نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۳، ص۲۱ – ۴۷.

واژه شناسی و ادبی نیز نامناسب است.

۲ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۲ موقعیت جغرافیایی

آسیای مرکزی در مختصات جغرافیایی ۳۵ تا ۵۵ درجه عرض شمالی و ۴۷ تا ۸۷ درجه طول شرقی واقع است. این ناحیه از غرب با بخش اروپایی قاره آسیا، از شرق با «آسیای شرقی»، ازجنوب با «خاورمیانه» و از شمال با سیبری هم مرز است. بنابراین کشورهای همجوار با آسیای مرکزی عبارتند از: در شمال و مغرب «روسیه»، در جنوب «ایران» و افغانستان، و در مشرق «چین» (نقشه ۱).

نقشه ۱

ناحیه آسیای مرکزی با حدود چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت، پنج جمهوری ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان را در بر می گیرد. در دوره های

تاریخی گوناگون تمام یا بخشی از این ناحیه به نامهای «توران»، «ترکستان» و «ماوراءالنهر» مشهور بوده است.

۲ – ۲ زمین شناسی

آثار مربوط به دوره های زمین شناسی در سطح آسیای مرکزی گسترده اند. بدیهی است، رسوبات و سنگهای متعلق به دوره های کهن بیشتر در معرض فرآیند فرسایش قرار گرفته، در نتیجه یا زیر رسوبات جدیدتر مدفون شده اند و یا اشکال متنوع ژئومورفولوژی را به وجود آورده اند.

رسوبات و تشکیلات متعلق به دوره قبل از دوران اول زمین شناسی (پری کامبرین)(۱) عمدةً از نوع سنگهای آذرین و دگرگونی هستند که در محدوده های بسیار کم وسعت در جنوب تاجیکستان، بخشی از ازبکستان، و قسمتی از شمال قزاقستان مشاهده می شوند. تشکیلات مربوط به دوران اول زمین شناسی (پالئوزوئیک)(۲) سطحی نسبتا وسیع از آسیای مرکزی را پوشانیده اند، بخشهایی از ازبکستان و تاجیکستان، نواحی شرقی قزاقستان و بخشی از قرقیزستان در قلمرو تشکیلات دوران اول زمین شناسی به شمار می آیند. رسوبات متعلق به دوران دوم زمین شناسی (مزوزوئیک)(۳) عمدتا از جنس آهک هستند که به شکل توده ای یا لایه ای، در محدوده های کوچکی در ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان پراکنده اند. رسوبات دوران سوم زمین شناسی (نئوزوئیک)(۴) که بیشتر آنها از جنس مارن، شیل و کنگلومرا می باشند در جنوب ترکمنستان و قسمتهای غربی و مرکزی قزاقستان مشاهده می شوند. بیشتر اراضی آسیای مرکزی را رسوبات آبرفتی و ماسه های بادی متعلق به دوران چهارم زمین شناسی (کواترنری)(۵) پوشانیده اند، بخش عمده

ص:۲۴

۱- nairbmaC erP -

۲- ciozoelaP -

۳- ciozoseM -

۴- ciozoeN -

۵- yranretauQ -

ترکمنستان، شمال، و جنوب قزاقستان، قسمت وسیعی از ازبکستان قلمرو تشکیلات دوران مذکور می باشند (نقشه ۲).

نقشه ۲

فعالیت های کوهزایی که در دوره های زمین شناسی سبب پیدایش ارتفاعات و پستی و بلندی ها شده اند در آسیای مرکزی نیز تحولات زمین ساختی را به دنبال داشته است. اکنون در برخی نواحی فعالیتهای کوهزایی به شکل بیرون زدگی و در برخی نقاط بدون بیرون زدگی دیده می شوند، به عبارت دیگر در برخی نواحی به مرور زمان در اثر فرایند فرسایش از ارتفاع بلندیها کاسته شده و سطح آنها با رسوبات دوره های بعدی پوشیده

شده است.

آثار ناشی از فعالیت کوهزایی کالدونین(۱) که در دوران اول زمین شناسی رخ داده است در ارتفاعات «قره تاو (کاراتائو)»(۲) پایکویهای جنوبی ناحیه سمی (سمی پالاتینسک)(۳) در قزاقستان و بخشی از ازبکستان مشهود است.

بیشتر اراضی آسیای مرکزی تحت تأثیر فعالیت کوهزایی هرسی نین(۴) در اواخر دوران

اول زمین شناسی شکل گرفته اند، که در ناحیه «تورغای»(۵) واقع در شمال «دریاچه آرال»، فلات «قراغاندی (کاراگاندا)(۶)»، حوضه «دریاچه بالخاش»(۷) و رشته کوههای شمالی تاجیکستان و جنوب قرقیزستان رسوبات حاصل از کوهزایی قابل مشاهده است. اما ماسه های بادی و آبرفتهای متعلق به دوران چهارم زمین شناسی، لایه های سنگی حاصل از کوهزایی هرسی نین را در تمام بیابانهای مرکزی و نواحی شرقی و شمالی قزاقستان پوشانیده اند و به همین علت کوهزایی مذکور در این نواحی بدون بیرون زدگی و غیر مشهود می باشد. کوهزایی آلپی(۸) که آخرین و جوانترین سیستم چین خوردگی است در آسیای مرکزی ارتفاعات پامیر در جنوب تاجیکستان و رشته کوههای «کپه داغ»(۹) در جنوب ترکمنستان را به وجود آورده است. همین ناحیه که بلندترین اراضی آسیای مرکزی محسوب می شود، از نظر زلزله خیزی فعالترین قسمت به شمار می آید، بویژه ارتفاعات تاجیکستان و قرقیزستان. علت اصلی این مهم، تداوم فعالیتهای تکنونیکی در این رشته کوههای جوان است.

کانونهای زلزله خیز آسیای مرکزی در دو منطقه متمایز متمرکز است. نخستین منطقه جنوب وغرب ترکمنستان است که خود به دو ناحیه مجزا تقسیم می شود، اول ناحیه

ص:۲۶

۱- nainodelaC -

۲- oataraK -

۳- ksnitalapimeS -

۴- neinycreH -

۵- iagruT -

۶- adnagaraK -

۷- hsahklaB -

۸- gnidloF eniplA -

۹- hgaD heppoK -

کراسنوودسک در ساحل شرقی دریای خزر است که به نوار زمین ساختی بزرگتر کُپه داغ - بالکان از طریق دریای خزر، متصل می شود. دوم ناحیه عشق آباد است که از نظر زلزله شناسی از نوار بسیار فعال شمال ایران جدا نیست.

ناحیه دیگر که تاجیکستان، قرقیزستان، جنوب شرقی ازبکستان و جنوب شرقی قزاقستان را نیز شامل می شود، چین خوردگیهای آلپی و وریسکی و کالدونین(۱) را در خود جای می دهد و دارای شبکه ای از گسله هاست. بزرگترین گسله این ناحیه طراز (تالاس) - فرغانه است که در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد و ۶۰۰ کیلومتر آن رشته جبال تیان شان را قطع می کند، گسله های حصار - کوکشال، درواز -

قراقُل و پامیر مرکزی دیگر گسله های مهم آسیای مرکزی بشمار می آیند.

میان این دو ناحیه زلزله خیز شرقی و غربی آسیای مرکزی سرزمین همواری هست که کانونهای لرزه ای اندکی در آن مشاهده می شود. با وجود این چندین زلزله مخرب در این ناحیه در هزار سال اخیر گزارش شده است و حتی برخی روایات محلی، تغییر مسیر آب جیحون از دریای خزر به دریاچه آرال را ناشی از زلزله بزرگ خوارزم می دانند.

کهن ترین نشانه زلزله در آسیای مرکزی یک عمارت آسیب دیده است که آثار آن از حفاری های آق تپه در نزدیکی عشق آباد یافت شده است. قدمت این آثار تا هزاره دوم پیش از میلاد می رسد. زلزله های مهم ناحیه عبارتند از:(۲)

تاریخ میلادی محلبزرگی زلزله

(برحسب مقیاس ریشتر)

هزاره دوم پیش از میلاد آق تپه (نزدیک عشق آباد)۱/۷

سده سوم پیش از میلاد چینگوچین (جنوب شرقی قزاقستان)۱/۶

حوالی میلاد مسیح نسا(نزدیک عشق آباد)۱/۷

۵۰۰ جنوب شرقی قزاقستان۷/۶

۸۳۸ فرغانه-

۹۱۴ بخارا-

۹۴۲ بخارا۷/۶

۱- nainodelaC -

۲- برجیان، جبیب، «لرزه خیزی و زلزله در آسیای مرکزی»، نامه فرهنگستان علوم، سال۴، ش۶ و ۷، ص ۱۸۰ - ۱۸۳ و ۱۸۸ - ۱۸۹.

۹۴۳ نسا۶/۷

۱۲۰۸ گرگانج۱/۶

۱۳۹۰ بخارا۱/۶

۱۴۱۰ بلخ - بخارا-

۱۴۹۰ سمرقند۸/۵

۱۶۲۰ فرغانه۸/۵

۱۷۱۶ آق سو(شرق ترکمنستان)۵/۷

۱۷۹۹ اورگوت(نزدیک سمرقند)۶

۱۸۱۷ - ۱۸۲۲ سمرقند - بخارا۴/۶

۱۸۲۲ خوقند (فرغانه)۲/۶

۱۸۶۸ تاشکند۵/۶

۱۸۸۵ بلوفودسک (قرقیزستان)۹/۶

۱۸۸۷ آلماآتی۳/۷

۱۸۸۹ چیلیک (شمال شرقی آلماآتی)۳/۸

۱۸۹۵ کراسنوودسک (غرب ترکمنستان)۲/۸

۱۸۹۷ اوراتپه (تاجیکستان)۷/۶

۳ - ۲ ناهمواریها

آسیای مرکزی جلوه گاه چشم اندازهای متنوع توپوگرافی است، کوهستانها، زمینهای پست ساحلی، علفزارها و بیابانها، چشم اندازهای اصلی ناهمواریهای ناحیه به شمار می روند (نقشه ۳).

بخش شرقی و جنوب شرقی، جایگاه ارتفاعات است و هرچه بسوی غرب پیش رویم از ارتفاع زمین کاسته می شود. سه رشته کوه «آلای»(۱)، «تیان شان»(۲) و پامیر که تحت تأثیر فعالیتهای تکنونیکی زمین در دوران سوم زمین شناسی شکل گرفته اند،

مهمترین ارتفاعات آسیای مرکزی را تشکیل می دهند.

رشته کوههای آلای چشم انداز عمده تاجیکستان و قرقیزستان محسوب می شود، این

ص:۲۸

۱- ialA -

۲- nahs neiT ,nahsnaiT ,nahs naihT -

سیستم کوهستانی در نواحی مذکور با ارتفاع بیش از ۳ هزار متر از رشته کوههای به هم پیوسته تشکیل شده است، در حالی که با امتداد آن به سوی غرب از ارتفاع کوهها کاسته می شود و کوهها تبدیل به تپه های منفرد می شوند. «قله لنین»(۱) در تاجیکستان با ارتفاع ۷۱۳۴ متر، از بلندترین قله های آسیای مرکزی، در این سیستم کوهستانی واقع است. «سیر دریا»(۲) در شمال و «دره سرخاب»(۳) درجنوب، کوههای آلای را به ترتیب از توده کوهستانی تیان شان و فلات بلند پامیر متمایز می کنند.

نقشه ۳

ص:۲۹

۱- kaeP enineL -

۲- ayraD ryS -

۳- yellav bahkroS -

کوههای تیان شان از شرق چین تا قرقیزستان امتداد دارد. این توده کوهستانی دارای مجموعه ای از قله هایی با ارتفاع بیش از ۳ هزار متر است. امتداد کوههای تیان شان به

سوی شمال غرب با نام کوههای قره تاو وارد سرزمین قزاقستان شده و تا حاشیه بیابان امتداد یافته است.

فلات پامیر که محل گره خوردگی سیستم چین خوردگی آلپی است با ارتفاع متوسط ۴ هزار متر به «بام دنیا» معروف است. این فلات که در واقع ادامه رشته کوههای «هیمالیا»(۱)ست تا قرقیزستان و تاجیکستان امتداد یافته است و بلندترین اراضی آسیای مرکزی را تشکیل می دهد. قله مهم «کمونیزم»(۲) با ۷۴۹۵ متر ارتفاع در تاجیکستان و بلندترین نقطه آسیای مرکزی، از کوههای پامیر محسوب می شود.

سه سیستم کوهستانی فوق الذکر سه چشمه مهمترین رودهای آسیای مرکزی اند و در ارتفاعات بالاتر از ۳۵۰۰ متر آنها، یخچالهای طبیعی قرار دارند که اثرهای فرسایشی این

یخچالها به شکل سیرکهای یخچالی مشاهده می شود.

اختلاف ارتفاع زیاد در مسافت کوتاه از ویژگیهای کوههای مرتفع جنوب شرق و شرق آسیای مرکزی است، برای مثال اطراف «دره فرغانه»(۳) را که در ارتفاع ۳۵۰ متری قرار دارد، به فاصله ۵۰ تا ۷۰ کیلومتری، کوههایی محصور کرده اند که تا ۵۵۰۰ متر ارتفاع دارند. محدودیت ارتباطی، دیگر ویژگی بارز کوههای بلند ناحیه است. ارتفاع زیاد و دره های عمیق مانع بزرگی در برقراری ارتباط میان این ناحیه و سرزمینهای اطراف

آن به وجود آورده است به طوری که به جز زمانهایی که شرایط سخت طبیعی سبب مهاجرت و حرکت اجباری مردم شده، در اکثر اوقات مردم ناحیه در انزوا به سر می بردند. با وجود این، اهالی ناحیه توانسته اند از همین معبرهای تنگ و سخت بهره گیرند و ارتباط خود را با دنیای خارج برقرار سازند و همین راهها اهمیت زیادی کسب کرده اند.

به غیر از سه سیستم کوهستانی مذکور، در جنوب ترکمنستان امتداد رشته کوههای

ص:۳۰

۱- ayalamiH -

۲- kaep msinummoK -

۳- anagreF -

کپه داغ، در شرق قزاقستان کوههای «آلاتائو»(۱) وادامه کوههای آلتایی با نام کوههای «تارباقاتای»(۲)، دیگر ارتفاعات آسیای مرکزی را تشکیل می دهند.

فلاتها از چشم اندازهای دیگر ناهمواریها در آسیای مرکزی محسوب می شوند. به غیر از فلات پامیر که ذکر آن رفت و فلات اوست اورت در حد فاصل دریای خزر و دریاچه آرال، در قسمت شرقی و شمالی ناحیه، فلات مسطح، کم ارتفاع و قدیمی است که به طور متوسط بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر ارتفاع دارد. بیشترین ارتفاع فلات با دوهزار متر

در قسمت مرکزی آن مشاهده می شود. آبهای جاری در این فلات به سوی شمال جریان می یابند و با پیوستن به رودخانه «اُب»(۳) به اقیانوس منجمد شمالی می ریزند.

جلگه ها در شمار اراضی کم ارتفاع و پست به شمار می آیند، در قسمت غربی آسیای مرکزی جلگه ای با حداکثر ۲۰۰ متر ارتفاع مشاهده می شود که دو گودال خزر و آرال در غرب و شرق آن قرار دارند. در بخش شمال غربی جلگه رودهای «امبا»(۴) و «اورال»(۵) جاری اند که از کوههای جنوبی رشته کوه اورال سرچشمه می گیرند و پس از طی مسافتی به دریاچه مازندران می ریزند. در بخش جنوب شرقی جلگه نیز رودخانه «اترک»(۶) آبهای جاری ناحیه را به سوی دریای مازندران می برد. دریاچه آرال نیز آبریزگاه دو رود مهم سیردریا و «آمودریا»(۷) است.

بیابانها که محدوده وسیعی را در آسیای مرکزی فراگرفته اند، نامشان متأثر از شرایط طبیعی ناحیه بوده است. بیابان «قره قوم»(۸) به مفهوم ماسه های سیاه بین دریای خزر و رودخانه آمو دریا به طول ۹۶۵ کیلومتر واقع شده است. کوههای شمال شرق ایران و افغانستان مانع گسترش بیابان به طرف جنوب بوده و آن را محدود کرده اند. این بیابان ارتفاعی بین ۱۵۰ تا دویست متر دارد و وسعتش حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع است.

ص:۳۱

۱- uaT alA -

۲- iatagabraT -

۳- bO -

۴- abmE -

۵- larU -

۶- kertA -

۷- ayraD umA -

۸- muK araK -

اقلیم خشک و گرم این شـنزار زیست و رشد گیاهان را غیرممکن می کند، به همین علت پوشـش گیاهی آن، ناچیز و پراکنده است.

بیابان «قزل قوم»(۱) یا «شنهای قرمز» قسمت شمالی زمینهای بین سیر دریا و آمودریا را تشکیل می دهد، قزل قوم با وسعت ۲۹۷ هزار کیلومتر مربع نسبت به قره قوم شرایط طبیعی مساعدتری برای رشد گیاهان و فعالیتهای کشاورزی دارد.

از مهمترین اشـکال ژئومورفولوژیکی بیابانها، تپه های شنی است که به وفور در قره قوم و قزل قوم مشاهده می شود. این تپه ها در اثر وزش بـاد و تراکم شـنها شـکل می گیرنـد. در موقع وزش بادهـای شدیـد برخی از آنهـا که ارتفاع کمتری دارنـد، تغییر مکان

می یابند. در بین تپه های شنی شیارهایی به نام تاکی یر(۲) وجود دارد که آب باران در آن جمع می شود، هرچه تعداد و عمق تاکیرها بیشتر باشد، شرایط مناسبتری برای رشد جانداران فراهم می شود.

۴ – ۲ آب و هوا

اشاره

برخی از پژوهشـها و تحقیقات علمی و اقلیمی مشخص کرده است که آب و هوای آسیای مرکزی در طول تاریخ یکسان نبوده است و اقلیم کنونی پس از اتمام دوره های یخبندان دوران چهارم زمین شناسی شکل گرفته است. گرچه در اثر تحول و تبدیل اقلیم مرطوب به آب و هوای خشـک، تغییری در توزیع شـبکه آبهـای جـاری نـاحیه به وجود نیامـده، اما دریاچه ها کوچکتر و رودخانه ها کم آب تر شده اند. موشکتف، «کروپتکین»(۳) و

«هانتینگتون»(۴) بر مبنـای این یـافته هـای اقلیمی اعلام کردنـد که ریشه و اساس تمام تحولات و تحرکات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی آسیای مرکزی، تغییرات اقلیمی بوده است.(۵) چندی بعد دو دانشمند به نامهای «ولهر»(۶) و «گوورر»(۷) بر پایه اسناد و مدارک جمع آوری

ص:۳۲

۱- muK)liziK(lyzyK -

۲- reykaT -

۳- nikotporK -

۴- notgnitnuH -

۵- در مورد نقش آب و هوا و پیدایش تمدنها فرضیه های گوناگونی ارائه شده که از میان آنها فرضیه هانتیگتون قویترین آنها می باشد. هانتیگتون عامل آب و هوا را عامل اصلی تحولات تاریخی و پیشرفت و یا عقب ماندگی تمدنها می داند. او در واقع جبر آب و هوایی را مطرح می کنـد. یـادآوری می شود که آغـاز طرح جبر محیطی، که جبر آب و هوایی نیز در همین ردیف

است، همزمان با اکتشافات جغرافیایی بوده و زمینه مساعدی را برای رشد افکار مربوط به برتری قومی، سلسله مراتب قومی و در نهایت استثمار و استعمار سرزمینهای بسیاری توسط امریکا و اروپاییها فراهم کرد. در حالی که جبر محیطی با توانهای محیطی تفاوت دارد و در بررسی تفاوتهای مکانی و قضاوت درباره شرایط زندگی گروههای انسانی نه تنها محیط طبیعی بلکه سازمان اجتماعی آنها را باید مورد توجه و پژوهش قرار داد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به شکوئی، حسین، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا ، جلد اول، ۱۳۷۵، ص۲۳۲ - ۳۶۲؛ پاپلی یزدی، محمد حسین، «جبر جغرافیا یا توانهای محیطی»، تحقیقات جغرافیایی، س۹، ش۳۵، زمستان ۱۳۷۳، ص ۳ - ۱۶.

۶- rohilaW -

۷- rorwoG ioranerG -

شـده نظریه فوق را مردود دانسـته و اظهـار داشـتند که از دو هزار سـال پیش تـاکنون تغییری در شـرایط اقلیمی آسـیای مرکزی پدیدار نشده و کاهش منابع آب پیش از آن که زاییده تغییرات اقلیمی باشد، ناشی از جابجایی متمادی بستر رودخانه هاست.

اقلیم آسـیای مرکزی گرم و خشک است. در حاکمیت این نوع آب و هوا عوامل گوناگونی مؤثر بوده اند که از آن میان نقش عرض جغرافیایی (موقعیت ریاضـی) و دوری از آبهای آزاد نسـبت به سایر عوامل مؤثرتر و مهم تر است. ارتفاع از سطح زمین، میزان تشعشع ورودی و خروجی، جریانهای آتمسفری و توده های هوا دیگر عوامل مؤثر بر اقلیم ناحیه محسوب می شوند.

۱ – ۴ – ۲ فصل زمستان

در فصل زمسـتان به علت یکنواختی سـطح زمین، کوتاه بودن طول روز، تابش مایل اشـعه خورشـید، سرمای شدیدی بر سراسر ناحیه حاکم می شود، در این ایام توده هوای پرفشار سـیبری که بخش بزرگی از آسـیا را فرا می گیرد مرکزش بر روی دریاچه «بایکال»(۱) شـکل می گیرد، در نتیجه بادهایی با جهت شمال شرق - جنوب غرب و شرقی - غربی می وزند وهوای خشک و سرد در ناحیه حاکم می شود. حاصل این فرایندها نزول درجه حرارت هوا به صفر و زیر صفر در تمام ناحیه است.

در این فصل درجه حرارت خطوط هم دما از جنوب به شمال کاهش می یابد، به طوری که به غیر از ناحیه کوچکی در جنوب شرقی دریای مازنـدران که متوسط درجه حرارت آن به زیر صـفر نمی رسد، در سایر نواحی تغییرات درجه حرارت از خط هم دمـای صـفر درجه در جنـوب شـروع می شـود و بـا پیشـروی به سـمت شـمال از میزان درجه حرارت کاسـته می شود. همچنین خطوط هم دما در غرب و مرکز آسـیای مرکزی فاصـله زیادی با یکـدیگر دارند که نشانه حاکمیت درجه حرارت در محدوده ای وسیع است، در حالی که در جنوب شرق، ضمن آن که خطوط هم دما، درجه حرارت کمتری نشان

می دهند فاصـله آنها از یکدیگر کمتر است که این وضعیت به علت وجود کوههای بلند و دره های عمیق در این بخش است. حداقل مطلق درجه حرارت زمستان در برخی از

۱- Baikal -

نواحی کوهستانی جنوب شرقی تا ۵۱ درجه سانتی گراد زیر صفر و در شرق دریاچه بالخاش تا ۴۹ درجه سانتی گراد به ثبت رسیده است. در ناحیه اول کوهستانی بودن و در ناحیه دوم حاکمیت مرکز پرفشار سیبری دلیل سردی فوق العاده هوا هستند. (نقشه ۴).

نقشه ۴

در بیشتر نقاط آسیای مرکزی حداکثر بارشهای جوی در فصل زمستان و بهار رخ می دهد. حاکمیت مرکز پرفشار سیبری سبب می شود که در فصل زمستان بارش بسیار اندک و به شکل برف باشد. با گرم شدن هوا و حرکت مرکز پرفشار به سمت شمال بارشهای بهاری آغاز می شود.

ص:۳۴

میزان کل بارش سالانه در نقاط مختلف آسیای مرکزی متفاوت است. به طور متوسط مجموع نزولات جوی سالانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی متر است. در نقاط پست مانند بیابانها بارش تا ۳۰ میلی متر نیز کاهش می یابد و با افزایش ارتفاع میزان بارندگی بیشتر شده به

طوری که تا ۱۵۰۰ میلی متر نیز می رسد. در یک حالت کلی میزان بارش از غرب به شرق افزایش می یابد، بدین گونه که به طور متوسط در ساحل شرقی دریای مازندران ۶ روز، در «عشق آباد»(۱) ۱۵ روز، در «تاشکند»(۲) ۲۴ روز، در «آب گرم»(۳) ۵۳ روز و در دامنه های کوههای تیان شان ۱۳۶ روز برفی ثبت شده است(۴) (نقشه ۵).

نقشه ۵

ص:۳۵

۱- dabahkhsA -

۲- tnekhsaT -

۳- mragbA -

۴- گنجی، محمدحسن، «آب وهوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص ۳۲.

یخبنـدان یکی از ویژگیهـای بـارز اقلیمی آسـیای مرکزی در فصل زمسـتان است. ارتفاعات و نواحی شـمال بیش از سایر نقاط دوره یخبندان دارند، به طوری که تعداد روزهای بدون یخبندان در ارتفاعات شـرقی وجنوب شـرقی ۶۰ روز و در بیابانها ۲۷۰ روز در سال می باشد. در همین زمان دریاچه بالخاش بین ۳ تا ۴ ماه پوشیده از یخ است.

۲ – ۴ – ۲ فصل تابستان

با آغاز فصل بهار از شدت سـرما کاسته شده و هوا به تدریج گرم می شود. با عقب نشینی مرکز پرفشار سیبری، میزان فشار هوا کم می شود و از سوی جنوب مرکز کم فشار مستقر بر روی «پاکستان» به سوی آسیای مرکزی پیشروی می کند که حاصل آن وزش باد از سمت شمال به سوی جنوب و جنوب غربی است.

در تابسـتان در طول روز هوا به شـدت گرم می شود و در سراسـر نـاحیه خطوط هم دمـای متوسـط درجه حرارت، ارقـام بالای صفر است. در قسـمت جنوب شـرقی ناحیه این خطوط متراکم تر بوده و متوسط درجه حرارت نسبت به سایر نقاط پایین تر می باشـد. در فصل گرما، اختلاف درجه حرارت بین شب و روز بسـیار زیاد بوده و حتی در بیابانها به علت شدت تشـعشع حرارتی برگشتی از سـطح زمین، در شـبها یخبنـدان رخ دهـد. در این فصـل بالاترین درجه حرارتها، منطبق با نواحی بیابانی می باشـد و حداکثر مطلق درجه حرارت در مرکز بیابانهای قره قوم و قزل قوم تا ۶۰ درجه سانتی گراد نیز ثبت شده است.

(نقشه ۶).

بارندگی در فصل تابسـتان در اکثر نقاط آسـیای مرکزی پدیده ای غیرعادی است، زیرا پس از بارشهای بهاری و خروج کامل مرکز پرفشـار سـیبری، هوای گرم و خشـک بر نـاحیه حاکم می شود. در همین ایام ناحیه شـمال قزاقسـتان از رطوبت توده های هوای مرطوب غربی برخوردار می شود و ناحیه جنوب شـرقی نیز تحت تأثیر جریانهای موسـمی قرار می گیرد. در حالی که در سـایر نقـاط، که پهنه ای گسترده است، از اواسـط بهـار تـا اواسـط پـاییز، به جز رگبارهای پراکنـده و زودگـذر، بارش مفیـدی صورت نمی گیرد.

برخی از هواشـناسان روسـی عقیـده دارنـد که دریای مازنـدران نقش مهمی در اقلیم آسـیای مرکزی دارد. زیرا جریانهای هوا، ۶/۳۸۹ کیلومتر مکعب تبخیر سالیانه دریا را به

آسیای مرکزی منتقل می کند که حاصل آن افزایش میزان رطوبت هوا تا ۲۰ درصد است، و این رویکرد منجر به افزایش میزان بارش به مقدار ۱۰ تا ۲۰ میلی متر در کوهستانها، ۸

نقشه ۶

تا ۱۱ میلی متر در استپهای مرکزی و ۴ میلی متر در دامنه ها می شود.(۱) آنان عقیده

دارند که اگر اثرات رطوبتی دریای مازندران نبود، بر شدت خشکی هوا افزوده می شد و درجه حرارات هوا نیز بالاتر می رفت (جدول ۱-۱).

ص:۳۷

۱- گنجی، محمدحسن، «آب وهوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص ۳۱.

جدول ۱ - ۱ بارش سالانه و توزیع فصلی آن در تعدادی از ایستگاههای اقلیمی آسیای مرکزی (به میلی متر)(۱)

نام ایستگاهموقعیت جغرافیاییمیانگینفصل

عرض طولبارندگی سالانهبهارتابستانپاییززمستان

بیشکک(۲)-۷۴۵۳۲۱۹۶۸۴۱۳۰۱۲۲°۳۶-۴۲°۵۴

خجند(۳)-۶۹۴۱۷۱۰۴۱۱۱۲۲۱۸۰°۷۳-۴۰°۱۷

تاشکند-۶۹۳۷۴۱۰۷۱۱۱۰۹۱۴۷°۱۳-۴۱°۱۶

سمی(۴)-۸۰۱۹۶۴/۵۳۳/۵۳۷/۶۰۶/۲۸°۱۶-۵۰°۲۶

(سمی پالاتینسک)

ترکمن باشی(۵)-۵۳۱۳۸۴۳۱۵۳۶۴۴°۰۰-۴۰°۰۰

(کراسنوودسک)

قزل اوردا(۶)-۶۵۱۲۵۳۳۲۱۳۸۳۳°۲۸-۴۴°۵۲

تورتقول(۷)-۶۱۷/۶۰۳/۲۰۵/۲۵/۷۴/۳۰°۰۰-۴۱°۳۰

(تورگول)

۵ – ۲ خاکها

اشاره

دو عامل اقلیم و پوشش گیاهی در نوع و کیفیت خاکهای آسیای مرکزی مؤثر بوده اند. نقش اقلیم به این شکل بروز می کند که کمی بارش سبب کاهش میزان شست و شوی خاک می شود، درنتیجه ترکیبات کربنات دار و سولفاتها در سطح خاک باقی مانده و به لایه های زیرین خاک نفوذ نمی کنند. تأثیر پوشش گیاهی به شکل عدم تشکیل هوموس در خاک بروز می کند. زیرا هوموس که همان مواد آلی خاک است د راثر تجزیه بقایای

۱– عشقی، ابوالفضل – قنبرزاده، هادی، ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۴۲–۴۳.

۲- kekhsiB –

۳- dnahzduhK –

۴- iemeS –

۵-)TurkamanbashyK) Krasnovodsk –

۶- kzyl Orda –

۷- TurtkuI –

گیاهی حاصل می شود. این رویکرد در آسیای مرکزی به علت پراکندگی و تُنُک بودن پوشش گیاهی و ناچیز بودن بقایای گیاهی، در سطح بسیار ناچیزی رخ می دهد و همین امر سبب کمبود مواد آلی در سطح و لایه های زیرین خاک می شود.

در پهنه گسترده آسیای مرکزی فقط ناحیه کوچکی خاک حاصلخیز دارد و بیشتر اراضی را خاکهای نامناسب فرا گرفته اند. اراضی پایکوهی مشرق و جنوب شرقی آسیای مرکزی مناسب ترین خاک را دارند و از آنجا هرچه بیشتر به سوی مرکز و شمال پیشروی کنیم، از وسعت خاکهای حاصلخیز کاسته می شود و بر قلمرو خاکهای فقیر و نامساعد افزوده می شود.

قلمرو آسیای مرکزی را پنج نوع خاک پوشانیده اند که به ترتیب وسعت عبارتند از:

۱ – ۵ – ۲ خاکهای بیابانی

بخشی از قرقیزستان، قسمت جنوبی قزاقستان و بخش بزرگی از کشورهای ازبکستان و ترکمنستان را خاکهای بیابانی فرا گرفته اند. این نوع خاک با وجود دارا بودن مواد معدنی

فراوان، به دلیل فقدان مواد آلی، بویژه در لایه های زیرین خاک، برای کشت و زرع مرغوبیت زیادی ندارد. شور بودن خاک نیز مزید بر علت می شود. با وجود این اگر آب کافی موجود باشد می توان برخی از محدودیتهای خاک را از نظر زراعت برطرف کرد.

۲ – ۵ – ۲ خاکهای چستنات

(۱)

بخش بزرگی از قزاقستان دارای این نوع خاک است. از ویژگیهای این خاک وجود هوموس نارس و مقدار آبشویی اندک می باشد. مراتع، علفزارها و جنگلهای پراکنده، پوشش گیاهی غالب خاکهای چستنات در آسیای مرکزی محسوب می شوند، اما اگر برای کشاورزی مورد استفاده قرار گیرند به علت آن که در زمره خاکهای نسبتا حاصلخیز و مرغوب به شمار می روند، بازده محصولات زیاد خواهد بود.

۱- Chetnut -

۳ – ۵ – ۲ خاکهای چرنوزیوم

۳ - ۵ - ۲ خاکهای چرنوزیوم (۱)

شمال قزاقستان جایگاه این نوع خاک است. خاکهای چرنوزیوم در ردیف خاکهای حاصلخیز قرار دارند، زهکشی مناسب و فراوانی مواد آلی در لایه های گوناگون خاک تحت تأثیر وفور ریزشهای جوی و تراکم فشرده پوشش گیاهی علل عمده توانایی زراعی زیاد خاک به شمار می روند.

۴ – ۵ – ۲ خاکهای کوهستانی

بخش وسیعی از سرزمین تاجیکستان، شرق، مرکز و شمال غربی قرقیزستان و جنوب ترکمنستان که قلمرو اقلیم سرد و مرطوب و دارای پوشش متراکم جنگلی هستند دارای خاکهای کوهستانی اند. از ویژگیهای این خاک وجود مواد آلی به شکل نارس می باشد. مشابه تمام نواحی بلند و کوهستانی، بهره برداری از این خاکها باید با توجه به تمام قابلیتها و تنگناهای آب و خاک در این مکانها، صورت گیرد.

۵ – ۵ – ۲ خاکهای جنگلی کوهستانی

در بخش کوچکی از شرق قزاقستان که کوهستانی و دارای رطوبت زیاد و جنگلهای نسبتا متراکم می باشد، خاکهای جنگلی کوهستانی مشاهده می شود. این نوع خاک نسبتا تکامل یافته است و میزان مواد آلی آنها در لایه زیرین نیز فراوان می باشد. بنابراین از نظر زراعی حاصلخیز و مستعد هستند.(۲)

۶ – ۲ منابع آب

اشاره

غلبه آب و هوای گرم و خشک بر بخش بزرگی از آسیای مرکزی، محدودیت منابع آب بویژه شبکه آبهای جاری را به همراه داشته است. چند دریاچه و رودخانه و تعدادی کانال آب رسانی منابع آب آسیای مرکزی را تشکیل می دهند (نقشه ۷).

ص:۴۰

۱- mezonrehC -

۲- عشقی، ابوالفضل - قنبرزاده، هادی، ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۶۱ - ۶۲.

نقشه ۷

۱ – ۶ – ۲ دریای خزر

دریـای خزر در واقع به دلیل عـدم ارتباط با دریاهای آزاد دریاچه به شـمار می رود، اما به علت وسـعت زیاد آن که بزرگترین دریاچه قاره ای جهان است دریا نامیـده می شود. این دریا بزرگترین قسـمت به جا مانـده از دریای قدیمی «تتیس» است که در دوران اول تا سوم زمین شناسی از قطب شمال تا اقیانوس هند را فرا گرفته بود. و در دوران سوم براثر ظهور

چین خوردگیها، بالا آمدن رشته کوهها و قاره اروپا و فلات ایران، تقسیم و تجزیه شد و

ص:۴۱

فقط چند دریاچه از آن باقی ماند که دریای خزر بزرگترین آن است.

دریای خزر در طول تاریخ نامهای گوناگونی داشته است که یا از نام اقوام ساکن اطراف دریا و یا شهرها و نواحی مجاور آن گرفته شده است:

«دریای استرآباد»: «استرآباد» نام پیشین «گرگان» است.

«دریای گیلان»: گیلها نام قبایلی است که از چند سده قبل از میلاد در سرزمین «گیلان» کنونی زندگی می کردند.

«دریای طبرستان»: «تپور» نام قومی است که از سده های قبل از میلاد در جنوب دریای خزر سکونت داشتند و اسم خود را به ناحیه مسکونی «طبرستان» دادند. مورخان مسلمان «مازندران» و اطراف آن را طبرستان می نامیدند.

«دریای دیلم»: «دیلم» نام قومی ساکن در سرزمین دیلم میان طبرستان و «آذربایجان» است که تا قرن هشتم هجری وجود داشتند.

دریای خزر: «خزر» نام یکی از اقوام ترک آسیای مرکزی است که در اطراف این دریا زندگی می کردند و تا قرن چهارم هجری قدرت داشتند.

«دریای کاسپیان»(۱): «کاسپی» نام طایفه ای است که قبل از ورود «آریاییها» در فلات ایران سکونت داشتند.(۲)

«دریای خراسان»، «دریای قزوین»، «دریای گرگان»، «دریای مازندران»، «دریای آبسکون» (شهر و جزیره ای در جنوب شرقی دریا)، «دریای هیرکانی»(۳) (نامی که یونانیان

به گرگان می دادند)، «بحرباب»، «دریای ساری»، «بحرارقانیا» و «آکفوده دریا» نامهایی

است که دریای مازندران در طول تاریخ از سوی اقوام و طوایف بنا به سلیقه و یا انگیزه

خاص و یا مکانهای مجاور دریا بر آن نهاده شده است.(۴)

دریای خزر با موقعیت ریاضی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی در میان کشورهای ایران «آذربایجان»، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان واقع است. از ۶۳۸۰ کیلومتر طول کناره دریای خزر حدود ۹۹۲ کیلومتر آن از دهنه رود اترک تا آستارا متعلق به ایران است.

۱- Caspian -

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: رضا، عنایت اللّه، «درباره کاسپیان و دریای کاسپین»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،

س۱، ش۱، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۵۱ – ۱۵۸.

۳- inacryH -

۴- حاج سیدجوادی، سیدکمال، «نامهای دریای مازندران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۵، ش۱۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۹ – ۱۶؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد پنجم و ششم؛ بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، ۱۳۶۲، ص ۱۲۹ – ۱۳۰.

وسعت دریاچه خزر در اثر نوسان سطح آب در طول زمان ثابت نبوده است. بر اساس اندازه گیری سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش وسعت آن ۴۲۴ هزار و در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش بدون در نظر گرفتن «خلیج قره بغاز» ۵/۳۷۶ هزار کیلومتر مربع بوده است. طول دریای مازندران از شمال به جنوب بین ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۰ کیلومتر و عرض آن در پهن ترین قسمت حدود ۵۵۰ کیلومتر و در باریک ترین قسمت حدود ۲۰۰ کیلومتر است. عمق دریای خزر در حوضه شمالی بسیار کم و کمتر از ۱۰ متر می باشد و در حوضه جنوبی به ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر افزایش می یابد (نقشه ۸).

رودهای جاری به سوی دریای خزر بسیار زیاد و حدود ۳۵۰ رشته می باشند که از میان آنها رودهای «ولگا»(۱)، اورال و امبا در شمال و «ارس»(۲)، اترك و «کورا»(۳) در جنوب مهم تر از همه هستند. رود ولگا به تنهایی حدود ۸۰ درصد از آب ورودی به خزر را تأمین

می کند. نوسان سطح آب دریای خزر به میزان ورود آب، جریانهای جاری و بارندگی، مقدار تبخیر و حرکات تکتونیکی بستر آن بستگی دارد. بر طبق پژوهشهای دانشمندان روسی واردات دریا بین ۴۹۰ تا ۲/۵۶۷ کیلومتر مکعب می باشد که این آب می تواند در سال حدود ۱۳۰ سانتی متر سطح آب دریا را بالا آورد، ولی با توجه به مقدار ۷۵ تا ۱۰۷ سانتی متر تبخیر، افزایش آب دریا قابل توجه نیست.(۴)

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۸م/۱۳۰۲ تا ۱۳۵۷ش آب دریا مرتبا در حال کاهش بود به طوری که در سال ۱۹۷۸م/۱۳۵۷ش، ۲ متر پایین رفت. گرچه تغییرات اقلیمی در این رویکرد بی تأثیر نبوده، اما کاهش آب رودهای حوضه دریای خزر دراثر احداث سدها و بهره برداری از آب رودخانه ها به منظور تأمین آب مورد نیاز فعالیتهای کشاورزی و صنعتی بویژه در کرانه رودهای شمالی تأثیر مهمی در کاهش آب دریا داشتند.

کاهش آب دریا در سواحل شمالی به دلیل کم عمق بودن اثرات زیانباری به جا گذاشت، در حالی که در سواحل جنوبی این رخداد چندان محسوس نبود. به همین علت روسها اقدامات اساسی را آغاز کردند، سد بتونی احداثی بر روی خلیج

۱- Volga -

۲- Aras -

۳- Kura -

۴- جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، ص ۱۳۵.

نقشه ۸

ص:۴۴

قره بغاز(۱) را منهدم کردند، آب رودهای «پچورا»(۲) «ویچگدا»(۳) و «کاما»(۴) را به رودخانه

اورال هدایت کردند واقداماتی برای افزایش میزان آب رودهای کورا و ولگا انجام دادند.

حاصل این فعالیتها بر اساس نظر تعدادی از کارشناسان بالا آمدن سطح آب دریا و پیشروی آن به سوی سواحل در چند سال اخیر است که پیامدهای نامطلوبی در سواحلی شمالی کشور به بار آورده است، دانشمندان حرکات تکتونیکی و تغییرات اقلیمی را نیز در این رویکرد مؤثر دانسته اند.

دریای خزر از اهمیت ویژه ای برخوردار است، شهرهای بزرگ و مهمی در سواحل آن شکل گرفته اند که از میان آنها «باکو» پایتخت آذربایجان اهمیت ویژه ای دارد. خزر از طریق آبراههایی که شوروی سابق بین رودخانه های آن کشور احداث کرد، به دریاهای آزاد مرتبط شد. گرچه این آبراهها در زمستان به علت یخبندان قابل عبور نیستند وعملیات حمل و نقل دریایی را بسیار محدود می کنند، اما در کشتیرانی دریای خزر نقش عمده ای دارند. پایگاههای ناوگان دریایی در هر یک از کشورها حمل و نقل دریایی آنها را انجام می دهد. حوزه های غنی نفت در دریا وجود دارد که برخی به مرحله استخراج رسیده وبعضی در حد شناسایی باقی مانده اند. ذخایر عظیم غذایی، بویژه خاویار یکی از ارقام صادراتی کشورهای حاشیه دریاست.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۱م/۱۳۰۲ تا ۱۳۷۰ش سواحل دریای خزر در اختیار شوروی و ایران بود اما از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش کشورهای دیگر ساحل دریای مازندران مانند آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که دسترسی به دریاهای آزاد دیگری ندارند در این دریا به فعالیت پرداختند، همچنین کشورهای دیگر آسیای مرکزی مانند ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان نیز که به هیچ دریایی دسترسی ندارند، تمایل زیادی به استفاده

از امکانات دریای خزر دارند، بنابراین برای ایجاد فضای مناسب و مطلوب باید تمام کشورهای حاشیه دریا همکاری کنند تا شرایط بهره برداری بهینه از تمام امکانات بالقوه و بالفعل دریا فراهم شود و فعالیتها براساس قابلیتها، تنگناها و آینده نگری جهت دهی

۱- zagoB araK -

۲- arrohceP -

۳- adughceV -

۴- amaK -

شود.(۱)

۲ – ۶ – ۲ دریاچه آرال

دریاچه آرال(۲) کـه در سـال ۱۸۴۸م/۱۲۲۷ش برای نخسـتین بـار اکتشـاف و نقشـه برداری شـد. در مرز بیـن دو جمهـوری ازبکسـتان و قرقیزسـتان واقع است. آرال تـا پیش از سـال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش، ۶۶ هزار کیلومـتر مربع وسـعت داشت و چهـارمین دریاچه بزرگ جهان بود واینك با حـدود ۴۷ هزار کیلومتر مربع ششـمین دریاچه جهان و دومین دریاچه بزرگ آسیاست. این دریاچه دارای ۳۰۰ جزیره کوچـك و بزرگ است و ساحـل غربی آن بـدنه فلات اوست اورت بـا ارتفـاع ۲۵۰ متر می باشـد. ساحل شـمالی ارتفاع کمی دارد، ساحل شـرقی کم ارتفاع و ماسه ای می باشد و ساحل جنوبی آن مصب آمو دریا است. آرال در ۷ ماه از سال قابل کشتیرانی می باشد و در زمستان بخشی از سطح آن از یخ پوشیده می شود.

دو رودخـانه آمودریا و سـیردریا آب دریاچه را تأمین می کننـد. بنابراین حوزه آبخیز آرال بین پنـج جمهوری آسـیایی مرکزی تقسیم شده است وهرگونه عملی که منجر به نوسان آب دو رود مذکور شود، تأثیر مستقیم بر وسعت و میزان آب دریاچه آرال می گذارد.

سیاست روسـها پس از حاکمیت بر آسـیای مرکزی گسترش اراضـی کشاورزی و تخصصی کردن زراعت در آن ناحیه بود. به همین منظور اسـتفاده از آب آمو دریا و سـیردریا برای آبیاری اراضـی زیرکشت پنبه به وسـیله حفر و احـداث کانالهای آبیاری مـورد تـوجه قرار گرفـت. بهره برداری بیش از ظرفیت دو رودخـانه سـبب شـد که میزان آب ورودی به آرال کـاهش یابـد، به طوری که در سـال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش سـیردریا و آمودریا ۵۶ کیلومـتر مکعـب آب به آرال وارد کردنـد و در سالهـای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹م/۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸ش رقم مذکور به ۲۱ کیلومتر مکعب کاهش یافت (جدول ۲ – ۱).

کـاهش میزان آب وارده به دریـاچه سـبب کـاهش حجم دریاچه به میزان ۴۰درصـد شـد و خـط ساحلی در برخی مناطق تا ۶۵ کیلومتر عقب رفت. عمق متوسط دریاچه که در

۱- مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴ فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز را به دریای خزر اختصاص داده است. ۱۷ مقـاله و چنـدین گزارش در این مجموعه پیرامون موضوعـات مختلف دریـای خزر و کشورهای همجوار آن به چاپ رسیده است: فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۵.

۲- Aral -

جدول ۲ – ۱ حجم آب وارداتی دریاچه آرال از سیر دریا و آمودریا در سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰/ ۱۳۳۰ش تا ۱۳۵۹ش (۱)

سال (م/ش)حجم آب (کیلومتر مکعب)

۱۹۵۱/۱۳۳۰۹/۷۳

۱۹۵۵/۱۳۳۴۲/۵۸

۱۹۶۰/۱۳۳۹۹/۶۲

۱۹۶۵/۱۳۴۱۹/۲۹

۱۹۷۰/۱۳۴۹۵/۳۸

۱۹۷۵/۱۳۵۱۷/۱۰

۱۹۸۰/۱۳۵۹۵/۱۲

اوایل دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش ۴/۵۳ متر بود واز آغاز قرن بیستم بیش از یک متر تغییر نکرده بود، در دهه ۱۹۸۰م/۱۳۶۰ش به حدود ۳۸ متر کاهش یافت. میزان شوری آب که در سال ۱۹۴۲م/۱۳۲۱ش ۱۰ گرم در لیتر بود در دهه ۱۹۸۰م/۱۳۶۰ش به ۳۰گرم در لیتر افزایش یافت که سبب نابودی گیاهان بومی و جانداران دریایی شد.(۲) (جدول ۳-۱).

جدول ۳ – ۱ وسعت، حجم آب، ارتفاع سطح آب و میزان نمک دریاچه آرال(۳)

سالمساحتحجم آبارتفاع سطح آبمیزان نمک آب

(م/ش)(کیلومترمربع)(کیلومترمکعب)(متر)(درصد)

۱۹۶۱/۱۳۴۰۶۷۰۰۰۱۰۹۲۳/۵۳۹/۹

۱۹۷۰/۱۳۴۹۶۳۰۰۰۹۷۰۵/۵۱۱۱

۱۹۸۰/۱۳۵۹۵۱۰۰۰۶۸۰۹/۴۵۳/۱۶

۲۰۰۰/۱۳۷۹۲۰۱۰۰۱۳۵۸/۳۱۶/۱۹

در جدول ۳ – ۱ مشاهده می شود که پژوهشگران براساس آمار موجود و روند تحولات دریاچه آرال در طول سالیان گذشته، به پیش بینی و محاسبه وضعیت آن دریاچه در سال ۲۰۰۰ پرداخته اند (نقشه ۹).

تحولات و نوسان سطح آب دریاچه آرال اثرات زیانبار زیست محیطی گوناگونی

ص:۴۷

۱- مارشان، پاسکال، «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، تحقیقات جغرافیایی، س۴، ش۱۳، ص ۱۸۶.

۲- بکت، فرانس، «نجات آرال: فاجعه دریاچه بزرگ آسیای مرکزی»، پیام یونسکو، س۲۶، ش۲۹۳، آبان ۱۳۷۳، ص۳۲.

۳- «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ص۱۹۸.

داشته است که در قسمت بررسی آلودگیهای زیست محیطی آسیای مرکزی به آنها اشاره می شود.

۳ – ۶ – ۲ دریاچه بالخاش

این دریـاچه در جنوب شـرقی قزاقسـتان بین تپه هـای شـمالی و زمینهای خشک صـحرایی در جنوب امتـداد یافته است. حـدود ۱۷۳۰۰ کیلومـتر مربع وسـعت دارد و طول آن ۶۰۵ کیلومـتر و گودترین نقطه آن ۳۰ متر ژرفـا دارد. رودهایی که از ارتفاعات آلاتـائو و تیـان شـان در شـرق دریـاچه سرچشـمه می گیرنـد از ساحـل جنوبی دریـاچه به آن می ریزنـد. از میان آنها رودخانه «ایلی»(۱) نقش مهمتری در تأمین آب دریاچه دارد. دریاچه بالخاش در فصل زمستان سطح آن یخ می بندد.

۴ – ۶ – ۲ دریاچه «آیسیک کول»

آیسیک کول(۲) یکی از بزرگترین دریاچه های کوهسـتانی دنیا به شمار می رود که در ارتفاع ۱۵۹۳ متری از سطح دریا و در مشـرق قزاقستان واقع است. این دریاچه با وسعت ۶۰۷۰ کیلومتر مربع، ۱۸۵ کیلومتر درازا و ۶۱ کیلومتر پهنا دارد و عمیق ترین نقطه آن ۷۰۲ متر پایین تر از سطح آب است. در اکثر اوقات رودخانه «چو»(۳) آن را تغذیه می کند.

۵ – ۶ – ۲ دریاچه «زایسان»

(۴)

این دریـاچه در مشرق قزاقسـتان و در نزدیکی مرز این کشـور بـا چین واقع است. زایسـان دریـاچه ای کوهسـتانی است که در جهت شـمال غربی - جنوب شـرقی گسترده شـده است. آب دریـاچه زایسـان با وسـعت ۱۱۱۸ کیلومتر مربع از سـرشاخه هـای رودخانه «ایرتیش»(۵) تأمین می شود.

۱- ilI -

۲- luK kyssI -

۳- uhC -

۴- nasiaZ -

۵- hsytrI -

نقشه ۹

ص:۴۹

دریاچه های «تنگیز»(۱) و «قوشمورون»(۲)، «آلا-کول»(۳) در قزاقستان «زورکول»(۴) در قرقیزستان و «قراکول»(۵) در تاجیکستان از دیگر دریاچه های آسیای مرکزی هستند که از وسعت و اهمیت بیشتری نسبت به سایر دریاچه های کوچک ناحیه برخوردارند.

۶ – ۶ – ۲ آمو دریا

رودخانه آمو دریا که نام باستانی آن «وخش» بوده(۶) و در دوران باستان یونانی ها آن را «اکسوس»(۷)

و در قرنهای نخستین اسلامی عربها آن را «جیحون»(۸) نامیدند، نام خود را از نام شهر آمل گرفته است و حتی پس از تغییر نام آمل به «چارجو» این نام را حفظ کرده

است. آمودریا یکی از مهمترین رودها و منابع آب آسیای مرکزی به شمار می آید. این رود که در کتابها و اسناد تاریخی و باستانی مرز میان ایران و توران ذکر شده(۹) و اراضی شرقی و شمالی آن را عربها ماوراءالنهر نام نهادند. از فلات پامیر در جنوب شرقی ناحیه،

با ارتفاع بیش از ۴۰۰۰ متر سرچشمه می گیرد و پس از گذشتن از ارتفاعات و بیابانهای ناحیه به دریاچه آرال می ریزد، رودهای «پیانج (پنج)»(۱۰) و «وخش»(۱۱) که از جمع شدن آب تعدادی رودخانه کوچکتر تشکیل می شوند دو سر شاخه مهم آمودریا هستند. رودخانه پیانج به تنهایی نیمی از خط مرزی افغانستان و تاجیکستان را طی می کند و پس از پیوستن

رودخانه وخش به آن، با نام آمودریا به سوی غرب جاری می شود و بخش دیگری از مرز را تشکیل می دهد، سپس جهت جنوب شرقی – شمال غربی می گیرد و پس از طی مسافت زیادی که تقریبا خط مرزی ازبکستان و ترکمنستان است. جهت شمالی می یابد و با دلتای وسیعی از جنوب دریاچه آرال به آن می ریزد.

ص:۵۰

۱- zigneT -

۲- nurumhsuK -

۳- luK alA -

۴- luK roZ -

۵- luK araK -

۶- بارتولد، و.و، آبیاری در ترکستان، ترجمه کریم کشاورز، ۱۳۵۰، ص۹۹.

۷- suxA -

۸- setraxaJ -

۹- درباره جغرافیای تاریخی آمودریا نگاه کنید به همان مأخذ و: ورهرام، غلامرضا، «پژوهشی در جغرافیای تاریخی آمودریا»،

تحقیقات جغرافیایی، س۴، ش۱۴، پاییز ۱۳۶۸.
۱۰-)Pgdnaig (Pjdnaj -
۱۱- Vakhsh -

طول آمودریا از سرچشمه تا مصب حدود ۲۵۴۰ کیلومتر و وسعت حوضه آبگیر آن حدود ۴۶۶ هزار کیلومتر مربع است. حدود ۹۰۰ کیلومتر از مسیر این رودخانه در اواخر بهار و اوایل تابستان که زمان پرآبی آن است، قابل کشتیرانی است. در این ایام عرض رودخانه به ۸۰۰ متر می رسد. در سایر فصلها عرض رودخانه تا ۴۰۰ متر کاهش می یابد. و بخشهای سفلای آمودریا، در واقع بخش نزدیک به دریاچه آرال، در طول فصل سرد سال یخبندان و غیرقابل استفاده است.

تمام آب آمودریا تا پیش از حفر کانال قره قوم به آرال می ریخت اما از زمان حفر کانال مذکور و سرازیر شدن بخشی از آب آن در این کانال، از حجم آب و در نتیجه آب ورودی به دریاچه آرال کاسته شد (جدول ۴ - ۱)

جدول ۴ - ۱ حجم آب وارداتی آمودریا به دریاچه آرال در سالهای

۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰م/ ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۹ش(۱)

سال (م/ش)حجم آب (کیلومتر مکعب)

۱۹۵۱/۱۳۳۰۱/۵۵

۱۹۵۶/۱۳۳۵۹/۴۷

۱۹۶۱/۱۳۴۰۴/۳۱

۱۹۶۶/۱۳۴۵۲/۳۳

۱۹۷۱/۱۳۵۰۴/۱۵

۱۹۷۶/۱۳۵۵۳/۱۰

۱۹۸۰/۱۳۵۹۱۱

۷ - ۶ - ۲ سیردریا

این رودخانه را یونانیان «یاکسارت»(۲) نامیده اند، مردم محلی تا قرون نخستین اسلامی «خشرت»(۳) و عربها «سیحون» خوانده اند.(۴) سیردریا از کوههای تیان شان در

۱- «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۸۶.

۲- setraxay -

۳- Khashart -

۴- آبیاری در ترکستان، ص ۱۸۶؛ ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای تارخی سیردریا»، تحقیقات جغرافیایی، س۵، ش۱۸، ص۵۶.

قرقیزستان سرچشمه می گیرد و به سوی دریاچه آرال جاری می شود. سیردریا در واقع از به هم پیوستن دو رودخانه «نارین»(۱) و «قره دریا»(۲) تشکیل می شود و در مسیر نیز آبهای جاری به آن می ریزند که برخی ارتباط دایم و بعضی ارتباط موقت دارند.

سیردریا در ابتدای مسیر خود جهت شرقی - غربی دارد و پس از عبور از دره فرغانه جهت شمالی می یابد وارد جمهوری قزاقستان می شود، در آنجا پس از مسافت کوتاهی با جهت جنوب شرقی - شمال غربی به سوی دریاچه آرال جریان می یابد. دره حاصلخیز فرغانه که مستعدترین ناحیه کشاورزی آسیای مرکزی شناخته شده است، آب مورد نیاز خود را از سیردریا تأمین می کند. احداث کانالهای آبرسانی در مسیر رودخانه سبب انتقال آب سیردریا به زمینهای کشاورزی و توسعه کشت و زرع شده است.

سیردریا که حد شمالی و شرقی صحرای قزل قوم را تشکیل می دهد. از سرچشمه تا مصب در مسیری به طول حدود ۲۲۰ کیلومتر جاری است. این رودخانه به دلیل کم عمق بودن برای کشتیرانی مناسب نیست و در فصل سرد سال به مدت سه الی چهار ماه سطح آن یخبندان است. بهره برداری بی رویه از آب سیردریا طی چند دهه اخیر از میزان حجم آب آن در یک دوره زمانی سی ساله به میزان قابل توجهی کاسته است (جدول ۵ - ۱).

جدول ۵ - ۱ حجم آب رودخانه سیر دریا در دوره زمانی

۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰م/۱۳۳۰ تا ۱۳۵۹ش (۳)

سال (م/ش)حجم آب (کیلومتر مکعب)

۱۹۵۱/۱۳۳۰۸/۱۸

۱۹۵۶/۱۳۳۵۴/۱۶

۱۹۶۱/۱۳۴۰۵/۱۰

۱۹۶۶/۱۳۴۵۶/۹

۱۹۷۱/۱۳۵۰۱/۸

۱۹۷۶/۱۳۵۵۵/۰

۱۹۸۰/۱۳۵۹۵/۱

۱- ayraD araK -

۲- nyraN -

۳- «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ص۱۸۶.

۸ – ۶ – ۲ رودخانه ایرتیش

ایرتیش از دامنه های غربی کوههای آلتایی در سرزمین چین سرچشمه می گیرد. در ابتدا، مسیر شرقی – غربی دارد و پس از ورود به خاک قزاقستان جهت جنوب شرقی – شمال غربی می یابد و از دریاچه زایسان می گذارد. رودخانه های فرعی بیشماری در این مسیر به آن می پیوندند وحجم آب آن را افزایش می دهند. در این زمان ایرتیش به سوی شمال جاری می شود و پس از طی مسافتی از خاک قزاقستان، وارد جمهوری روسیه می شود. در آنجا پس از طی مسیری طولانی به رودخانه اُب می پیوندد و سرانجام به خلیج اُب می ریزد. در واقع ایرتیش مهمترین شاخه رودخانه اُب محسوب می شود. ایرتیش که یکی از رودهای مهم آسیای مرکزی به شمار می رود، حدود ۴۴۰۰ کیلومتر طول دارد و بخشهایی از آن برای کشتیرانی مساعد است.

۹ – ۶ – ۲ رودخانه «ایشیم»

(۱)

این رود در شمال قزاقستان جاری است و سرچشمه آن ناحیه اسپتی قزاقستان می باشد. ایشیم جهت جنوبی – شمالی دارد و سطح وسیعی از خاک قزاقستان را می پیماید تا وارد سرزمین روسیه شده و به رودخانه ایرتیش بریزد. طول رودخانه ایشیم حدود ۲۱۴۰ کیلومتر است.

۱۰ – ۶ – ۲ رودخانه ایلی

از ارتفاعات تیان شان در چین سرچشمه می گیرد و با جهت شرقی غربی به سوی دریاچه بالخاش جریان می یابد، طول ایلی حدود ۱۲۸۰ کیلومتر است که بیشتر مسیرش در خاک قزاقستان قرار دارد. در زمان بارشهای جوی، افزایش سطح آب، امکان کشتیرانی را در طول ۴۵۰ کیلومتر از آن فراهم می کند.

۱۱ – ۶ – ۲ رودخانه اورال

این رودخانه از جنوبی ترین دامنه های رشته کوههای اورال در روسیه سرچشمه

۱- Ishim -

می گیرد و با جهت شرقی – غربی جاری می شود تا وارد خاک قزاقستان گردد. در آنجا جهت شمالی – جنوبی می یابد و به سوی دریای مازندران جاری می گردد و با دلتای وسیعی به آن می ریزد. بخشهای جنوبی اورال که حدود ۲۵۳۰ کیلومتر طول دارد قابل کشتیرانی است.

۱۲ – ۶ – ۲ رودخانه «امبا»

(۱)

از کوههای «موگوجاری»(۲) در قزاقستان سرچشمه می گیرد و به سوی جنوب غربی جاری می شود تا به دریای خزر می رسد. درازای این رودخانه حدود ۵۶۳ کیلومتر است و در قسمت سفلای آن حوزه های غنی نفتی وجود دارد.

۱۳ – ۶ – ۲ رودخانه «چو»

این رودخانه که حدود ۱۱۲۶ کیلومتر طول دارد از رشته کوههای تیان شان در قرقیزستان سرچشمه می گیرد و با جهت شرقی – غربی جاری می شود. رود چو پس از طی مسافت زیادی از خاک قزاقستان در ریگزار «مویان قوم»(۳) ناپدید می شود.

۱۴ – ۶ – ۲ رودخانه «توبول»

(۴)

از دامنه کوههای بخش جنوب شرقی ارتفاعات اورال سرچشمه می گیرد و با جهت جنوبی – شمالی جاری می شود و پس از پیمودن بخشی از خاک قزاقستان در شمال آن وارد سرزمین روسیه می شود و در آنجا به سوی شرق جریان می یابد و به رودخانه ایرتیش می پیوندد. رودخانه توبول حدود ۱۶۰۰ کیلومتر طول دارد و بیشتر آن در خاک روسیه جاری است.

ص:۵۴

۱- abmE -

۲- yrahzdoguM -

۳- muK nuyuM -

۴- loboT -

۱۵ – ۶ – ۲ رودخانه «مرغاب»

(۱)

این رودخانه از دامنه های غربی کوههای هندوکش افغانستان با جهت شرقی – غربی سرچشمه می گیرد و سپس در نزدیکی مرز ترکمنستان جهت جنوبی – شمالی می یابد، وارد خاک این کشور می شود و تا نزدیکی شهر «مرو»(۲) جریان می یابد و سرانجام در شن زارهای صحرای قره قوم در اطراف شهر فرو می رود. مرغاب حدود ۸۰۵ کیلومتر طول دارد.

۱۶ – ۶ – ۲ رودخانه «ساریسو»

(۳)

از کوههای «اولوتاو»(۴) در بخش مرکزی قزاقستان سرچشمه می گیرد و به سوی جنوب جاری می شود و پس از طی مسافت طولانی در بیابان، در نزدیکی رودخانه سیردریا در شنها فرو می رود. ساریسو مسافتی به طول ۸۳۶ کیلومتر را مشروب می کند.(۵)

۱۷ – ۶ – ۲ رودخانه «زرافشان»

(۶)

این رودخانه که گفته می شود پیش از اسلام نامش «نامی» بوده و تا پیش از قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی پژوهشگران آن را «رود سغد» یا «آب کوهک» می نامیدند.(۷) از پایکوههای غربی ارتفاعات آلای سرچشمه می گیرد. زرافشان با جهت شرقی – غربی از ناحیه شمال غربی تاجیکستان عبور می کند و وارد خاک ازبکستان می شود و پس از سیراب کردن اراضی اطراف شهرهای «سمرقند» و «بخارا» در شنزارهای بخارا فرو می رود. این رود مسافتی به طول ۷۴۰ کیلومتر را طی می کند.

۱- Murgab -

۲- mary -

۳- Sary Su -

۴- Ulu Tau -

۵- اطلاعات آماری مربوط به منابع آب آسیای مرکزی در محدوده خارج از ماوراءالنهر از ماخذ زیر استخراج شده است.
Websters New Geographical Dictionary, ۱۹۸۰

۶- Zeravshan -

۷- سیدی، مهدی، نیمی ز ترکستان، نیمی ز فرغانه، ص۶۸.

۱۸ – ۶ – ۲ کانالهای آبرسانی

شرایط اقلیمی در طی قرون متمادی آبیاری به منظور بهره برداری از اراضی را الزامی ساخته است. به طوری که تا سال ۱۸۴۳م/۱۲۲۲ش بیش از سی کانال بزرگ و یک شبکه عظیم و گسترده آبیاری ایجاد شده بود. پس از تسلط کمونیستها بر آسیای مرکزی، سیاست دایر کردن اراضی بایر وافزایش سطح زیرکشت پنبه مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این امر توجه به شیوه های آبیاری و دگرگونی در سیستمهای آبیاری سنتی را ضروری ساخت در نتیجه بهره برداری بیشتر از آب رودها، بویژه آمودریا و سیردریا را سبب شد.

حفر کانالهای آبرسانی وهدایت آب از رودها به اراضی، یکی از اقدامات مورد توجه بود و در همین جهت، در بهار سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش حدود ۴۵ کانال و در تابستان همان سال کانال بزرگ فرغانه به طول ۲۳۸ کیلومتر احداث شد. کانال فرغانه آب سیردریا را به

مرکز دره انتقال می دهد. این کانال به همراه کانالهای دیگری که در جنوب و شمال دره فرغانه ایجاد شدند، توسعه فزاینده سطح زیر کشت پنبه را به همراه داشتند. در دهه های

۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، تلاش زیادی برای حفر کانالهای آبیاری صورت گرفت و کانالهایی در حوضه رودهای «تجن»، مرغاب و زرافشان ساخته شد.

کانال آبرسانی قره قوم (ترکمن باشی) بزرگترین کانال در جهان است. این کانال که آب آمودریا را به زمینهای کشاورزی انتقال می دهد از ۸۰۰ کیلومتری سرچشمه رودخانه آغاز شده و به طول حدود ۱۵۰۰ کیلومتر به سوی غرب امتداد یافته است. این کانال به طور متوسط ۱۰۰ متر عرض و بین ۶ تا ۱۰ متر عمق دارد. و بخشهایی از آن قابل کشتیرانی است. انتهای کانال قره قوم که قرار بود تا دریای خزر امتداد یابد، در حال حاضر غرب «عشق آباد» است. حفر این کانال در توسعه کشاورزی ترکمنستان نقش مهمی داشته است، اما از سوی دیگر به دلیل برداشت بی رویه آب، بیش از میزان پیش بینی شده، از حجم آب آمودریا و در نتیجه آب ورودی به دریاچه آرال کاسته شد که عواقب ناگوار مادی و معنوی شگرف و غیر قابل جبرانی به همراه داشته است. در مبحث آلودگیهای زیست محیطی به این مهم اشاره می شود.

ص:۵۶

۷ – ۲ پوشش گیاهی

وسعت زیاد، شرایط اقلیمی گوناگون و ویژگیهای توپوگرافی آسیای مرکزی، تنوع گسترده پوشش گیاهی را به همراه داشته است. به طوری که گونه های گیاهی متعلق به محیطهای مختلف، از جنگلهای مخروطی تا بوته های بیابانی، در این ناحیه مشاهده می شود. بخش وسیعی از ناحیه شرایط بیابانی دارد و کم آبی مانع عمده رشد و توسعه گیاهان می باشد. تغییرات فیزیولوژیکی، گیاهان را در انطباق با شرایط زیستی و مقابله با تنگناهای موجود و حفظ نسل در طی زمان یاری داده است. کاهش سطح برگها و افزایش نسبت ریشه به ساقه در گیاهان ناحیه، مهمترین تغییرات فیزیولوژیکی به منظور مقابله با

خشکی هوا و استفاده از آبهای زیرزمینی بوده اند.

انواع بوته ها و گیاهان بیابانی، علفزارها، جنگلهای پراکنده، جنگلهای کوهستانی و علفزارهای کوهستانها، به ترتیب پوشش گیاهی عمده نقاط پست تا کوههای بلند آسیای مرکزی می باشند. بدیهی است که بسته به شرایط اقلیمی و ناهمواری، برخی گیاهان به شکل متراکم و بعضی به صورت پراکنده مشاهده می شوند. نظارت شدید دولت بر بهره برداری از پوشش گیاهی به منظور کنترل و حفظ محیط زیست و پوشش گیاهی، سبب شده که در کمتر نقطه ای از ناحیه، بهره وری از گیاهان همراه با نابودی آنها باشد. به طوری که حتی در بیابانهای آن پوشش گیاهی بسیار متراکم تر از پوشش گیاهی بیابانهای دیگر، از جمله ایران، می باشد. ضمن آن که فعالیتهای مربوط به کویرزدایی و جلوگیری از گسترش کویرها در این امر مؤثر بوده است.

۸ – ۲ مشکلات محیط زیست

اشاره

در آسیای مرکزی نیز مشابه همه نقاط جهان اکوسیستم یک توازن و تعادل حساس از عوامل به هم پیوسته است. هرگونه اقدام انسان که منجر به از بین رفتن تعادل و ازهم گسستگی پیوندهای موجود در طبیعت شود، ضایعات زیانبار و گسترده ای به وجود می آورد که خود به عنوان یک حلقه در چرخه های دیگر مؤثر واقع می شود و تمام ابعاد زندگی طبیعی و انسانی واقتصادی را در برمی گیرد.

ص:۵۷

آلودگیهای محیط زیست که حاصل فعالیتهای انسان بدون توجه به ظرفیتها و تنگناهای محیط می باشد، به شکل پنهان بر زندگی وحتی حیات انسان اثر مخرب دارد. در آسیای مرکزی نیز فعالیتهای گوناگون تعادل محیط زیست را برهم زده است، اما گستردگی فاجعه های ناشی از فعالیتهای کشاورزی و نظامی، آلودگیهای صنعتی را تحت الشعاع خود قرار داده است. به طوری که با وجود گسترش آلودگیهای گوناگون در ناحیه، اثر زیانبار بحرانهای ناشی از افت سطح آب دریاچه آرال، آلودگی دریای خزر و منطقه آزمایشهای اتمی به حدی است که کمتر نقاط آلوده دیگر و آلاینده های آنها مورد توجه و بحث و نظر قرار گرفته اند.

۱ – ۸ – ۲ بحران دریاچه آرال

از دیرباز کشت و زرع آسیای مرکزی بستگی تام به تأمین آب داشته است و دو رودخانه سیردریا و آمودریا در این رویکرد نقش حیاتی داشته اند، هم در تهیه آب مورد نیاز و هم در تأمین آب دریاچه آرال. به دلیل وابستگی فعالیتهای معیشتی بویژه کشاورزی

با منابع آب جاری، از قدیم سیستمهای آبیاری در ناحیه وجود داشت که تحت نظر حکومتهای محلی مورد بهره برداری قرار می گرفتند. از اواخر قرن نوزدهم واوایل قرن بیستم روسهای مهاجر، تلاش وسیعی برای توسعه سیستم آبیاری و افزایش سطح زیر کشت آغاز کردند. با حاکمیت بلشویکها بر آسیای مرکزی سیاست توسعه اراضی کشاورزی و افزایش سطح زیر کشت پنبه به عنوان مهمترین محصول زراعی آسیای مرکزی مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

افزایش سطح زیر کشت مستلزم بهره برداری بیشتر از آب سیردریا و آمودریا بود به ناچار سیستم آبیاری و دگرگونی آن مورد توجه قرار گرفت و کانالهای آبرسانی متعددی حفر و احداث شد.

آب لازم در شبکه های عظیم آبیاری از رودخانه های سیردریا و آمودریا تأمین می شد. افزایش زمینهای کشاورزی و بهره برداری بی رویه از این رودخانه ها سبب شد که آب رودخانه ها قبل از رسیدن به دریاچه آرال تمام شود وتنها جریان کوچکی از آنها به آرال بریزد.

کاهش آب ورودی به آرال باعث شد این دریاچه که تا دهه ۱۹۶۰م چهارمین دریاچه بزرگ جهان بود، در طی یک دوره ۳۰ ساله ۳۱ از حجم خود را از دست بدهد. کاهش آب دریاچه آثاری زیانبار بر کیفیت آب داشته و سبب دگرگونی ترکیبات مواد معدنی آن و افزایش شدید میزان نمک در آب گردیده که باعث نابودی ماهیها و سایر جانداران آبزی شده است.

یکی از آثار سوء کاهش حجم دریاچه آرال تغییرات آب و هوایی در مقیاس محلی است که منجر به کاهش میزان رطوبت هوا وافزایش تفاوت درجه حرارت در فصول مختلف سال شده است(۱). این تغییر به نوبه خود بر روی زمان لازم برای باروری گیاهان و جانوران ناحیه حد فاصل مصب دو رودخانه اثر منفی گذاشته است. حدود ۵۱ از وسعت جنگلهای کاسته شده و ۴۳ از گونه های جانوران بومی از بین رفته اند و صنعت ماهیگیری که مهمترین فعالیت معیشتی ساکنان اطراف دریاچه بود راکد شده است.(۲) اکنون دو بندر قدیمی آرال و «مویناق (موییناک)»(۳) در فاصله ۴۰ کیلومتری دریا در خشکی افتاده اند.

در اثر خشک شدن آب دریاچه آرال و بیرون آمدن بخشی از بستر دریاچه از خط آب، باد ذرات نمک را تا صدها کیلومتر دورتر می برد و هوا، خاک و ذخایر آب را می آلاید و زمینهای کشاورزی را بایر می کند. پژوهشگران برآورد کرده اند که در سال حدود ۴۳ میلیون تن نمک و ماسه از شوره زارهای آرال به حرکت در می آید و بر ساکنان نواحی مجاور می ریزد.(۴)

گسترش سطح زمینهای کشاورزی بویژه جهت کشت پنبه علاوه برآن که نیازمند تأمین آب مورد نیاز بود. استفاده فزاینده مواد ضد آفت، کودهای شیمیایی و گردهای شیمیایی (گردها و مایعات شیمیایی که روی درختان می ریزند تا درخت برگ ریزان کند) را الزامی کرد. استفاده کودهای شیمیایی به میزان ۱۵۰۰ کیلوگرم آمونیوم سولفات، ۱۰۰ - ۲۰۰ کیلوگرم پتاسیم کلرات و ۲۰۰ - ۲۵۰ کیلوگرم سوپر فسفات در هکتار، برای پنبه و ۵۴ کیلوگرم آفت کش در هکتار در مقایسه با ۵/۳ کیلوگرم آفت کش در بقیه اتحاد شوری سابق، پاشیدن حدود ۱۱۸ هزار تن گرد برگریز بسیار سمی مشهور به «ماده نارنجی» که

۱- «نجات آرال: فاجعه دریای بزرگ آسیای مرکزی»، ص۳۲.

۲- اکینر، شیرین، «تنزل شرایط زیست محیطی در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، ش۷، ص۱۳۱.

۳- Muinak -

۴- گنجی، محمدحسن، «گوشه ای از جغرافیای آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س۵، ش۱۷، ص۱۴.

امریکاییها در ویتنام از آن استفاده کردند، در منطقه «قراقالپاق»(۱) در جنوب دریاچه،

نمونه ای از استفاده بی رویه از این مواد می باشد.(۲)

حاصل عملکرد مسؤولان نظام شوروی سابق، گرچه از سویی افزایش تولید پنبه را به دنبال داشت اما از سوی دیگر تنزل شرایط زیست محیطی را در سراسر مسیر رودخانه های سیردریا و آمودریا - بویژه سیردریا - و اطراف دریاچه آرال سبب شد که نتایج نهایی آن به شکل بروز انواع بیماریها در ساکنان ناحیه، کاهش طول عمر، افزایش هزینه بهداشت و درمان و کاهش اشتغال و رفاه اجتماعی آشکار شده است.

کارشناسان ادعا می کنند که در ناحیه ای که آب ارزش زیادی دارد و منبع حیاتی محسوب می شود افزایش مطلق حجم آب مصرفی در کشاورزی و مواد ضد آفت و کودهای شیمیایی بیش از آن که ناشی از نیاز گیاهان بویژه پنبه باشد. زاییده وضعیت نازل

سیستم آبیاری و نبود دانش فنی در میان کارشناسان و مدیران آب آسیای مرکزی بوده است. به طوری که در حال حاضر تنها ۲۰ تا ۲۵درصد آب مصرفی آن برای آبیاری مفید است و بقیه آب به دلیل تبخیر، نفوذ به زمین و خروج ناشی از زهکشی نامناسب اراضی هدر می رود.(۳)

آنها هم چنین تصریح می کنند که نجات دریاچه آرال و رودهای آمودریا و سیردریا مستلزم مدیریت فنی بهتر، استفاده محدود از کودهای شیمیایی و آفت کش ها و همچنین بهره برداری سنجیده و مسؤولانه از آبهای جاری می باشد. حل این مسأله مبرم و حیاتی در گرو همکاری و همفکری تمام کشورهای آسیای مرکزی و برخی از سازمانهای بین المللی است و آنها باید در بررسی مسائل و آلودگیهای محیط زیست برای این موضوع اولویت قایل شوند و مساعدت های لازم را به ویژه در تأمین سرمایه مورد نیاز بنمایند.

۲ - ۸ - ۲ آلودگی دریای خزر

آلودگی محیط زیست دریای خزر بیش از توان پالایشی آن است. این آلودگی که در سالهای اخیر، بویژه پس از فروپاشی شوروی سابق به علت عدم تثبیت ضوابط محیط

۱- kaplaK araK -

۲- «نجات آرال: فاجعه دریاچه بزرگ آسیای مرکزی»، ص۳۲.

۳- مارتین، کیت، «محیط زیست آسیای مرکزی تراژدی فراموش شده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۷، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.

زیست دریایی، شدت یافته، چنان خسارتی به کشورهای اطراف آن وارد می سازد که ارقام آن حیرت آور است.

دریای خزر به عنوان یک واحد اکولوژیکی، علاوه برآن که نقش مهمی در تعدیل شرایط اقلیمی نواحی مجاور خود دارد، در طول تاریخ دو کارکرد مهم داشته است. اولین کارکرد آن ایفای نقش مهم ارتباطی است که با یک شبکه حمل ونقل مناسب روابط تجاری و فرهنگی میان کشورهای مختلف جهان را برقرار می کرده است. کارکرد دوم آن در واقع تأمین ذخایر عظیمی از مواد مورد نیاز انسان است که منابع پایان ناپذیرش به شکل انواع منابع غذایی طی سالیان دراز مورد بهره برداری قرار گرفته و منابع تجدیدناپذیر آن که مواد سوختی است تقریبا دست نخورده باقی مانده است. بنابراین در حیات اقتصادی کشورهای اطرافش تأثیر بسیار زیاد دارد.

عوامل آلودگی دریای خزر در واقع انسان و فعالیتهای اوست، که به دو شکل جلوه گر می شود، یکی بالا آمدن آب دریا و دیگر گسترش انواع فعالیتهای دریایی و ساحلی در محدوده آن.

پیشروی دریا و افزایش سطح آب آن یکی از مهم ترین وقایع زیست محیطی است که سبب شده طی دو دهه اخیر حجم آب دریا از ۳۷۰ به ۴۲۰ هزار کیلومتر مربع افزایش یابد.(۱) این فرایند که فرضیه های گوناگونی درباره علل آن بیان شده است ولی هنوز برای هیچ کس دلیل آن به روشنی آشکار نشده، کمتر از نظر ایجاد آلودگی مورد توجه قرار داشته و عمدهً زیانهای فراوان ناشی از صدمه و تخریب تعداد بیشماری واحد مسکونی، ساختمانها و تأسیسات دولتی، بناهای خصوصی، زمینهای کشاورزی و... بیان شده است. اما برخی از دانشمندان هشدارهایی درباره آلودگی دریای خزر در اثر بالاآمدن سطح آب آن داده اند. آنها اظهار داشتند که بالا آمدن آب، خطر سم های شیمیایی و رادیو آکتیو را که در زمان شوروی سابق در این ناحیه انباشته شده است؛ همراه خواهد داشت. همچنین یکی از متخصصان یونسکو، تصریح می کند که در میان کشورهای ناحیه، قزاقستان بیش از دیگران در معرض خطر است، زیرا در دوران حاکمیت روسها براین کشور، آنها طرحی را به مرحله اجرا در آوردند که براساس آن با انفجارهای اتمی، دره های بزرگی ایجاد می شد که می توانستند پس مانده های صنایع

۱- عظیمی، مهدی، «لزوم تشکیل مرکز بین المللی بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر»، بندر و دریا، ش ۴۷-۴۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳. ص۳۲ - ۳۳ و ۱۲۷.

هسته ای را در آنها دفن کنند. گرچه اجرای این طرح در سال ۱۹۸۳م/۱۳۶۲ش متوقف شد اما این خطر وجود دارد که با بالا آمدن سطح آب دریای خزر، مواد سمی و رادیوآکتیو باقی مانده از انفجارهای اتمی به دریا راه یابند.(۱) که این رویکرد خسارت جبران ناپذیری برجای خواهد گذاشت.

دیگر عامل آلودگی دریای خزر توسعه فعالیتهای گوناگون دریایی و ساحلی است. افزایش جمعیت شهرهای ساحلی، توسعه و گسترش فعالیتهای کشاورزی و صنعتی، گسترش حمل و نقل دریایی به علت افزایش حجم دادوستدهای تجاری، توسعه بنادر موجود و احداث بنادر جدیدعوامل عمده آلودگی مستقیم دریا توسط انسان می باشند. حاصل رونق این فعالیتها افزایش میزان آلاینده ها است که از میان آنها، پساب کارخانه های گوناگون آب گرم و مواد زاید نیروگاهها، پساب های کشاورزی و کودهای شیمیایی، فاضلاب و زباله های شهری، پساب های صنعتی به ویژه نفت و فراورده های آن تأثیر مخرب تری در آلودگی آب دریای خزر دارند.

در میان کشورهای حاشیه دریا جمهوری آذربایجان و روسیه بیش از دیگر کشورها در ایجاد آلودگی دریا مؤثر بوده اند آلاینده های روسیه از طریق رودخانه ولگا به خزر

می ریزد، گفته می شود حدود یک پنجم پساب های روسیه در این رودخانه ریخته می شود، به طوری که تنها از طریق صنعت پتروشیمی نزدیک به ۶۷ هزار تن پساب به دریا سرازیر می شود.(۲)

فعالیتهای صنعتی جمهوری آذربایجان سبب آلودگی دریای خزر شده است، به طوری که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش بیش از ۵۰۰ هزار متر مکعب فاضلابهای نفتی و شیمیایی و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش بیش از ۲۳۰ میلیون متر مکعب مواد سمی و فاضلاب صنعتی از شهرهای ساحلی بویژه باکو به دریا ریخته شده است.(۳)

مواد آلوده که یا به طور مستقیم به دریای خزر می ریزند و یا از طریق رودخانه وارد آن می شوند. خطرات ناشی از به هم خوردن اکوسیستم ومحیط زیست دریایی را به شدت افزایش می دهند. این رویکرد سبب از بین رفتن شرایط زیستی آبزیان و جانداران وابسته به مواد غذایی دریایی می شود. از میان زیانهای متعدد آلودگی دریای خزر کاهش میزان صید تاس ماهیان خاویاری به دلیل کاهش درآمد اقتصادی آن بیشتر مورد توجه قرار

۱- «دریای خزر در خطر امواج سمی»، اتاق بازرگانی، ش۱۰، سال ۱۳۷۴، ص ۵۲.

۲- «دریای خزر در خطر امواج سمی»، اتاق بازرگانی، ش۱۰، سال ۱۳۷۴، ص ۵۲.

۳- «لزوم تشکیل مرکز بین المللی بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر»، ص۳۳.

گرفته است. براساس آمارهای رسمی در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش بیش از ۵ هزار تن ماهی خاویاری به سبب سرازیر شدن آلودگیهای شیمیایی روخانه ولگا به دریای خزر از بین رفته اند، و در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۰ش نیز تعداد زیادی از همین گونه ماهیها در آبهای ساحلی غرب دریای خزر نابود شده اند.(۱) در بخش جنوبی دریا، در مصب «سفیدرود»، صید ماهی خاویار در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۶۷۰۰ هزار تن بوده که این رقم در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۳ش به نیم تن در سال کاهش یافته است.(۲) شیوع گسترده برخی از بیماریها ساکنان اطراف دریای مازندران ناشی از آلودگی سواحل دریا و رودهای منتهی به آن می باشد. گرچه خسارتهای اقتصادی این نارساییهای بهداشتی و زیانهای کم اهمیت دیگر ناشی از آلودگی آب های دریا، آشکارا قابل لمس نیست، اما بالقوه و بویژه در دراز مدت ضررهای مادی و معنوی هنگفت و غیرقابل جبران به همراه خواهند داشت.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که دریای خزر از حوزه های غنی ذخایر نفت و گاز جهان به شمار می رود و سواحل شمالی و غربی که از این نظر بسیار حائز اهمیت هستند چشم اندازهایی امیدوار کننده برای دولت های قزاقستان، روسیه و آذربایجان را نوید می دهند و مطالعات و اقدامات متعددی از سوی این کشورها برای اکتشاف و بهره برداری و تولید حوزه های نفتی انجام شده است. اگر این فعالیت ها بدون توجه به حفظ و حراست اکوسیستم دریای خزر و جلوگیری از آلودگی محیط زیست صورت گیرد، نتایج آن به شکل فاجعه ای غیر قابل تصور رخ می نماید.

شایان ذکر است که چرخه عمومی آب دریای مازندران در جهت عکس حرکت عقربه های ساعت صورت می گیرد (نقشه ۱۰). بنابراین انواع آلاینده های نفتی، شیمیایی و اتمی کشورهای قزاقستان، روسیه و آذربایجان به طور طبیعی به آبهای جنوبی دریا یعنی آبهای قلمرو ایران رانده می شوند و به اجبار کشور ما که نقش چندانی در آلودن دریا ندارد تحت تأثیر این شرایط، زیانهای فراوانی را متحمل می شود. این زیانها جدا از

ضررهای ارزی ناشی از کاهش صدور خاویار ایران بر اثر آلودگی آب دریای خزر می باشد.

نکته در خور توجه این که تا قبل از فروپاشی شوروی میان ایران و این کشور توافق

۱- «لزوم تشکیل مرکز بین المللی بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر»، ص ۳۲.
۲- «دریای خزر در خطر امواج سمی»، ص ۵۲.

نقشه ۱۰

ص:۶۴

نامه هایی در زمینه های گوناگون بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر به امضا رسیده بود و اقداماتی در همین راستا انجام شده بود. اکنون که چند دولت در جوار دریای مازندران شکل گرفته اند و رژیم حقوقی دریا قطعی و مشخص نیست. ضرورت دارد که کشورهای همجوار به کمک سازمانهای بین المللی از جمله یونسکو به توافق هایی در زمینه حقوق دریا، آب دریای خزر، حمل و نقل، حفظ و حراست از محیط زیست دریایی، جلوگیری از نوسان آب دریاچه، و حفظ و بهره برداری از منابع آبزیان دست یابند، تا با پیشگیری از آلودگی بیشتر دریای مازندران و پالودن آن از آلایش کنونی، از منابع طبیعی و اقتصادی آن بهره ببرند.

۳ – ۸ – ۲ ناحیه (سمی پالاتینسک)

ناحیه سمی در قزاقستان، محل انجام آزمایشهای اتمی شوروی سابق در آسیای مرکزی بود. گفته می شود حدود ۵۰۰ آزمایش هسته ای در این منطقه و در زیر زمین، سطح زمین و فضا صورت گرفته است. بر آورد شده که در سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۸م/۱۳۲۸ تا ۱۳۴۷ش حدود ۱۲۴ بمب اتمی در فضای ناحیه منفجر شده است. این انفجارها در حالی صورت گرفت که مردم در ناحیه ساکن وحتی شاهد انجام آزمایشها بودند و مانعی در برابر آنها نبود و برای محافظت آنها در برابر اثرات سوء آزمایش ها هیچ گونه تمهیدی در نظرگرفته نشده بود. این ناحیه گرچه در حال حاضر تعطیل است، اما آثار سوء ناشی از انفجارها به شکل آلودگی آب، خاک و پیامد نهایی آن بروز انواع بیماریهای لاعلاج در میان ساکنان ناحیه تا سالیان دراز آشکار خواهد بود به

طوری که گفته می شود بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم به دلیل آزمایشهای هسته ای صدمه دیده اند که برخی از آنان بیماری خود را تا چندین نسل بعد به ارث خواهند گذاشت.

گرچه مسائل و مشکلات مربوط به دریاچه آرال، دریای خزر و ناحیه سمی در رأس بحرانهای زیست محیطی به صورت گسترده مطرح و مورد کنکاش قرار گرفته اند، اما آلودگی های دیگری نیز در ناحیه مشاهده می شود که منشأ آنها کمبود آب و بهره برداری مفرط و نادرست از منابع آب می باشد، بنابراین با توجه به افزایش سریع جمعیت ناحیه و محدویت منابع آب ضروری است هرچه سریعتر اقدامات لازم انجام شود تا از بروز

تنش هـای مربوط به کمبود آب و زمین و پیامـد آن ، افزایش تشـنج های قومی و سیاسـی در داخل کشورها و میان جمهوریها جلوگیری به عمـل آورد. بـدیهی است لازمه تحقـق این امر همیـاری نـاحیه ای و مساعـدت جهـانی پیرامون بهبود سیاسـتهای مدیریتی منابع آب در زمینه های گوناگون، تأسیس نهادها و زیر بناهای لازم، ایجاد واحدهای نظارتی و کنترلی،

تـدوین چارچوبهـای لازم قـانونی برای حفـظ محیـط زیسـت و افزایش آگاهیهـای عمـومی نسبت به مسائل زیست محیطی و پیامدهای ناشی از تخریب آنها می باشد.

۳ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۳ پیشینه تاریخی

سرزمین پهنـاور آسـیای مرکزی تـاریخی کهن دارد، در طی قرون متمادی اقوام مختلف در قالب حکومتهای محلی و نظام قبیله ای، ساختـار سیاسـی نـاحیه را شـکل می دادنـد. این اقوام در بیشتر اوقـات تشـکیلات اداری شان وابسـته به حکومتهای متعـدد سرزمینهای مجاور بود و فقط در برهه هایی کوتاه از زمان توانسته اند از قید حاکمیت آنها رسته و

حکومتهای خود مختار و مستقل تشکیل دهند. ایرانیها، ترکها، عربها و مغولان از جمعیتهایی بودند که در ساختار سیاسی ناحیه نقش مهمی داشتند. بدیهی است که عملکرد سیاسی آنها توأم با نفوذ فرهنگی بوده است.

ایران به دلیـل همجواری با آسـیای مرکزی تماس فراوانی داشـته است، به طوری که تا پیش از ورود مسـلمانان در اکثر زمانها، ناحیه در کنترل حکمرانان ایرانی بود. این ارتباط

سیاسی گسترش فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی را به همراه داشت. فرهنگ سغدی، فرهنگ خوارزمی و فرهنگ طخارستانی از فرهنگهایی بودند که در عهد باستان و پیش از نفوذ ترکان متأثر از فرهنگ ایرانی بودند.(۱)

همزمان با دگرگونیهای فرهنگی و سیاسـی ایران باستان، تحولات سیاسی چندی نیز در آسیای مرکزی رخ داد. ترکان بر بخش وسـیعی از ناحیه تسـلط یافتند و سعی کردند تأثیرات فرهنگی ایرانیان را محدود کنند. اما حتی تا زمان «ساسانیان» که «هپتالیان» (هیاطله)(۲) بر آسیای مرکزی حکومت می کردند و به مرزهای شمال شرقی ایران نیز

۱– ورهرام، غلامرضا، «روند تاریخی جغرافیای فرهنگی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س۷، ش ۲۵، ص۸ – ۱۰.

۲– هپتالیان، قومی بودنـد که در سالهای پیش از میلاد در چین زنـدگی و حکومت می کردند و بعدها به سوی غرب پیشـروی کردند و گروهی از آنها به تخارستان هجوم آوردند. همزمان با فرمانروایی شاهان ساسانی به سوی مرزهای ایران سرازیر شدند و در نبردهای متعدد گاهی شـکست خورده و عقب نشـینی می کردند و زمانی پیروز شده و سرحدات شمال شرقی ایران را در اختیار می گرفتند و زیانهای بسیاری وارد می کردند. این قوم را رومیها، هونهای سفید یا آفتالیت و ایرانیها هپتالیان و یا هیاطله نامیدند. آنها تا حدود سال ۵۶۰ میلادی دوام داشتند.

حمله می کردند زبان و فرهنگ ایرانی وحتی ادیان رایج در ایران، در ناحیه وجود داشت.

بنابراین تا پیش از ورود مسلمانان به ناحیه، بخش وسیعی از آسیای مرکزی قلمرو حکومتهای ایرانی بود و «کوشانیان»(۱) و هپتالیان نیز به ترتیب بر بخشهایی از ناحیه حکومت می کردند. به هنگام ظهور اسلام قسمت جنوبی آسیای مرکزی تا آمودریا در زمره سرزمینهای متعلق به ساسانیان به شمار می رفت و سایر بخشها به شکل استانهای مختلف با فرمانروایان مستقل اداره می شدند.

با ورود مسلمانان به شرق ایران زمینه مساعد برای فتح آسیای مرکزی فراهم شد. شهر مرو در سال ۲۲ هجری به تصرف مسلمانان درآمد و پس از آن شهرهای دیگر ناحیه به تدریج به صلح و یا در جنگ با ترکان به تصرف مسلمانان در آمدند(۲). ترکها که از اواسط سده ششم میلادی در دشتهای آسیای مرکزی به سر می بردند، تا پیش از ورود مسلمانان بر بخش وسیعی از شمال و شرق آسیای مرکزی حکومت می کردند و برای گسترش قلمرو خود به نبردهای متعدد با ایرانیها و چینیها پرداختند. ضمن آن که در میان

قبایل مختلف ترک نیز درگیری و نزاع برای به چنگ آوردن اراضی یکدیگر وجود داشت. اویغورها و قرلقها از مهمترین گروههای ترک آسیای مرکزی بودند که در کنار نقش مهم آنها در حوادث و تحرکهای سیاسی ناحیه در حفظ و ترویج ارزشهای فرهنگی ترکها پافشاری می کردند. با فروپاشی حکومت اویغورها، فرهنگ و رسوم کهن ترکها و ترکمن ها از بین رفت و گرایش به عقاید فرهنگی جدید و ادیان دیگر در میان آنها ریشه دوانید.

پس از فتح مسلمانان تا زمان حمله مغول، ماوراءالنهر که ناحیه حدفاصل دو رودخانه سیردریا و آمودریا است، تحت حاکمیت حکومتهای اسلامی بود، به طوری که پس از «امویان» و «عباسیان»، به ترتیب «سامانیان»، «غزنویان»، «سلجوقیان» «خوارزمشاهیان» که بر ایران و به ویژه خراسان حکومت می کردند، امور سیاسی ماوراءالنهر را در اختیار

داشتند. نواحی شمالی آسیای مرکزی در این ایام به وسیله مسلمانان ترک «قراخانیان» تا

سال ۵۶۰ قمری و اقوام مغولی «ختاییان» یا «قراختاییان» تا سال ۶۰۸ قمری اداره می شد. حکومت قراخانیان در تاریخ آسیای مرکزی نقش مهمی داشت. ابتدا به دلیل آن که نخستین حکومت مسلمان ترک را در ناحیه پایه گذاری کردند و دیگر آن که این قوم در

۱- کوشانیان حکومت بزرگی بود که در قرن اول میلادی در سرزمین کوشان واقع در شرق و شمال شرقی ایران تشکیل شد. این حکومت مزاحمت هایی را برای ایران فراهم می کرد تا سرانجام شاپور اول پس از نبردی گسترده این سلسله را منقرض کرد. کوشانیان از اصل «سکاها» بودند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: بهزادی، رقیه، «کوشانها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۱۳، زمستان ۱۳۷۱.

۲- ورهرام، غلامرضا، تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، ص۶۱ - ۶۲.

رواج فرهنگ ترکها نقش مهمی داشتند، آنها در سالهای اقتدارشان با حکومتهای جنوبی روابط دوستانه برقرار کردند و بدین طریق با حفظ قلمرو خود در نشر افکارشان کوشیدند. «چنگیز» مغول در سال ۶۱۴ قمری قلمرو قراختاییان را در اختیار گرفت و در سال ۶۱۶ سلسله خوارزمشاهیان را برانداخت و به سوی نواحی داخلی ایران روانه شد. بازماندگان چنگیز تا نیمه دوم قرن هشتم قمری تحت عنوان ایلخانان مغول به حکومت در آسیای مرکزی پرداختند و در این زمان «تیمور» مقدمات تشکیل حکومت «تیموریان» را فراهم کرد. تیموریان در آسیای مرکزی و ایران امپراتوری پهناوری تأسیس کردند که بتدریج رو به زوال نهاد، به طوری که با حمله ازبکان از قسمتهای شمالی آسیای مرکزی، مقاومت تیموریان درهم شکست و در سال ۹۱۳ قمری ازبکان بر آسیای مرکزی تسلط یافتند.

همچنان که از سده هفتم هجری قمری پس از استیلای مغولان بر سرزمینهای آسیای مرکزی، حکومتهای محلی گوناگون در آسیای مرکزی به وجود آمدند، در زمان تسلط ازبکان نیز این رویه ادامه یافت و خاندان «شیبانی» که از مغولان و ازبک بودند تا سال

۹۹۱ قمری در آسیای مرکزی قدرت داشتند. بدیهی است مشابه تمام حکومتهای ناحیه حوزه اقتدار آنها گاه محدود به ناحیه ای کوچک و گاه پهنه وسیعی بود. امرای هشترخانی

یا «خانات بخارا» توانستند حکومت ازبکان را براندازند و خود تا سال ۱۲۰۰ قمری بر ماوراءالنهر فرمان رانند.

«خانات خیوه» دیگر حکومت محلی مهم آسیای مرکزی بود که در نبرد دایمی با خانات بخارا بود و به وسیله ازبکان از سال ۹۲۱ تا ۱۲۸۹ قمری اداره می شد.

«خانات خوقند» توسط «شاهرخ» در سال ۱۱۱۲ قمری پا گرفت و تا سال ۱۲۹۳ قمری ادامه داشت. این حکومت مستقل محلی نیز مشابه سایر حکومتها هرگاه قدرت می یافتند قلمرو حکومتشان را گسترش می دادند و هر زمان توسط حکومتهای همجوار مورد تهاجم قرار می گرفت و ضعیف می شد قلمرو فرمانروایی آنها محدود می شد.(۱)

از اوایل قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم قمری روسها بتدریج بر آسیای مرکزی مسلط شدند، گرچه اولین حضور آنان در ناحیه در سالهای ۱۵۹۹ تا ۱۶۸۹م بود که توانستند قسمت شمال غربی قزاقستان را اشغال کنند و به قلمرو حکومت خود بیفزایند.

۱- برای آشنایی بیشتر با حکومتهای آسیای مرکزی از صدر اسلام تا اوایل قرن دوازدهم هجری نگاه کنید به مأخذ پیش.

در آن زمان قزاقها در زمین های حد فاصل دو رودخانه اورال و ایریتش در حرکت بودند و به شیوه کوچ نشینی گذران زندگی می کردند، بدیهی است که آنان نیز مشابه تمام کوچ نشینان در مواقع اضطرار به مراکز شهری اطراف قلمرو خود هجوم می بردند. روسها به بهانه جلوگیری از حملات قزاقها در سالهای میان ۱۸۱۶ تا ۱۸۵۵م/۱۱۹۵ تا ۱۲۳۴ش پایگاههایی در بخش شمالی قزاقستان بنا کردند و سپس از همین مراکز برای سرکوب قزاقها و گسترش نفوذ خود و اراضی آنها استفاده کردند، به طوری که تا نیمه اول قرن نوزدهم / قرن ۱۳ قمری توانستند قلمرو قزاقها را تا سیر دریا تصرف کنند و پس از مهاجرت اجباری قزاقها، روسها واسلاوها را برای سکونت در سرزمین قزاقها به ناحیه فرستادند.

پس از اشغال سرزمین قزاقها، روسها در اندیشه تصرف قلمرو سکونت سایر اقوام آسیای مرکزی فرو رفتند. در آن هنگام در جنوب سرزمین قزاقها سه حکومت خود مختار خانات بخارا، خانات خوقند و خانات خیوه تشکیلات سیاسی مستقلی را اداره می کردند، روسها برای دستیابی به نواحی مذکور، ابتدا در سال ۱۸۶۴م/۱۲۴۳ش شهر «جامبول» کنونی را تسخیر کردند و سپس از آن جا به سوی سایر نقاط روانه شدند. به طوری که در سال ۱۸۶۵م/۱۲۴۴ش شهر «تاشکند»، در ۱۸۶۶م/۱۲۴۵ش شهر «خجند»، در سال ۱۸۶۸م/۱۲۴۷ش شهرهای بخارا و «سمرقند»، در سال ۱۸۷۳م/۱۲۵۳ش خانات خیوه و در سال ۱۸۷۶م/۱۲۵۵ش خانات خوقند را فتح کردند. سپس سراسر ناحیه را فرمانداری کل ترکستان نامیدند که مرکز آن شهر تاشکند بود و چهار ناحیه به نامهای سیردریا «سیمیریچ (سیمریک)»، سمرقند، فرغانه و خجند داشت، خانات خیوه و بخارا تحت الحمایه روسها بودند که تا سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش در اداره امور داخلی خود آزاد بودند.

تصرف سرزمین ترکمنها آخرین مرحله از استیلای روسها را رقم می زد. ترکمنها از اوایل قرن هیجدهم میلادی، در «منقشلاق»، اوست اورت و تقریبا ترکمنستان فعلی پراکنده بودند و به شیوه ایلی و قبیله ای گذران می کردند، آنها پس از پیروزی در نبردهایشان با حکومتهای ایرانی و خانات خیوه و بخارا و تشکیل کنفدراسیون قبیله ترکمن، پایه های قدرت خود را مستحکم کرده بودند.

ص:۶۹

روسـها برای غلبه بر ترکمنها، ابتدا قلعه «کراسـنوودسک» را در ساحل دریای مازندران بنا کردند. و از آنجا به سوی سایر نقاط ترکمن نشـین روانه شدند، بخش غربی ترکمنسـتان داوطلبانه جزء روسـیه شد لیکن قبایل «تکه» و «یموت» در مقابله با نیروهای روسـی مقـاومت کردنـد. با سـقوط «گوگ تپه» در سال ۱۸۸۱م/۱۲۶۰ش تکه هـا پراکنـده شدنـد و عشق آباد تسـخیر شـد، به تدریج تا سال ۱۸۸۵م/۱۲۶۴ش سایر نقاط ترکمن نشـین به روسها پیوستند و کوششهای روسیه به سرانجام رسید و تمام آسیای مرکزی در اختیار آنها قرار گرفت. و مرزهای ایران و افغانستان با سرزمین جدید روسیه تعیین شد(۱) (نقشه ۱۱).

بنابراین روسـها در قرن نوزدهم در طی سه مرحله آسـیای مرکزی را تصرف کردند، مرحله اول از سال ۱۸۱۶ تا ۱۸۵۵م/ ۱۱۹۵ تا ۱۲۳۴ش است که نواحی شـمالی و شـرقی تا سـیردریا یعنی قلمرو قزاقها را اشـغال کردنـد؛ مرحله دوم در حد فاصل سالهای ۱۸۵۵ تا

۱۸۷۵م/۱۲۳۴ تا ۱۲۵۴ش است که ماوراءالنهر، دره فرغانه و سـرزمین خانات بخارا، خیوه و خوقند را تصـرف کردند؛ و مرحله سوم از سال ۱۸۷۷ تا ۱۹۱۴م/۱۲۵۶ تا ۱۲۹۳ش بود که قلمرو ترکمنها و زمینهای هم مرز با ایران را به چنگ آوردند.

تا پیش از پیروزی کمونیسـتها تزارها اداره امور آسـیای مرکزی را برعهده داشتند. پس از تسلط بلشویکها بر روسیه و حاکمیت شیوه سوسیالیستی، آنان به دلیل درگیر بودن با نیروهای مخالف مستقر در ناحیه شامل مسلمانان باسماچی(۲)، روسهای سفید و انگلیسها، و به منظور جلوگیری از بحرانها و تشنج های سیاسی بیشتر و عمیق تر، از تغییر

در مرزهـای سیاسـی نـاحیه که در طی زمـان و براسـاس معیارهای تاریخی و جغرافیایی شـکل گرفته بود، خودداری کردنـد. با انهدام نیروهای مخالف و برتری قطعی کمونیستها، ایجاد واحدهای سیاسی جدید شروع شد.

در ابتدا «جمهوری خود مختار سوسـیالیستی شوروی ترکسـتان» تشـکیل شد، سپس در سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش به جای دولتهای تحت الحمـایه خیوه و بخارا، «جمهوری خلق خوارزم» و «جمهوری خلق بخارا» موجودیت یافت. در همان سال «جمهوری خود مختار قرقیز»(۳) که در واقع محدوده سیاسـی قزاقسـتان کنونی بود، تشکیل شد. (نقشه ۱۲). از سال ۱۹۲۴م/۱۲۰۳ش تقسیمات جدید که در ظاهر برمبنای ویژگیهای

۱- میر حیـدر، دره، «چگونگی شـکل گیری نقشه سیاسـی آسـیای مرکزی»، مجموعه مقالاـت جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص ۸۷ - ۹۰.

۲- کلمه «باسـماچی» در زبـان روسـی به معنی یاغی است و این لقبی است که در ابتـدا روسـهابه شورشـیان مسـلمان ترکسـتان دادنـد ولی بعـدها این کلمه وسـعت معنایی یافت و بر بسـیاری از حرکتهای مسـلحانه سیاسـی دیگر نیز اطلاق شـد. باسـماچیان گروهی از مسلمانان آسیای مرکزی بودند که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۱۷م روسیه و رواج اصول غیر اسلامی وایجاد قحطی و ناامنی قیام کردند و نزدیک به ۱۲ سال تا سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش و در سه مرحله اصلی به نبرد پرداختند وحتی برخی نقاط را نیز به تصـرف خود درآوردند، اما تدابیر و اقدامات خشونت آمیز روسـها سـرانجام قیام باسـماچیان را خاموش کرد (طوغان، زکی

ولیدی، قیام باسماچیان، ترجمه ها علی کاتبی، ۱۳۶۸، بنیاد دایره المعارف اسلامی، مقدمه).
۳- جمهوری خود مختـار قرقیز در واقع قلمرو قزاقها بود و به این سـبب روسـها آن را قرقیز نامیدنـد که تا مـدتها، آنها قزاقها را قرقیز می خواندنـد تـا بـا قوم کـازاک که د راطراف قلمرو قزاقهـا زنـدگی می کردنـد اشـتباه نشود و قرقیزهای واقعی را که در بخش شمالی کوههای تیان شان زندگی می کردند، قره قرقیز می نامیدند.

نقشه ۱۱

قومی و زبانی بود شکل گرفت. در واقع این رویکرد در راستای اهداف حکومت مرکزی به منظور ایجاد جدایی میان اقوام، دور کردن مردم از هویت تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی خود، از بین بردن یکپارچگی ناحیه و وابسته کردن آنها به حکومت مرکزی صورت گرفت. در این سال چهار واحد سیاسی دیگر شامل «جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان» «جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان»، «جمهوری خود مختار سوسیالیستی شوروی تاجیک» زیر نظر جمهوری ازبکستان و«اُبلست خودمختار

ص:۷۱

قره قرقیز» زیر نظر فدراسیون روسیه به وجود آمدند.

نقشه ۱۲

در طی ده سال بعـدی تغییر دیگری انجام شـد، بـه ایـن ترتیـب کـه در سـال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش اُبلسـت خـود مختـار قره قرقیز، قرقیزسـتان نامیده شد و سال بعد جمهوری خودمختار نامیده شد و همین جمهوری در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به عنوان جمهوری متحد اتحاد جماهیر شوروی معرفی شد. در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ش جمهوری خودمختار تاجیکستان پس از تغییر نام به جمهوری سوسیالیستی، دیگر

ص:۷۲

متحدشوروی سابق شد. جمهوری خود مختار قرقیز در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش، جمهوری

سوسیالیستی قزاقستان نامیده شد در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به عنوان یکی از پانزده جمهوری اتحاد شوروی محسوب گردید. جمهوری سوسیالیستی شوروی ترکمنستان نیز در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش به صورت یکی دیگر از جمهوریهای متحد شوروی درآمد. در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش ابلست خود مختار قراقالپاق جزیی از قزاقستان شد و در سال ۱۹۳۲م/۱۳۱۱ش در قلمرو روسیه قرار گرفت و در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به ازبکستان داده شد.

بنابراین در طی یک دهه چهار واحد سیاسی تبدیل به پنج واحد سیاسی شد و چند سال بعد نام ناحیه نیز تغییر یافت و آسیای میانه معرفی گردید.

حاکمیت روسها بر آسیای مرکزی تا اواخر دهه هشتاد قرن بیستم ادامه یافت در طی هفتاد سال، روسها اقدامات متعدد و گوناگونی برای کنترل بر ناحیه و گسستن پیوندهای دیرینه در میان مردم ناحیه انجام دادند اما دولت مرکزی از درون در حال متلاشی شدن بود و تحولات سیاسی این کشور در زمان رهبری «گورباچف» وضعیت سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰م/۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ش دچار تنشهای عظیمی کرد که حاصل آن جدایی کشورهای متحد شوروی و تشکیل پانزده جمهوری مستقل از جمله پنج جمهوری آسیای مرکزی بود.

در حال حاضر گرچه جمهوریهای آسیای مرکزی با یکدیگر روابط دوستانه و نزدیک دارند و در مجموعه کشورهای مستقل مشترک المنافع پیوندهای گذشته را حفظ کرده اند، اما به دلیل مرزبندیهایی که در گذشته بدون توجه کامل به شرایط تاریخی و جغرافیایی صورت گرفته است، زمینه های مناسبی برای بروز بحران فراهم است. این امر قبل از هر چیز زایده پراکنش گسترده اقوام در سطح ناحیه و تعلقات قومی و محلی در میان مردم و تنوع گروههای قومی است. از مهمترین زمینه های مساعد بحران زا موارد زیر را می توان برشمرد:

۱ و ۲ - اختلاف میان ازبکستان و قزاقستان برای اعمال حاکمیت بر جمهوری خود مختار قراقالپاق

۳ – ادعای ترکمنستان درباره حاکمیت این کشور بر بخشی از استان منقشلاق قزاقستان.

لازم به یادآوری است که در گذشته قبایل ترکمن در شبه جزیره منقشلاق بودند، پس از حاکمیت قزاقستان بر این شبه جزیره، ترکمنها از آنجا اخراج شدند.

۴ – ادعای ازبکستان بر بخش آمودریا از استان «داش حوض» ترکمنستان

۵ – ادعای قراقالپاق بر بخش شمال غربی استان بخارا در ازبکستان

۶ – ادعای ازبکستان بر بخش جنوب شرقی قراقالپاق

۷ – ادعای ازبکستان بر بخشی از آمودریا در استان «چارجوی» ترکمنستان

۸ – ادعای ترکمنستان بر بخش آمودریای استان بخارا در ازبکستان

۹ – ادعای ازبکستان بر بخش جنوبی استان «چیمکنت»

۱۰ – ادعای ازبکستان بر بخشهایی از دو استان سمرقند و بخارا در ازبکستان

۱۱ – ادعای تاجیکستان بر استان «سرخان دریا» در ازبکستان

۱۲ – ادعای تاجیکستان بر بخش کوهستانی جنوب استان «اوش» در قرقیزستان

۱۳ – ادعای قرقیزستان بر بخشی از ایالت خود مختار «گورنو بدخشان» در تاجیکستان

۱۴ – ادعای ازبکستان بر بخشی از استان اوش قرقیزستان

۱۵ – ادعای قرقیزستان بر بخشهای جنوبی استانهای«آلماآتی» و «تالدی قرغان» قزاقستان

۱۶ – ادعای قزاقستان بر بخشهای شمالی استان «ایسیک کول» قرقیزستان(۱) (نقشه ۱۳).

گرچه از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی تاکنون اختلافات قومی و ادعاهای ارضی میان آنها سبب بروز مشکلات جدی نشده است، اما هرگاه زمینه مناسبی، چه از سوی نیروهای داخلی و چه نیروهای خارجی، با اهداف گوناگون فراهم شود، جلوگیری از بروز تنشها بس دشوار و شاید ناممکن خواهد بود.

۲ – ۳ جمعیت

اشاره

آسیای مرکزی از نواحی کم جمعیت جهان به شمار می رود، زیرا با وسعت زیاد ناحیه، شمار افراد ساکن در آن نسبت به بسیاری از نقاط دنیا اندک می باشد، موانع طبیعی و اقلیمی عوامل اصلی کمی جمعیت و پراکندگی غیر یکنواخت آن محسوب می شوند، زیرا مردم در نقاطی سکونت گزیده اند که شرایط مناسب برای ادامه حیاتشان

ص:۷۴

۱- میرحیدر، دره، «ریشه های تاریخی مسایل جغرافیای سیاسی امروز آسیای مرکزی و قفقاز»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص۹۷ - ۱۰۰.

فراهم بوده است.

نقشه ۱۳

۱ – ۲ – ۳ تعداد جمعیت

از میزان جمعیت آسیای مرکزی تا اوایل قرن حاضر اطلاعات دقیق و مستندی در اختیار نیست در بیشتر اسناد و مآخذ مربوط به ناحیه فقط اشاره ای به جمعیت تقریبی برخی از شهرهای ناحیه شده و ذکری از رقم جمعیت کل ناحیه به میان نیامده است. تعدد مراکز سیاسی در قرون پیشین و عدم جمع آوری آمار جمعیت علت این امر بوده است.

آمار جمعیتی موجود نشان می دهد که شمار نفوس آسیای مرکزی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹ش یا به عبارت دیگر در مدت ۶۴ سال حدود ۲/۳ برابر شده است (جدول ۶-۱)، (نقشه ۱۴).

ص:۷۵

نقشه ۱۴

جدول ۶ - ۱ جمعیت آسیای مرکزی در حد فاصل سال

۱۹۲۶ - ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹ش (به هزار نفر)(۱)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۰م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۶۹ش

جمعیت۱۴۶۲۰۲۲۹۷۷۳۲۸۰۱۴۰۱۶۴۵۱۵۰۰

در همین مـدت زمانی یعنی سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹ش میزان رشد جمعیت ناحیه ۹۸/۱ درصد در سال بوده است (جدول ۷ - ۱).

ص:۷۶

۱- بهفروز، فاطمه، خصوصـیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص۴۶.

جدول ۷ – ۱ نرخ رشد جمعیت آسیای مرکزی در حدفاصل سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ – ۱۳۶۹ش (به درصد)

۱۹۵۹–۱۹۲۶م/۱۹۵۹–۱۹۷۰م/۱۹۷۰–۱۹۷۹م/۱۹۷۹–۱۹۹۰م/۱۹۲۶–۱۹۹۰م/

سال

۱۳۳۸–۱۳۰۵ش ۱۳۳۸–۱۳۴۹ش ۱۳۴۹–۱۳۵۸ش ۱۳۵۸–۱۳۶۹ش ۱۳۰۵–۱۳۶۹ش

نرخ رشد ۱/۲۹۸/۲۲۸/۳۲۷/۱۲۸/۳۸

در جدول ۷ – ۱ مشاهده می شود که بیشترین نرخ رشد جمعیت مربوط به دوره زمانی ۱۹۵۹ – ۱۹۷۰م/۱۳۳۸ – ۱۳۴۹ش بوده است، قبل از این دوره نرخ رشد جمعیت پایین ترین میزان را تا زمان حاضر داشته است و پس از دوره مذکور گرچه نرخ رشد جمعیت روند نزولی داشته است، اما هنوز به رقم قبل از سال ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش نرسیده است. به نظر می رسد پایین ترین نرخ رشد جمعیت در مقطع زمانی ۱۹۲۶ – ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ – ۱۳۳۸ش بیش از آن که معلول بالابردن مرگ و میر و نبود بهداشت و درمان مناسب باشد، حاصل وقایع سیاسی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن بوده است. به طوری که با تثبیت اوضاع سیاسی و رونق فعالیتهای اقتصادی از یک سو و مهاجرت گسترده روسها و دیگر گروههای قومی به ناحیه در دوره زمانی بعدی یعنی سالهای ۱۹۵۹ – ۱۹۷۰م/۱۳۳۸ – ۱۳۴۹ش جمعیت رشد فزاینده ای می یابد.

۲ – ۲ – ۳ تراکم نسبی جمعیت

اگر میزان تراکم نسبی جمعیت در آسیای مرکزی را محاسبه کنیم مشاهده می شود که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش با بالاترین رقم، تراکم فقط ۹/۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع جمعیت می زیستند (جدول ۸ – ۱).

جدول ۸ – ۱ توزیع تراکم نسبی جمعیت آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۹۰م / ۱۳۰۵ – ۱۳۶۹ش (نفر در کیلومتر مربع)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۰م/

سال

۱۳۰۵ش ۱۳۳۸ش ۱۳۴۹ش ۱۳۵۸ش ۱۳۶۹ش

میزان تراکم ۱۲/۹/۱۰۸/۵۲/۳۷/۶

بـدیهی است که جمعیت نـاحیه، مشـابه ارقـام جـدول فوق به طور یکنواخت در سـطح کـل ناحیه مسـتقر نشـده انـد و مجموعه شرایطیماننـد زیر ساخت های طبیعی، منابع آب، رکود یا رونق فعالیتهای زراعی و صـنعتی، وجود مراکز سیاسـی و فرهنگی و سابقه تاریخی در تفرق و تجمع جمعیت مؤثر بوده است. از میان عوامل مذکور نقش عوامل جغرافیایی مهمتر بوده است. مراکز مهم جمعیتی در اطراف منابع آب، دشـتهای حاصلخیز و کوهپایه تشکیل شده اند، به طوری که در نقاطی مانند صـحرای قزل قوم، بیابان قره قوم وحتی اسـتپ زارهای قزاقسـتان تراکم جمعیت کمتر از ۲ نفر در هر کیلومتری مربع است و در نقـاطی مـانند جلگه فرغـانه، شـهرهای صـنعتی وحتی برخی از پـایتخت هـای جمهوری هـا تراکم جمعیت بیش از ۲۷۰ نفر در کیلومـتر مربع است.

به طور کلی می توان آسیای مرکزی را از نظر میزان تراکم جمعیت به هفت ناحیه به شرح زیر تقسیم کرد:

الف - نواحی با تراکم جمعیت ۱ تا ۵ نفر در هر کیلومتر مربع که عمدتا شامل بیابانهای گسترده ازبکستان وترکمنستان، بخش شرقی دریای خزر، اسـتپ زارهای فقیر قزاقسـتان، کوههای بلند پامیر در جنوب تاجیکسـتان و قرقیزسـتان می شود. در برخـی از این نواحی ماننـد مرکز بیابانهـا و قله هـای برف گیر شـدت محـدودیتهای محیطی به حـدی است که هیـچ انسانی قادر به ادامه حیات نیست و تراکم جمعیت به صفر کاهش می یابد.

ب - نواحی با تراکم جمعیت بین ۵ تا ۱۰ نفر در کیلومتر مربع، مشتمل بر بخشهایی وسیعی از ترکمنستان و ازبکستان از جنوب در یـاچه آرال تـا پـای کوههای کپه داغ، قسـمتهای شـرقی وغربی دریاچه بالخاش، بخشـهای شـمال شـرقی قزاقسـتان که محل استقرار صنایع نظامی (پایگاههای موشکی) و همچنین حوزه فعالیتهای دامداری در استپ زارهای غنی آن می باشد.

ج - نواحی بـا تراکم جمعیتی ۱۰ تا ۲۵ نفر در کیلومتر متر مربع، شـرق تاجیکسـتان، حد فاصل دریاچه ایسیک کول تا بالخاش در قزاقستان وغرب قرقیزستان را در برمی گیرد.

د - نواحی بـا تراکم جمعیت ۲۵ تا ۵۰ نفر در کیلومتر مربع، شامل جنوب ازبکسـتان، غرب تاجیکسـتان و اطراف بیشـکک در قرقیزستان می باشد که از نظر وضعیت کشت و

دامداری شرایط مساعدی دارند.

ه - نواحی با تراکم جمعیت ۵۰ تا ۷۵ نفر در کیلومتر مربع، نقاطی هستند که به دلیل فراوانی آب، مراکز کشاورزی آسیای مرکزی به شمار می روند و عمدهً بخشهایی از حوضه آمودریا را شامل می شود.

و - نقاطی که دارای تراکم جمعیتی ۷۵ تا ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع هستند معمولاً در زمینهای هموار و جلگه ای مساعد برای کشت و زرع، حوزه های نفت و گاز و پالایشگاهها واقعند و سابقه سکونت طولانی دارند. از آن جمله شهرهای بخارا و چارجو را می توان نام برد.

ز - نقاطی با تراکم جمعیت بیش از ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع، شامل شهرهایی می شود که مراکز مهم فعالیتهای فرهنگی، صنعی و سیاسی به شمار می آیند و در بیشتر آنها نقش تاریخی نیز درجذب جمعیت مؤثر بوده است. دوشنبه، فرغانه، سمرقند، چیمکنت و خجند را از میان این گونه شهرها می توان نام برد(۱) (نقشه ۱۵).

۳ - ۲ - ۳ ترکیب سنی جمعیت

مشخص کردن ساختار سنی جمعیت برای هر گروه جمعیتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا با توجه به آن می توان از یک سو نیازهای گوناگون جامعه را در زمان حال تعیین نمود و از سوی دیگر با دورنگری، امکانات و توانهای انسانی و مادی را

با توجه به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی هر فضای جغرافیایی ساماندهی کرد.

جدول ۹ - ۱ توزیع جمعیت آسیای مرکزی به تفکیک گروههای سنی عمده

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش

گروه سنیجمعیت

تعداد (به ۱۰۰۰نفر)درصد

کمتر از ۱۵ سال۲۰۳۴۲۵/۳۹

۱۵ - ۶۴ سال۲۸۶۳۴۶/۵۵

۶۵ سال به بالا۲۵۵۳۹/۴

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۹۸ - ۹۹.

نسبت جمعیت آسیای مرکزی در سه گروه عمده سنی خردسالان، بزرگسالان و سالخوردگان نشانگر تعداد نسبتا زیاد افراد در گروه سنی زیر ۱۵ سال می باشد (جدول ۹ -۱).

جدول ۹ - ۱ نشان می دهد که در آسیای مرکزی بیش از ۳۱ جمعیت در گروه سنی خردسالان قرار دارند این رقم در میان کشورهای ناحیه متفاوت است. به طوری که دو کشور تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد جوانان را در ناحیه دارند

(جدول ۱۰-۱).

جدول ۱۰ - ۱ توزیع جمعیت کشورهای آسیای مرکزی به تفکیک گروههای

عمده سنی در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش(۱) (درصد)

گروه سنی

کمتر از ۱۵ سال۱۵ - ۶۴ سال۶۵ سال به بالا

نام جمهوری

ازبکستان۶/۴۱۲/۵۴۲/۴

تاجیکستان۷/۴۴۴/۵۱۹/۵

ترکمنستان۳/۴۱۷/۵۴۴

قزاقستان۹/۳۱۷/۶۱۴/۶

قرقیزستان۲/۳۸۲/۵۶۶/۵

از نظر ساختار سنی جمعیت در میان کشورهای ناحیه تاجیکستان بیشترین مشابهت را با کشورهای در حال توسعه و قزاقستان بیشترین تشابه را با کشورهای توسعه یافته دارند. تمایز آشکار قزاقستان با سایر کشورهای ناحیه از نظر ساختار سنی جمعیت را می توان ناشی از پایین بودن نرخ زاد و ولد، مهاجرپذیری بویژه در گروه سنی فعال و بالابودن سطح بهداشت قلمداد کرد.

۴ – ۲ – ۳ جمعیت شهری و روستایی

شهر نشینی در آسیای مرکزی از توسعه چندانی برخوردار نیست. در سالهای اخیر گرچه بر میزان جمعیت شهرها افزوده شده و همچنین با افزایش جمعیت روستایی،

۱- امیراحمدی، بهرام، «بررسی جمعیت ترکمنستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س**۳**، دوره دوم، ش**۵**، ص**۹۹** - ۱۰۰.

مهاجرت به نقاط شهری افزایش یافته است، اما شبکه شهری آسیای مرکزی به دلیل فقدان روابط مناسب اقتصادی توسعه و گسترش نیافته است. شهرهای کوچک کمتر تبدیل به شهرهای متوسط شده اند و شمار شهرهای بزرگ با جمعیت نیم میلیونی و بیشتر اندک و انگشت شمار می باشد، معدود بودن شمار شهرها در آسیای مرکزی گذشته از تأثیر مسائل اقتصادی، ناشی از تأثیر پذیری از عوامل طبیعی، سیاسی و فرهنگی نیز می باشد.

نقشه ۱۵

گرچه در چند دهه اخیر از درصد جمعیت روستانشین کاسته شده و رقم جمعیت شهری افزایش یافته است، اما هنوز در کل ناحیه بیش از نیمی از جمعیت در روستاها زندگی می کنند (جدول ۱۱ - ۱). افزایش رقم شهرنشینان را ناشی از افزایش میزان موالید

در میان آنها، مهاجرت روستاییان به شهرها و اسکان مهاجران خارجی در نقاط شهری می توان شمرد.

جدول ۱۱ – ۱ توزیع نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین آسیای مرکزی

در سالهای ۱۹۵۹ – ۱۹۸۹م/۱۳۳۸ – ۱۳۶۸ش

روستایی شهری

جمعیت

تعداددرصدتعداددرصد

سال

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۴۱۳۹۵/۶۱۸۸۳۸۵/۳۸

۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۸۵۷۲۱/۵۷۱۴۲۲۹۹/۴۲

۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ۲۶۸۰۰۵/۵۴۲۲۴۳۶۵/۴۵

جدول ۱۱ – ۱ نشان می دهد که در طی نیمه دوم قرن حاضر و در مدت ۳۰ سال حدود ۷درصد برجمعیت شهری افزوده شده است، مقایسه این رقم با ارقام مشابه در کشورهای دیگر، به طور مثال ایران، مؤید این موضوع است که سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکم به همراه رشد بیشتر جمعیت نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری عوامل اصلی مانع رشد بی رویه جمعیت شهری بوده اند.

بالا بودن نرخ رشد جمعیت روستایی در آسیای مرکزی تابع ویژگیهای فرهنگی و اقتصادی ناحیه است. زیرا هنوز بیشتر اقوام بومی ناحیه در روستاها سکونت دارند و از سنتهای خود در ایجاد خانواده گسترده و داشتن فرزندان بیشتر پیروی می کنند. این امر به

همراه جوانی جمعیت، پایین بودن سطح آموزش و بهداشت در روستاها و منافع اقتصادی از کارکرد فرزندان سبب افزایش جمعیت روستایی شده است.

۵ – ۲ – ۳ رشد جمعیت

رشد جمعیت هر ناحیه ای متأثر از میزان موالید، مرگ و میر و حرکات جمعیت یا به عبارت دیگر میزان مهاجرت می باشد.

در هر جمعیتی میزان زاد و ولد با ایدئولوژی، ملیت، میزان توسعه شهرنشینی، امکانات بهداشتی، سطح سواد، سطح رفاه اجتماعی، میزان اشتغال زنان و سیاست دولتها ارتباط دارد. براین اساس نه تنها در میان کشورهای آسیای مرکزی، بلکه در بین

ملیتهـای مختلف هریـک از جمهوریها، میزان زاد و ولـد متفاوت است. میزان مرگ و میر نیز در میان اقوام ناحیه متفاوت است، اما ارقام اختلاف زیادی با یکدیگر ندارند.

حرکات جمعیت یا ناشـی از تفاوت امکانات اجتماعی واقتصادی مکانهاست و یا متأثر از سـیاست دولتها. در آسـیای مرکزی تا پیش از دهه هفتاد، دولت روسـیه برای رسـیدن به اهداف خود سـیاست اسـکان مهاجران غیر بومی را در نقاط مختلف آسـیای مرکزی اجرا کرد. پیامـد این امر افزایش گروههـای قومی اروپایی بویژه روسـها و اوکراینی ها درجمعیت ناحیه و بالا رفتن نرخ رشد جمعیت بود. از دهه هفتاد به بعد علاوه بر آن که از میزان مهاجرت روسـها به آسیای مرکزی کاسته شد شماری از روسها و اوکراینی ها نیز به سرزمینهای خود مهاجرت کردند.

میزان مهاجرتهای داخلی در ناحیه بسـیار کم است زیرا نبود تفاوتهای عمده اقتصادی بین شهرها و روستاها، وابستگی به محیط فرهنگی و گروه قومی و رونق فعالیتهای موجود در روستاها مانع سرازیر شدن جمعیت روستاها به شهرها شده است.

بنـابراین بـا توجه به نقش کم رنـگ مهاجرتهـا در میزان رشـد جمعیت، مهمترین عوامل در نرخ رشـد جمعیت آسـیای مرکزی موالیـد و مرگ و میر می باشـد. دستیـابی به رقم دقیقی از نرخ این دو عامـل در کل ناحیه به علت تفاوت میان کشورها گویای وضـعیت موجود ناحیه نمی باشـد، لـذا نرخ زاد و ولـد و مرگ و میر به تفکیک کشورها بررسـی می شود (جـدول ۱۲-۱). در میان جمهوریهای آسیای مرکزی بالاترین میزان موالید با رقم ۷/۳۸

جدول ۱۲ - ۱ نرخ تولـد، مرگ ومیر، رشـد طـبیعی و زمـان دو برابر شـدن جمعیت در جمهوریهـای آسـیای مرکزی در سـال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (۱)

نام جمهوریتولدمرگ ومیررشدطبیعیزمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت

(درهزارنفر)(درهزارنفر)(درهزارنفر)(سال)

ازبکستان۳/۳۳۳/۶۲۷۲۵

تاجیکستان۷/۳۸۵/۶۲/۳۲۲۲

ترکمنستان۳۵۷/۷۳/۲۷۲۵

قرقیزستان ۴/۳۰۲/۷۳/۲۳۳۰

قزاقستان۲۳۶/۷۴/۱۵۴۵

۱- امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۱۲ ص۲۱۴.

در هزار متعلق به تاجیکستان است وکمترین میزان با رقم ۲۳ در هزار به کشور قزاقستان تعلق دارد. از نظر نرخ مرگ ومیر کشور تاجیکستان با رقم ۵/۶ در هزار کمترین میزان مرگ ومیر وجمهوری ترکمنستان با رقم ۷/۱۷ درهزار بالا-ترین میزان مرگ و میر را دارند.

در میان کشورهای ناحیه تاجیکستان و قزاقستان تمایز آشکاری با دیگر کشورها دارند. قزاقستان با میزان موالید و رشد جمعیت کم، به نظر می رسد که از نظر ویژگیهای

جمعیتی بسیار نزدیک به کشورهای پیشرفته و در مرحله سوم رشد جمعیتی است. درحالی که تاجیکستان تشابه بیشتری با کشورهای در حال پیشرفت دارد و مرحله دوم رشد جمعیت را با میزان زیاد موالید و میزان کم مرگ و میر طی می کند. بنابراین ۲۲ سال

دیگر جمعیت تاجیکستان دوبرابر می شود و نزدیک دوبرابر این مدت، زمان لازم است تا قزاقستان دوبرابر زمان حال جمعیت داشته باشد.

۳ – ۳ ترکیب قومی

یکی از مهمترین ویژگیهای جمعیتی آسیای مرکزی تنوع و تعدد گروههای قومی است. این ویژگی در سطح هر یک از جمهوریها نیز مشاهده می شود. بیشتر اقوام ناحیه را ترکها تشکیل می دهند، ازبکها، ترکمنها، قزاقها، قرقیزها و قراقالپاقها در این گروه بیشترین جمعیت را دارند. روسها و اوکراینی ها که متعلق به گروه نژادی اسلاو هستند توسط حکومت مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سابق به ناحیه آورده شدند و بتدریج درصد قابل توجهی از جمعیت ناحیه را تشکیل دادند. دیگر گروه عمده قومی تاجیکها هستند.

تا پیش از تسلط روسها بر ناحیه و مهاجرت اجباری اوکراینی ها و روسها، آسیای مرکزی سکونتگاه اقوامی بود که در طی قرون متمادی بدون تمایز فرهنگی خاصی در کنار یکدیگر زیسته بودند، با ورود مهاجران و اختلاف فرهنگی بسیار میان آنها وجمعیت بومی که همراه با تمایزهای اقتصادی و سیاسی نیز بود، جمعیتهای بومی با کناره گیری از

تازه واردان به حفظ وحراست از میراثهای فرهنگی خود همت گماشتند. گرچه با گذشت زمان جدایی میان آنها کمتر شد.

روسها در تقسیمات سیاسی برتری قومی را مورد توجه قرار دادند و هر ناحیه ای را

که قومی در آن اکثریت داشت به نام همان قوم نامگـذاری کردند. اما چون تمام اقوام آسـیای مرکزی در سـطح ناحیه پراکنده اند بنابراین در هیچ یک از جمهوریها یک گروه قومی وجود ندارد (جدول ۱۳ – ۱).

جدول ۱۳ – ۱ جمعیت قوم اصلی هر یک از جمهوریهای آسیای مرکزی

در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۳م/ ۱۳۳۸ – ۱۳۷۲ش (درصد) (۱)

سال

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش

نام جمهوری (قوم اصلی)

ازبکستان (ازبکها)۱/۶۲۵/۶۵۴/۷۱

تاجیکستان (تاجیکها)۱/۵۳۲/۵۶۵۸

ترکمنستان (ترکمنها)۹/۶۰۶/۶۵۷۲

قزاقستان (قزاقها)۸/۲۹۸/۳۲۷/۳۹

قرقیزستان (قرقیزها)۵/۴۰۸/۴۳۵۲

در جـدول مشاهده می شود که به غیر از قزاقسـتان در سایر کشورها، ملت اصـلی در درجه اول اهمیت قرار می گیرد. در حالی که در قزاقسـتان تـا سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش، ملـت اصـلی پس از روسـها در درجـه دوم قرار می گرفتنـد و از آن سـال بـه بعـد با افزایش جمعیت قزاقها بر تعداد آنان افزوده شد تا سرانجام بر آنها برتری یافتند (جدول ۱۴ – ۱).

جدول ۱۴ – ۱ درصد جمعیت روسها در کشورهای آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ – ۱۳۷۲ش(۲)

سال

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش

نام جمهوری

ازبکستان۸/۱۲۳/۱۳۵/۵

تاجیکستان۱۱۸/۱۳۹/۳

ترکمنستان ۳/۱۷۵/۱۴۵/۹

قزاقستان ۷/۴۲۴/۴۲۸/۳۷

قرقیزستان ۲/۳۰۲/۲۹۲۲

۱- دانکوس، هلن کارر، امپراطوری فروپاشیده، ترجمه عباس آگاهی، ص۸۲ - ۸۳؛ میرحیدر دره، «تحولات آسیای مرکزی»، آموزش رشد جغرافیا، س۹، ش۲۵، ص۲۱.

۲- امپراطوری فروپاشیده،ص۸۵؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

در نظر اول مشاهـده می شود که جمعیت روسـها در تمـام کشورهای ناحیه در سالهای آمارگیری سـیر نزولی داشـته است. این رونـد در سالهای ۱۹۷۰ تـا ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ - ۱۳۷۲ش شـتاب بیشـتری گرفته است. بـا کـاهش جمعیت روسـها به همراه افزایش جمعیت بـومی کشورهـا، میزان جمعیت بـومی در تمـام کشورهـا نسبت به تعـداد روسـها برتری می یابـد که این امر در مـورد قزاقستان در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ - ۱۳۷۲ش رخ می دهـد. جدول ۱۵ - ۱ تحول جمعیت روس و ملتهای اصـلی را در همین مقطع زمانی نشان می دهد

جدول ۱۵ - ۱ تحول جمعیت روسها و ملتهای اصلی در کشورهای آسیای مرکزی

در سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ - ۱۳۷۳ش (درصد)

دوره زمانی

۱۹۵۹-۱۹۷۰م/۱۹۹۳-۱۹۷۰م/۱۹۹۳-۱۹۵۹م/

۱۳۳۸-۱۳۴۹ش ۱۳۷۲-۱۳۴۹ش ۱۳۷۲-۱۳۳۸ش

نام جمهوریتفاوتتفاوتتفاوتتفاوتتفاوتتفاوت

جمعیتجمعیتجمعیتجمعیتجمعیتجمعیت

روسهاملتهای اصلیروسهاملتهای اصلیروسهاملتهای اصلی

ازبکستان ۱ -۴/۳ +۲/۴ -۹/۵ +۲/۵ -۳/۹ +

تاجیکستان ۴/۱ -۱/۳ +۹/۳ -۸/۱ +۳/۵ -۹/۴ +

ترکمنستان ۸/۲ -۷/۴ +۵ -۴/۶ +۸/۷ -۱/۱۱ +

قزاقستان ۳/۰ -۸/۲ +۶/۴ -۱/۷ +۹/۴-۹/۹ +

قرقیزستان ۱ -۳/۳ +۲/۷ -۲/۸ +۲/۸ -۵/۱۱ +

لازم به ذکر است که شمار روسـها در جمهوریهـای آسـیای مرکزی در دوره هـای زمـانی فوق با افزایش همراه بوده است اما چون میزان افزایش تعـداد آنها نسبت به افزایش جمعیتهای محلی کمتر بوده است، سـهم آنان از جمعیت کل کشورها کاهش یافته است.

در هر یک از کشورهای آسیای مرکزی در کنار گروه اصلی جمعیت و روسها اقوام دیگری نیز سکونت دارند که این موضوع از یـک سو پراکنـدگی گسترده اقوام را در سـطح نـاحیه نشان می دهـد و از سوی دیگر بیانگر تنوع قومی و اختلاط نژادی در

تمام کشورهای ناحیه است (جدول ۱۶ – ۱).

ص:۸۶

جدول ۱۶ – ۱ درصد گروههای قومی در جمعیت کشورهای آسیای مرکزی

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش(۱)

گروه قومی

آلمانیازبکاکراینیتاجیکترکمنروسقزاققرقیزسایر

جمهوری

ازبکستان–۴/۷۱–۸–۳/۸۴–۳/۹

تاجیکستان–۲۳–۵۸–۸–۱۱۰

ترکمنستان–۹–۹۳–۱۷۲۵/۵/۵

قزاقستان۸/۵–۴/۵––۳۹/۳۷۷/۸–۳/۱۱

قرقیزستان–۱۳–––۲۲–۵۲۱۳

مشاهـده می شود به غیر از تاجیکسـتان که پس از تاجیکهـا، ازبکهـا بیشترین جمعیت را دارنـد در سایر جمهوریها روسـها پس ازجمعیت اصـلی بالاـترین رقم جمعیت را به خود اختصـاص داده انـد. تراکم جمعیت روسـها در نقاط مختلف آسـیای مرکزی تـابعی از رونق یـا عـدم رونق فعالیتهای اقتصادی، نظامی و سیاسـی است، بنابراین بـدیهی است که نواحی مساعـد و مهم، بویژه مراکز شهری پذیرای تعداد بیشتری از روسها بوده اند.

از جـدول ۱۶ – ۱ می توان دریـافت که در میـان گروههـای قومی نـاحیه، ازبکهـا پراکنـدگی بیشتری دارنـد و تقریباً در تمام کشورهای آسیای مرکزی سکونت دارند. (نقشه ۱۶)

۴ – ۳ زبانهای رایج

در طی تاریخ زبانهـای گوناگونی در آسـیای مرکزی رایـج بوده است. این تنوع زبانی به سـبب تحولات سیاسـی حاصل شـده است. تـا پیش از ورود ترکـان به ناحیه، زبانهای ایرانی در ناحیه رواج داشت. نفوذ ترکها، سـبب گسترش زبان ترکی و منزوی شدن زبانهای ایرانی شد، اما حتی تا اواخر حکومت سامانیان هنوز زبانهای ایرانی در برخی نقاط جایگاه ویژه ای داشت. هجوم مغولان و تسلط آنها بر ناحیه تحولات و تغییرات زبان را سرعت بخشید.

تا پیش از سلطه روسها بر ناحیه هر یک از ملیتها به زبان خاص خود که واژه هایی نیز

۱- «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

نقشه ۱۶

از زبانهای فارسی وعربی به عاریت داشتند، سخن می گفتند. با تسلط روسها بر ناحیه به ویژه پس از انقلاب بلشویکی، دولت روسیه به مسأله زبانها توجه زیادی نشان می دهد، در ابتدا با هدف جلب رضایت اقوام گوناگون، پیشبرد زبانهای ملی را مطرح می کند. در مرحله بعدی زبان روس را به عنوان زبان مشترک تمام اقوام اتحاد جماهیر شوروی سابق معرفی می کند، و سپس با تغییر الفبای عربی به الفبای روسی و نفوذ کلمات فنی از زبان

روسی به زبانهای ملی، تحولاتی در زبانهای ملی به وجود می آورد تا امر دو زبانی شدن پیشرفت نماید، و سرانجام برای تسریع در پذیرش زبان روسی در میان اقوام ناحیه،

اجباری کردن آموزش زبان روسی در دوران تحصیل، به ویژه تحصیلات دانشگاهی، به کار گماردن افراد آشنا به زبان روسی در مناصب دولتی و استفاده از زبان روسی در مراکز اداری و رسانه های گروهی را به مرحله عمل در می آورد.

جدول ۱۷ – ۱ درصد افراد اقوام آسیای مرکزی که زبان ملی زبان اصلی آنهاست

در سالهای ۱۹۲۶ – ۱۹۷۰م/۱۳۰۵ – ۱۳۴۹ش (۱)

سال

۱۹۲۶م۱۳۰۵/ش۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش

ملیت

ازبکها۹۸/۹۸۵/۹۸۶/۹۹۴/۱

تاجیکها۹۷/۹۸۸/۹۸۵/۹۸۱/۳

ترکمنها۹۸/۹۸۷/۹۸۹/۹۷۹/۳

قرقیزها۹۷/۹۸۹/۹۸۸/۹۹۷

قزاقها۹۷/۹۸۵/۹۸۶/۹۹۴/۶

اما مشاهده می شود که پذیرش زبان روسی به عنوان زبان اصلی در میان اقوام آسیای مرکزی که مسلمان نیز هستند بسیار کم است (جدول ۱۷ – ۱) و زبان ملی در همه جا تحکیم یافته و حتی واژه های فنی به زبان روسی را که د رآنها وارد شده بود، حذف کرده

و لغات خاص زبان خود را جایگزین آنها کرده اند. و زبان روسی کم پیشرفت کرده و فقط به عنوان زبان دوم، در برخی مواقع استفاده می شود.

عدم پیشرفت روسها در منزوی کردن زبانهای ملی آسیای مرکزی را می توان در ویژگیهای زبانی مردم دانست. این زبانها در واقع نمادهای موجودیت قومی و ملی مردم هستند و همه اعضای جامعه از آن دفاع می کنند. ضمن آن که دور بودن این اقوام از حکومت مرکزی یا به عبارت دیگر در پیرامون قرار گرفتن آنها و وجود جمعیت گسترده و متحد را نمی توان نادیده گرفت.

بدیهی است که به علت پراکندگی اقوام در سطح ناحیه، هر گروه در هر کجا که سکونت دارد به زبان مادری تکلم می کند. بنابراین در هر یک از جمهوریها زبانهای گوناگونی رایج است (جدول ۱۸ – ۱).

۱- اکینر، شیرین، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه علی خزاعی فر، ص ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۷۹، ۳۹۲؛ امپراطوری فروپاشیده، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

جدول ۱۸ - ۱ نسبت تنوع زبانی به تفکیک جمهوریهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (درصد)(۱)

جمهوری

ازبکستانتاجیکستانترکمنستانقزاقستانقرقیزستان

زبان

ازبکی۶۹۲۲۸-۱۳

اوکراینی---۳-

تاتاری۳----

تاجیکی۴۵۹---

ترکمنی--۶۸--

روسی ۱۳۱۳۱۵۵۰۳۰

قزاقی۴-۳۳۶-

قرقیزی----۴۸

سایر۷۶۶۷۹

۵ – ۳ مذهب

آسیای مرکزی جایگاه آیین ها و مذاهب گوناگون است. این ناحیه در گذر زمان پذیرای کیش و مذهب گروههایی بوده است که به صورت مهاجم یا مهاجر وارد شده اند. در واقع آسیای مرکزی به صورت چهار راهی ضمن انتقال آیین های اعتقادی، خود نیز در جریان تحولات آیینی قرار گرفته است.

در روزگاران دور پرستش ماه، خورشید، ستاره ها، الهه ها و... در میان قبایل ناحیه رایج بود. بعدها آیین بودا که از شمال هندوستان توسط هیأتهای مذهبی در ناحیه گسترش یافت، یکی از مهمترین مذاهبی بود که پیروان زیادی یافت. اما بتدریج عوامل بیگانه ای از مذاهب زرتشت و مسیحیت در آن وارد شد و حتی در برخی نقاط ویژگیهای خاص خود را یافت که از اصول اصلی این مذهب به دور بود.

آیین زردشت که مبتنی بر تقدس آتش بود و سالیان دراز تا هنگام ظهور اسلام در ناحیه رایج بود، از مذاهبی بود که منشأ آن

در ایران بود و به وسیله ایرانیان به ناحیه برده شد. کیش مانی که در دوره ساسانیان گسترش یافت، دیگر مذهبی بود که از ایران به

ص:۹۰

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۱۱۴.

آسیای مرکزی نفوذ کرد و سالیان دراز در کنار آیین بودا و زرتشت، مذهب شماری از ساکنان آسیای مرکزی بود.

مسیحیت کلیسای روم در دوران مغول در آسیای مرکزی تبلیغ شد. پیش از آن و پس از استقرار پایگاه تشکیلاتی نسطوریان در «بغداد» و تبلیغ اصول عقیدتی آنها در آسیای

مرکزی مسیحیت نسطوری، از اهمیّت ویژه ای برخوردار بود. به طوری که در سال ۱۰۰۰ میلادی اسقف نشین نسطوریان در مرو ایجاد شد و تا زمان تیموریان به تبلیغ اصول خود پرداخت و مکانهای مذهبی متعددی بنا کرد. در زمان تیموریان گروه نسطوریان به همراه شماری از کلیساها و صومعه ها و متون مذهبی آنها از میان رفت(۱). مذهب مسیحیت گرچه از آن به بعد از رشد بازماند اما از بین نرفت و با تماسهای مسیحیان با کشورهای دیگر به حیات خود ادامه داد. در حال حاضر نیز پس از دین اسلام، مهمترین مذهب سکنه آسیای مرکزی مسیحیت است. به ویژه ساکنان قزاقستان و قرقیزستان عمدةً پیرو آیین مسیح می باشند.

دین اسلام پس از ظهور، رشد وتوسعه یافت و از نواحی شمال شرق ایران به آسیای مرکزی راه یافت. با تسخیر ماوراءالنهر و دیگر بخشهای آسیای مرکزی، اقوام ترک ناحیه که پیرو مسیحیت و آیینهای دیگر بودند به اسلام گرویدند. تصرف آسیای مرکزی با فتح شهر مرو در سال ۱۸ و به عبارتی ۲۲ هجری قمری آغاز شد و پس از آن با تأنی تداوم یافت، پیروزی «قتیبه بن مسلم» در سالهای ۸۶ - ۹۷ هجری قمری تقریبا تمام آسیای مرکزی را در قلمرو حکومت اسلامی قرار داد. گرچه گرایش ساکنان آسیای مرکزی به اسلام بسرعت صورت نگرفت و برخی از اقوام خیلی دیر مسلمان شدند، اما با گسترش دین اسلام در ناحیه و برقراری اسلام به عنوان مذهب رسمی، چشم اندازهای جغرافیایی تغییر کرد. این تغییر در برخی نقاط شدید و در بعضی جاها بسیار کند بود، اسلام همچنین تأثیر بسیاری بر حیات فرهنگی، مسائل قومی و زبانی، ادبیات و رشته های هنری بویژه معماری گذاشت.(۲)

رشد و گسترش اسلام تا زمان تسلط روسها بر ناحیه، ادامه یافت. با پیروزی کمونیست ها تهاجم آنها به مذهب آغاز شد. آنان با طرح شعارهایی علیه مذهب در زدودن عقاید مذهبی بویژه اصول اسلام در میان مسلمانان شوروی کوشیدند و برای

۱- ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای مذهبی آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س ۶، ش۲۲، ص۱۰۶.

۲- ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای مذهبی آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س ۶، ش۲۲، ص ۱۱۲.

رسیدن به این هدف اقدامات متعددی انجام دادند. به جز تعداد اندکی از مساجد، بیشتر آنها یا تخریب شدند و یا از انجام فعالیت مذهبی منع و بسته شدند. انجام کلیه فرایض شخصی و جمعی مذهبی مانند برگزاری نماز جماعت، مراسم عید قربان، انجام فریضه حج، گرفتن روزه و... ممنوع شد. همراه این اعمال تبلیغات دامنه دار و طولانی در مذمت

مذهب و ترویج اصول وعقاید مارکسیسم انجام گرفت. اما مسلمانان آسیای مرکزی با حفظ و حراست از آیین خود و انجام فرایض مذهبی به شیوه منطبق بر شرایط سخت، مانع از رکود و انزوای اسلام شدند و بدین سان اسلام در شرایط جدید تجدید حیات یافت، تجدید حیاتی که دارای موجودیت آگاهانه و ارادی است.(۱)

تا پیش از فروپاشی شوروی، یکی از چهار رهبری روحانی مسلمانان در تاشکند مستقر بود که هدایت مسلمانان آسیای مرکزی و قزاقستان را عهده داشت و قدرتمندترین رهبری روحانی بود. زیرا دو دانشگاه اسلامی که مسؤولیت تربیت علمای دینی را عهده دار بودند زیر نظر آن اداره می شدند. این دو مدرسه با نامهای «مدرسه میر

عرب» در بخارا و «مدرسه بارق خان» در تاشکند، تنها مراکز تربیت علمای اسلام در اتحاد جماهیر شوروی بودند. اما پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی ابتدا اداره دینی قزاقستان و سپس ترکمنستان و قرقیزستان از اداره دینی تاشکند جدا شدند و اداره های دینی مستقل تشکیل دادند.

بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می باشند، اسماعیلیه نیز در میان مسلمانان آسیای مرکزی پیروانی دارد اما نسبت به فرقه اهل سنت

شمار آنها اندک است. در ایام سلطه شوروی مسلمانان برای حفظ آیین خود بیش از آن که بر فرقه سنی و یا شیعه متکی باشند، با معرفی خود به نام مسلمان از اجرای سیاستهای تفرقه آمیز جلوگیری می کردند.

از نظر توزیع جغرافیایی، مسلمانان عمدةً در جمهوریهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، یعنی سرزمینهایی که در برهه ای از زمان از مراکز مهم نشر وترویج اسلام بودند، ساکنند (جدول ۱۹ – ۱).

۱- برای آشنایی بیشتر با اعمال مسلمانان در حکومت اتحاد جماهیر شوروی نگاه کنید به: دانکوس، هلن کارر، اسلام و مسلمانان روسیه، ترجمه حسن حبیبی، ص ۵۰ – ۸۰؛ امپراطوری فروپاشیده، ص۲۵۷ – ۲۷۷.

جدول ۱۹ - ۱ توزیع جمعیت مسلمان آسیای مرکزی به تفکیک جمهوری

در سالهای ۱۹۵۹، ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰م/۱۳۳۸، ۱۳۵۸ و ۱۳۶۹ش(۱)

ازبکستانتاجیکستانترکمنستانقرقیزستانقزاقستانجمع

سالتعداددرصدتعداددرصدتعداددرصدتعداددرصدتعداددرصدتعداددرصد

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۶۰۰۰۲/۴۶۱۳۹۷۸/۱۰۱۰۰۰۷/۷۹۶۵۴/۷۳۶۲۲۹/۲۷۱۲۹۸۴۱۰۰

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۲۴۵۶۲/۴۸۲۸۹۸۲/۱۱۲۰۲۸۸/۷۱۹۰۶۴/۷۶۵۵۶۴/۲۵۲۵۸۴۴۱۰۰

۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش ۱۵۶۲۰۸/۴۷۴۶۷۵۳/۱۴۲۸۴۹۷/۸۲۷۹۰۵/۸۶۷۴۰۶/۲۰۳۲۶۷۷۱۰۰

بنابه ارقام بالا مسلمانان در سال ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش نزدیک به ۵/۵۶ درصد و در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۴/۶۳ درصد از کل سکنه آسیای مرکزی را تشکیل می دادند، بیشترین مسلمانان در کشورهای ازبکستان و قزاقستان مستقرند. درحالی که اگر جمعیت هریک از جمهوریها و تعداد مسلمانان آنها را در نظر بگیریم مشخص می شود که درصد بزرگی از جمعیت کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، مسلمان هستند (نقشه ۱۷).

پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی، مسلمانان آسیای مرکزی عقاید خود را آشکار کردند و در بازگشایی و احداث بناهای مذهبی کوشیدند وانجام اعمال دینی را پی گرفتند. مساجد قدیمی «طلاشیخ»، «جامع یکه سرای» «جامع شیخ ضیاءالدین خان» در تاشکند، «مسجد جامع کلان» در بخارا «مسجد طلعتان بابا» در شهر «یولاتان»، «مسجد خواجه یوسف بابا همدانی» در شهر «بایرام علی» و «مسجدالاقصی» در عشق آباد ترکمنستان و همچنین مساجد متعدد در سمرقند و مساجد جامع اوش و بیشکک برای عبادات دایر شدند و در شهرهای آلماآتی، «ژامبیل»، چیمکنت،«تالدی فرغان»، «گوکچه تاو»، اورال، «آیتراو» و چند شهر دیگر اقدامات گسترده ای برای بازسازی مساجد جامع قدیم واحداث مساجد جدید صورت گرفته است، کشورهای مسلمان نیز آنان را در اجرای این امر یاری می کنند. ایران به عنوان همسایه و ترکیه، پاکستان و عربستان با اهداف متعدد در تجدید حیات اسلام به کمک مسلمانان آسیای مرکزی شتافتند.

۶ – ۳ تقسیمات کشوری

تقسیمات سیاسی به شکل کنونی آن پس از حاکمیت رژیم مارکسیستی در شوروی

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۱۱۵؛ «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه»، ص۵۲.

نقشه ۱۷

سابق شکل گرفت. در آن ایام حکومت مرکزی در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی خویش، محدوده تحت کنترل خود را به پانزده جمهوری تقسیم کرد. در این تقسیم بندی سیاسی مبنای تفکیک سرزمینها از یکدیگر ویژگیهایی قومی و ملیت بود و عوامل دیگر در اولویتهای بعدی قرار داشتند. همچنین بر طبق نظر اقتصاددانان وجغرافیادانان و با تکیه بر توانها و تنگناهای طبیعی واقتصادی بالقوه و بالفعل، جمهوری اتحاد جماهیر شوروی به چند منطقه اقتصادی مجزا شد.

ص:۹۴

سلسله مراتب تقسیم سیاسی در شوروی سابق به ترتیب اهمیت عبارت بود از: جمهوری، جمهوری خودمختار، اُبلست(۱)، رایون(۲)، نقاط شهری، رایون در نقاط شهری، شهرک و مجتمعهای روستایی.

نقشه ۱۸

پس از استقلال نیز همین سلسله مراتب تقسیمات سیاسی به عنوان میراثی از نظام اتحاد شوروی سابق برجای مانده است. بنابراین فقط دو کشور تاجیکستان و ازبکستان جمهوری خود مختار دارند و در سایر کشورها ابلستها، که در واقع همان مفهوم استان در ایران را دارد، بزرگترین واحد سیاسی به شمار می روند.

ص:۹۵

۱- tsalbO –

۲- noyaR –

مجموع کشورهـای آسـیای مرکزی متشـکل از دو جمهوری خود مختـار و ۴۶ اسـتان (اُبلست) می باشـد. جمهوری خودمختار گورنو بدخشان یا بدخشان کوهستانی در شرق تاجیکستان و جمهوری خود مختار قراقالپاق در غرب ازبکستان واقعند.

قزاقستان ۱۹ استان، ازبکستان ۱۶ استان، قرقیزستان ۱۶ استان و ترکمنستان و تاجیکستان(۱) هر یک ۵ استان دارند (نقشه ۱۸).

در میان شـهرهای مهم آسیای مرکزی، مراکز آنها یا به عبارتی پایتخت هر یک از کشورها، بزرگترین و مهمترین شهر به شمار می آینـد. پایتخت جمهوریهای آسـیای مرکزی همگی در نزدیکی مرزهای آنها قرار دارنـد و تاشـکند با بیش از دو میلیون نفر جمعیت بزرگترین آنها محسوب هستند.

برخلاف قزاقسـتان، در سایر جمهوریهای آسیای مرکزی بیشتر شهرهای مهم سابقه تاریخی طولانی دارند، این ویژگی به همراه تمرکز فعالیتهای صـنعتی و فرهنگی سبب تمرکز جمعیت در آنها شده است. بخارا، سمرقند، مرو، خیوه، خجند، تاشکند، اوش، «نارین» و چارجو تعدادی از این گونه شهرها می باشند.

۴ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۴ کلیّات

در پهنه آسـیای مرکزی، توان هـا و قابلیتهـای بسـیاری برای بهره برداری وجود دارد. در هر دوره تاریخی به مقتضای حاکمیت سیاسی و توانمندی ساکنان ناحیه در مقابله با تنگناها و رفع موانع موجود، بخشی از منابع و تواناییهای اقتصادی مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته اند.

اسـناد و مـدارک نشـان می دهنـد که در طول تاریـخ آسـیای مرکزی دامـداری به روش کوچ نشـینی و حمـل و نقل و تجارت کاروانی، شـیوه های مهم گـذران زنـدگی در ناحیه بوده انـد. با پیشـرفتهای علمی و گسترش حمل و نقل دریایی، حمل و نقل زمینی متکی بر کاروانهای تجاری از رونق افتاد و بر اهمیت دامداری و رونق کشاورزی افزوده شد. با

۱– گفته می شود پس از پایـان جنگ داخلی تاجیکسـتان. دو اسـتان «کولاب» و «قرغان تپه» در یکـدیگر ادغام شـده وتشـکیل استان واحدی به نام «ختلان» را داده اند، که در این صورت از تعداد استانهای تاجیکستان کاسته می شود.

تسلط روسها بر ناحیه بویژه پس از انقلاب اکتبر، دامداری به شیوه کوچ نشینی نیز تبدیل به دامپروری گردید.

در دوره حکومت کمونیستی تحولات شگرف اقتصادی در آسیای مرکزی رخ داد. بسیاری از زیرساختهای مورد نیاز توسعه بخشهای اقتصادی به وجود آمدند و در برنامه های اقتصادی، آسیای مرکزی برای انجام فعالیتهایی که توانهای محیطی شرایط مساعدی را فراهم می کرد، مورد توجه قرار گرفت و زیرسازهای لازم برای رشد و گسترش این فعالیتها فراهم شد.

حکومت شوروی در ابتدا براساس ویژگیهای محیطی و اقتصادی، قلمرو خود را به ۱۵ ناحیه اقتصادی و از سال ۱۹۶۰م/ ۱۳۲۹ش به بعد به ۱۹ ناحیه اقتصادی تقسیم کرد. این تقسیم بندی منفک از ناحیه بندی سیاسی بود، به همین دلیل محدوده ناحیه ها بر یکدیگر منطبق نبودند. دراین ناحیه بندی، چهارکشور ازبکستان،ترکمنستان، تاجیکستان، و قرقیزستان زیر نام آسیای میانه یکی از سه ناحیه اقتصادی رتبه اول و قزاقستان یکی از دو ناحیه اقتصادی رتبه دوم به شمار می آمدند، بدیهی است که هر یک از نواحی اقتصادی در داخل خود تقسیمات فرعی داشته و متشکل از چند خرده ناحیه بودند.

در هر یک از نواحی اقتصادی، فعالیتهای اقتصادی حول محورهایی که توانایی تولید آنها فراهم بود جهت دهی شد. بر این اساس ناحیه آسیای مرکزی که از عهد سلطه تزارها، پنبه روسیه را تهیه می کرد، برای تولید پنبه با کیفیت و کمیت مطلوبتر مد نظر قرار گرفت. این تقسیم بندی اقتصادی گرچه بهره برداری بهینه از منابع موجود را موجب شد، زمینه تخصصی شدن فعالیتهای اقتصادی و پیامد آن رونق اقتصاد تک محصولی را فراهم کرد، که نتیجه نهایی آن وابستگی جمهوریها به یکدیگر بود. موضوعی که پس از فروپاشی شوروی یکی از معضلات کشورهای مستقل مشترک المنافع در استقلال اقتصادی آنها می باشد و سالیان دراز زمان لازم است تا این جمهوریها بتوانند حداقل در

تأمین بخشی از نیازهای اساسی، خودکفا شوند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مشکلات اقتصادی گوناگونی در جمهوریهای نوپای آسیای مرکزی ظاهر شد. از یک سو به دلیل آن که گسستن پیوندهای اقتصادی و اتخاذ

شیوه هـای دیگر تولیـدی در کوتـاه مـدت نـاممکن است، این کشورهـا به ناچـار روابـط متقابـل اقتصـادی بـا یکـدیگر و سایر جمهوریهـای مسـتقل مشترک المنـافع را تـداوم بخشـیدند. به همین دلیـل هرگونه تحول سیاسـی و یا تغییر در روابط اقتصادی، سبب بروز مشکلات اقتصادی کلانی برای تمام جمهوریها خواهد شد.

از سوی دیگر هر یـک از جمهوریهـای آسـیای مرکزی پس از کسب اسـتقلال، تلاـش کرده انـد بـا تغییر سسـیتم اقتصـادی، از اقتصاد برنامه ریزی شـده دولتی به اقتصاد سـرمایه داری و بازار روی آورنـد، تقسـیم زمینهای کشاورزی میان زارعان، فروش و واگـذاری واحـدهای صـنعتی و گشایش مرزها بر روی سـرمایه گـذاران و سـرمایه های خارجی، انتخاب پول ملی، اخذ وام از مراکز مربوطه جهانی، افزایش میزان تقاضا برای کالاهای مصـرفی خارجی و... آشـکارترین جلوه های تعدیل سیاست اقتصادی این کشورهاست. نبود شـرایط مساعد لازم برای تحقق یافتن اصول اقتصادی جدید و مشـکلات ناشـی از تأثیر تحولات سیاسی در فعالیتهـای اقتصـادی، رسـیدن به اهـداف مورد نظر را بـا مشـکلاتی مواجه کرده است که حـل آنها و جهت دهی حرکتهای اقتصادی در مسیر دلخواه نیازمند گذشت زمان است.

در کنار مشـکلات ناشـی از اتخاذ تصـمیماتی برای تغییر سیاست اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، رخدادهای سیاسی ناشی از اسـتقلال کشورها، فعالیتهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار داد. در واقع سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵م/۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ش را می توان سالهـای کـاهش در میزان تولیـد محصولاـت کشـاورزی و صـنعتی کشورهـا، میزان حمـل و نقل، میزان سـرمایه گـذاری، ارائه خـدمات غیر رایگان، درآمدهای مردم و پیامد آن افزایش بهای کالاهای مصـرفی و محصولات صـنعتی، افزایش تورم و کسـر بودجه دانست. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش، میزان کل تولید محصولات داخلی، نسبت به سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در ازبکستان ۸۲درصد، در قرقیزستان ۵۰درصد و در قزاقستان ۴۵ درصد بوده است.(۱)

از اوایل سال ۱۹۹۶م/ ۱۳۷۵ش، با تثبیت وضـعیت سیاسـی و مشـخص شدن سازوکار فعالیتهای اقتصادی و جهت آن، بتدریج، فعالیتهای تولیدی روند عادی خود را بازیافتند.

در میان کشورهای آسیای مرکزی، فعالیتهای اقتصادی تاجیکستان به دلیل شرایط

ص:۹۸

۱- «اقتصاد کشورهای مشترک المنافع در سال ۱۹۹۵م»، اقتصاد خراسان، س۴، ش ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵، ص ۵.

سیاسی بحرانی و بی ثباتی، با رکود کامل مواجه شده، به طوری که در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶م نسبت به مدت مشابه سال قبل تولید انواع محصولات آن کاهش یافته است. ولی در سایر کشورها برخی محصولات مانند تولیدات صنعتی با کاهش و برخی محصولات مانند مواد سوختی و برخی کالاهای مصرفی با افزایش روبرو بوده اند.(۱)

گرچه سرزمینهای آسیای مرکزی در حال حاضر با مشکلات متعدد اقتصادی، در زمینه های کمبود تولید، نبود شرایط مساعد برای رونق سرمایه گذاریها، و گسترش روابط متقابل اقتصادی مواجه هستند، اما در سالهای آتی با بهره برداری بهینه از توانهای گوناگون و فراوان بالقوه و بالفعل خود، بر طرف کردن مشکلات موجود و اتخاذ تدابیر مناسب، می توانند در ردیف کشورهای مهم و ثروتمند دنیا قرار گیرند.

۲ – ۴ کشاورزی

اشاره

با وجود رونق و توسعه فعالیتهای صنعتی در چند دهه اخیر، هنوز کشاورزی رکن اصلی اقتصاد آسیای مرکزی به شمار می رود. سکونت بیش از نیمی از جمعیت ناحیه در نقاط روستایی و اتکای آنها به تولیدات بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، حاکی از اهمیت فزاینده فعالیتهای زراعی در اقتصاد ناحیه است.

۱ – ۲ – ۴ زراعت

عملیات زراعی در آسیای مرکزی بویژه قسمتهای جنوبی آن به دلیل این که قلمرو آب و هوای خشک و بیابانهای گسترده است ارتباط نزدیکی با آبیاری دارد. به دلیل کمی بارش، جریانهای زیرزمینی کمتر در تأمین آب مورد نیاز مفید بوده اند و عمدةً آبهای جاری و در برخی نقاط قناتها مورد استفاده قرار می گیرند، اراضی که بدون آبیاری مورد

بهره برداری قرار می گیرند، به حدی محدودند که نقش بسیار اندکی در تولید زراعی دارند.

محدودیت منابع آب سبب تمرکز و گسترش اراضی زراعی در اطراف رودخانه ها و دامنه کوهها شده است، بنابراین مهمترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی در شبکه آبیاری از دریاچه بالخاش تا دامنه کوههای تیان شان، پامیر و کپه داغ امتداد یافته اند و

۱– برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: «اقتصاد کشورهای مشترک المنافع در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶»، اقتصاد خراسان، س۴، ش۱۶۶، ۳شهریور ۱۳۷۵، ص۵.

مهمترین ناحیه زراعی، دره های بخش شرقی ناحیه می باشند.

مجموع اراضـی قابل کشت آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حدود ۳۱۵۷۰۰ هزار هکتار بود. که ۲۲۱۰۰۰ هزار هکتار آن در قزاقستان و ۹۴۷۰۰ هزار هکتار در چهار کشور دیگر قرار دارد.(۱)

همچنان که ذکر شد، سیستم آبیاری در عملکرد کشاورزی ناحیه نقش مؤثری ایفا می کند. تا اوایل قرن حاضر برای آبیاری از رودخانه های کوچک استفاده می شد. بعدها بهره برداری گسترده از دو رودخانه سیردریا و آمودریا مورد توجه قرار گرفت و با اجرای

برنامه های توسعه کشاورزی از سال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش به بعد، میزان برداشت آب از سیردریا و آمودریا شدت یافت و طرحهای متعـدد آبرسـانی به اراضـی بـایر بـا حفر کانالهـای آبرسـانی از دو رودخـانه مـذکور اجرا شـد. کانـال ترکمن باشـی (قره قـوم) معروفترین آنها است.

بهره برداری و انتقال آب سیردریا و آمودریا سبب افزایش قابل ملاحظه زمینهای کشاورزی شد. بیشتر این اراضی در دو کشور ازبکسـتان و ترکمنستان بودند، در ازبکستان این اراضی در اطراف رودخانه سیردریا و حوضه فرغانه؛ در تاجیکستان در حاشیه رودخـانه وخش، در ترکمنسـتان در اطراف آمودریـا؛ و در قرقیزسـتان در دره هـای رودخـانه چـو واقـع هسـتند. افزایش سـطح زمینهـای آبی تا اواخر دهه هفتاد ادامه داشت (جـدول ۲۰-۱). با آشـکار شـدن پیامـدهای ناگوار بهره برداری بی رویه از آب آمودریـا و سـیردریا که حاصـل آن کـاهش حجم و خشک شـدن دریاچه آرال بود، میزان برداشت آب از رودخانه ها کاهش یـافت، به طوری که متوسط میزان آب مورد اسـتفاده به منظور آبیاری در حوضه های آمودریا و سـیردریا از ۱۵۵۰۰ مترمکعب در هر هکتار در سال ۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش به رقم ۱۱۷۰۰ متر مکعب در هر هکتار در سال ۱۹۸۵م/ ۱۳۶۴ش کاهش یافت.

در جدول ۲۰ – ۱ که سـطح زمینهای آبیاری شده برای چهار کشور ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان ذکر شده، مشاهـده می شود که در یـک دوره بیست سـاله بین سالهـای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م/ ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ش حـدود ۱۳۸۲ هزار هکتـار یا معادل ۲۸درصد به وسعت اراضی آبی افزوده شده است.

۱- «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

جدول ۲۰ - ۱ وسعت اراضی آبیاری شده در حدفاصل سالهای

۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م/ ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ش (به ۱۰۰۰ هکتار)(۱)

سال سطح زیر کشت

۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش ۴۸۶۴

۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش ۵۸۰۶

۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۶۲۴۶

از سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش به بعد با بروز مشکلات زیست محیطی و انعکاس اخبار آن، سیاست افزایش سطح زیر کشت تعدیل می یابد (جدول ۲۱ - ۱) و با شروع دهه ۹۰ و استقلال جمهوریها، متوقف می شود.

جدول ۲۱ - ۱ میزان افزایش سطح زیرکشت آبی در حد فاصل سالهای

۱۹۷۱ - ۱۹۸۸م/۱۳۵۰ - ۱۳۶۷ش (به هزار هکتار)(۲)

دوره زمانی سطح زیرکشت

۱۹۷۵ - ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ - ۱۳۵۰ش ۷۴۰

۱۹۸۰ - ۱۹۷۶م/۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ش ۷۰۰

۱۹۸۵ - ۱۹۸۱م/۱۳۶۴ - ۱۳۶۰ش ۶۹۱

۱۹۸۸ - ۱۹۸۶م/۱۳۶۷ - ۱۳۶۵ش ۲۰۸

بنابراین از سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۵ش به بعد میزان افزایش سطح زیرکشت در چهار کشور ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان به شدت کاهش می یابد به طوری که در سال ۱۹۸۸م/۱۳۶۷ش فقط ۳۸ هکتار از اراضی بایر به زیر کشت رفته اند.

وضعیت کشور قزاقستان کمی با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی متفاوت است. افزایش اراضی آبی این سرزمین، که بخش جنوبی آن در قلمرو اراضی خشک قرار دارد، از اوایل سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش آغاز شد واز آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز روند دایر کردن اراضی بایر کاهش یافت.

لازم به ذکر است که در طی چند دهه اخیر علاوه برآن که آب مورد نیاز زمینهای

۱- «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۸۷.

۲- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه وقزاقستان، ص ۱۳۸.

کشاورزی تأمین شد، شیوه های آبیاری نیز تغییر کرد. روش آبیاری غرقابی منسوخ و روش آبیاری قطره ای رایج شد. تا پیش از این، به کارگیری روش آبیاری غرقابی و نبود سیستم زهکشی مناسبِ با خاکهای شور سبب شده اند که بخشی از اراضی زراعی بویژه در اطراف کانال قره قوم به خاکهای شور و غیرقابل بهره برداری تبدیل گردند. شور شدن خاکها ضمن آن که ضایعات تولید را افزایش داد، سبب آلودگی آب شرب مردم شد که حاصل آن شیوع بیماریهای واگیردار و بالا رفتن میزان مرگ ومیر در میان ساکنان ناحیه بود.

سطح زمینهای زیرکشت در آسیای مرکزی بسیار کمتر از مساحت اراضی قابل کشت است. و به دلیل محدودیت آب، دیمزارها وسعت اندکی از زمینهای زراعی را تشکیل می دهند. در چهار کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان وقرقیزستان از مجموع اراضی زیرکشت (جدول ۲۲-۱) در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱/۳۱درصد و در سال ۱۹۸۶م/ ۱۳۵۵ش، ۴/۱۷درصد زمینهای دایر به کشت دیم اختصاص داشت.

جدول ۲۲ - ۱ وسعت اراضی زراعی آسیای مرکزی (بدون قزاقستان) در سالهای

۱۹۴۰ - ۱۹۸۸م/ ۱۳۱۹ - ۱۳۶۷ش (به هزار هکتار)(۱)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

سال

۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش۱۳۶۹ش

وسعت اراضی۵۳۱۰۵۰۷۰۵/۵۴۰۷۶۱۴۱۶۹۲۵۷۷۵۴

فرایند تولید زراعی: تا پیش از استقلال جمهوریها، عملیات زراعی در قالب شیوه رایج در تمام اتحاد شوروی انجام می شد، از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش به بعد با فروپاشی شوروی تغییراتی در شیوه های بهره برداری کشاورزی به وجود آمد اما چون هنوز آن شیوه ها رایج هستند و تغییرات جزیی در آنها به وجود آمده، شرح مختصری درباره آنها آورده می شود.

بهره برداری کشاورزی در آسیای مرکزی به سه روش انجام می شود و زارعان در

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه وقزاقستان، ص ۱۴۴.

قالب مجتمعهای کشاورزی به نامهای سوخوز(۱) و کلخوز(۲) و همچنین زمینهای خصوصی انجام وظیفه می کنند.

سوخوزها: در واقع مجتمع های کشاورزی دولتی هستند، از ویژگیهای بارز این مجتمع ها می توان به وسعت زیاد مزارع، وجود نیروی ماهر و متخصص، کاربرد گسترده ماشین آلات و استفاده از جدیدترین اطلاعات علمی اشاره کرد. نیروی کار مورد نیاز سوخوزها در استخدام مجتمع هستند و در مقابل انجام کار مزد دریافت می کنند تمام وسایل، سکونتگاهها، حتی چگونگی انجام مراحل کاشت، داشت و برداشت و مدیریت سوخوزها تحت نظر دولت است. محصول نیز تعلق به دولت دارد. سوخوزها از نظر وسعت اراضیِ بزرگتر، تعداد خانوارِ بیشتر، و بهره وری زراعی بالاتر، وضعیت بهتری نسبت به کلخوزها دارند.

کلخوزها: مجتمع هایی هستند که فعالیتهای کشاورزی در آنها به صورت اشتراکی انجام می شود فعالیت اصلی هر کلخوز توسط دولت و با توجه به توانهای محیطی و برنامه های اقتصادی تعیین می شود. تمام فعالیتهای زراعی زیر نظر مدیر منصوب دولت، انجام می شود و پس از برداشت محصول، تقسیم محصول براساس میزان تخصص و کارایی اعضا انجام می شود.

گرچه در هر کلخوز ممکن است چند محصول تولید شود. اما اعضای مجتمع موظف هستند حداقل ۸۰درصد از سطح زیرکشت را به تولید محصول تعیین شده از سوی دولت اختصاص دهند. مالکیت کلخوزها دولتی است، اما برخی از زارعان قطعه زمین و یا تعدادی دام دارند که تولیدات آن برای مصارف شخصی یا فروش در بازار اختصاص می یابد. در هر کلخوز تمام امکانات مورد نیاز یک مجتمع کشاورزی و یک مجتمع زیستی فراهم است.

زمینهای خصوصی: در بعضی کلخوزها چند قطعه زمین کوچک وجود دارد. این زمینها متعلق به اعضای کلخوز می باشد و آنان پس از کشت و زرع حاصل تولید را در بازار به فروش می رسانند. برخی نیز به کاشت اقلام مورد نیاز خود می پردازند. معمولاً

۱- zohkuoS -

۲- zohkloK -

سبزیها و صیفی ها عمده ترین محصول زمینهای خصوصی هستند و زارعان برای بهره وری بیشتر فعالیت زیادی انجام می دهند. میزان زمین خصوصی زارعان حدود ۱/۰ هکتار و تعداد دام آنها بین یک تا ۳ رأس می باشد.

محصولات: مهمترین مشکل کشاورزی در آسیای مرکزی کم آبی است. چنانچه این مشکل برطرف شود به علت تنوع آب و هوا، امکان پرورش انواع محصولات زراعی فراهم است. در حال حاضر پنبه، حبوبات، غلات، میوه، سبزی، علوفه دامی، چغندرقند و سیب زمینی، مهمترین محصولات آسیای مرکزی هستند (جدول ۲۳ - ۱). فرآورده های دامی نیز بخشی از تولیدات کشاورزی، بویژه در جمهوریهای ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان، را تشکیل می دهند.

جدول ۲۳ - ۱ میزان تولید برخی از محصولات کشاورزی آسیای مرکزی

در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش (به میلیون تن)(۱)

نام محصول	میزان تولید
انگور	۶/۱
غلات	۳/۲۷
پنبه	۷/۷
چغندر قند	۳/۱
سیب زمینی	۵/۷
میوه	۷/۲

الف - پنبه: مهمترین محصول زراعی آسیای مرکزی پنبه است و کشت آن در ناحیه قدمت طولانی دارد. گفته می شود در ایام تسلط تزارها کشت پنبه رونق یافت، به طوری که تا پیش از انقلاب اکتبر تقریبا ۹۰ درصد پنبه مصرفی روسیه در آسیای مرکزی تولید می شد.(۲) در دوران حکومت کمونیستها نیز بر اهمیت کشت پنبه افزوده شد و ضمن به زیر کشت بردن اراضی بایر بخشی از سطح زیرکشت محصولات دیگر نیز به تولید پنبه اختصاص یافت.

بخش وسیعی از مهمترین اراضی کشاورزی آسیای مرکزی به کشت پنبه اختصاص

۱- مهاجرانی، مصطفی، «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی،دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ص ۱۴۹.

۲- ریوکین، مایکل، حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ترجمه محمود رمضان زاده، ص ۶۹.

یافته است. دره فرغانه، دره «سرخان دریا»، حوضه «مرغاب»، حوضه زرافشان، حوضه تجن، «استپ گلودین»(۱)، «چرچیق»(۲)، «آنگرن»(۳)، زمینهای پست اطراف دو رودخانه آمودریا و سیردریا و زمینهای چیمکنت(۴) در قزاقستان مهمترین مراکز کشت پنبه به شمار می آیند.

کشت پنبه در برخی جمهوریها بیش از نیمی از اراضی زراعی را در برداشته است. به طور مثال در ازبکستان ۶۰درصد زمینهای کشاورزی به تولید پنبه اختصاص داده شده است. در نقاط مختلف جمهوریها نیز همین وضعیت حاکم است، مثلاً در دره فرغانه تا ۷۲ درصد زمینها، زیرکشت پنبه است. وسعت سطح زیر کشت پنبه در مدت ۳۸ سال از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۲۹ تا ۱۳۶۷ش حدود ۲ برابر شده است (جدول ۲۴ – ۱).

جدول ۲۴ – ۱ وسعت زمینهای زیرکشت پنبه در سالهای

۱۹۵۰ – ۱۹۸۸م/۱۳۲۹ – ۱۳۵۷ش (به هزار هکتار)(۵)

سال	سطح زیر کشت
۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش	۹/۱۵۳۸
۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۸/۱۹۵۷
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۶/۲۵۵۲
۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش	۲۸۹۷
۱۹۸۸م/۱۳۵۷ش	۳۱۳۳

افزایش سطح زیرکشت پنبه سبب افزایش میزان تولید آن شد (جدول ۲۵ – ۱). اما این روند در طی زمان یکسان نبود. به عبارت دیگر به مرور زمان به علت مشکلات مربوط به کیفیت خاک میزان تولید پنبه کاهش یافت و برای جبران این ضایعه، بر سطح زیر کشت افزوده شد، به جای آن که میزان تولید در واحد سطح افزایش یابد.

۱- Glodin steppe -
۲- Chirchik -
۳- Angren -
۴- Chimkent -
۵- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۹.

جدول ۲۵ – ۱ میزان تولید پنبه آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۱۳ تا ۱۹۷۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ش (به هزار تن)(۱)

سال	میزان تولید
۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش	۶۶۱
۱۹۴۰م/۱۳۳۹ش	۱۹۵۷
۱۹۶۴م/۱۳۴۳ش	۴۷۴۵
۱۹۷۵ – ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ – ۱۳۵۰ش	۷۲۲۶
۱۹۷۸ – ۱۹۷۶م/۱۳۵۷ – ۱۳۵۵ش	۷۹۶۵

افزایش کشت پنبه همراه با اقداماتی برای بهبود کیفیت الیاف پنبه نبود، بنابراین نه تنها کیفیت پنبه مرغوبتر نشد بلکه نسبت سهم پنبه مرغوب از کل تولید کاهش یافت. به طوری که در اوایل دهه ۱۹۷۰م حدود ۷۷ درصد از پنبه تولیدی کیفیت مرغوب داشت، ولی در دهه ۱۹۸۰م این رقم به ۵۸درصد کاهش یافت.(۲)

لازم به ذکر است که تولید پنبه درآسیای مرکزی سبب کاربری بخش اعظم منابع آب و زمینهای کشاورزی شده و بخش مهمی از جمعیت ناحیه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیتهای وابسته به کشت پنبه اشتغال دارند. اما توسعه کشت پنبه سبب کاهش سطح زیرکشت محصولات غذایی و وابستگی آنها به کشورهای دیگر برای تأمین نیازهای اساسی شده است. ضمن آن که پنبه تولیدی نیز در ناحیه مصرف نمی شود و پس از تبدیل به محصولات دیگر در سایر کشورها، با قیمت گرانتر به ناحیه باز می گردد. گرچه پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی اقداماتی برای گسستن این روابط اقتصادی انجام شده است، اما به دلیل وابستگی عمیق اقتصادی شرایط مناسب برای دگرگون شدن روابط اقتصادی فراهم نشده است.

ب – غلات و حبوبات: در گذشته نه چندان دور آسیای مرکزی از نظر تولید مواد غذایی خودکفا بود. با اجرای برنامه های افزایش تولیدپنبه از طریق افزایش سطح زیر کشت، از سطح زمینهای زیر کشت محصولات غذایی کاسته شد. به طوری که وسعت زمینهای زیرکشت حبوبات در کشورهای ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان از ۵۷درصد کل اراضی در سال ۱۹۴۰م به ۲۲ درصد در سال ۱۹۸۶م/

۱– حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص ۷۰.

۲– ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۱۵۱.

۱۳۶۵ش کاهش یافت.

این امر در حالی رخ داد که در همین مقطع زمانی سطح زیادی از زمینهای بایر، آباد و به زیر کشت رفته اند. کاهش سطح زیرکشت محصولات غذایی بویژه در کشورهای پنبه خیز ناحیه کسری مواد غذایی و نیاز به واردات آنها را آشکار کرد، به همین جهت در دهه

۱۹۷۰ دولت شوروی برنامه هایی برای تولید بیشتر حبوبات و غلات تهیه کرد. برطبق این برنامه ها زمینهایی در شمال قزاقستان به کشت غلات و حبوبات اختصاص یافت و در دیگر کشورها نیز با تبدیل کشت دیم به کشت آبی بر میزان بازدهی محصول در واحد سطح افزوده شد (جدول ۲۶ – ۱).

جدول ۲۶ – ۱ میزان تولید غله در آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۱۳ تا ۱۹۷۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ش (به ۱۰۰۰تن)(۱)

میزان تولید

سالقزاقستانسایر کشورهاجمع

۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش۲۱۶۲۱۸۲۲۳۹۸۴

۱۹۴۰م/۱۳۲۹ش۲۵۱۶۱۶۳۷۴۱۵۳

۱۹۶۱م/۱۳۴۰ش۱۴۶۷۲۱۲۴۲۱۵۹۱۴

۱۹۷۵ – ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ – ۱۳۵۰ش۲۱۶۶۲۲۴۹۴۲۴۱۵۶

۱۹۷۸ – ۱۹۷۶م/۱۳۵۷ – ۱۳۵۵ش۲۵۱۴۲۳۹۵۳۲۹۰۹۵

۲ – ۲ – ۴ دامداری

دامداری که در گذشته مهمترین فعالیت بخش اعظم جمعیت ناحیه بود. اکنون از حالت عشایری خارج شده و شیوه دامپروری رونق یافته است. پرورش دام در ناحیه، بویژه در کشورهای جنوبی، عمدةً برای استفاده از پوست و موی حیوانات است و این محصولات به کشورهای دیگر صادر می شود. فرآورده های شیری و گوشت دامها در داخل ناحیه مصرف می شود (جدول ۲۷ – ۱).

به غیر از مراتع طبیعی بخشی از زمینهای کشاورزی به تولید محصولات علوفه ای به

۱- حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص ۷۰.

منظور تغذیه دامها اختصاص یافته است. از سطح زیر کشت این اراضی نیز در سالهای اخیر کاسته شده است. اما به دلیل کاربرد فنون و اصول جدید و علمی، میزان محصول نه تنها کاهش نیافته، بلکه با وجود کاهش سطح زیرکشت به میزان ۷۶درصد در سال ۱۹۸۶م/ ۱۳۶۵ش، نسبت به سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش، افزایش قابل توجهی داشته است.

جدول ۲۷ – ۱ میزان تولید محصولات دامی عمده در آسیای مرکزی در سال

۱۹۸۹م/ ۱۳۶۸ش (به میلیون تن)(۱)

نام محصولمیزان تولید

پشم ۱۸/۰

شیر ۱/۱۰

گوشت ۳/۱

۳ – ۴ منابع معدنی

اشاره

اسناد و مدارک بجا مانده از چند قرن قبل حاکی از آن است که با وجود رونق فعالیتهای دامداری و تجاری بسیاری از کانی ها و منابع زیرزمینی مانند آهن، قلع، نقره، طلا، مس، نفت، شوره و مصالح ساختمانی را ساکنان می شناختند و با استخراج و تبدیل آنها به ابزار مورد نیاز، مورد استفاده قرار می دادند.(۲) بدیهی است که منابع معدنی به طور یکنواخت در سطح ناحیه پراکنده نبودند و در هر نقطه ای یک یا چند کانی به وفور

مشاهده می شد. روابط تجاری موجود در ناحیه و دادوستد کانیها، ساکنان ناحیه را از دنیای خارج تقریبا بی نیاز کرده بود.(۳)

در زمان حاضر نیز آسیای مرکزی منابع معدنی متنوعی دارد. استخراج و بهره برداری بهینه می تواند از یک سو نیازهای ناحیه را برطرف کند و از سوی دیگر از کالاهای صادراتی پردرآمد به شمار آید.

در میان کانیهای موجود در ناحیه، مواد سوختی و کانیهای فلزی نقش مهمی در اقتصاد این کشورها دارند (جدول ۲۸ – ۱). به طوری که در ازبکستان گاز طبیعی و طلا، در تاجیکستان اورانیوم، در ترکمنستان گاز، در قرقیزستان اورانیوم و در قزاقستان نفت،

گاز و فلزات در اقتصاد آنها جایگاه ویژه ای دارند (نقشه ۱۹).

۱- «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، ص ۱۴۹.

۲- دوابنوا، م. آ، زمین شناسـی ایران، استخراج مواد معدنی در آسیای میانه در سده های ۱۶ - ۱۹، ترجمه شهپر داراب نیا، ص ۱۲۲.

۳- برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به همان منبع.

جدول ۲۸ - ۱ میزان تولید برخی از مواد معدنی در آسیای مرکزی

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (۱)

مادّه خاممیزان تولید

زغال سنگ ۹/۸۶ میلیون تن

نفت ۶/۱۴ میلیون تن

گاز ۱/۱۴۷ میلیارد مترمکعب

مس ۳۴۲ هزار تن

روی ۴۳۵ هزار تن

کروم ۵/۱۰۳۵ هزار تن

طلا ۸/۴۵ تن

نقره ۷۲۸ تن

نقشه ۱۹

ص:۱۰۹

۱- آکیمف، الکساندر، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، ش۸، ص ۳۲۲.

به دلیل آن که نفت و گاز و زغال سنگ به عنوان منابع انرژی اهمیت زیادی در اقتصاد ناحیه دارند توزیع جغرافیایی آنها بررسی می شود.

۱ – ۳ – ۴ زغال سنگ

تقریبا در تمام کشورهای ناحیه حوزه های زغال سنگ وجود دارند، اما مهمترین و بزرگترین این معادن در جمهوری قزاقستان قرار دارند، در جمهوری ترکمنستان حوزه های زغال سنگ محدودتر و کم اهمیت تر هستند. مهمترین مراکز زغال سنگ ناحیه عبارتند از :

ازبکستان: حوزه درّه فرغانه، حوزه «سامسار»(۱) در اطراف شهر «نمنگان»

تاجیکستان: حوزه «تابوشار»(۲) در کوههای «کوراما»(۳)

قزاقستان: حوزه «اکی باستوز»(۴) در حد فاصل شهرهای «پاولودار»(۵) و «آق مولا»(۶) (تسلینوگراد)، حوزه «قراغاندی»(۷) (کارگاندا) و حوزه «آنگارن»(۸)

قرقیزستان: حوزه «کارابالتا»(۹)، حوزه «کاجی سای»(۱۰) (کاتزی سای)، «سنترال نایا»(۱۱) در پایکوههای ارتفاعات تیان شان

میزان تولید زغال سنگ در آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۲م/ ۱۳۱۹ تا ۱۳۷۱ش در جدول ۲۹ – ۱ نشان داده شده است.

از میان منابع تولید انرژی، استخراج و بهره برداری از زغال سنگ سابقه طولانی تری دارد، به طوری که بهره برداری گسترده از حوزه زغال سنگ قراغاندی از سال ۱۹۳۰م/

ص:۱۱۰

۱- rasmaS -

۲- rahsubaT -

۳- amaraK -

۴- zutsabikE -

۵- radolvaP -

۶- (alomqA (dargonilseT -

۷- (ydnahgaraQ (adnagaraK -

۸- neragnA -

۹- atlaB araK -

١٠- yaS ihzdaK -

١١- ayaN laretneC -

۱۳۰۹ش آغاز شد، به همین علت برخی از مهمترین صنایع آسیای مرکزی در نزدیکی

حوزه های زغال سنگ متمرکز شده اند.

جدول ۲۹ – ۱ میزان تولید زغال سنگ در آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۴۰ – ۱۹۹۲م/ ۱۳۱۹ – ۱۳۷۱ش (به میلیون تن)(۱)

سال	میزان تولید
۱۹۴۰م/۱۳۱۹ش	۸
۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش	۲۱
۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۴۰
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۷۱
۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش	۱۳۵

۲ – ۳ – ۴ نفت و گاز

در سالهای اخیر منابع طبیعی انرژی مورد توجه قرار گرفته است و اقدامات متعددی برای شناسایی، استخراج و بهره برداری از منابع نفت و گاز انجام شده، اما فقط تعدادی

معدود از چاههای نفت و گاز به مرحله استخراج رسیده اند.

مهمترین حوزه های نفت و گاز آسیای مرکزی در غرب ناحیه و عمدةً در مجاورت منابع آب قرار دارند. بنابراین در کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان که در شرق آسیای مرکزی واقعند، حوزه های نفت و گاز کوچک و کم اهمیت می باشند. مهمترین حوزه های نفت و گاز ناحیه عبارتند از :

ازبکستان: حوزه نفتی جنوب دریاچه آرال، حوزه نفتی فرغانه، میادین گاز بخارا، خیوه و «گازلی»

ترکمنستان: حوزه فلات قاره دریای خزر در شبه جزیره «چلکن»(۲)، حوزه «نبیت داغ»(۳)، حوزه «بارساگلمز» در اطراف گوک تپه(۴)، حوزه داش حوض(۵)، حوزه

۱- «وضعیت کلی انرژی در شوروی» راهبرد، س۱، ش۱، بهار ۱۳۷۱، ص ۵۳؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، گیتاشناسی، ۱۳۷۴، ص ۵۷، ۷۲، ۱۰۰ و ۱۱۹.

۲- nekelehC -

۳- gaD tibeN -

۴- epat koeG -

۵- zuwoH haD -

«کارپیچلی»(۱)، حوزه «شاتلیک»(۲)، حوزه «قوم داغ»(۳)

قزاقستان: حوزه «منقشلاق»(۴) در جنوب رود امبا، حوزه «دوسور»(۵) و «ماکات»(۶) در اطراف رود امبا، حوزه «اوزن وزتی بای»(۷)، حوزه تنگیز

تعدادی از حوزه های نفت و گاز ذکر شده مانند میدان نفتی تنگیز و حوزه گاز داش حوض به تازگی شناسایی شده اما هنوز به مرحله استخراج نرسیده اند و برخی دیگر سالهاست که بهره برداری می شوند مانند حوزه نبیت داغ که از سال ۱۹۳۲م/ ۱۳۱۱ش استخراج نفت آن آغاز شده است.

به غیر از قزاقستان که میزان تولید نفت و گاز آن بیش از میزان مصرف داخلی می باشد، سایر کشورهای ناحیه با وجود دارا بودن منابع مذکور، ناچارند بخشی از تقاضای مصرف خود را از سایر کشورها خریداری کنند. عدم سرمایه گذاری در شناسایی حوزه های نفت و گاز و پایین بودن میزان استخراج علل این امر می باشند. در جدول ۳۰ - ۱ میزان تولید نفت ناحیه در سالهای اخیر مشخص شده است

جدول ۳۰ - ۱ میزان تولید نفت آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۷۰ - ۱۹۹۱م/۱۳۴۹ - ۱۳۷۰ش (به میلیون تن)(۸)

سالمیزان تولید

۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۸/۳۲

۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش ۹/۳۱

۱۹۷۷م/۱۳۵۶ش ۴/۳۳

ص:۱۰۹

۱- ylhcypraK -

۲- ekiltahS -

۳- gaD muK -

۴- kalhsygnaM -

۵- rossoD -

۶- takaM -

۷- yabitzev nezU -

۸- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۴؛ «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص۳۲۲.

۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش ۶/۲۴

ص:۱۱۲

بیشتر حوزه های گاز در ترکمنستان و ازبکستان قرار دارند. بخش اعظم گاز تولیدی ناحیه همچون سالهای آغازین استخراج، اکنون نیز به روسیه و سایر جمهوری های مستقل مشترک المنافع صادر می شود. در سالهای پس از استقلال از میزان استخراج نفت و گاز به دلیل عدم پرداخت بدهیهای خریداران آنها در کشورهای مستقل مشترک المنافع و عدم دسترسی آسان به بازارهای مصرف جهانی کاسته شده است (جدول ۳۱ – ۱).

جدول ۳۱ – ۱ میزان تولید گاز طبیعی آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۷۰ – ۱۹۹۳م/۱۳۴۹ – ۱۳۷۲ش (میلیارد متر مکعب) (۱)

سالمیزان تولید

۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۲/۴۳

۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش ۱/۶۵

۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش ۶/۹۸

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۵/۹۶

۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش ۱/۱۴۷

۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش ۸/۱۱۶

در آسیای مرکزی به دلیل آن که سوخت خانگی نیروی برق است، نفت و گاز برای سوخت کارخانه های صنعتی و همچنین صنایع پتروشیمی استفاده می شوند به همین دلیل بیشتر پالایشگاهها، صنایع پتروشیمی و صنایع کارخانه ای مهم در اطراف حوزه های نفت و گاز مستقر شده اند.

منابع نفت و گاز یکی از موارد مهم همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای جهان پس از استقلال آنها بوده است. سرمایه گذاریهای کلان و متعدد از سوی کشورهای غربی برای شناسایی مخازن جدید، توسعه حوزه های نفت و گاز موجود، افزایش میزان استخراج و پالایش و احداث پالایشگاه انجام شده است و جمهوریها نیز برای رساندن محموله های نفت وگاز خود به بازارهای مصرف، قراردادهایی با کشورهای همجوار به امضا رسانیده اند. در واقع کشورهای ناحیه بویژه ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان، نفت و گاز خود را به عنوان یکی از محورهای شکوفایی اقتصاد و توسعه پویا به شمار می آورند.

۱- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۴؛ «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص۳۲۲؛ کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۸، ص۳۱۲.

۴ – ۴ صنایع

صنایع آسیای مرکزی در دو زمینه صنایع مرتبط با کانیها و صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی، رشد و توسعه داشته است.

استخراج و پالایش مواد خام، تبدیل کانیها به مواد اولیه مورد نیاز صنایع و تولید ابزار و وسایل مهمترین فعالیتهای بخش صنعت در ناحیه به شمار می روند. استخراج نفت و گاز، آهن، زغال سنگ، مصالح ساختمان و دیگر مواد کانی، ذوب فلزات، صنایع سنگین هواپیماسازی، کشتی سازی، ساخت لوکوموتیو، ساخت تجهیزات، ساخت مراکز نیرو، ماشین آلات، ساخت ابزار مورد نیاز صنایع شیمیایی از مهمترین صنایع بخش معادن و کانیها به شمار می آیند. بیشتر صنایع فعال در بخش صنایع سنگین در ازبکستان متمرکز و

صنایع تولید مواد خام و کالاهای تولیدی اولیه در سایر کشورها مستقرند همچنین مرکز آزمایشهای هسته ای و اتمی آسیای مرکزی و تنها پایگاه فضایی و موشکی ناحیه در قزاقستان فعالیت دارند.

صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی مشتمل بر صنایع غذایی، صنایع تولید پوشاک و صنایع وابسته به محصولات دامی است.

کارخانه های تولید لبنیات، روغن کشی، تهیه کنسرو گوشت و ماهی و قند و شکر مهمترین واحدهای فعال در بخش صنایع غذایی می باشند. کارخانه های پنبه پاک کنی، نساجی و تولید پوشاک از صنایع بخش پوشاک به شمار می آیند. صنایع وابسته به محصولات دامی شامل کارخانه های تهیه چرم و تولید وسایل چرمی و همچنین مراکز فعال در زمینه فعالیتهای گوناگون قالی بافی هستند.

به دلیل آن که صنایع در مجاورت مراکز تولید مواد خام احداث شده اند، صنایع تهیه پوشاک بیشتر در ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان مستقرند، و کارخانه ها و صنایع تولید

مواد غذایی و محصولات دامی در سطح کل ناحیه به نسبت وفور مواد اولیه پراکنده اند.

بسیاری از صنایع آسیای مرکزی همگام با تحولات فن آوری نوسازی نشده اند. این وضعیت بویژه در صنایع مستقر در قسمتهای شرقی و جنوبی ناحیه آشکارتر است. اگر چه این بخشها، تمام شرایط لازم برای استقرار و توسعه برخی از صنایع را ندارند. اما در

همان توانها و قابلیتهای موجود نیز صنایع اندکی راه اندازی شده اند و آنان نیز همگام با

ابداع روشهای نوین تولید واختراع و ساخت ابزار تکنیکی جدید متحول نشده اند. علت اصلی این رویکرد را می توان، موقعیت جغرافیایی، پیرامونی بودن آسیای مرکزی و همچنین عدم موفقیت روسها در اجرای برنامه های خود در از بین بردن تعلقات ملّی و مذهبی ساکنان ناحیه، و رواج فرهنگ روسی و ایده ئولوژی مارکسیستی در میان آنها دانست، که پیامد نهایی آن بهره برداری روسها از مواد اولیه ارزان و فراوان ناحیه وعدم

سرمایه گذاری در صنایع مادر برای پیشرفت و توسعه بود. لازم به ذکر است که وضعیت قزاقستان نسبت به سایر کشورهای ناحیه تا حدودی متفاوت است، زیرا از یک سو وسعت زیاد و وجود شرایط نسبتا مساعد طبیعی و از سوی دیگر نزدیکی فیزیکی و فرهنگی قزاقستان با روسیه و سکونت تعداد بی شماری روس در این سرزمین سبب سرمایه گذاری بیشتر روسها شده است.

۵ – ۴ انرژی

نفت و گاز، انرژی الکتریسیته و زغال سنگ به ترتیب مهمترین منابع انرژی ناحیه محسوب می شوند (جدول ۳۲ – ۱). بدیهی است در هر جمهوری نوع انرژی مصرفی با وفور منابع انرژی ارتباط دارد، به طور یکه در ترکمنستان نفت و گاز به همراه برق تولیدی

از نیروگاههای حرارتی، انرژی مورد نیاز را تأمین می کنند، در تاجیکستان و قرقیزستان

برق حاصل از نیروگاههای آبی مهمترین منبع تولید انرژی است.

جدول ۳۲ – ۱ میزان تولید منابع انرژی زای آسیای مرکزی در سالهای

۱۹۷۹ و ۱۹۹۱م/۱۳۵۸ و ۱۳۷۰ش (۱)

منبع انرژیمیزان تولید

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

نیروگاه برق (میلیون کیلووات)۹/۱۸۵۴/۱۸۸

نفت و مایعات گازی (میلیون تن)۳۴۶/۲۴

گاز (میلیاردمتر مکعب)۴/۱۴۰۸/۱۴۶

زغال سنگ (میلیون تن)۵/۱۴۶۱۳۵

۱- کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، شماره های ۷۴، ۷۵ و ۷۶.

در قزاقستان در کنار زغال سنگ، نفت، گاز و برق حاصل از نیروگاههای حرارتی و آبی، یک نیروگاه اتمی نیز برای تولید برق احداث شده است. در کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان که شرایط طبیعی مناسب برای تولید الکتریسته برق آبی وجود دارد. بخشی از تولید به کشورهای همجوار صادر می شود.

در برخی کشورها به منظور برخورداری از عامل صرفه اقتصادی، انرژی الکتریسته تولیدی در نزدیکی مرزها، به کشورهای همسایه صادر شده و بخشهای دیگر که با کمبود انرژی مواجهند از نزدیکترین مرکز تولید انرژی الکتریسته برق مورد نیاز را دریافت می کنند.

۶ – ۴ شبکه حمل و نقل

اشاره

تا پیش از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، کشف نیروی بخار، گسترش و توسعه خطوط دریایی واحداث راه آهن، حمل و نقل جاده ای با استفاده از چهارپایان و تشکیل کاروانهای تجاری، مهمترین وسیله جابجایی کالا و مسافر در تمام جهان بود. عبور شاهراه تجاری جهانی در آن ایام، که بعدها جاده ابریشم نام گرفت از آسیای مرکزی نقشی متمایز برای سرزمینهای این ناحیه، در تبادلات بازرگانی جهان فراهم کرده بود.

جاده ابریشم که آسیا را به اروپا متصل می کرد. با گذر از چند کشور بزرگ، ضمن فراهم کردن زمینه مبادله کالاهای مورد نیاز آنها، در انتقال فرهنگها، سنن، آیین و ادیان

الهی در میان مردم ناحیه تأثیر بسزایی داشت، به طوری که امروزه در سرتاسر این منطقه

پهناور تشابهات فرهنگی بسیاری مشاهده می شود که حاصل پیوندهای تاریخی چند هزار ساله است(۱).

قسمت عمده راه ابریشم که از شهر «لویانگ»(۲) آغاز و به سواحل «دریای مدیترانه» منتهی می شد، در کشورهای آسیای مرکزی قرار داشت. ضمن آن که شاخه های فرعی بسیار در همین ناحیه از جاده ابریشم منفک می شدند (نقشه ۲۰).(۳)

در دوران رونق جاده ابریشم، تجارت یکی از مهمترین فعالیتهای اقتصادی ساکنان

۱- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: چکنگی، علیرضا و دیگران، راه ابریشم، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲- Loyang -
۳- کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۸، ص ۱۸ – ۲۸؛ ریاضی، محمدرضا، «جاده ابریشم، شکل گیری و پیشینه»، باستان شناسی و تاریخ، س۹، ش۲، ص ۵۳ – ۵۴.

نقشه ۲۰

آسیای مرکزی بود و آمد و شد تجار، شهرهای واقع در مسیر راه ابریشم را به مراکز پرجمعیت و آباد تبدیل کرده بود. به طوری که یکی از عوامل مهم رونق و شهرت تاریخی شهرهای سمرقند، بخارا، مرو، فرغانه و بسیاری از شهرهای دیگر که امروزه از آنها فقط نامی برجای مانده است. عبور جاده ابریشم از آنها بود.

با افول راه ابریشم و رونق راههای دریایی و خطوط آهن، فعالیتهای تجاری جاده ای نیز کاهش یافت و بتدریج این راه کهن به دست فراموشی سپره شد، گرچه آثار به جا

ص:۱۱۷

مانـده ماننـد رباطها و کاروانسـراها هر یک بازگوی تحولات وحوادث تاریخی و اقتصادی متعددی است که از طریق این جاده در نیمی از جهان رخ داده است.

تـا پیش از تسـلط روسـها بر آسـیای مرکزی، هنوز روابـط اقتصـادی سـرزمینهای نـاحیه از جـاده قـدیمی ابریشم انجام می شـد. هنگـامی که روسـها ناحیه را تصـرف کردنـد. برای یکپارچه ساختن قلمرو گسترده خود که بیش از نیمی از کره زمین را در بر می گرفت، برنـامه هـای احـداث خطوط حمـل و نقـل را به مرحله اجرا در آوردنـد. آنـان با ساختن خطوط حمل و نقل ریلی، جـاده ای، آبی و هوایی، شـهرها، بنـدرها و مراکز مهم فعالیتهـای اقتصادی را به یکـدیگر متصل کردنـد. آسـیای مرکزی نیز از امکانات حمل و نقل گسترده شوروی، به عنوان عنصری از شبکه به هم پیوسته اتحاد جماهیر شوروی استفاده می کرد.

۱ – ۶ – ۴ راه آهن

در میان راههای ارتباطی، روسـها بر توسـعه خطوط آهن توجه ویژه ای داشـتند. و از این وسیله برای حمل و نقل مواد اولیه کم ارزش و حجیم اسـتفاده می کردنـد و با احـداث حـدود ۱۵۰ هزار کیلومـتر خـط آهن، شـرق و غرب و شـمال و جنوب اتحـاد شوروی را به هم متّصل کردند. استفاده از خطوط آهن در سراسر شوروی سابق برای تمام کشورها امکان پذیر بود.

مهمترین و طولانی ترین خط آهن آسـیای مرکزی، راه آهن ماورای خزر است که از بنـدر ترکمن باشـی در شـرق دریای خزر آغاز می شود و پس از طی مسافت زیادی در شرق آسیای مرکزی وارد افغانستان می شود. از این خط آهن، خطوطی به طرف شمـال کشـیده شـده که ضـمن ارتبـاط دادن کشورهـای آسـیای مرکزی به یکـدیگر به راه آهن مـاورای سـیبری می پیوندنـد. همچنین به طرف جنوب ناحیه نیز شاخه های متعـدد امتداد یافته است. در واقع این شـبکه گسترده راه آهن تمام شـهرهای مهم ناحیه را به هم متصل می کند و در سراسر آسیای مرکزی حمل و نقل را آسان کرده است.

تـا پیش از فروپاشـی شوروی جمهوریهـای آسـیای مرکزی در شـبکه خطوط حمـل ونقل راه آهن سـهیم بودنـد وانتقال کالا و جابجایی مسافر به راحتی انجام می شد. با کسب

استقلال، هر یک از جمهوریها نگرشهای متفاوت و جداگانه سیاسی و اقتصادی را انتخاب کردند، همزمان با آن یکپارچگی شبکه راه آهن نیز از هم پاشید و تجهیزات و واگنها میان کشورها تقسیم شد و استفاده از خطوط آهن هر کشور به همان جمهوری سپرده شد. از آن سال به بعد استفاده از خطوط آهن بدون وجود راهبردی مشخص برای تأمین هزینه خدمات حمل و نقل در خارج از محدوده جمهوریها و عدم پرداخت هزینه های خدماتی از سوی جمهوریها مشکلات عدیده مالی فراهم کرد. این امر به همراه اُفت فعالیتهای اقتصادی در سالهای آغازین استقلال سبب کاهش بهره برداری از شبکه راه آهن شد به طوری که در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳م/۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ش در قزاقستان حجم حمل بار به وسیله راه آهن ۵۰ درصد و در ازبکستان ۳۰ درصد حجم حمل و نقل سالهای پیش از استقلال بوده است.(۱)

۲ – ۶ – ۴ حمل و نقل جاده ای

در زمان اتحاد شوروی جابجایی کالا و مسافر از طریق جاده کمتر مورد توجه بود و با وجود آن که شبکه جاده ها و راههای آسفالته نسبتا پیشرفته و گسترده بود، به دلیل نوع

کالاهای مورد حمل، خطوط آهن مناسب تر بودند. در سالهای اخیر بهره برداری از جاده ها مورد توجه قرار گرفته است چون این جمهوریها می توانند با تجهیز ناوگان حمل و نقل جاده ای خود، با توجه به سوخت نسبتا ارزان، از منافع بسیاری برخوردار شوند. بویژه که شبکه حمل و نقل جاده ای نیز به گستردگی شبکه راه آهن، پهنه آسیای مرکزی را

فرا گرفته است. لازم به ذکر است که در شرایط کنونی ایمنی جاده باید مد نظر قرار گیرد،

موضوعی که تاکنون کمتر به آن توجه شده و اجرای آن نیازمند سرمایه نسبتا هنگفتی است. این امر ضمن آن که هزینه حمل و نقل را افزایش می دهد در وضعیت اقتصادی نابسامان پس از استقلال کشورها، اهمیت کمتری دارد.

۳ – ۶ – ۴ حمل و نقل هوایی

خطوط هوایی گرچه پر هزینه اند اما به همان میزان نیز سرعت عمل دارند. در آسیای مرکزی به علت نبود زیربناها و لوازم مورد نیاز، کمبود سرمایه برای پرداخت هزینه های

۱– «نظامهای حمل و نقل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، س۳، دوره دوم، ش۸، ص۳۷۲.

حمل و نقل هوایی، استفاده از هواپیما رایج نیست. در سالهای پس از استقلال بیشتر حمل و نقل هوایی توسط شرکتها و دولتهای خارجی انجام می شود. شهرهای مهم و مراکز جمهوریهای آسیای مرکزی دارای فرودگاههای نسبتا مجهز می باشند، اما برای بهبود، نوسازی، توسعه و گسترش فرودگاه و همچنین احداث فرودگاه در شهرهای دیگر ناحیه بیش از دولتهای محلی، شرکتهای خارجی سرمایه گذاری کرده اند.

۴ – ۶ – ۴ حمل و نقل آبی

دریای خزر یک مسیر دریایی با اهمیت و پر رفت وآمد است. این راه آبی ارتباط کشورهای حاشیه دریا را با یکدیگر و با سایر کشورها سهولت بخشیده است. بندر آتیراو (گوریف)(۱) در قزاقستان و بندر ترکمن باشی در ترکمنستان از مهمترین بنادر ساحل شرقی دریا به شمار می آیند و مهمترین تأسیسات، اسکله ها و باراندازهای این دو کشور در آنها

احداث شده اند. دریای خزر ضمن برقراری ارتباط میان کشورهای آسیای مرکزی و ایران رابطه مستقیمی میان آنها و ناحیه قفقاز ایجاد کرده است.

بخشهایی از مسیر رودهای آمودریا، سیردریا، ایلی و ایریتش و همچنین کانال ترکمن باشی (قره قوم) از شرایط مناسبی برای کشتیرانی برخوردارند و به منظور جابجایی کالا و مسافر مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرند. در حالی که فعالیتهای کشتیرانی در

دریاچه های آرال، ایسیک کول و بالخاش عمدةً به منظور صید ماهی انجام می شود (نقشه ۲۱).

۷ – ۴ روابط خارجی

اشاره

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوریهای آسیای مرکزی پا به عرصه سیاسی جهان گذاردند؛ جمهوریهایی که با ویژگیهای خاص خود مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفتند. آنها با وجود آن که استعدادهای بالقوه بسیار بالایی دارند

در اقتصادی وابسته و تک محصولی گرفتارند، همان طور که با وجود کسب استقلال

۱-)Atyrau)Guriev -

سیاسی، به دلیل عدم آشنایی رهبران سیاسی و نخبگان کشور با مسایل سیاسی و نداشتن تجربه فعالیتهای سیاسی مستقل، قادر به تحلیل تحولات و رخدادهای سیاسی در سطح جهان به طور مستقل نیستند، به همین سبب بسیاری از کشورهای جهان برای کسب بیشترین بهره، خواهان اعمال نفوذ بر مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و یکایک جمهوری آن می باشند.

نقشه ۲۱

ص:۱۲۱

تقریبا تمام جمهوریهای آسیای مرکزی در روابط خارجی خود سه سطح ارتباطات و همکاریها را مد نظر قرار داده اند. روابط در سطح منطقه، روابط در سطح فرا منطقه و روابط بین المللی.

۱ – ۷ – ۴ روابط در سطح منطقه

در سطح منطقه ارتباط کشورهای ناحیه با یکدیگر و با مجموعه جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و یا جمهوریهای مستقل مشترک المنافع کنونی می باشد. ساختارهای سیاسی واقتصادی کشورها در طی حکومت شوروی به گونه ای طرح ریزی شده که گسستن کشورها را از این مجموعه در کوتاه مدت غیرممکن ساخته است و کشورهای ناحیه به اجبار سیستم روابط قبلی را تداوم بخشیده اند.

در روابط منطقه ای نقش روسیه به عنوان یک قدرت ناحیه ای بسیار مهم است واین کشور با دارا بودن امکانات گوناگون، در روابط خود با جمهوریهای آسیای مرکزی از سطح نامتقارن برخوردار است و در واقع سعی در تداوم سلطه خود به شکلی جدید دارد. روسها در مدت حکومتشان بر ناحیه به گونه ای ساختارهای اجتماعی، اقتصادی ناحیه را پایه ریزی کردند که همواره عوامل قدرت برای مانور در جمهوریها را دارا باشند.

ساختار اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی که در طی دوران هفتاد ساله حکومت روسها اعمال شد، یکی از عواملی است که سبب تداوم روابط روسیه و آسیای مرکزی می شود. اقتصاد تک محصولی متکی بر مواد اولیه بدون وجود امکانات لازم برای تبدیل آنها به کالاهای نهایی در مراکز تولید، جمهوریها را به روسیه متکی کرده است وجود اقلیت روس در تمام کشورها که مشاغل حساس و مهم را در اختیار دارند و در هر کشور از وزنه های مهم جمعیتی به شمار می آیند، دیگر عامل اعمال قدرت روسها در آسیای مرکزی است. نبود ارتش مستقل ملی در جمهوریها و به کارگیری نیروهای ارتش شوروی سابق در مرزها و نقاط حساس، و سرکوب شدن هرگونه حرکت مخالف با منافع روسیه در ناحیه عامل دیگر قدرت روسیه در ناحیه می باشد. و سرانجام باید به نقش خطوط حمل و نقل و سیستمهای ارتباطی توجه کرد که به گونه ای طراحی شده اند تا نیازهای مسکو را برطرف کنند و سرانجام عمومیت دادن خط و زبان روسی در میان ساکنان

آسیای مرکزی را آخرین عامل مؤثر در میزان نفوذ قدرت روسها در آسیای مرکزی می توان برشمرد.

روسـها که عوامل متعددی برای نفوذ و قدرت در آسیای مرکزی دارند با اهداف متعددی به حفظ و تداوم نفوذ خود در ناحیه علاقه مندند. آنها که سالها د رناحیه قدرت

بلامنازع بوده اند اکنون تمایل ندارند با وقوع جنبشـهای قومی و مذهبی از قدرت سیاسـی شان کاسته شود و منافع اقتصادیشان به خطر افتد. آنها می خواهند همچون گذشـته با قدرت یابی در ناحیه از حضور گسترده کشورهای همجوار آسیای مرکزی در ناحیه جلوگیری کننـد و خود با ایجاد منطقه ای که رهبری آن را در اختیار دارند ضـمن ایجاد روابط با کشورهای همسایه، در مجامع بین المللی نیز به عنوان قـدرتی بزرگ جلوه گر شونـد و نفوذ بیشتری در جهان سوم و کشورهای اسـلامی پیـدا کننـد و رضایت کشورهای غربی را جلب نمایند. و بدین وسیله از منافع سیاسی و اقتصادی قدرت یابی، به تنهایی برخوردار شوند.

۲ – ۷ – ۴ روابط در سطح فرامنطقه ای

دومین سـطح روابـط کشورهـای آسـیای مرکزی ایجـاد ارتبـاط بـا کشورهای اطراف بویژه همسایگان خود می باشـد. برقراری روابط گسترده با کشورهای ایران، چین و تا حدودی افغانسـتان به عنوان سـرزمینهای همجوار با ناحیه آسـیای مرکزی و توسعه روابط با ترکیه و

پاکستان و عضویت در پیمان اکو آشکارترین و مهمترین روابط فرامنطقه ای آسیای مرکزی می باشد.

چین: این کشور به عنوان یک قدرت آسـیایی و به خاطر دارا بودن مرز مشترک طولانی با جمهوریهای تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزسـتان و همچنین سـکونت گسترده مسلمانان در نقاط نزدیک با آسیای مرکزی بویژه ناحیه «سین کیانگ»(۱) توجه زیادی به آسیای مرکزی دارد.

چین که قبلاً در رقابت شدیدی با اتحاد شوروی بود، اکنون به طور مسـتقیم با آسـیای مرکزی ارتباط برقرار کرده است. روابط با آسیای مرکزی برای چینی ها از چند جهت

۱- Sinkiang -

حائز اهمیت است. آنان هراس دارند که مسلمانان غیرچینی ساکن در نواحی مرزی کشور تحت تأثیر جنبشهای آسیای مرکزی قرار گیرند و یا از اقدامات ترکیه برای احیای فرهنگ ترکی در ناحیه حمایت کنند. بنابراین توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی آنان را از نظر سیاسی در موقعیت برتری قرار می دهد و می تواند از بروز مسائل قومی و

مذهبی در شمال شرق کشورشان جلوگیری نماید.

علاوه بر مسائل سیاسی، برخورداری از منابع معدنی آسیای مرکزی بویژه نفت و گاز، ایجاد ارتباط با خاور میانه و اروپا از طریق ناحیه مذکور و همچنین دستیابی به بازار

پر مصرف ناحیه برای فراورده های گوناگون چین از اهداف اقتصادی چینی ها در ایجاد رابطه با آسیای مرکزی به شمار می آیند.

چینی ها برای گسترش روابط خود با آسیای مرکزی اقدامات متعددی انجام داده اند، این اقدامات در دو سطح ملی و ناحیه ای انجام شده است. در سطح ناحیه ای چینی ها از اول دهه ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در ناحیه شمال غربی کشور یا «سین کیانگ» که در مجاورت آسیای مرکزی واقع است برای توسعه روابط تجاری، ۱۴ شهر را منطقه آزاد اعلام کردند و ۹ مرز ورودی را برای رفت و آمد ساکنان دو سوی مرز گشودند.. این امر در ازدیاد آمد

و شد مردم ناحیه تأثیر بسزایی داشت به طوری که در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش بیش از ۴۰ هزار نفر از آسیای مرکزی به چین رفته بودند، این رقم در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به بیش از ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافت.(۱)

چینی ها همچنین در ناحیه «سین کیانگ» جاده های مرزی را مرمت و نوسازی کردند و با احداث راه آهن «اورمچی»(۲) مرکز ایالت سین کیانگ را به شهر مرزی آلاتاو در قزاقستان پیوند دادند، آنها با این عمل پل دوم راه آهن آسیا - اروپا را که از بندر «لیانگ

یونگ»(۳) در دریای شرقی چین آغاز و به بندر «رتردام»(۴) در «هلند» منتهی می شود تکمیل کردند. این راه آهن که از راه آهن ماورای سیبری یا پل اول ارتباطی آسیا - اروپا کوتاهتر

است، از یک سو امکان توسعه مناسبات با آسیای مرکزی را آسانتر کرد و از سوی دیگر

۱- امیدوارنیا، محمد جواد، «روش و تجربه چین در بررسی ظرفیتها و منابع اقتصادی آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، دوره دوم، ش۸، ص۲۹۷.

۲- Urmchi -

۳- Lieanyungkang -

– madrettoR –۴

رابطه چین با اروپا و آسیای غربی را نیز بهبود بخشید. چینی ها همچنین سعی وافری در توسعه و گسترش سایر خطوط حمل و نقل جاده ای خود و ایجاد شبکه راههای جدید برای توسعه مناسبات با آسیای مرکزی را در نظر دارند.

چینی ها در نقاط مرزی خود تأسیسات و تشکیلات بسیاری به وجود آوردند تا سهولت بیشتری در مراودات تجاری شان به وجود آورند و شرایط مناسب برای مسافران و بازرگانان آسیای مرکزی در چین فراهم شود. احداث هتل، رستوران، فروشگاه، بانک، فرودگاه و سیستمهای مخابراتی در مقیاس گسترده و پذیرایی مناسب از مسافران زمینه مساعدی برای جهانگردان آسیای مرکزی و اروپایی فراهم کرده است.

در سطح ملی نیز چینی ها اقدامات زیادی برای برقراری مناسبات گوناگون با آسیای مرکزی انجام دادند. گرچه فعالیت چینی ها در نقاط مرزی نیز منشأ ملی دارد، اما انعقاد

قراردادهای متعدد در ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی و حمل و نقل بیشتر در سطح ملی انجام شده است. قراردادهای منعقده عمدةً در زمینه صدور کالاهای ساخت چین و واردات مواد اولیه از آسیای مرکزی و همچنین قراردادهای ساختمان سازی و احداث کارخانه ها و صنایع تولیدی در کشورهای آسیای مرکزی است.

سرمایه گذاریهای چین در آسیای مرکزی برخی به تنهایی و بعضی با مشارکت کشورهای دیگر بوده است. در طرحهایی که نیاز به سرمایه اندک و یا متوسط داشته، مانند طرحهای ساختمانی، جمهوری خلق چین به تنهایی سرمایه گذاری کرده است ولی در طرحهای که سرمایه گذاریهای کلان را طلب می کرده اند، چین با مشارکت کشورهای دیگر اقدام به سرمایه گذاری کرده است مانند طرح ساخت پالایشگاه نفت در شهر بخارا.

مشاهده می شود کشور چین برای دستیابی به اهداف خود و برای جلب مشارکت کشورهای آسیای مرکزی و تحکیم روابط گوناگون خود به این ناحیه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده است. آمار نشان می دهند که بازرگانی چین با آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ده برابر سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش بوده و به رقم ۴۶۵ میلیون دلار رسیده است، در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش مبادلات تجاری چین و آسیای مرکزی با ۳۱

ص:۱۲۵

درصد افزایش نسبت به سال قبل به رقم ۶۱۰ میلیون دلار افزایش یافت. در اوایل سال ۱۹۹۳م/تعداد ۹۵ مورد سرمایه گذاری مشترک بین چین و آسیای مرکزی وجود داشت. در اوایل سال ۱۹۹۴م تعداد سرمایه گذاریهای مشترک به ۴۵۳ مورد افزایش یافت(۱).

افغانستان: سرزمین افغانستان در وسعتی به طول دوهزار کیلومتر با سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان مرز مشترک دارد. همسایگی افغانستان و آسیای مرکزی و ویژگیهای قومی تقریبا مشابه در هر دو ناحیه به انضمام سابقه طولانی مناسبات

مشترک ساکنان دو سوی مرز، شرایط بسیار مساعدی برای تداوم روابط نزدیک و پایدار فراهم می کند.

متأسفانه به دلیل عدم شناسایی و بهره برداری از منابع افغانستان، فقر زیاد کشور و عدم ثبات سیاسی، روابط این کشور با آسیای مرکزی بسیار محدود است. در واقع تحولات پی در پی سیاسی در افغانستان و درگیریها و نا امنی فرصت ایجاد روابط میان این کشور و سرزمینهای آسیای مرکزی را از میان برده است. بنابراین روابط اقتصادی در حد بسیار اندک و محدود به نواحی مرزی است.

به نظر می رسد افغانستان نقش بارزی در تحولات فرهنگی آسیای مرکزی ایفا کند، تشابهات و زمینه های مشترک قومی و زبانی در این رویکرد بسیار مهم هستند. بسیاری معتقدند که افغانستان می تواند بر مسلمانان آسیای مرکزی تأثیر بگذارد و آنان را به اصول اسلامی پایبند کند. اثبات این امر مستلزم ایجاد حکومتی با ثبات در افغانستان است، رویکردی که در دو دهه اخیر به سامان نرسیده است.

ترکیه: روابط ترکیه با آسیای مرکزی در سطح گسترده و در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برقرار شده است. بسط مراودات ترکیه و آسیای مرکزی به سه دلیل عمده صورت گرفته است:

– ترکیه تمایل زیادی به افزایش نفوذ سیاسی در ناحیه دارد. شعار ترکیه با تکیه بر پان ترکیسم (ایجاد دولتی از استانبول تا چین)(۲) است. هدف ترکیه از بیدار کردن هویت ترکی ساکنان آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی در این کشور می باشد. از سوی دیگر ترکیه با تأکید بر ایجاد حکومت غیر مذهبی و لائیک مشابه سیستم سیاسی ترکیه، برای رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی که نگران گسترش اسلام سیاسی در میان مردمشان هستند،

۱– امیدوارنیا، محمدجواد، «چین و روسیه در آسیای مرکزی، زمینه های رقابت»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۷، ص۷۳.

۲– ورجاوند، پرویز، «ایران و جمهوریهای خراسان بزرگ و آسیای مرکزی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س۹، ش۸۷ – ۸۸، ص۵۹.

نوعی سیتسم سیاسی دلخواه را پیشنهاد کرده است.

- تمام جمهوریهای آسیای مرکزی به استثنای تاجیکستان ترک زبان هستند و پس از استقلال تمایل زیادی به احیای هویت خود دارند. آنها برای بازیابی هویت خود به فرهنگ ترکی روی آورده اند و بناچار به ترکیه متکی شده اند. بدیهی است که ترکها نیز در

این امر به سرعت و با پشتکار بسیار آنها را یاری می دهند.

- حمایت غرب، بویژه امریکا از گسترش روابط ترکیه با آسیای مرکزی به منظور جلوگیری از توسعه نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران در ناحیه. غرب برای رسیدن به اهداف خود در ناحیه و خاورمیانه و جلوگیری از رشد اسلام سیاسی به حمایت گسترده از ترکیه پرداخته است، در واقع ترکیه نقش واسطه ای در انتقال ایده ها و سیاستهای غرب به آسیای مرکزی ایفا می کند. و بدین طریق ضمن کسب منافع مستقیم حاصل از روابط متقابل با آسیای مرکزی، به طور غیرمستقیم نیز از کمکهای مالی و اقتصادی کشورهای غربی بهره مند می شود.(۱)

فعالیتهای اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی عمدةً در رشته های ساختمان سازی، صنایع غذایی و فراورده های دامی است و به دلیل کمبود منابع مالی در طرحهایی که نیاز

به سرمایه های سنگین ندارد فعالیت بیشتری می کند. این کشور همچنین بخشی از نیازهای مصرفی آسیای مرکزی را تأمین می کند و همچنین از مواد معدنی و سایر مواد اولیه موجود در آسیای مرکزی استقاده می برد.

برخلاف بخش اقتصادی، ترکیه فعالیت بسیار زیادی در امور فرهنگی انجام می دهد تا بتواند بر نفوذ فرهنگی خود بیفزاید. اکنون بیشتر جمهوریهای آسیای مرکزی از تلویزیون ترکیه استفاده می کنند، نشریات و کتابهای بیشماری که فرهنگ ترکی را رواج می دهد به همراه کالاهای دیگری که بار فرهنگی دارند به فراوانی و به ارزانی در دسترس ساکنان آسیای مرکزی قرار دارد. این کشور همچنین برای پذیرش تعداد زیادی دانشجو در ترکیه و تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی اعلام آمادگی کرده است.

به نظر می رسد با گذشت زمان از میزان نفوذ گسترده ترکیه در آسیای مرکزی کاسته شود. زیرا آسیای مرکزی نیازمند سرمایه های خارجی فراوان است و با توجه به ناتوانی ترکیه در سرمایه گذاری، بتدریج از علاقه کشورهای ناحیه به تداوم روابط گسترده کاسته

۱- شیخ عطار، علیرضا، ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۶۱-۶۴.

می شود. بویژه که کشورهای غربی نیز به مرور زمان خود در ناحیه فعال می شوند و نبض اقتصادی و سیاسی آسیای مرکزی را با توان اقتصادی بالا در دست می گیرند و اهمیت ترکیه برای غرب کاهش می یابد.

پاکستان: این سرزمین گرچه با آسیای مرکزی مرز مشترک ندارد. ولی در فاصله کوتاهی از ناحیه قرار دارد تنگه وخان در شمال شرق افغانستان حائل میان پاکستان و آسیای مرکزی است.

هدف پاکستان از برقراری روابط گسترده با آسیای مرکزی کسب موقعیت سیاسی و استراتژیک در ناحیه و بهره برداری از منافع اقتصادی ناحیه است. پاکستان خواهان استفاده از انرژی و مواد خام ناحیه و صدور کالاهای مصرفی به بازار وسیع ناحیه است. به همین دلیل این کشور برای گشودن راه آسیای مرکزی به اقیانوس هند از طریق پاکستان تلاش زیادی کرده است. این راه که از «بندر کراچی» در دریای عمان آغاز می شود، پس از عبور از افغانستان وارد ترکمنستان می شود و تا عشق آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و

آلماآتا امتداد می یابد.

وجود این راه اهمیت استراتژیکی پاکستان را افزایش می دهد، بنابراین پاکستانیها اقدامات زیادی برای استفاده از این مسیر جاده ای به عمل آوردند. اما شرایط سیاسی افغانستان و جنگ داخلی آن امنیت جاده را از بین برده وامکان حمل و نقل و ترانزیت کالا را منتفی کرده است. آنان فعالیت زیادی برای خاتمه بحران داخلی افغانستان انجام

دادند، اما چون اقدامات سیاسی آنها برای استقرار صلح پایدار بی نتیجه بود، مستقیما وارد عمل شدند.

اگر فعالیتهای پاکستان در افغانستان با موفقیت همراه شود و ثبات سیاسی در این کشور برقرار شود، پاکستان با اجرای برنامه های خود برای بهبود وضعیت جاده های ارتباطی و احداث خطوط آهن به هدف خود خواهد رسید.

۳ – ۷ – ۴ روابط بین المللی

در کنار روابط گسترده منطقه و فرامنطقه ای کشورهای آسیای مرکزی با بسیاری از نقاط جهان ارتباطات گوناگونی برقرار کرده اند. در میان کشورهای متعدد روابط امریکا،

کشورهای اروپا، «عربستان سعودی» و «اسرائیل» از ویژگیهای خاصی برخوردار است.

امریکا: پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، امریکا اقدامات خود را معطوف به جلوگیری از بروز جنبشهای سیاسی، قومی و مذهبی کرد. بنابراین با توجه به ویژگیهای قومی آسیای مرکزی و زمینه مناسب برای رشد اسلام و امریکا سعی کرد خیلی سریع مقدمات سلطه خود بر ناحیه را فراهم کند. در اجرای این هدف به عنوان اولین کشور غربی در تمام جمهوریهای آسیای مرکزی اقدام به افتتاح سفارت کرد.

امریکا برای گسترش نفوذ سیاسی خود اقدامات متعددی انجام داد. در این کشور مراکز بسیار با محققان برجسته آغاز به کار کرده و به تحقیقات دامنه داری درباره آسیای

مرکزی و شناخت ناحیه پرداخته و نشریات و کتابهای متعددی در این باره منتشر کرده اند.

سفرهای متعدد مقامات امریکایی به ناحیه و رهبران برجسته ناحیه به امریکا در راستای دور کردن سیستم سیاسی این ناحیه از گرایشات دینی و تشویق آنها به استفاده از

سیستم اقتصاد بازار و الگوهای سیاسی غرب انجام گرفته است.

سرمایه گذاریهای کلان امریکا در آسیای مرکزی به منظور بهره برداری از منابع و مواد اولیه ناحیه و همچنین گسترش نفوذ فرهنگی تا حدودی سبب جلب اطمینان کشورهای آسیای مرکزی شده است. اما امریکا به این امر بسنده نکرده و با تقویت حکومتهای وابسته در ناحیه، به طور غیرمستقیم نیز اهداف خود را دنبال می کند.

اروپا: کشورهای اروپایی روابط چندگانه ای با آسیای مرکزی برقرار کرده اند، فرانسه، انگلیس و آلمان در میان اروپاییان بیش از دیگران تمایل به ایجاد ارتباط با آسیای مرکزی

و گسترش ارتباطات سیاسی خود با آنها دارند.

روابط کنونی اروپا با ناحیه بیشتر در زمینه های اقتصادی است و شرکتهای اروپایی سرمایه گذاریهای بسیاری در ناحیه انجام داده اند. جمهوریهای آسیای مرکزی نیز شوق زیادی به ایجاد ارتباط با اروپا دارند و سفرها و مذاکرات متعددی با بیشتر کشورهای اروپایی انجام داده اند.

اروپاییها همچنین با توجه به تجارب گذشته، از بروز اختلافات قومی و مذهبی در ناحیه نگران بوده و سعی در ایجاد آرامش و امنیت در آسیای مرکزی دارند، آنها از پیوستن روسیه به مجموع کشورهای اروپایی استقبال کرده و از این طریق تلاش می کنند

تـا ضـمن جلوگیری از یک قطبی شـدن جهان، با همکاری روسـیه از منابع و ظرفیتهای موجود در آسـیای مرکزی بهره برداری نمایند.

عربسـتان سعودی: عربستان سعودی با امکانات زیاد مالی از اولین روزهای فروپاشی شوروی متوجه آسیای مرکزی شد. آنها از سالها قبل سـعی کردنـد به ناحیه راه یابنـد و با تکیه بر اسـلام در ناحیه قـدرت یابنـد. پشـتوانه مالی آنها تکیه گاه مطمئنی برای رسیدن به

اهداف سیاسی و فرهنگی شان در آسیای مرکزی می باشد.

عربستان سعودی با سرمایه گذاری هنگفت در امور مذهبی اهداف خود را پیگیری می کند. چاپ و ارسال نسخه های قرآن به تعـداد فراوان، کمـک به مراکز دینی آسـیای مرکزی، تعلیم وتربیت طلاب، چـاپ و توزیع نشـریات اسـلامی و پـذیرش هزینه حجاج اعزامی از آسـیای مرکزی به همراه دهها اقـدام دیگر شـرایط مساعدی را برای نفوذ سیاسـی عربسـتان فراهم کرده است. ضمن آن که حمایت سیاسـی غرب از عربسـتان سـعودی و نظر مساعد رهبران آسـیای مرکزی نسبت به عربستان به عنوان یک کشور مسلمان در مقایسه با ایران به عنوان یک کشور مسلمان انقلابی در گسترش فعالیت سعودیها، بی تأثیر نبوده است.

اسـراییل: پس از فروپاشی شوروی و مهاجرت گروهی از یهودیان آسیای مرکزی به اسرائیل روابط سیاسی اقتصادی این کشور با ناحیه آغاز شد.

سفرهای مقامات اسرائیل به آسیای مرکزی از سوی رهبران آسیای مرکزی پاسخ داده شد که در میان آنها سفر سه روزه رئیس جمهور قرقیزسـتان به اسـرائیل بیش از همه اهمیت داشت. زیرا طی این سـفر سفارت قرقیزستان به عنوان اولین کشور مسلمان و سومین کشور جهان، نه در «تل اویو» بلکه در «اورشلیم» گشایش یافت.

اسـرائیل با اجرای برنامه های متعـدد در تمام کشورهای آسـیای مرکزی توانسـته است نظر مساعـد رهبران ناحیه را جلب کند و تقویت روابط سیاسـی را سـبب شود. بیشتر طرحهای اجرایی اسـرائیل در آسـیای مرکزی پروژه های آبیاری، توسعه کشاورزی، پرورش دام و خـدمات مـالی می باشـد و تقریبا در تمام جمهوریها سـرمایه گـذاریهای مشترکی بویژه در امور کشاورزی انجام داده است.

ص: ۱۳۰

فصل ۲: سرزمین ازبکستان

۱ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۱ موقعیت جغرافیایی

کشور ازبکستان با مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۵ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۷۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی یکی از کشورهای مهم آسیای مرکزی است.

این جمهوری که گستردگی آن درجهت شرقی - غربی است به دلیل دارا بودن موقعیت مرکزی در میان جمهوریهای آسیای مرکزی، از نظر ژئوپولیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار است (نقشه ۲۲).

مساحت ازبکستان تا سال ۱۹۶۵م/۱۳۴۴ش حدود ۴۰۳۸۶۵ کیلومتر مربع بود. در این سال با الحاق بخشی از قزاقستان جنوبی به ازبکستان، وسعت آن به ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع افزایش یافت.

اطراف سرزمین ازبکستان را کشورهای آسیای مرکزی احاطه کرده اند و این جمهوری فقط در بخشی از جنوب خود با افغانستان مرز مشترك دارد. رودخانه آمودریا مرز طبیعی میان افغانستان و ازبکستان را تشکیل می دهد، سایر همسایگان ازبکستان را قزاقستان از طرف شمال و غرب، ترکمنستان از سوی جنوب، تاجیکستان از سمت شرق

نقشه ۲۲

ص:۱۳۸

و قرقیزستان از طرف شمال شرقی تشکیل می دهند.

۲ – ۱ ناهمواریها

ازبکستان از نظر طبیعی وضعیت ویژه ای دارد. رودخانه آمودریا در جنوب آن جاری است و تقریبا مرز کشور را با ترکمنستان تشکیل می دهد، سیردریا در طی مسیر خود از شرق کشور عبور می کند، دریاچه آرال که در شمال شرقی ازبکستان قرار دارد، آبریزگاه دو رود مذکور است. تنها ناحیه مرتفع کشور، بخش جنوب شرقی به شمار می آید که امتداد کوههای تیان شان بلندترین زمینها را به وجود آورده اند. قسمت مرکزی ازبکستان

و در واقع حدود ۶۰درصد ازمساحت کشور را بیابان قزل قوم فرا گرفته است.

این ویژگیهای طبیعی سبب شده بخش وسیعی از کشور که قلمرو بیابان و کوههای صعب العبور است خالی از سکنه باشند و اطراف رودخانه ها و سایر منابع آب و همچنین کوهپایه ها که شرایط مناسبی برای زیست فراهم می کنند، متراکم از جمعیت باشند و مراکز مهم شهری نیز در همین نقاط پا گرفته اند.

قسمت جنوب شرقی و شمال شرقی ازبکستان که امتداد رشته کوههای تیان شان هستند بیش از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند و بلندترین کوههای کشور نیز در همین ناحیه واقعند به طور یکه بلندترین قله آن با حدود ۴۲۷۹ متر ارتفاع در جنوب شهر «جئورجیوکا»(۱) قرار دارد. همچنین قله های واقع در جنوب شهر «ینگی قشلاق»(۲) و جنوب سمرقند به ترتیب با ارتفاع ۲۱۶۹ متر و ۲۰۳۷ متر در ردیف بلندترین نقاط ازبکستان محسوب می شوند.

بخش اعظم بیابان قزل قوم که اراضی حد فاصل سیردریا و آمودریا را فرا گرفته در ازبکستان قرار دارد و با ویژگیهای خاص نواحی بیابانی امکان هر نوع فعالیت را با دشواری مواجه ساخته است. این بیابان بارزترین چشم انداز طبیعی و بی حاصل ترین چهره ناهمواریهای ازبکستان به شمار می آید (نقشه ۲۳).

۱- Georgiuka -

۲- Yangikishlak -

نقشه ۲۳

۳ – ۱ آب و هوا

ازبکستان نیز مشابه سایر کشورهای آسیای مرکزی دارای آب و هوای گرم و خشک است، به همین دلیل تابستانهای گرم با هوای خشک در مدت زیادی از سال کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. زمستانهای نسبتا کوتاه مدت با هوای ملایم، گاهی اوقات سرمای شدیدی را به همراه می آورد. دو فصل بهار و پاییز که هوا مطلوب و معتدل است، دوام چندانی ندارند.

طول فصل زمستان از ۵/۱ تا ۲ ماه در قسمتهای پست و کوهپایه های جنوبی، و تا ۵ ماه در بخشهای شمالی متغیر است. در این زمان متوسط درجه حرارت دی ماه یا سردترین ماه سال در نواحی شمالی ۸ درجه سانتی گراد و در نقاط جنوبی ۶/۳ درجه

است. حداقل درجه حرارت ثبت شده با ۳۷ درجه سانتی زیر صفر در بخش شمالی ازبکستان به ثبت رسیده است.

در تیرماه، متوسط درجه حرارت هوا از ۲۶ درجه سانتی گراد در بخش شمالی تا ۳۰ درجه در نقاط جنوبی تفاوت دارد. حداکثر درجه حرارت ثبت شده ۴۲ درجه سانتی گراد است. بدیهی است در بیابان قزل قوم درجه حرارت هوا بیش از سایر نقاط کشور است به طوری که در روزهای گرم تابستان، گرمای سطح خاک به ۷۰ درجه سانتی گراد نیز می رسد.

از نظر میزان بارشهای جوی، بیشتر وسعت ازبکستان که اراضی پست و جلگه ای است بین ۸۰ تا ۹۰ میلی متر بارندگی دارند. در بخش شرقی و جنوبی که بلندترین کوههای کشور قرار دارند، میزان متوسط باران سالیانه بیش از سایر قسمتهای کشور می باشد و حتی تا یک متر نیز می رسد.(۱)

بارندگیها در فصل سرد سال رخ می دهد به طوری که بیش از ۷۰درصد نزولات جوی در زمستان فرو می ریزد. بنابراین بارش به شکل برف ظاهر می شود که در نقاط کم ارتفاع

و بیابانها ارتفاع برف کم و عمر آن از چند روز تجاوز نمی کند، در صورتی که برخی نقاط

کوهستانی در اکثر ایام سال پوشیده از برف هستند. در همین نقاط بسیار مرتفع یخچالهای دائمی مشاهده می شوند واز همین یخچالها سرشاخه های دو رود بزرگ آسیای مرکزی بویژه سیردریا تغذیه می شوند و جریان عظیم آبهای جاری ادامه می یابند. کوههای آلای، ترکستان و دره های پامیر جایگاه یخچالهای ازبکستان محسوب می شوند.

۴ – ۱ منابع آب

به علت خشکی زیاد هوا، زیست و حیات انسان در گرو تأمین آب مورد نیاز است. از دیرباز دو رودخانه آمو دریا و سیردریا و رود زرافشان نقش بسیار مهمی در تداوم حیات در ازبکستان داشته اند. اراضی حد فاصل آمودریا و سیردریا که «فرا رود» یا «ورا رود» و نزد اعراب ماوراءالنهر نام داشت، در طول سالیان متمادی زیستگاه گروههای بزرگ انسانی از قومیتهای مختلف بوده است. گرچه با انجام یافتن تقسیمات سیاسی یکپارچگی ماوراءالنهر از میان رفته است، اما سیحون و جیحون همچنان نقش حیاتی

۱– «آب و هوای منطقه ای جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص ۳۳ – ۳۴.

خود را حفظ کرده اند.

بیشتر خاک ازبکستان حوضه های آب سیردریا وآمودریا است. این دو رود از ذوب برف و یخ های کوهستانی تغذیه می شوند بنابراین فصل تابستان که نیاز آبی شدید است، منطبق با زمان طغیان این رودهاست و بخش عظیمی از آب آنها برای آبیاری مزارع کشاورزی استفاده می شود. همچنین از آب سیردریا برای تأمین انرژی هیدروالکتریک بهره برداری می شود.

رودخانه زرافشان و تعداد دیگری رودخانه های کوچک، دریاچه آرال، و همچنین مخازن مصنوعی و دریاچه های پشت سدها و دریاچه های طبیعی نقاط کوهستانی از دیگر منابع آب ازبکستان محسوب می شوند (نقشه ۲۴).

چنان که ذکر شد به علت نامساعد بودن شرایط طبیعی و اقلیمی، انجام فعالیتهای اقتصادی بویژه بهره برداری از زمینهای کشاورزی مستلزم استفاده از منابع آب سطحی است. ایجاد شبکه های آبیاری و آبرسانی، در ماوراءالنهر سابقه طولانی دارد این دست ساخته ها نیز مانند سایر هنرهای انسان وابستگی مستقیم با شرایط سیاسی و اقتصادی زمان داشته اند، زمانی که حکومت مرکزی نیرومندی بر ناحیه مسلط بود، شبکه های آبیاری توسعه پیدا می کرد وتحت اداره و نظارت دولت قرار می گرفت و هنگامی که حکومتهای محلی قدرت می یافتند و شورشهای سیاسی اوج می گرفت، شبکه ها و کانالهای آبرسانی تخریب می شدند و بتدریج از بین می رفتند.(۱)

پس از تسلط روسها بر آسیای مرکزی، آنها به منظور افزایش سطح زیرکشت و بهره برداری بهینه از زمینهای زراعی طرحهای آبرسانی متعددی به مرحله اجرا درآوردند. این طرحها با حفر کانالهایی برای انتقال آب سیردریا در سال ۱۹۳۰م/ ۱۳۰۹ش شروع شد. در سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش کانال فرغانه احداث شد و در سال ۱۹۵۷م/ ۱۳۳۶ش یک نیروگاه هیدرولیک و یک دریاچه ذخیره آب در زمینهای مرتفع حد فاصل قرقیزستان و تاجیکستان ساخته شد که هدف آن ذخیره آب برای زمینهای زراعی تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان بود. این طرحها به همراه برنامه های

متعدد دیگری که در طی سالهای بعد به مرحله اجرا درآمد، ضمن آن که بخش وسیعی از اراضی بایر ناحیه را آباد کرد، اثرات مخرب زیست محیطی بسیاری به جا گذاشت که

۱- فرانکلین، گرگوار، باستانشناسی در آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، ص ۱۴۰.

نقشه ۲۴

ص:۱۴۳

پیامد آن بروز خسارات و ضایعات مادی و جانی فراوان بوده است.

۲ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۲ پیشینه تاریخی

اکتشافات باستان شناسی حاکی از آن است که محدوده کنونی ازبکستان از دوران ماقبل تاریخ سکونتگاه انسان بوده واز آن زمان تاکنون تمدنها و فرهنگهای متعدد و متنوعی را به خود دیده است. از گذشته این سرزمین تا قرن ششم پیش از میلاد اطلاعات دقیق و مستندی در دست نیست. در آن زمان این سرزمین برای نخستین بار تحت حاکمیت ایرانیان قرار گرفت و به عنوان بخشی از امپراتوری ایران قلمداد شد. با حمله اسکندرمقدونی در سال ۳۲۹ قبل از میلاد، حکومت یونانی «باکتریا»(۱) در ناحیه شکل

گرفت.

در قرن اول میلادی نخست «سکاییان»(۲) و سپس کوشانیان ناحیه را تصرف کردند و

ضمیمه قلمرو خود شامل افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و شمال خراسان امروزی کردند. در قرن پنجم میلادی هونها(۳) یا هپتالیان بر ناحیه حاکم شدند و بنابراین برای نخستین بار حکومت ترکها برقرار شد که تا زمان ورود اعراب مسلمان به ناحیه تداوم یافت.

با گسترش فتوحات مسلمانان و ورود آنها به ناحیه در نیمه دوم قرن هفتم میلادی زمینه لازم برای تشکیل حکومتهای اسلامی فراهم شد. «اسماعیل سامانی» در سال ۸۷۳ میلادی ماوراءالنهر و «خوارزم» را به تصرف درآورد و سلسله سامانیان را در بخارا

پایه گذاری کرد. قراخانیان که از غزهای ترک مسلمان بودند سامانیان را برانداخته و خود

پس از چندی حکومت از سلجوقیان شکست خوردند. سلجوقیان در اواخر سده دهم میلادی وارد ماوراءالنهر شدند و تا قرن دوازدهم میلادی سراسر محدوده فعلی ازبکستان را تسخیر کردند. در اواسط همین قرن قراختاییان آنان را شکست دادند و ازبکستان را تصرف کردند. چندی نگذشت که در اواخر همان سده خوارزمشاهیان، متحدان اولیه قراختاییان، آنها را از حکومت به زیر افکندند. اما فرمانروایی اینان نیز

۱- باکتریا یا باختریا قدیم ترین کشور در محدوده رشته کوههای هندوکش تا رود جیحون که مرکز آن شهر بلخ بود.
۲- «سکا» نام قومی مختلط که عنصر آریایی در آن غالب بود، این قوم در زمان هخامنشیان و پیش از آنان در پیرامون ایران می زیسته اند. این قوم در ازمنه تاریخی از ترکستان چین تا دریای آرال و ایران و حتی تا رود «دُن» منتشر بودند و در نواحی مختلف اسامی گوناگونی داشتند. در قرن هفتم قبل از میلاد این گروه از طریق شمال کشور به ایران وارد شدند و پس از

شکست مادها ضمن تصرف بخش شمالی ایران تا دریای مدیترانه پیش رفتند وغارت و ویرانی بسیاری از خود بجا گذاشتند، این تاخت و تاز سکاها مدت ۲۸ سال طول کشید تا سرانجام هوخشتره پادشاه ماد سرداران آنها را کشت واین قوم مطیع ایرانیان شده و در زمان داریوش هخامنشی کشور سکاها ایالت پانزدهم ایران را تشکیل می داد. در زمان اشکانیان سکاها و یوئه چی ها برای به دست آوردن اراضی جدید به سوی ایران و باکتریا سرازیر شدند. اشکانیان طی نبردهای متعدد موفق شدند جلوی آنها را بگیرند، اما حکومت باکتریا نتوانست مانع آنها شود و سکاها به سوی جنوب و شرق حرکت کرده و ابتدا بر زرنگ مسلط شدند و سپس کابل را تسخیر کرده و به سوی هند راندند و دولت «هندوسکایی» را به وجود آورد. زرنگ از آن زمان به نام سکاها به «سکستان» یا «سیستان» معروف شد. لغت نامه دهخدا، ذیل نام سکا و معین، محمّد، فرهنگ فارسی، جلد پنجم، ذیل نام سکا.

۳- هونها قومی زردپوست بودند که ازسلسله جبال آلتایی به سایر نقاط رفتند. در اوایل قرن دوم میلادی آنها در شمال دریای خزر تا نزدیکی رود ولگا و کوههای اورال سکونت داشتند. سپس گروهی از آنها به سوی اروپا رفته و پس از جنگهای متعدد دولت بزرگی تشکیل دادند که بعد از مرگ «آتیلا» رهبر آنها منقرض شد. دسته دیگری از هونها به آسیا رفتند و در ترکستان ساکن شده و چندین بار به ایران حمله کردند، این گروه را هیاطله یا هتپالیان گویند. لغت نامه دهخدا، ذیل نام هون.

چندان نپایید و با حمله مغول از قدرت برکنار شدند.

هجوم مغول در اوایل قرن سیزدهم میلادی/ هفتم هجری تسلط ازبکها را بر ماوراءالنهر قطعی ساخت. با انقراض مغولان از اواسط قرن چهاردهم، تیمور که او نیز مغول بود به حکومت رسید و سمرقند را پایتخت خود قرار داد. اندکی بعد «بابر» بر ازبکستان تاخت و آن جا را فتح کرد. اما ازبکها از یک سو و «شاه اسماعیل صفوی» از سوی دیگر، برای تصرف این سرزمین سالها با بابر جنگیدند، تا سرانجام خاندان شیبانی، مجددا حکومت ازبکها را برقرار کردند. با مرگ آخرین رهبر این خانواده، حکومت و سرزمین واحد ازبکستان متلاشی شد و حکومتهای محلی کوچک و مستقل در گوشه و کنار تشکیل شد.

از میان حکومتهای محلی، امیرنشین بخارا در بخارا، خانات خیوه در خوارزم، و خانات خوقند در فرغانه(۱)، قدرت بیشتری یافتند، دشمنیهای مداوم میان حکومتهای

محلی، زمینه مساعدی را برای روسها فراهم کرد تا اندیشه تصرف ناحیه را به مرحله عمل درآوردند. آنها با برقراری روابط سیاسی واقتصادی بر نفوذ خود در ناحیه افزودند و سپس مراکز مهم شهری راتصرف کردند. به این ترتیب تاشکند در سال ۱۸۶۵م/۱۲۴۴ش و سمرقند در سال ۱۸۶۸م/۱۲۴۷ش به تصرف روسها درآمد و همزمان با آن ابتدا خانات بخارا و سپس خانات خیوه تحت الحمایگی روسیه را پذیرفتند.

با ضمیمه شدن کامل خانات خوقند به روسیه در سال ۱۸۷۶م/۱۲۵۵ش تسلط روسها بر ناحیه کامل شد و ولایت ترکستان تشکیل شد که در سال ۱۸۸۶م/۱۲۶۵ش به سرزمین ترکستان تغییر نام داد و شهر تاشکند(۲) که نسبت به بخارا و سمرقند اهمیت کمتری داشت به مرکزیت ناحیه ترکستان انتخاب شد.

روسها برای گسترش نفوذ خود اقدامات متعددی انجام دادند و با ایجاد خطوط ارتباطی وارائه خدمات رفاهی مختلف، ضمن کنترل بیشتر ناحیه، سعی بر جایگزینی فرهنگ روسی به جای فرهنگ و تاریخ ریشه دار ناحیه کردند. انتقال جمع کثیری از روسها به شهرهای ازبکستان و نوسازی و بازسازی شهر تاشکند در جهت همین هدف

۱- محدوده تحت تصرف خانات آسیای مرکزی عبارت بود از : - خانات خیوه، اراضی ساحل جنوبی دریاچه آرال - خانات بخارا، سرزمین کنونی ازبکستان و تاجیکستان - خانات خوقند، اراضی دو سوی سیردریا از دریاچه آرال تا قرقیزستان کنونی.

۲- Tashkent -

صورت گرفت. اما مردم ازبکستان نیز مشابه سایر ملتهای ناحیه با ورود و گسترش فرهنگ روسی و تسلط روسها بر آنان مخالفت کردند و با شورشها و قیامهای متعدد اعتراض خود را نشان دادند. که تمام این حرکتها سرکوب شد و نافرجام ماند.

با پیروزی انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش نیروهای دولتی روسیه در شهر تاشکند مستقر شدند و یک سال بعد جمهوری خود مختار سوسیالیستی ترکستان تشکیل شد که محدوده آن همان اراضی ترکستان بود. از این زمان تا سال ۱۹۲۴م/۱۰۰۳ش تمام ترکستان از جمله ازبکستان محل درگیریهای گروههای مختلف با بلشویکها بود. در سال مذکور با پیوستن کامل خانات آسیای مرکزی به حکومت سوسیالیستی شوروی، طرح مرزبندی جمهوریهای آسیای مرکزی به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۹۲۴م/۱۲۰۳ش جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ازبکستان اعلام موجودیت کرد که جمهوری خود مختار تاجیکستان نیز ضمیمه آن بود. در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ش، تاجیکستان از ازبکستان جدا شد و در سال ۱۹۳۶م/۱۲۱۵ش با الحاق جمهوری خود مختار قراقالپاق و سپس بخشی از خاک قزاقستان به ازبکستان، محدوده سیاسی فعلی ازبکستان تثبیت شد.

همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی سابق، جمهوری ازبکستان در اول سپتامبر ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش اعلام استقلال کرد و در تاریخ هشت دسامبر ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش قانون اساسی کشور از تصویب مجلس گذشت. رئیس جمهوری ازبکستان اسلام کریم اف است، وی که قبلاً دبیر اول حزب کمونیست ازبکستان بود در انتخابات ریاست جمهوری با اکثریت آرا به پیروزی رسید.(۱)

پس از تشکیل جمهوری ازبکستان، فعالیتهای سیاسی در قالب تشکیل احزاب آزادتر شد. مهمترین حزب کشور «حزب دمکراتیک خلق» است. این تشکل سیاسی که در واقع همان حزب کمونیست تغییر نام یافته است کماکان بر اکثریت نمایندگان مجلس کنترل کامل دارد و خط مشی آن همان راه ور سم کمونیستی بوده و رئیس جمهور، «اسلام کریم اف» از اعضای آن می باشد.

حزب «لیبرال دمکرات» تنها حزب مخالف قانونی ازبکستان است که تعداد معدودی نماینده در مجلس دارد. «حزب جنبش دمکراتیک بیریلیک» که با سیستم حاکم بر کشور

۱- اولکات، مارتابریل، «سیاست در آسیای مرکزی پس از فروپاشی امپراطوری»، ترجمه الهه لاکویی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱، ش ۲، ص ۶۲.

و دست اندرکاران اداره امور ازبکستان مخالف است وهمچنین «حزب احیای اسلامی»(۱) که خواهان ایجاد نظام سیاسی کشور براساس اصول اسلامی می باشد، غیرقانونی شناخته شده اند و به صورت مخفیانه فعالیت می کنند. مرکز فعالیت حزب احیای اسلامی که مهمترین تشکل اسلامی محسوب می شود، در شهر تاشکند قرار دارد و بیشتر فعالیتش در زمینه تبلیغ اصول اسلام و جذب جوانان به احکام الهی جهت دهی شده است.

۲ – ۲ جمعیت

ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین رقم جمعیت را داراست آمار موجود نشان می دهد که جمعیت این کشور در طی ۶۶ سال تقریبا چهار برابر شده است (جدول ۱ – ۲).

جدول ۱ – ۲ جمعیت ازبکستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش(۲)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۸۴م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۶۳ش۱۳۷۱ش

جمعیت۵۲۶۷۶۵۸۸۱۱۹۱۰۳۱۱۷۹۹۴۲۹۱۵۳۸۹۳۰۷۱۷۴۹۸۰۰۰۲۰۹۵۵۰۰

مشاهده می شود در طی ۳۳ سال میان سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش حدود ۵۴ درصد بر جمعیت کشور افزوده شده است. در حالی که در ۳۳ سال حدفاصل سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش جمعیت کشور بیش از ۵/۲ برابر شده است. مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی، پایین بودن رشد جمعیت در نیمه اول قرن بیستم ناشی از حاکمیت روسها و اجرای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و بروز جنگ دوم جهانی بوده است. در حالی که در نیمه دوم سده بیست، تثبیت وضعیت سیاسی کشور و افزایش میزان موالید و کاهش مرگ و میر و مهاجرتهای خارجی و افزایش وسعت کشور رشد بالای جمعیت را به دنبال داشته است (جدول ۲ – ۲). به طوری که نرخ رشد از ۳/۱ درصد در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش به رقم ۹/۲ درصد در دوره زمانی ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش افزایش یافته است.

۱– حزب احیای اسلامی در برخی منابع حزب تجدید حیات اسلام ذکر شده است.

۲– اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۲۹ – ۳۵۰؛ شیرازی، ابوالحسن، ملیتهای آسیای میانه، ص۷۴؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

جدول ۲ - ۲ نرخ رشد جمعیت ازبکستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (به درصد)

۱۹۲۶-۱۹۵۹م/۱۹۷۰-۱۹۵۹م/۱۹۷۹-۱۹۷۰م/۱۹۸۴-۱۹۷۹م/۱۹۹۲-۱۹۸۴م/۱۹۹۲-۱۹۲۶م/

دوره زمانی

۱۳۰۵-۱۳۳۸ش ۱۳۴۹-۱۳۳۸ش ۱۳۵۸-۱۳۴۹ش ۱۳۶۳-۱۳۵۸ش ۱۳۷۱-۱۳۶۳ش ۱۳۷۱-۱۳۰۵ش

نرخ رشد۲/۲۱/۲۲/۳۵۶/۳/۱۴

نامساعد بودن شرایط طبیعی و اقلیمی بخش وسیعی از سرزمین ازبکستان سبب شده که مردم در نقاطی ساکن شوند که امکانات طبیعی مورد نیاز برای زیست فراهم باشد به همین دلیل تراکم جمعیت در سطح کشور نامتعادل است. نقاط بیابانی خالی از سکنه هستند و نقاط حاصلخیز مانند دره فرغانه و شهرهای بزرگ از جمعیت لبریزند، در رقم تراکم نسبی جمعیت این واقعیت پوشیده می ماند.

تراکم نسبی که معرف تعداد جمعیت در واحد سطح می باشد کمتر واقعیت عینی دارد و با افزایش و یا کاهش رقم جمعیت تغییر می کند. به طوری که در سال ۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش تراکم نسبی جمعیت ازبکستان ۱۳ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است و با افزایش میزان جمعیت، تراکم نسبی نیز در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به ۸/۴۶ نفر در واحد سطح افزایش یافته است (جدول ۳ - ۲)، که در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین میزان تراکم می باشد.

جدول ۳ - ۲ میزان تراکم نسبی جمعیت ازبکستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (نفر در کیلومترمربع)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۸۴م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۶۳ش ۱۳۷۱ش

تراکم نسبی۱۳۱/۲۰۳/۲۶۴/۳۴۱/۳۹۸/۴۶

ازبکستان در ردیف کشورهای جوان محسوب می شود. آمار موجود نشان دهنده رقم بالای جمعیت، در گروه سنی کودکان و نوجوانان است (جدول ۴ - ۲). در سال ۱۹۸۹م/ ۱۳۶۸ش بیش از ۴۰درصد جمعیت را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می دادند. و

در سال ۱۹۹۳م/ ۱۳۷۲ش حدود ۵۰ درصد از جمعیت ازبکستان در گروه سنی کمتر از ۱۸ سال قرار داشتند و نزدیک به ۷۰درصد جمعیت کمتر از ۳۰ سال سن داشتند.(۱)

جدول ۴ – ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای

۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)(۲)

سال

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش

گروه سنی

کمتر از ۱۵ سال ۴۰/۸ ۴۱/۳

۶۴ – ۱۵سال ۵۵/۱ ۵۳/۳

۶۵ به سال ۴/۱ ۴/۵

بالا بودن میزان زاد و ولد مهمترین علت جوانی جمعیت ازبکستان به شمار می رود.

از نظر ترکیب جنسی جمعیت ازبکستان نیز وضعیتی مشابه کشورهای دیگر آسیای مرکزی دارد، به طوری که در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۹۶/۵ نفر مرد و جود داشت. در همین سال در برابر هر ۱۰۰ نفر زن ایرانی ۱۰۵ نفر مرد زندگی می کردند. در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ترکیب جنسی جمعیت ازبکستان متعادلتر شده و تعداد مردان به رقم ۹۷/۶ نفر افزایش یافته است.(۳)

به دلیل آن که اقتصاد ازبکستان متکی بر کشاورزی و تولید محصولات زراعی و دامی است و این گونه فعالیتها در فضاهای روستایی انجام می شوند. بیش از نیمی از جمعیت کشور در روستاها سکونت دارند (جدول ۵ – ۲).

جدول ۵ – ۲ توزیع جمعیت شهری و روستایی ازبکستان در سالهای

۱۹۵۹ تا ۱۹۸۵م/۱۳۳۸ تا ۱۳۶۴ش (درصد)(۴)

سال

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش

جمعیت

شهری ۳۴۳۶۴۱۴۲

روستایی۶۶۶۴۵۹۵۸

ص:۱۴۹

۱- شارپیف، آلیشر، «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ترجمه قاسم ملکی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۲، ص۱۵.

۲- امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ترجمه رویا درانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۳، ص۲۱۷.

۳- امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ترجمه رویا درانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۳، ص ۲۰۸.

۴- امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ترجمه رویا درانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۳، ص ۲۰۶؛ مدیریت نقشه برداری و جغرافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص ۲۱۶.

هر چند ایجاد صنایع و کارخانه ای گوناگون در مراکز شهری سبب رونق فعالیتهای صنعتی و خدماتی شده است و میزان شهرنشینی را افزایش داده است، اما هنوز روستاها نقش مهمی در جذب جمعیت دارند. ضمن آن که بالابودن میزان موالید در نقاط روستایی در افزایش جمعیت روستایی بی تأثیر نبوده است.

براساس میزان افزایش جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ش مشخص شده است که نرخ رشد مطلق جمعیت ازبکستان در دهه مذکور ۶/۲۵ درصد بوده است. همچنین بر طبق آمار موجود در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت تعداد ۳/۳۳ نفر چشم به جهان گشوده اند و ۳/۶ نفر به دیار باقی شتافته اند. بر این اساس رشد طبیعی سالانه جمعیت ۲۷در هزار بوده است. جمعیت شناسان با توجه به ارقام مذکور برآورد کرده اند که زمان لازم برای دوبرابر شدن

جمعیت ۲۵ سال است. آنان همچنین تعداد جمعیت کشور را در سالهای آتی تخمین زده اند(۱) (جدول ۶ – ۲).

جدول ۶ – ۲ برآورد جمعیت ازبکستان در سالهای

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش(۲)

سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش ۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش

جمعیت ۲۶۵۲۵۰۰۰۳۰۳۰۴۰۰۰۳۴۲۲۰۰۰۰

۳ – ۲ ترکیب قومی

نام ازبکستان گویای برتری ازبکها در این سرزمین است. کلمه ازبک به سال ۱۹۱۷م/ ۱۲۹۶ش در روسیه معرف گروههای کوچرو و نیمه کوچرو ترک بود.(۳) تحرک این افراد

که نتیجه شیوه اقتصادی گذران زندگی آنها بود، محدودیت مرزی را از بین می برد. و یکی از دلایل عمده پراکندگی ازبکها در ناحیه همین شیوه معیشت آنها بوده است.

ازبکستان کنونی تا پیش از انقلاب بلشویکی بخشی از ماوراءالنهر بود و ازبکها نیز در بخشی از آن سکونت داشتند. در آن زمان ماوراءالنهر سکونتگاه جوامع قومی گوناگون بود که هویت آنها بیش از آن که متکی بر قومیتشان باشد، براساس مکان سکونتشان

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۱۴.
۲- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۵.
۳- ابوطالبی، مرتضی، «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۳۳.

مشخص می شد مانند سمرقندی یا بخارایی. با اجرای سیاستهای استالین وحدت و یکپارچگی ماوراءالنهر و پیوندهای میان ساکنان آنجا از هم گسیخت و بتدریج تقسیمات سیاسی به شکل یک واقعیت سیاسی آشکار شد و حتی مقابله و رویارویی اقوام ساکن هر محدوده سیاسی را موجب شد.

در ازبکستان نیز با وجود آن که بیش از ۱۱۰۰ ملیت زندگی می کنند(۱)، اکثریت جامعه را ازبکها تشکیل می دهند (جدول ۷ – ۲). روسها، تاجیکها، قزاقها و تاتارها بترتیب پس از ازبکها بیشترین تعداد جمعیت را در ازبکستان دارند.

جدول ۷ – ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/ ۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۲)

سال۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/

ملیت ۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش

ازبکها ۶۶۱/۶۲۵/۶۵۷/۶۸

اوکراینی ها ۵/۰۱/۱۹/۰۷/۰

تاجیکها ۴/۱۸۸/۳۸/۳۹/۳

تاتارها ۵/۰۵/۵۹/۴۲/۴

روسها ۷/۴۵/۱۳۵/۱۲۸/۱۰

قزاقها ۲۲/۴۴۴

قرقیزها ۷/۱۱/۱۹/۰۹/۰

قراقالپاقها ۵/۰۱/۲۲۹/۱

سایر ۵/۷۹/۶۵/۵۹/۴

قراقالپاقها و ایرانی تبارهای ساکن شهرهای بخارا و سمرقند از گروههای قومی دیگر ازبکستان به شمار می آیند. قراقالپاقها از اختلاط ترکها و فارسها به وجود آمده اند و زبان آنها نیز نزدیکی بسیاری با زبان قزاقی دارد. ایرانی تبارها نیز بازماندگان تاجران و

مهاجران خراسانی هستند که حدود یک قرن قبل برای تجارت به ناحیه رفتند و در طی این مدت سعی کردند فرهنگ و هویت خود را حتی الامکان حفظ و حراست نمایند.(۳)

حدود ۸۵درصد مجموع ازبکها در ازبکستان ساکنند، حدود ۷درصد در جمهوری

۱- ازبکستان کشوری کشف نشده، ص ۱۵۰.

۲- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص۱۹۷.

۳- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۲۷.

تاجیکستان، ۵/۳درصد در قرقیزستان و ۵/۴درصد بقیه، در سایر جمهوریهای آسیای مرکزی زندگی می کنند.

شمار زیاد ازبکها نسبت به سایر اقوام آسیای مرکزی نوعی حس برتری طلبی را در میان آنها به وجود آورده است. این خصلت که از گذشته در میان آنها وجود داشت در ایام

حکومت کمونیستها تشویق شد وازبکستان نقش رهبری را در آسیای مرکزی بر عهده گرفت و بسیاری از مراکز مهم علمی، فرهنگی، مذهبی ناحیه د راین کشور تأسیس شد. این رویکرد ضمن آن که سبب پیشرفت فرهنگی ازبکستان شد، داعیه برتری ازبکستان بر سایر کشورهای ناحیه را قوت بخشید. به طوری که پس از استقلال نیز ازبکها فعالیتهای گوناگونی برای حفظ قدرت خود در ناحیه انجام داده اند و تا حدود زیادی نیز

موفق بوده اند.

روسها که عمدةً پس از انقلاب سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش وا رد ازبکستان شدند، پس از ازبکها مهمترین گروه قومی این سرزمین به شمار می آیند. آنها در نقاط شهری ساکن شده اند و در مشاغل صنعتی و خدماتی شاغل هستند. پس از کسب استقلال در فاصله سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۲م/۱۳۶۸ - ۱۳۷۱ش، حدود ۲۳درصد و در سالهای بعد نیز درصد دیگری از روسها به روسیه بازگشتند(۱)، مهاجرت روسها و نرخ رشد بالای جمعیت در میان ازبکها و تاجیکها، سبب کاهش تعداد روسها در جمعیت ازبکستان شده است.

۴ – ۲ زبانهای رایج

ازبکها به زبان ازبکی که از گروه ترکی شرقی است سخن می گویند. این زبان از دو گویش عمده تشکیل شده است. گروه اول گویشهای شرق ازبکستان و گروه دوم گویشهای شمال غربی و جنوب را در بر می گیرند. واژگان زبان ازبکی ترکی است. اما در طی زمان واژه هایی از زبانهای فارسی، عربی و روسی به آن وارد شده است.

تا پیش از استقلال زبان روسی زبان رسمی و زبان ازبکی در کنار آن به کار می رفت و مشابه تمام کشورهای ناحیه در امور اداری و سیاسی ازبکستان از زبان روسی استفاده می شد پس از کسب استقلال زبان ازبکی زبان رسمی و زبان روسی به عنوان زبان دوم معرفی شد.

۱- ریوکین، مایکل، «دکترین مونروئه، روسیه و ثبات منطقه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، ش۸، ص۷۲.

۵ – ۲ مذهب

مذهب بیشتر مردم ازبکستان اسلام است. به نظر می رسد نخستین بار مسلمانان در اواسط قرن اول هجری قمری به ناحیه وارد شده اند زیر در سنگ قبر «قاسم بن عباس» پسر عم پیامبر اسلام، در محل «شاه زنده» سمرقند، سال فوت وی ۵۶ هجری قمری حک شده است. اسناد و مدارک تاریخی علت سفر وی به ناحیه را تبلیغ اصول اسلامی ذکر کرده اند و علت شهادت یا فوت وی را مبارزه با کفار نوشته اند(۱).

ازبکستان که در آن زمان بخشی از ماوراءالنهر بود، همچون سایر مکانها د رچند مرحله به قلمرو اسلام اضافه شد و سرانجام در سال ۸۵ هجری قمری قتیبه بن مسلم برای فتح نهایی به ناحیه اعزام شد که پس از ۲۰ سال مرز شمالی حکومت اسلام را تا چین و بخش شمالی تاشکند کنونی گسترش داد.

گسترش اسلام در ماوراءالنهر عمدهً در قرن دوم رخ داد و با گذشت زمان بر تعداد مسلمانان افزوده شد. در این هنگام شهرهای سمرقند و بخارا و «چاچ» و فرغانه از مراکز

مهم اسلامی بودند و سمرقند و بخارا به عنوان مراکزعلمی جهان اسلام شهرت جهانی یافتند. در طی قرون متمادی تا پیش از تسلط روسها بر ناحیه، شهرهایی که اکنون در قلمرو ازبکستان قرار دارند، در پیشبرد اصول اسلامی و پایبندی به احکام الهی در جهان

اسلام زبانزد بودند. مساجد و مدارس و بناهای تاریخی که در طی حکومت اسلامی در ازبکستان کنونی ساخته شد، امروزه از مفاخر ملی این جمهوری به شمار می آیند.

با حاکمیت ایدئولوژی کمونیستی، رهبران شوروی سعی وافری کردند که افکار و اعتقادات کمونیستی را جایگزین اصول اسلامی نمایند واقدامات متعدد و متنوع تنبیهی و تشویقی برای نیل به اهداف خود انجام دادند. اما مسلمانان ازبکستان با حفظ و حراست از اعتقادات خود پس از کسب استقلال، با روحیه ای تازه به فعالیت پرداختند. بسیاری از مساجد بازسازی شدند، مانند «مسجد طلاشیخ» و «مسجد جامع یکه سرای» در تاشکند(۲). اماکن مذهبی بسیاری در شرف ساخته شدن است. اعیاد مذهبی رمضان و قربان رسمیت یافتند و فقط طی ۴ سال اولیه استقلال، ۲۸ مدرسه علمیه تأسیس شده است.(۳)

همچنان که ذکر شد بیشتر جمعیت ازبکستان را مسلمانان تشکیل می دهند، به طوری

ص:۱۵۳

۱- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص ۱۸۳.

۲- دلدم، اسکندر، سیر و سیاحت در اتحاد شوروی، ص۱۶۲.

۳- «آسیای مرکزی: چالشها و راه حلها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۵،ش۱۳، ص۳۲۷.

که بیش از ۹۰درصد از سکنه این سرزمین پیرو کیش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله می باشند (جدول ۸ – ۲). مسلمانان ازبکستان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند. همچنین تصوف طرفداران زیادی بویژه در نقاط روستایی دارد. شهرهای بخارا و خیوه از مهمترین مراکز تعلیمات صوفیه بود. «نجم الدین کبری» در شهر خیوه پایه گذار راه و روش کبرویه شد و در بخارا، «بهاءالدین نقشبند» مسلک نقشبندی را رواج داد.(۱) طریقه یسویه نیز در میان ازبکها پیروانی دارد.

جدول ۸ – ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک مذهب در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۲)

سال۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/

مذهب ۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش

مسلمان ۹۴۸۲۸۳۹۵

غیر مسلمان ۶۱۸۱۷۵

علاوه بر پیشینه درخشان ازبکستان در جهان اسلام، در حال حاضر نیز مهمترین مساجد و مراکز اسلامی آسیای مرکزی در این کشور قرار دارد. دفتر مرکز روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان که تا پیش از فروپاشی شوروی سابق، عهده دار امور مذهبی ناحیه بود، در تاشکند قرار دارد. اکنون نیز این مرکز مهمترین تشکیلات مذهبی آسیای مرکزی است گرچه برخی کشورهای آسیای مرکزی پیوند خود را با آن گسسته و به طور مستقل در مراکز کشورشان نمایندگی افتتاح کرده اند.

ازبکستان دارای دو مدرسه علمیه مهمّ است که زیرنظر مرکز روحانی آسیای مرکزی اداره می شود و تعلیم و تربیت روحانیون را عهده دار هستند. مدرسه میرعرب و «انستیتوی عالی امام اسماعیل بخاری» دو مدرسه علمیه ازبکستان می باشند. مدرسه میرعرب در سال ۱۵۳۶م/۹۲۵ش در شهر بخارا تأسیس شد و انستیتوی عالی امام اسماعیل بخاری در اواسط قرن شانزدهم میلادی به نام «بارق خان» در شهر تاشکند احداث شد و در سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش به یادبود هزار و دویستمین سالگرد تولد «امام بخاری» به اسم کنونی تغییر نام داد.(۳)

۱– ملیتهای آسیای میانه، ص ۸۰ – ۸۱ .

۲– حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص ۹۲.

۳– اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۵۸.

۶ – ۲ رسانه های گروهی

مطبوعات ازبکستان به زبانهای مختلفی منتشر می شوند. اما به دلیل کثرت تعداد ازبکها بیشتر نشریات به زبان ازبکی چاپ می شوند. نخستین روزنامه ازبکی در سال ۱۸۷۰م/۱۲۴۹ش در شهر تاشکند به چاپ رسید. این روزنامه تا سال ۱۸۷۲م/۱۲۵۱ش به ضمیمه روزنامه روس زبان «اخبار ترکستان» منتشر می شد. اما از سال ۱۸۸۳م/ ۱۲۶۲ش به صورت مستقل و با نام «ایالت ترکستان» اجازه انتشار یافت. بعدها روزنامه های دیگری با نامهای «آیینه»، «اولوق ترکستان» «توران»، «خورشید» و «صدای ترکستان» وارد بازار مطبوعات شدند. در زمان انقلاب بلشویکی رویّه چاپ نشریات نیز تغییر کرد و نشریات جدیدی انتشار یافتند که برخی از آنها تا زمان استقلال

ازبکستان منتشر می شدند. مانند روزنامه «ازبکستان شوروی» از سال ۱۹۱۸م/۱۲۹۷ش، «فرهنگ ازبکستان» از سال ۱۹۵۷م/۱۳۳۶ش، «لینیست جوان» از سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش و مجلات «زنان و دختران ازبکستان» از سال ۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش، «ستاره شرق» از سال ۱۸۳۳م/۱۳۱۲ش و «گلستان» از سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش.

پس از استقلال برخی روزنامه های مستقل کوچک مانند بیرلیك، ارك، مونوسوبات و همافتالیك که در ابتدا بدون مشکلی منتشر می شدند، بتدریج یا انتشار آنها متوقف شد

و یا مجبور به انتشار مخفی شدند و سایر روزنامه ها نیز مطالب خود را با نظارت دولت به

چاپ می رساندند.(۱)

رادیو و تلویزیون ازبکستان نیز به زبانهای گوناگون برنامه تولید و پخش می کنند. بیشتر برنامه ها به زبانهایی است که برای اقوام ساکن در ازبکستان قابل استفاده است.

بدیهی است که برنامه های تولیدی به زبان ازبکی و روسی بیش از سایر برنامه ها باشد.

از اواسط دهه ۱۹۷۰م، رادیوی این کشور، برای کشورهای همجوار نیز برنامه هایی تهیه و پخش می کرد، پس از استقلال بر تعداد برنامه های خارجی و همچنین تنوع زبانی آنها افزوده شد.

تلویزیون ازبکستان چندین کانال دارد. که به زبانهای ازبکی، روسی، قزاقی و... برنامه پخش می کنند. در سالهای اخیر پخش برنامه های ماهواره و همچنین برخی برنامه های تلویزیون ترکیه نیز آغاز شده است.

۱- تیسون، دیوید، «نقش رسانه های سمعی غیر رسمی در ازبکستان»، ترجمه قاسم ملکی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۴، دوره دوم. ش۱۱، ص۱۵۷ – ۱۵۸

۷ – ۲ تقسیمات کشوری

اشاره

ازبکستان متشکل از یک جمهوری خود مختار و دوازده استان است. بسیاری از نواحی و شهرهای مهم آسیای مرکزی که سابقه طولانی تاریخی دارند و از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی ناحیه بوده اند، در محدوده سیاسی کنونی ازبکستان واقعند. خوارزم، خیوه، اورگنج، بخارا، سمرقند و... شماری از آنها هستند. بسیاری از این نقاط اکنون نیز

در ردیف شهرهای مهم و مراکز استانهای ازبکستان به شمار می روند (جدول ۹ – ۲).

جدول ۹ – ۲ استانهای ازبکستان و برخی از مشخصات مراکز آنها(۱)

مرکز استان

استان نام فاصله از مرکز کشورجمعیت در سال

(کیلومتر)۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش(هزارنفر)

اندیجان اندیجان۲۷۰۲۹۳

بخارا بخارا۴۳۷۲۲۴

تاشکند تاشکند۰۲۰۷۳

جیزاک جیزاک۱۷۴۱۰۲

خوارزم اورگنج۷۱۶۱۲۸

سمرقند سمرقند۲۷۱۵۶۶

سرخان دریا ترمذ--

سیردریا گلستان–۸۵

فرغانه فرغانه۲۳۶۲۰۰

قشقه دریا قارشی۳۹۳۱۵۶

نوایی نوایی۳۵۲۱۰۷

نمنگان نمنگان۲۰۷۳۰۸

در میان شهرهای ازبکستان، تاشکند پایتخت کشور با بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت بزرگترین و مهمترین شهر کشور و پرجمعیت ترین شهر آسیای مرکزی می باشد (نقشه ۲۵).

ص:۱۵۶

۱- بارتولد، و.و، ترکستان نامه، جلد اول، ترجمه کریم کشاورز، ص ۳۸۳ - ۳۹۱.

نقشه ۲۵

ص:۱۵۷

۱ – ۷ – ۲ تاشکند

در گذشته «چاچ» یا «شاش» نام داشت و در دوره سامانیان به «بنکث» شهرت یافت.(۱) قدمت این شهر به قرن دوم پیش از میلاد می رسد.

تاشکند در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی مناسبی برخوردار بود. عبور شاخه ای از سیردریا، همواره این شهر را در ردیف شهرهای مهم آسیای مرکزی که از نظر تأمین آب با مشکلی مواجه نبود، قرار داده است. تا پیش از سلطه روسها بر ناحیه، تاشکند شهری کوچک بود، انتخاب آن از سوی روسها، پس از سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش به عنوان مرکز کشور، زمینه مناسبی را برای توسعه و رشد شهر در ابعاد گوناگون فراهم کرد. احداث کارخانه و تأسیس مراکز متعدد صنعتی، تاشکند را به بزرگترین و مهمترین شهر صنعتی کشور تبدیل نمود.

زلزله سال ۱۹۶۶م/۱۳۴۵ش، خسارات بسیاری به تاشکند وارد کرد، اما تلاش گسترده و سریع مقامات دولتی، سبب باز سازی سریع این شهر شد، به طوری که امروزه تاشکند جمعیت بسیاری را در خود جای داده است (جدول ۱۰ – ۲).

جدول ۱۰ – ۲ جمعیت شهر تاشکند در سالهای ۱۹۳۹تا۱۹۹۲م/۱۳۱۸تا۱۳۷۱ش. (۲)

۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش ۱۳۷۱ش

جمعیت۵۵۶۰۰۰۹۲۷۰۰۰۱۳۸۵۰۰۰۱۹۹۲۰۰۰۲۱۲۰۰۰۰

در حال حاضر تاشکند از مراکز مهم صنعتی در زمینه های تولید ماشینهای کشاورزی، ماشینهای پارچه بافی و تولید مواد غذایی می باشد. این شهر همچنین مهمترین مراکز فرهنگی، اداری و سیاسی کشور را در خود جای داده است.

در کنار بناهای جدید شهر و مراکز دیدنی آن، آثار و بقایای شهر چاچ بزرگترین شهر ناحیه در قرون وسطی، در حومه تاشکند، مهمترین میراث تاریخی شهر و از نقاط مهم جهانگردی آن می باشد.

ص:۱۵۸

۱– ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۸۱ و ۸۷؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۵.

۲– جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۳.

۲ – ۷ – ۲ بخارا

یکی از شـهرهای قـدیمی ازبکسـتان است که سابقه سـکونت در آن را هزاره های قبل از میلاد یا به عبارت دیگر دوران ماقبل تاریخ می دانند.(۱) گرچه بخارا قـدمت زیادی دارد، اما آغاز رونق یافتن آن به عنوان یک شـهر مهم، به احتمال زیاد از اواخر قرن پنجم میلادی

بوده است، یعنی زمـانی که هفتالیان بر بخش بزرگی از آسـیای مرکزی حاکم شدنـد، د رآن ایام بخارا «نومجکت» نام داشت. ایـن شــهر پس از ورود مسلمانان بـه آسـیای مرکزی، یکی از مهمـترین مراکز جهـان اسـلام شـد، امـا اوج رونـق آن در دوره حکومت سامانیان یعنی بخشـی از قرنهای سوم و چهارم هجری بود که پایتخت قلمرو سامانیان شد. در زمان حمله مغول، بخارا مشابه بیشتر نقاط ناحیه، تصرف و غارت شده و رو به ویرانی نهاد. با

روی کار آمدن تیمور و جانشـینان او، بخارا مجددا رونق یافت و در همین ایام بود که بهاءالدین نقشبندی، فرقه نقشبندی را در این شـهر و در قرن هشـتم هجری تبلیغ کرد. پس از تیموریـان بخـارا پـایتخت شـیبانیان شـد. گرچه بخـارا تا زمان بروز انقلاب بلشویکی از شـهرهای مهم آسیای مرکزی باقی ماند، ولی در قرون دهم تا دوازدهم قمری، مقارن با قرون شانزدهم تا هیجدهم میلادی رشد اقتصادی و اجتماعی شگرفی داشت.(۲)

بخارا از زمان ورود اسـلام به آن تا اواخر قرن دوازدهم هجری نقش مهمی در رشد و گسترش اسلامی داشت و یکی از مراکز مهم جهان اسـلام به شـمار می آمـد. اهمیت این شـهر به حدی بود که از آن به عنوان «مهد اسـلام»(۳)، «قبه الاسـلام» و «مدینه الاسلام»(۴) نام برده اند.

در ایام رونق بخارا، بناهای متعددی در آن احداث شد که بسیاری از آنها به مرور زمان و در اثر عدم حفاظت و نوسازی از بین رفته انـد. از میان این آثار برخی از آنها تا زمان حاضـر باقی مانـده انـد که درردیف مهمترین آثار تاریخی کشور محسوب می شوند و در سالهای پس از استقلال مورد بازدید و توجه جهانگردان بسیاری قرار گرفته اند.

از میـان آثـار باسـتانی بخـارا می توان به مزار چشـمه ایوب در کنـار آرامگـاه امیر اسـماعیل سامـانی اشاره کرد. گفته می شود چشمه ایوب، بنایی است به یادبود چاهی که گویا ایوب پیامبر احداث کرده بود.

مجموعه معماری متشکل از مسجد جامع کلان، مناره کلان و مدرسه میرعرب در

۱- فرای، ریچارد. ن، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، ص۱۹.

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ترکستان نامه، ص ۲۴۰ – ۲۷۹؛ بخارا، دستاورد قرون وسطی.

۳- سارلی، اراز محمد، ترکستان در تاریخ، ص ۱۶ – ۱۸.

۴- رنجبر، احمد، خراسان بزرگ، ص ۷۱.

مرکز بخارای قدیم از بقایای شاهکارهای معماری اسلامی بخارا به شمار می رود.

همچنین آرامگـاه امیر اسـماعیل سامـانی، مسـجد بلنـد، مسـجد مغـاک عطّاری، مسـجد خواجه زین الـدین و مـدرسه الغ بیک، مـدرسه کوکلتاش، مـدرسه نادر دیوان بیکی، مـدرسه مادری خان، مـدرسه عبـدالله خان، خانقاه فیض آباد، خانقاه بهاءالدین و خانقاه نادر دیوان بیکی، آرامگاه بویان قلی خان، آرامگاه سیف الدین بخارایی و بازارهای طاق

زرگران، طاق تلپاق (فروشندگان انواع کلاه و سرپوش) و طاق طرخان از مهمترین آثار تاریخی این شهر هستند.(۱)

۳ – ۷ – ۲ سمرقند

در دره حاصلخیز فرغانه واقع است. باستان شناسان عقیده دارند که در محل شهر سمرقند کنونی، شهر قدیمی «افراسیاب» قرار داشت. افراسیاب در قرن پنجم یا ششم پیش از میلاد ساخته شد و از آن زمان به بعد به تناسب شرایط سیاسی زمان، گاهی آباد و

زمـانی تخریب شـده بـود. به طوری که در ۳۲۹ قبـل از میلاـد، در اثر حمله اسـکندر به کلّی تخریب شـد. اما مجـددا بازسازی گردید.

سمرقند یکی از مراکز تمدن سـغدیان بود و پس از تسلط اعراب قلعه ای وسیع در آن بنا شد که قسمتهای اداری و سیاسی شهر را در بر گرفته بود. از آن زمـان به بعـد، بویژه در زمـان سامانیان شـهر بسـرعت گسترش یافت و بناهای متعـددی ساخته شـد و کاشی و کاغذ آن در جهان اسلام شهرت یافت.

مغولهـا در سال ۱۲۲۰م/۵۵۹ش شـهر را کاملاًـ ویران کردنـد. ساکنـان را قتـل عـام کردنـد، خانه ها را سوزاندنـد و نظام علمی آبیاری را نابود کردند واز افراسیاب چیزی باقی نماند.

از آن پس افراسیاب دیگر آباد نشد و در نزدیکی آن شهر سمرقند ساخته شد.(۲)

سمرقنـد در دوره حکومت تیموریـان، بویژه در زمـان حیـات امیر تیمور لنگ عظمت واعتبار زیادی کسب کرد. در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی از مراکز علمی و هنری مهم جهان اسـلام گردیـد. یادگارهای معماری بی نظیری که از آن زمان به جا مانده، جلوه گر عظمت و

اهمیت سمرقند در آن ایام است.

مجموعه بزرگ آرامگاههای معروف به «شاه زنده» که مقبره قاسم بن عباس پسر عم

۱- پاپادوپولو، آ، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزئی، ص ۲۶۶ - ۲۷۰؛ دلدم، اسکندر، سیرو سیاحت در اتحاد شوروی، ص۱۶۲؛ پیرنیا، محمد کریم، شیوه های معماری ایرانی، ص۲۵۸ - ۲۶۳.

۲- باستانشناسی در آسیای مرکزی، ص ۱۹۸.

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در آن جای دارد.(۱) مجموعه میدان ریگستان شامل سه بنای مدرسه الغ بیک، مدرسه شیردار و مدرسه طلاکاری و همچنین آرامگاه تیمور، آرامگاه بی بی خانم، آرامگاه معروف به رخ آباد، آرامگاه موسوم به عشرتخانه، آرامگاه معروف به آق سرای، مسجد بی بی خانم، مدرسه محمد شیبانی، مدرسه سیداحمد خواجه و رصدخانه الغ بیک در زمره مهمترین آثار تاریخی سمرقند به شمار می روند.(۲)

۴ – ۷ – ۲ خیوه

از شهرهای قدیمی ازبکستان محسوب می شود. این شهر در دوره رونق و شکوه خوارزم، یکی از مهمترین شهرهای ناحیه بود. گفته می شود، شهر خیوه کنونی، پس از تخریب خیوه کهن در کنار آن بنا شده است.(۳) خیوه که زمانی مرکز امیر نشینی به همین نام بود، اکنون شهرتش به سبب وجود آب و هوای معتدل و آثار باستانی متعدد است. مسجد جامع شهر، مدرسه شیرغازان خان و مدرسه اسلام خواجه به همراه آرامگاه پهلوان محمود، مهمترین بناهای تاریخی شهر هستند.

۵ – ۷ – ۲ ترمذ

در قرن دوم یا سوم قبل از میلاد در کنار رودخانه آمودریا ساخته شد. این شهر که بر سر راه ارتباطی سمرقند به بلخ واقع بود، به صورت پایگاهی برای کاروانهاو مسافرانی که در جاده ابریشم عازم چین و ترکستان شرقی بودند، امکانات مورد نیاز را فراهم می کرد. پس از تخریب ترمذ باستانی، شهر کنونی ترمذ در فاصله ۱۰ کیلومتری آن ساخته شد.

اندیجان، اورگنج، خوقند، نمنگان و فرغانه از دیگر شهرهای مهم تاریخی ازبکستان هستند.(۴) که به همراه شهرهای جدید و صنعتی کشور، محل تمرکز گسترده جمعیت و فعالیتهای متنوع صنعتی محسوب می شوند.

۶ – ۷ – ۲ جمهوری خود مختار قراقالپاق

ازبکستان سرزمینی است که یک جمهوری خود مختار را در قلمرو خود دارد.

۱– قندیه و سمریه، بکوشش ایرج افشار، ص ۵۰ – ۷۷.
۲– احمد نژادی، حسن، سیمای سمرقند، ص ۴۴ – ۴۵؛ معماری اسلامی، ص ۲۷۰ – ۲۷۴؛ شیوه های معماری ایرانی، ص ۲۵۷ – ۲۶۰؛ بردآبادی، کامبیز، «آسیای میانه در جستجوی هویت» زمان، ش۶، ص۱۳ – ۱۴
۳– بارتولد،و. و، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، ص۲۹.
۴– برای آشنایی بیشتر با جغرافیای تاریخی شهرهای ازبکستان ضمن مراجعه به منابع فوق الذکر نگاه کنید به: لسترنج، کی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان؛ رئیس السادات السیدحسین، «تاریخ شهرهای خراسان، بخارا»، تحقیقات جغرافیایی، س۲، ش۶، ص۱۲۴ – ۱۳۹؛ رئیس السادات، سیدحسین، «تاریخ شهرهای خراسان، سمرقند»،

تحقیقات جغرافیایی، س ۲، ش ۷، ص ۱۷۸ - ۱۹۳.

قراقالپاق با وسعت ۱۶۵ هزار کیلومتر مربع در شمال غربی ازبکستان واقع است.(۱) بیشتر قراقالپاقها در این جمهوری خود مختار ساکنند و شماری از آنان نیز در قزاقستان، شرق ازبکستان و ترکمنستان مأوا دارند. قراقالپاق به معنی کلاه سیاه بر جمعیتی اطلاق

می شود که همواره در اطراف دریاچه آرال و یا مسیر رودخانه سیردریا ساکن بودند. در اکثر زمانها این قوم به طور مستقل تشکیل حکومت دادند و برخی مواقع تحت حاکمیت، سلاطین وقت بودند. در زمان اتحاد شوروی قراقالپاق ایالت خود مختار شد و در قلمرو جمهوری خود مختار قزاق قرار گرفت، سپس در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به عنوان جمهوری خودمختار ضمیمه ازبکستان شد.

قراقالپاق در جنوب دریاچه آرال واقع است و بخش وسیعی از اراضی آن را بیابانها تشکیل می دهند. خوارزم که از عهد باستان در تمدن و فرهنگ آسیای مرکزی نقش حیاتی داشته(۲)، و شهرهای مهمی مانند «جرجانیه» خیوه، «کاث»، و «اورگنج» از شهرهای مهم آن بودند، و در گذشته از آن به عنوان شمالی ترین پایگاه تمدن نام برده می شد(۳)، در محدوده جمهوری قراقالپاق کنونی واقع است و بیشتر بخشهای آن تقریبا خالی از سکنه می باشد.

شهر «نوکوس» مرکز جمهوری قراقالپاق با ۱۶۹ هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، از شهرهای بزرگ و مهم ازبکستان به شمار می آید. جمعیت قراقالپاق در همین سال حدود ۱۴۰ هزار نفر بود.

۳ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۳ کلیات

ازبکستان سرزمینی ثروتمند است که تا پیش از استقلال، اقتصاد دولتی و وابسته داشت، اما از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش با الگو گرفتن از کشورهای غربی، اقدامات گوناگونی را برای گسستن پیوندهای کهن و گذر به اقتصاد آزاد انجام داده است.

مسؤولان کشور ضمن ایجاد شرایط مناسب برای رشد اقتصاد بازار، به کنترل کامل روند اقتصادی، سرعت بخشیدن به اصلاحات لازم و حفظ امنیت اجتماعی تأکید دارند،

۱- آمار وارقام ذکر شده در این مبحث، جمهوری قراقالپاق را نیز شامل می شود.

۲- گزیده مقالات تحقیقی، ص ۱۹ – ۳۱؛ خراسان بزرگ، ص۱۲۵ – ۱۴۸.

۳- باستانشناسی در آسیای مرکزی، ص۳۱۷.

رئیس جمهور کشور برنامه ای سه مرحله ای را برای اصلاحات و توسعه اقتصادی تهیه کرده است. در مرحله اول که یک سال طول می کشید، ثبات در تولید و ایجاد نظام پولی مستحکم برای کشور مورد نظر بود. در همین رابطه پول جدید کشور با نام «صوم» جایگزین روبل شد. ثبات در تولید و بهبود وضعیت اقتصادی مردم هدف اصلی مرحله دوم به مدت ۲ تا ۵ سال معرفی شده است و سرانجام در مرحله سوم که مدت ۶ سال زمان برای آن پیش بینی شده، اصلاح ساختار اقتصادی ملی، همکاری و هماهنگی با اقتصاد بین المللی و رسیدن به شرایط کشورهای توسعه یافته، مورد توجه قرار گرفته است.

برای نیل به اهداف مذکور چند اصل مورد توجه رهبران ازبکستان بوده است که عبارتند از: تدریجی بودن اصلاحات، نظارت و کنترل دقیق و مستقیم دولت بر اجرای اصلاحات، ایجاد رفاه اقتصادی، ایجاد ثبات وآرامش ملی، و سرانجام فراهم کردن موجبات پیشرفت برای همه قومیتها به منظور جلوگیری از بروز تنشهای قومی.(۱)

در سالهای نخست استقلال نابسامانیهایی در اقتصاد کشور رخ داد که حاصل آن اُفت تولید بود ولی بتدریج از شدت آن کاسته شد، به طوری که در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش کاهش تولید داخلی ازبکستان نسبت به سال قبل ۶/۹ درصد و در سال ۱۹۹۳م/ ۱۳۷۲ش، ۵/۳درصد بهبود یافته بود. همچنین در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، میزان تولید ناخالص ملی ۷/۶درصد و تولید کل کشاورزی ۶درصد کاهش داشته است. درحالی که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، تولید ناخالص داخلی ۴درصد ا فزایش و تولید کشاورزی فقط ۳/۰ درصد کاهش داشته است.(۲)

در سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶م/۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ش با تثبیت شرایط سیاسی و روند اصلاحات اقتصادی و همچنین جلب سرمایه های خارجی و گسترش روابط متقابل اقتصادی، از میزان افت اقتصادی کشور کاسته شد و تولیدات در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی کشور افزایش یافت.

۲ - ۳ کشاورزی

اشاره

مهمترین بخش اقتصادی ازبکستان را بخش کشاورزی تشکیل می دهد و محصولات

۱- گوان فو، گو، «ویژگیها و دورنمایی اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد». ترجمه محمّدجواد امیدوارنیا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،س۵، ش۱۳، ص۱۱۸ - ۱۱۹.
۲- گوان فو، گو، «ویژگیها و دورنمایی اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد». ترجمه محمّدجواد امیدوارنیا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،س۵، ش۱۳، ص ۱۱۵.

زراعی اولین منبع درآمد کشور هستند. حدود ۴۰درصد از تولیدات ازبکستان در بخش کشاورزی تهیه می شود. در سال ۱۹۸۸م/۱۳۶۷ش حدود ۵۰درصد از جمعیت فعال کشور در فعالیتهای زراعی مشغول کار بودند.(۱).

۱ – ۲ – ۳ زراعت

مهمترین مشکل زراعت ازبکستان، کم آبی است و از دیرباز برای رفع این نقیصه، کانالهای آبرسانی برای انتقال آب سیردریا و آمودریا احداث شده اند، این فعالیتها در طی چند دهه اخیر شدت بیشتری یافت که حاصل آن، افزایش سطح زیرکشت، بالارفتن بازده محصولات و اثرات زیانبار زیست محیطی جبران ناپذیر بود.

طرحهای آبرسانی ضمن آن که سبب زیرکشت رفتن زمینهای بایر شد از وسعت اراضی دیمی کاست و بر سطح زیرکشت آبی افزود. به طوری که حدود ۸۶ درصد از اراضی زیرکشت ازبکستان را زمینهای آبی تشکیل می دهند.

به غیر از اراضی که در سالهای اخیر از طریق آبیاری و کانال کشی به زیر کشت رفته اند، نواحی حاصلخیز و مساعدی وجود دارند که سابقه کشت و زرع درآنها به چندین قرن قبل می رسد. دره چو در حدفاصل ازبکستان و قزاقستان، حوضه رودخانه فرغانه، دره زرافشان و حواشی رودخانه های سیردریا و آمودریا مهمترین این نواحی هستند. دره فرغانه از حاصلخیزترین نقاط زراعی جهان به شمار می رود.

در میان محصولات زراعی، پنبه اهمیت ویژه ای دارد. حدود ۶۰درصد از بهترین زمینهای زراعی ازبکستان به کشت پنبه اختصاص یافته است واین محصول ۴۰ درصد از تولید زراعی و بیش از ۷۰ درصد صادرات کشور را تشکیل می دهد. تا پیش از استقلال از نظر میزان تولید پنبه ازبکستان چهارمین تولید کننده بود و با کاهش تولید در سالهای پس

از استقلال، پنجمین تولید کننده پنبه در سطح جهان به شمار می آید.

گندم دیگر محصول زراعی است که اراضی زیادی به کشت آن اختصاص یافته است. ولی محصول تولیدی فقط ۲۵ درصد نیاز داخلی را بر طرف می کند و ازبکستان ناچار به خرید ۵ میلیون تن گندم در سال است.(۲)

غلات، حبوبات، سبزی، میوه، چغندر قند، برنج و کنف از دیگر محصولات زراعی

۱- واتر، ایگور، «آیا آسیای مرکزی منفجر می شود»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲ ش۱، ص۱۹۵.

۲- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۱۹۸.

ازبکستان هستند که از سطح زیر کشت آنها در دو دهه اخیر کاسته شده و به کشت پنبه اختصاص یافته است (جدول ۱۱ – ۲).

جدول ۱۱ – ۲ سطح زیرکشت سه محصول عمده ازبکستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۱)

سال

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

نوع محصول۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش۱۳۶۷ش

پنبه۵/۹۲۳۱۰۹۸۱۳۸۶۱۷۰۹۱۸۷۷۲۰۱۷

حبوبات۱۴۷۹۱۱۰۲۸۹۴۱۱۵۹۱۱۷۳۷۰۰(۲)

برنج۸۰۴۵۲۸--۹۴۲(۳)

در جدول ۱۱ – ۲ مشاهده می شود سطح زیرکشت پنبه در دوره زمانی مذکور همواره روند افزایشی داشته است. در حالی که سطح زیرکشت محصول برنج ابتدا با کاهش و سپس با افزایش مواجه بوده است.

سطح زیرکشت حبوبات وضعیت خاصی داشته، ابتدا سطح زیرکشت این محصول کاهش یافته، سپس در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰م/۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹ش افزایش یافته و مجددا از سال ۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش به بعد با کاهش روبرو شده است. میزان تولید برخی محصولات زراعی ازبکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در جدول ۱۲ – ۲ نشان داده شده است.

۲ – ۲ – ۳ دامداری

کوهها و پایکوههای قسمت شرقی و جنوبی شرقی کشور که در فصول گرم سال علوفه لازم برای تغذیه دامها را فراهم می کند، سبب رونق دامداری در ازبکستان شده است. تا پیش از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی دامداری به شیوه کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی یکی از شیوه های رایج و مهم گذران زندگی در میان ساکنان این سرزمین بود. با ایجاد سیستم اقتصاد دولتی، دامداری تبدیل به دامپروری شد و برای نیل به اهداف

۱– حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص۷۰؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان ص۱۴۷ و ۱۴۹.
۲– این رقم مربوط به سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۵ش است.
۳– این رقم مربوط به سال ۱۹۷۸م/۱۳۵۷ش است.

تعیین شده، از جدیدترین روشهای علمی دامپروری استفاده شد.

جدول ۱۲ – ۲ میزان تولید برخی از محصولات زراعی ازبکستان در سال

۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)(۱)

محصول	میزان تولید
انگور	۹۶۰
برنج	۵۳۰
پنبه	۴۰۰۰
جو	۳۰۰
ذرت	۴۴۵
سیب زمینی	۳۳۵
سبزی	۳۷۵۰
صیفی ها	۵۶۰
میوه	۹۶۰

در کنار تولید فراورده های گوشتی و لبنیات، پرورش گوسفندان قره گل برای استفاده از پوست مرغوب آنها یکی از اهداف عمده دامپروری در ازبکستان است این محصول یکی از اقلام صادراتی کشور را تشکیل می دهد، به همین دلیل تعداد گوسفند بیش از سایر دامها است (جدول ۱۳ – ۲).

جدول ۱۳ – ۲ تعداد دامهای زنده ازبکستان در سال

۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (هزار رأس)(۲)

دام	تعداد
گاو	۵۱۰۰
گوسفند	۹۲۰۰

بز۹۰۰

خوک۹۰۰

اسب۱۰۸

ص:۱۶۶

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۵۶.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۵۶.

پرورش کرم ابریشم، تولید پیله و تهیه ابریشم در ازبکستان سابقه طولانی دارد و اکنون نیز این فعالیت رونق بسیاری دارد. گرچه امکان استفاده و بهره برداری از بخشی از

محصول در کشور فراهم است.

بدلیل نبود امکانات و صنایع مورد نیاز برای تبدیل محصولات زراعی و دامی، ازبکستان ناچار است فقط ۱۲ درصد پنبه، ۲۰درصد پوست و ۶۰درصد ابریشم تولیدی را در داخل کشور به محصولات نهایی تبدیل کند(۱) و بقیه تولیدات به صورت مواد خام صادر می شوند.

۳ – ۳ منابع معدنی

اشاره

فراوانی انواع مواد کانی سبب شده از بکستان از این نظر کشوری ثروتمند باشد، گاز، نفت، زغال سنگ، طلا، نقره، اورانیوم، مس، تنگستن، آلومینیوم و سنگهای ساختمانی مهمترین کانیهای این سرزمین هستند (جدول ۱۴ – ۲). حوضه های فرغانه، سیردریا، آمودریا و همچنین اطراف شهرهای تاشکند و بخارا مراکز عمده استخراج کانیهای مذکور هستند.

جدول ۱۴ – ۲ میزان تولید برخی از مواد معدنی ازبکستان

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش(۲)

نام محصولمیزان تولید

زغال سنگ (میلیون تن)۱/۴۱

مس (۱۰۰۰تن)۶۳

روی (۱۰۰۰تن)۵/۲۲

نقره (تن)۴۲

نفت و گاز از منابع معدنی مهم ازبکستان به شمار می روند. برخی از حوزه های نفت و گاز به مرحله بهره برداری رسیده و برخی هنوز در مرحله شناسایی قرار دارند، به نظر

می رسد با بهره برداری از منابع موجود و شناسایی حوزه های جدید، ازبکستان از نظر تولید نفت به مرحله خودکفایی برسد و گاز مازاد بر نیازش را صادر کند. حدود ۵۰ میدان

نفت و گاز در این جمهوری کشف شده است.

۱- «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۲۳۸ - ۲۳۹.

۲- «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص۳۲۲.

۱ – ۳ – ۳ نفت

اکتشاف نفت در ازبکستان تاریخچه طولانی دارد. حوضه فرغانه مهمترین ناحیه نفت و گاز این سرزمین است. اولین چاه اکتشافی ناحیه فرغانه در سال ۱۸۸۰م/۱۲۵۹ش به نفت رسید و اولین تولید رسمی در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش از همین حوزه استخراج شد.

پس از استقلال توجه زیادی به اکتشاف نفت و گاز در ازبکستان شد و در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش چند چاه نفت کشف و به مرحله استخراج رسید که از میان آنها چاه نفت نزدیک شهرستان منیک بولاغ با فوران زیاد بیش از چاههای دیگر در تأمین نفت ازبکستان مؤثر بود.

میزان تولید نفت ازبکستان حدود ۸/۲ میلیون تن در سال است و این کشور برای تأمین انرژی مورد نیاز خود سالانه ۵/۴ میلیون تن نفت از روسیه وارد می کند. پیش بینی

می شود با استخراج و بهره برداری از چاههای نفت تازه کشف شده، این سرزمین به زودی از واردات نفت بی نیاز شود.

۲ – ۳ – ۳ گاز

منابع گاز نقش مهمّی در تأمین انرژی و سوخت مورد نیاز ازبکستان دارند. حوزه فرغانه و اطراف بخارا و خیوه مهمترین میادین گازی ازبکستان هستند. برآورد شده فقط در میادین گاز بخارا و خیوه حدود ۷۵۰ میلیارد متر مکعب و در گازلی، بزرگترین میدان گازی آن حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب(۱) ذخیره گاز وجود دارد.

میزان تولید گاز در ازبکستان بیش از نیاز داخلی است واین کشور تا پیش از استقلال مازاد تولید خود را به روسیه صادر می کرد و پس از استقلال ضمن حفظ رویه سابق، تصمیم دارد گاز خود را به سایر مشتریان تحویل دهد. بویژه که تولید گاز کشور در دو دهه اخیر بیش از ۳۰درصد افزایش یافته است (جدول ۱۵ – ۲).

جدول ۱۵ – ۲ میزان تولید گاز ازبکستان در سالهای

۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲م/۱۳۴۹ تا ۱۳۷۱ش (میلیارد متر مکعب)(۲)

سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش

میزان تولید ۴/۳۱/۳۵۶/۴۱

۱– موسوی روحبخش، سید محمد، «برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،

س۳، دوره دوم، ش۸، ص۵۶.

۲- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۴؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۷.

زغال سنگ دیگر ماده سوختی است که تولید آن در فاصله چهل سال سه برابر شده است (جدول ۱۶ – ۲). مهمترین حوزه های زغال سنگ ازبکستان در دره فرغانه و اطراف شهر نمنگان واقعند.

جدول ۱۶ – ۲ تولید زغال سنگ ازبکستان در سالهای

۱۹۵۰ تا ۱۹۹۲م/۱۳۲۹ تا ۱۳۷۱ش (میلیون تن)(۱)

سال ۱۹۵۰م/۱۳۲۹۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش

میزان تولید۲۳۴۲/۶

طلا- یکی از مهمترین منابع معدنی ازبکستان است. این ماده با بالاترین کیفیت یعنی درجه خلوص ۹۹/۹۹ استخراج می شود.(۲) میزان تولید طلای ازبکستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، ۷۵تن بوده(۳) و این سرزمین در میان کشورهای تولید کننده مقام

هشتم را دارد.

۴ – ۳ صنایع

صنایع ازبکستان عمدتا در بخش استخراج و تصفیه مواد معدنی و تأمین نیازهای بخش کشاورزی ومواد غذایی متمرکز شده اند. حدود ۱۸درصد از شاغلان جمهوری در صنایع استخراج و پالایش نفت و گاز، ذوب فلزات، تولید مواد شیمیایی، تولید ماشینهای کشاورزی، مواد غذایی، ریسندگی، بافندگی و تولید کالاهای خانگی اشتغال دارند و تولیدات صنعتی حدود ۳۰ درصد از کل تولید کشور را تأمین می کنند.

تا پیش از استقلال ازبکستان فعالیتهای صنعتی و درآمدهای حاصل از تولیدات صنعتی همراه با افزایش بود، اما پس از فروپاشی شوروی و آغاز اصلاحات اقتصادی بخش صنعت نیز مشابه سایر فعالیتهای اقتصادی با مشکلات و موانعی مواجه شد که کاهش تولیدات صنعتی را به همراه داشت. به طوری که در ماههای اولیه سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش تولیدات صنعتی نسبت به سال قبل ۳۳درصد اُفت داشته است.

با فراهم شدن شرایط ثبات اقتصادی از اوایل سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش تولید برخی از محصولات صنعتی برخلاف ۶ ساله قبل از آن، افزایش یافت. و برخی دیگر از محصولات همچنان با کاهش تولید مواجه است (جدول ۱۷ – ۲).

۱- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۴؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۷.

۲- «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، ص۲۸.

۳- «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ص۱۵۱.

جدول ۱۷ – ۲ تولید برخی کالاهای ازبکستان در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش

نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۵ش (۱۰۰=۱۹۹۵)(۱)

نوع کالامیزان تولید

کالاهای مصرفی۱۰۳

مواد غذایی۱۰۲

کالاهای غیر ارزاقی۹۹

صنایع سبک۱۰۸

ازبکستان در چندساله اخیر برای بهبودکیفیت کالاهای صنعتی و همچنین تولید کالاهای دیگر اقدام به جلب مشارکت فنی و مالی کشورهای دیگر، بویژه اروپا و امریکا کرده است. همچنین با واگذاری تدریجی واحدهای صنعتی به بخش خصوصی و تشویق آنان به تولید بهتر و بیشتر، سعی در افزایش تولید کالاهای صنعتی کشور دارد (جدول ۱۸–۲).

جدول ۱۸ – ۲ میزان تولید برخی از واحدهای صنعتی ازبکستان

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش(۲)

نوع کالامیزان تولید

آهن ۷۶۱ هزار تن

اسید سولفوریک ۳۹/۲ میلیون تن

الیاف پنبه ای ۵۳/۱ میلیون تن

الیاف مصنوعی ۴۹ هزار تن

پشم ۳/۲۵ هزار تن

پارچه پنبه ای ۷/۳۹۱ میلیون متر مربع

تراکتور ۱/۲۱ هزار دستگاه

سیمان ۱۹/۶ میلیون تن

فولاد ۸۶۰ هزار تن

قالی و قالیچه ۷۵/۵ میلیون متر مربع

کودهای معدنی ۶۶/۱ میلیون تن

مواد پاک کننده ۲۱۱ هزار تن

مواد پلاستیکی ۱۴۲ هزار تن

۱- «اقتصاد کشورهای مشترک المنافع در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶م». اقتصاد خراسان، س۴، ش۱۶۶، ۳شهریور ۱۳۷۵، ص۵.
۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۷.

۵ – ۳ انرژی

در کنار گاز و زغال سنگ، انرژی حاصل از نیروگاههای آبی نقش مهمی در رفع نیازهای داخلی دارند. به همین سبب ازبکستان برای تأمین برق مورد نیاز خود وابستگی زیاد به منابع آب جاری دارد که از تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه می گیرند. از میان منابع انرژی ازبکستان از نظر میزان تولید و برق آبی خود کفاست، در حالی که میزان مصرف نفت آن سه برابر میزان تولید (۸/۶۱ میلیون بشکه) و میزان مصرف زغال سنگ بیش از ۵/۱ برابر (۴/۱۰ میلیون تن) مقدار تولید می باشد و ازبکستان به ناچار کسری تولید خود را وارد می کند. میزان انرژی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به شرح زیر بوده است(۱) :

زغال سنگنفتگازبرق

(میلیون تن)(میلیون بشکه)(میلیاردمتر مکعب)(میلیارد کیلووات ساعت)

۲/۶۶/۲۰۶/۴۱۴/۵۷

۶ – ۳ حمل و نقل

شبکه حمل و نقل زمینی بویژه راه آهن مهمترین وسیله جابجایی کالا و مسافر در ازبکستان محسوب می شود. این سرزمین به سبب محصور بودن در خشکی فاقد راه آبی است و به دلیل دارا بودن موقعیت مرکزی در میان کشورهای آسیای مرکزی، در واقع پل ارتباطی میان این کشورها است و خطوط آهن، در برقراری این ارتباط نقش اساسی دارند. طول راه آهن این جمهوری در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۳۵۰۰ کیلومتر بوده است و ازبکستان از طریق راه آهن با تمام کشورهای پیرامون خود ارتباط دارد. گرچه به دلیل پیوستگی شبکه راه آهن آسیای مرکزی در ایام تسلط روسها و نبود خطوط آهن به طور جداگانه در سطح هر جمهوری، پس از استقلال مشکلاتی در بهره برداری از راه آهن بروز کرده است. به طور نمونه می توان از عبور بخشی از راه آهن بخارا به اورگنج و بخارا

به ترمذ از جمهوری ترکمنستان و سمرقند به خوقند از جمهوری تاجیکستان اشاره کرد.

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۷.

در شرایط کنونی و با حفظ روابط سیاسی و اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی در قالب کشورهای مستقل مشترک المنافع، این مشکلات چندان قابل توجه و چشمگیر به نظر نمی رسند. اما اگر وضعیت کشورها تغییر کند و روابط کنونی سست شود آنگاه استفاده از خطوط آهن مواجه با مشکل بزرگی خواهد شد.

راههای اسفالته و جاده ای ازبکستان با حدود ۸۹ هزار کیلومتر طول سطح کشور را فراگرفته و نقاط مختلف را به هم ارتباط می دهند. تراکم راههای جاده ای در بخش شرقی کشور که شهرهای مهم و پرجمعیت قرار دارند و همچنین در شمال شرقی که پایتخت ازبکستان قرار دارد، بیشتر و در ناحیه صحرایی قزل قوم کمتر است (نقشه ۲۶).

۷ – ۳ بازرگانی خارجی

ازبکستان تا پیش از فروپاشی شوروی سابق فقط با جمهوریهای اتحادجماهیرشوروی روابط تجاری داشت. پس از تحولات سیاسی سالهای ۱۹۸۹–۱۹۹۰م/۳۶۸ –۱۳۶۹ش، مقامات دولتی تلاش کردند تا ضمن حفظ روابط سابق، با سایر نقاط جهان نیز روابط تجاری برقرار نمایند و موفق شدند با بیش از ۵۰ کشور جهان مبادلات بازرگانی برقرار کنند.

در زمان سلطه روسها، به دلیل آن که فعالیتهای اقتصادی در یک زنجیره به هم پیوسته میان جمهوریهای اتحاد شوروی برقرار بود و تبادلات تجاری نیز به صورت تهاتری میان کشورها انجام می شد، کسری موازنه تجارت خارجی چندان مطرح نبود، اما پس از کسب استقلال، حجم بیشتر واردات نسبت به صادرات (جدول ۱۹–۲) ازبکستان را با کسری موازنه خارجی مواجه کرده است.

جدول ۱۹ – ۲ حجم تجارت خارجی ازبکستان در سالهای

۱۹۹۲ – ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ – ۱۳۷۲ش (میلیون دلار)(۱)

سال

۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش

تجارت

واردات۳/۹۲۹۳/۸۶۹

صادرات۳/۹۴۷۵/۷۰۶

۱– «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۲۳۹.

نقشه ۲۶

ص:۱۷۳

مشاهده می شود که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش از ارزش کالاهای صادراتی کاسته و بر ارزش کالاهای وارداتی افزوده شده است. کاهش تولیدات داخلی مهمترین علت این رویکرد به شمار می آید.

کالاهای صادراتی ازبکستان پنبه و تولیدات صنایع وابسته به کشاورزی است واز اقلام وارداتی آن غلات، شکر، نفت و مواد اولیه را به عنوان مهمترین محصولات می توان برشمرد.

شریکهای تجاری ازبکستان در ردیف اول روسیه و بعد از آن جمهوریهای شوروی سابق است. در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش میزان صادرات این جمهوری به دیگر جمهوریهای شوروی سابق ۳۱درصد و به سایر کشورهای جهان ۴درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داد. در همین سال حجم واردات از جمهوریهای مذکور ۳۰درصد و از سایر نقاط جهان ۶درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حدود ۵۳ درصد کالاهای صادراتی به روسیه، ۱۶درصد به قزاقستان، ۱۲درصد به تاجیکستان، ۷درصد به اوکراین، ۶درصد به ترکمنستان و ۶درصد به سایر کشورها صادر شده و در همین سال ۵۴درصد از کالاهای وارداتی از روسیه، ۱۴درصد از قزاقستان، ۱۲درصد از تاجیکستان، ۱۰درصد از ترکمنستان، ۶درصد از اوکراین و ۱۴درصد از سایر کشورها تأمین شده است(۱).

۸ – ۳ روابط خارجی

اشاره

از ابتدای استقلال ازبکستان، این کشور در برقراری و گسترش روابط اقتصادی - سیاسی و فرهنگی با بسیاری از کشورهای جهان تلاش فراوانی کرده است. همزمان با آن شماری از کشورها برای بهره برداری از موقعیت جغرافیایی ممتاز، توان اقتصادی نسبتا مناسب و بازار مصرف پرجمعیت این کشور، در مقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی، فعالیت گسترده ای را برای نفوذ در ازبکستان آغاز کردند.

مقامات بلندپایه ازبکستان با وجود بروز مشکلاتی در روابط تجاری با روسیه، این کشور را به عنوان بزرگترین و مهمترین شریک خود اعلام کردند، و با تأکید بر تداوم روابط گسترده با مسکو به برقراری روابط متقابل با سایر کشورهای جامعه

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۵۹.

مشترک المنافع، بویژه جمهوریهای آسیای مرکزی، اقدام کردند. تشکیل اتحادیه ای متشکل از ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان نمود عینی، تمایل و تلاش ازبکستان بود.

ازبکها در توسعه روابطشان با کشورهای جهان بیشتر به روابط اقتصادی توجه داشتند و خود نیز برای جلب مشارکت اقتصادی آنها، اقدام زیادی در اصلاح و بهبود ساختار اقتصادی کشور و قوانین حاکم برآن انجام دادند. در میان کشورهای جهان، ترکیه از این قاعده مستثنا بود.

ازبکستان روابط نزدیک و گسترده ای با ترکیه برقرار کرد. ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان نشین که سیستم سیاسی آن مورد حمایت غرب است وهمچنین به عنوان کشوری که پرچمدار هویت ترکی است، مورد توجه مقامات ازبکستان قرار گرفت و حتی این کشور ترکیه را به عنوان الگویی برای توسعه اجتماعی واقتصادی خود معرفی کردند. ترکیه نیز از جایگاه ویژه خود در روابطش با ازبکستان بهره جست و ضمن پخش برنامه های تلویزیونی کشورش و برقراری روابط فرهنگی از طریق مراکزعلمی خود، روابط خود با ازبکستان را استحکام بخشید. بدیهی است که در این رویکرد روابط اقتصادی دو کشور بی تأثیر نبوده است.

عربستان سعودی دیگر کشور فعال در ازبکستان است. در سالهای پیش از استقلال، مرکز روحانی آسیای مرکزی که در تاشکند مستقر بود، روابط نزدیکی با عربستان سعودی داشت. اکنون عربستان در تداوم آن رابطه و همچنین به منظور جلوگیری از توسعه روابط ایران با ازبکستان و گسترش نفوذ خود، سیاست فعالی را در پیش گرفته است. ازبکستان نیز به انگیزه برخورداری از کمکهای مالی عربستان و با توجه به حضور شمار زیادی از ازبکها در این کشور که به تجارت مشغولند، تمایل زیادی برای گسترش روابط با عربستان سعودی نشان داد، بنابراین مشاهده می شود که عربستان سعودی در آسیای مرکزی گسترده ترین روابط را با ازبکستان دارد و سرمایه گذاریهای بسیاری در این

جمهوری انجام داده است. ضمن آن که برای نفوذ فرهنگی و مذهبی خود طرحهایی را به اجرا در آورده است. برای نمونه وزیر خارجه عربستان در سفرش به تاشکند یک میلیون نسخه قرآن کریم به این جمهوری هدیه کرده است. عربستان همچنین به طور غیرمستقیم از نهادهای اسلامی این کشور حمایت می کند.(۱)

۱- مؤسسه صلح ایالات متحده، «افغانستان و آسیای مرکزی: چشم اندازهای تحول سیاسی و نقش اسلام»، ترجمه کاملیا احتشامی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۵۳ - ۵۴.

ازبکستان برای جذب سرمایه های خارجی و برخورداری از کمکهای فنی و تأمین نیازهای خود با کشورهای متعدد روابط تجاری و سیاسی برقرار کرده است. به طوری که تعداد زیادی سرمایه گذاری مشترك و چندین مورد قرارداد صادرات و واردات را به ثبت رسانده است. امریکاییها بیشترین سهم را در سرمایه گذاری های مشترك داشته اند، ضمن آن که در ردیف نخستین کشورهایی بودند که سفارت خود را در ازبکستان افتتاح کردند و با برقراری روابط نزدیک با مقامات بلندپایه حکومت ازبکستان، سعی دارند بر میزان نفوذ سیاسی خود و کنترل این کشور بیفزایند.

به غیر از کشورهای مذکور ازبکستان با بیش از ۵۰ کشور جهان روابط تجاری برقرار کرده است. به طور مثال هند در زمینه احداث کارخانه ها،(۱) رژیم صهیونیستی در اجرای طرحهای آبرسانی،(۲) کره جنوبی در احداث کارخانه های ماشین سازی و... در ازبکستان فعالیت می کند. برخی از کشورهای دیگر شریک تجاری ازبکستان عبارتند از: ایران، افغانستان، چین، مصر، مالزی، بنگلادش، مجارستان، چک، اسلواکی، بلغارستان، لهستان و...

تا اواسط سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش تعداد مؤسسات اقتصادی که با سرمایه خارجی در ازبکستان تأسیس شده، ۱۱۰۰ مورد بوده که تعداد ۱۰۰۵ مورد آن سرمایه گذاری مشترك، ۸۵ مورد آن دفاتر بازرگانی و ۱۰ مورد آن شرکتهایی با سرمایه گذاری کاملاً خارجی بوده است. در میان کشورهای جهان امریکا با ۱۶۰ مورد، ترکیه با ۱۳۱ مورد، افغانستان با ۷۸ مورد، چین با ۷۰ مورد، پاکستان با ۵۴ مورد، روسیه با ۴۰ مورد، آلمان با ۳۰ مورد و هند با ۲۱ مورد بیش از کشورهای دیگر در ازبکستان سرمایه گذاری کرده اند.(۳)

۱ – ۸ – ۳ روابط با ایران

وجوه مشترك تاریخی، فرهنگی و مذهبی شرایط و زمینه مناسب لازم را برای اشتراك مساعی، برقراری روابط پایدار و گسترش مبادلات فرهنگی واقتصادی بین دو کشور فراهم کرده است. حضور حدود دویست هزار ایرانی تبار در سمرقند و بخارا که از اعقاب بازرگانان و مهاجران خراسان هستند، شاهدی است بر سابقه طولانی روابط میان

۱- ثقفی عامری، ناصر، «ایران، هند و آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۴، ص ۳۶۰.

۲- فریدمن، رابرت، «رژیم صهیونیستی و آسیای مرکزی: تحلیل مقدماتی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۲، ص۱۶۴.

۳- «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص۱۱۸.

دو کشور. این افراد حدود یک قرن قبل در دو شهر مذکور تجارت وکسب داشتند و تاکنون آداب و رسوم خود را زنده نگاه داشته و تا حدودی زبان و هویت خود را حفظ کرده اند.

بازدید رؤسای جمهوری دو کشور از سرزمینهای یکدیگر، گشایش سفارتخانه ها، برقراری ارتباط هوایی، و امضای قراردادهای تجاری متعدد، حاصل آمد و شدهای مکرر مقامات بلندپایه دو کشور است.

تبادل کالاهای تولیدی دو کشور واستفاده از خطوط ترانزیت ایران مهمترین جنبه های روابط تجاری دو کشور است. خرید پنبه تولید ازبکستان و همچنین انتقال این کالا ـ به کشورهای مصرف کننده از طریق ایران در سالهای اخیر مهمترین زمینه تجاری دو کشور بوده است. به طوری که در سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش نزدیک به ۱۸۰ هزار تن پنبه ازبکستان از خاک ایران ترانزیت و به بندر عباس و مرزهای ترکیه حمل شده است. همچنین نیروهای متخصص ایرانی نیز در امور مختلف این کشور را یاری می کنند. مرمت برخی از آثار باستانی این کشور به وسیله متخصصان کشورمان از آن جمله است.

گرچه مقامات ازبکستان در احیای هویت ازبکی بسیار می کوشند و حساسیت بسیاری نسبت به اسلام سیاسی دارند، اما تداوم و گسترش روابط دوستانه و نزدیک میان ایران و ازبکستان ضمن آن که منافع اقتصادی برای طرفین به همراه دارد، امید به تداوم

صلح وامنیت و برقراری وحدت میان کشورهای منطقه را افزایش می دهد. امری که رسیدن به آن نیازمند گسترش روابط متقابل بیش از میزان کنونی می باشد.

ص:۱۷۷

سفید

فصل ۳: سرزمین تاجیکستان

۱ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۱ موقعیت جغرافیایی

جمهوری تاجیکستان با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۴۱ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و ۶۷ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۷۵ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی، در جنوب شرقی آسیای مرکزی واقع است. این کشور با ۱۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت کوچکترین کشور آسیای مرکزی محسوب می شود.

همسایگان تاجیکستان در شمال قرقیزستان، شمال غربی وغرب ازبکستان، جنوب افغانستان و شرق جمهوری خلق چین هستند. باریکه «وخان» در افغانستان همچون حایلی باریک بین تاجیکستان و پاکستان و هندوستان قرار گرفته است (نقشه ۲۷).

تاجیکستان سرزمین کوههای بلند، دره های پرپیچ و خم و رودخانه های وسیع و پرآب است. حدود ۹۳درصد از مساحت کشور را کوههای بلند تشکیل می دهند و تقریبا نیمی از وسعت آن بیش از سه هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. زمینهای مسطح و کم ارتفاع فقط ۷درصد از مساحت کشور را فرا گرفته اند که عمدةً به صورت محدوده های کوچک در اطراف رودخانه ها و فضاها و دره های بین کوهها قرار دارند (نقشه ۲۸).

ص:۱۸۳

نقشه ۲۷

۲ – ۱ ناهمواریها

از نظر ویژگیهای ژئومورفولوژی سرزمین تاجیکستان را می توان به چهار ناحیه تقسیم کرد:

الف – ناحیه شمال کشور که به زمینهای پست و فرو رفته دره فرغانه منتهی می شود.

ب – نـاحیه مرکزی که کوهسـتانی است و ارتفاعـات آن، ادامه رشـته کوههـای تیـان شـان هسـتند. کوههای آلای، ترکسـتان، زرافشان، «حصار»(۱) و «قراتکین»(۲) مهمترین کوههای

ناحیه به شمار می آیند.

ج – در قسمت جنوب شرقی تاجیکستان، بلندیهای پامیر قرار دارند که به دو

۱- Hesar -

۲- Karategin -

نقشه ۲۸

بخش شرقی وغربی تقسیم می شوند. بلندترین قله های تاجیکستان، مانند قله کمونیزم با ۷۴۹۵ متر بلندی، در همین ناحیه قرار دارند. کوههای «آق داغ»(۱)، «باباتوق»،(۲) «جیلان تاق»(۳)، «سرسرک»(۴)، «قراداغ»(۵)، «قراکلیتاق»(۶) و وخش(۷) مهمترین ارتفاعات ناحیه هستند.

ص:۱۸۵

۱- gotabaB -

۲- gadkA -

۳- gatnaleJ -

۴- karasraS -

۵- gadaraK -

۶- gatilakaraK -

۷- hshkaV -

د – در جنوب غربی کشور دره های عمیق و حاصلخیز چشم اندازهای ناحیه اند (نقشه ۲۸).

بیشتر کوههای تاجیکستان با برفها و یخچالهای دایمی پوشیده شده اند و همین وضعیت ناهمواریهای تاجیکستان و وجود ارتفاعات بلند و صعب العبور مشکلات زیادی در امر حمل و نقل به وجود آورده و برقراری ارتباط میان نواحی مختلف کشور را با دشواری همراه ساخته است. ضمن آن که سبب تراکم شدید جمعیت در نقاط کم ارتفاع و زمینهای مسطح دره فرغانه، وخش و حصار شده است.

۳ – ۱ آب و هوا

به دلیل تنوع اشکال ناهمواریها، انواع آب و هوا بویژه در مقیاس محلی در تاجیکستان مشاهده می شود، اما بخش عمده کشور مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی قلمرو اقلیم گرم و خشک، با ویژگیهای بارش اندك و تفاوت درجه حرارت فصلی و شبانه روزی می باشد.

در نواحی مسطح شمال تاجیکستان متوسط درجه حرارت در ماه ژانویه (دی ماه) که سردترین ماه سال است بین ۲درجه سانتی گراد بالای صفر تا ۲ درجه سانتی گرد زیر صفر در نوسان است. در همین زمان در نواحی کوهستانی پامیر متوسط درجه حرارت تا ۲۰ درجه سانتی گراد زیر صفر کاهش می یابد. حداقل مطلق درجه حرارت ثبت شده کشور که ۶۳ درجه سانتی گراد زیر صفر است، در همین ناحیه مشاهده شده است.

در ماه ژوئیه (تیرماه) که گرم ترین ماه سال به شمار می آید، متوسط درجه حرارت هوا در بخشهای شمالی کشور ۳۰ درجه سانتی گراد است. همچنین حداکثر مطلق درجه حرارت هوا با ۴۸ درجه سانتی گراد در همین ناحیه به ثبت رسیده است. در همین ایام در نواحی کوهستانی جنوب کشور متوسط درجه حرارت هوا در حدود صفر درجه است.

بارندگی در تاجیکستان تحت تأثیر دو جبهه هوای غربی و شمال غربی که در فصول سرد سال از غرب به شرق حرکت می کنند رخ می دهد، میزان بارش در ارتفاعات جنوب کشور و همچنین دامنه های رو به مغرب بیش از سایر نقاط است، به طوری که به ۱۶۰۰ میلی متر در سال در کوههای گیسار نیز می رسد.در حالی که در نواحی جلگه ای شمال

فراهم کرده است. رودهای بسیار به همراه چند دریاچه که عمدةً در کوهستانها قرار دارند منابع آب کشور به شمار می آیند (نقشه ۲۹).

دریاچه قراکول بزرگترین دریاچه تاجیکستان که در کوههای پامیر در شرق تاجیکستان و یا شمال شرق ایالت خود مختار «گورنو - بدخشان» واقع است. این دریاچه با وسعت ۳۶۲ کیلومتر مربع در ارتفاع ۴۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

نقشه ۲۹

دریاچه های «باشیل کول»(۱)، «زارکول»(۲)، «ساریز»(۳) دیگر دریاچه های واقع در کوههای پامیر می باشند و دریاچه «آق سوتان»(۴) با آب شور در ناحیه فرغانه قرار دارد. این دریاچه به علت داشتن گِلهایی با خاصیت درمانی مشهور است.

به غیر از دریاچه های طبیعی، تعدادی دریاچه مصنوعی به منظور بهره برداری از آب

ص:۱۸۸

۱- luK lihsaB -

۲- luK raZ -

۳- zeraS -

۴- natuS qA -

آنها برای کشت و زرع احداث شده اند. این دریاچه ها که از مراکز پرورش ماهی به شمار می آیند، از طریق کانالهای آب رسانی، آب مزارع را تأمین می کنند. دریاچه مصنوعی «قیراق قوم»(۱) بزرگترین دریاچه تاجیکستان است و به همین علت به دریای تاجیک یا «بحر تاجیک» شهرت یافته است.(۲)

ارتفاعات تاجیکستان سرچشمه تمام رودهای این سرزمین و دو رود مهم سیحون و جیحون، سیردریا و آمودریا هستند. رودهای پنج (پیانچ) و وخش در جنوب غربی، زرافشان در مرکز، «کافرنهان»(۳)، «سرخاب» و همچنین تعدادی از سرشاخه های آمودریا و سیردریا مهمترین رودهای تاجیکستان محسوب می شوند. وجود سرشاخه های دو رود مهم آسیای مرکزی در تاجیکستان، نقش و اهمیت استراتژیك، سیاسی و اقتصادی تاجیکستان را مشخص می کند.

رودهای تاجیکستان، بستر تنگ و عمیق دارند. آنها فقط وقتی به جلگه ها می رسند، مجرای آبشان وسیعتر و سرعت حرکتشان کندتر می شود. این رودها در تابستان که نیاز آبی بیشتر است، خروشانتر هستند و از این لحاظ اهمیت زیادی در اقتصاد تاجیکستان دارند، زیرا از یک سو بیشتر زمینهای زراعی کشور در حاشیه آنها واقع هستند واز سوی دیگر آب آنها به اراضی دورتر هدایت می شود و همچنین برای ایجاد انرژی برق نیز مورد بهره برداری قرار می گیرند.

کانالهای آبرسانی که در طی چند دهه اخیر ایجاد شده اند، نیاز آبی زمینهای زراعی را با انتقال آب رودها برطرف می کنند. کانالهای حصار، وخش و فرغانه مهمترین آنها محسوب می شوند.

احداث سدها نیز ضمن آن که در تأمین انرژی مؤثر بود، در ذخیره کردن آب و جلوگیری از هرز رفتن آنها و انتقال به زمینهای زراعی و دایر کردن اراضی مفید واقع شد.

برای نمونه. «سد نورك(۴)» که در دره عمیق وخش بنا شد اراضی بایر بسیاری را آباد کرد. در مجموع فراوانی آب رودها، ایجاد کانالهای آبرسانی، احداث سدهای ذخیره آب و

۱- muG qariG -

۲- کشور کوههای بلند و وادیهای زرنثار، ص۹.

۳- nahinrafaK -

۴- karuN -

پمپاژ آب به نقاط مرتفع، در گسترش زمینهای زراعی و رونق بیشتر کشت و زرع در تاجیکستان نقش مهمی داشتند.(۱)

۲ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۲ پیشینه تاریخی

«کلمه تاجیک که در متون قدیمی به صورت «تاژیک» و «تازیک» نیز به کار رفته است، به طور کلی از نام قبیله طی، از قبایل عرب، گرفته شده است و در ابتدا نیز به همان

معنی تازی و عرب مطرح بوده است. زمانی نیز به مسلمانان و اقوام ایرانی اطلاق می شد که از طریق آنها، اسلام در آسیای مرکزی گسترش یافت. در گذشته دور این عقیده رایج بود که اگر فرد ایرانی اسلام بیاورد «عرب» می شود و چون ایرانیان مسلمان در آن نواحی

آمد و رفت داشتند، ترکان آنان را تاجیک نامیدند، در طول تاریخ نیز سلسله های ترک حاکم بر منطقه اقوام ایرانی را تاجیک می خواندند».(۲)

تاجیکها یکی از قدیمیترین اقوام آسیای مرکزی هستند که پیش از ورود ترکها به ناحیه در آنجا مستقر بودند. سرزمین تاجیک در قرن ششم قبل از میلاد، بخشی از امپراتوری «هخامنشیان» محسوب می شد. این ناحیه در قرن چهارم قبل از میلاد به تصرف اسکندر مقدونی درآمد. قلمرو «اسکندر» پس از مرگ وی به قطعات متعدد تقسیم شد و سرزمین تاجیکها تحت حاکمیت دولت یونانی باکتریا درآمد. در سالهای پایانی قبل از میلاد، قبایل سیت (سکا – ماساژت) بر ناحیه مسلط شدند، اما اقتدار آنها

دوام چندانی نیافت وگروهی از طخارها(۳) پس از سرکوب آنها، سرزمین باکتریا را

اشغال کردند و نام طخارستان را بر آن گذاشتند.

در نخستین سالهای پس از میلاد، از میان قوم طخار خاندانی قدرت یافت و امپراتوری کوشان را تأسیس کرد این حکومت مدت ۲۰۰ سال قدرت حاکمه آسیای مرکزی بود. در اواخر قرن سوم میلادی هونها به سرزمین باکتریا روی آوردند و پس از نبردهای طولانی با کوشانیان سرانجام در سال ۴۲۵ میلادی بر ناحیه مسلط شدند. پس از هونهای ترک تبار، در قرن ششم میلادی، ترکها و سپس مسلمانان به سرزمین تاجیکها راه یافتند. از همین ایام واژه تاجیک رواج یافت. وقتی که ایرانیان مسلمان حکومت ناحیه

۱– جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی،بخش دوم، ص ۳۶۴ – ۳۶۷.

۲– میراحمدی، مریم، «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س۶، ش۲۲، ص۵۳.

۳– طخارها، قومی هندو اروپایی بود که ایالت طخارستان را به وجود آوردند. این ایالت بین بلخ و بدخشان واقع بود و در

زمان تسلط مسلمانان برآن از ساحل جیحون تا کوههای هندوکش وسعت داشت این ناحیه تاپیش از تسلط طخارها برآن جزو قلمرو پادشاهی باکتریا بود و پس از طخارها، هپتالیان در زمان یزدگرد برآن مسلط شدند. مسلمانان پس از چند حمله آن را تصرف کردند و سپس بخشی از حکومت غوریان (بامیان) شد. به نظر می رسد که از قرن هفتم هجری نام طخارستان بتدریج منسوخ شده است. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد پنجم، ذیل نام تخارستان.

را در اختیار گرفتند، ترکها برای تشخیص مسلمانان عرب و ایرانیان مسلمان، لفظ تاجیک را به کار بردند. از این زمان تا قرن دهم میلادی یا اواخر قرن چهارم هجری قمری فرهنگ

ایرانی – اسلامی در سرزمین تاجیک رایج شد. با تسلط ترکها بر ناحیه وتشکیل حکومتهای سلجوقی و غزنوی بسیاری از اقوام ناحیه تحت تأثیر زبان و فرهنگ این قوم قرار گرفتند و فقط ساکنان کوهستانهای پامیر توانستند در مقابل هجوم فرهنگی ترکها مقاومت کرده و زبان فارسی را حفظ کنند. در این دوره اصطلاح تاجیک کمتر به کار می رفت و ترکها به جای آن واژه «تات» را به همان منظور به کار می بردند. در نزد آنها واژه تات علاوه بر ایرانیها، تمام افرادی را که کوچ نشین نبوده واسکان یافته بودند شامل می شد. در قرن دهم هجری یا شانزدهم میلادی با تسلط ازبکها بر ناحیه، واژه «سرت» به همه مردم اسکان یافته اعم از فارس و ترک گفته می شد.(۱) از این زمان به بعد تاجیکها کمتر در وقایع سیاسی نقش داشتند و ازبکها بر آنها سلطه کامل داشتند. در قرن

نوزدهم میلادی میان افغانها و ازبکها بر سر حاکمیت بر قلمرو تاجیکها نبردهای متعدد رخ داد، تا سرانجام در اواخر همین سده سرزمین کنونی تاجیکستان میان افغانستان، امیرنشین بخارا و روسیه تقسیم شد.

مشاهده می شود که تاجیکها هیچ گاه سرزمین مستقلی نداشته اند. تا قبل از حاکمیت روسها بر ناحیه، حاکمان این سرزمین یا مستقیما تحت نفوذ حکومتهای ایرانی مانند هخامنشیان و ساسانیان بودند و یا اگر حاکمیت غیر ایرانی بود، آن حکومت زیر نفوذ پادشاهان ایران بود مانند قراخانیان. در مقاطعی از تاریخ نیز حکومتهای مستقلی بر قلمرو تاجیکها حکم می راندند مانند قراختاییان و مغولها. به عبارت دیگر همواره قلمرو

این قوم به عنوان ناحیه ای در جنوب شرقی آسیای مرکزی و یا ماوراءالنهر در اختیار حکومتهای محلی بود.

پس از آن که روسها وارد آسیای مرکزی شدند، برای راهیابی به هندوستان از طریق افغانستان، قلمرو تاجیکها را برگزیدند. ابتدا شمال غرب یعنی خجند و اطراف آن و سپس سایر نقاط را فتح کردند. در همین زمان پامیر در اختیار افغانهای شمال افغانستان

بود. روسها با حمایت امیر بخارا بر پامیر و شمال افغانستان تا بلخ راه یافتند. همزمان با

این وقایع انگلیسی ها در ناحیه کوههای هندوکش به مقابله با روسها پرداختند. درگیریها

تا زمان تعیین مرز افغانستان و امیرنشین بخارا در سال ۱۸۹۵م/۱۲۷۴ش ادامه یافت و

۱- «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، س۶، ش۲۳، ص۵۹.

روسها افغانستان را ترک کردند. در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش روسها بر ناحیه پامیر و بخش شرقی تاجیکستان تسلط یافته و امیرنشین بخارا را منقرض کردند.

پس از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش تاجیکستان که ناحیه ای کوهستانی و غیرقابل عبور بود، مرکز تجمع نیروهای مخالف انقلاب شد. نیروهای ارتش سفید تزاری، نیروهای ملی یا نهضت باسماچی و سپاه انگلیس اعزامی از خراسان و افغانستان به مقابله با بلشویکها پرداختند. در این زمان تاجیکستان بخشی از جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی ترکستان بود. بلشویکها در مقابله با مخالفان توانستند در سال ۱۹۱۸م/ ۱۲۹۷ش بخش شمالی تاجیکستان، در سال ۱۹۲۱م/ ۱۳۰۰ش بخش شرقی و در سال ۱۹۲۵م/ ۱۳۰۴ش پامیر را تصرف کنند. گرچه تحرکهای سیاسی و نظامی باسماچیان تا سال ۱۹۳۵م/۱۳۱۴ش ادامه داشت، اما در سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش روسها با تقسیم جمهوری ترکستان، تاجیکستان را به عنوان جمهوری خودمختار ضمیمه ازبکستان کردند. در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تاجیکستان به سطح جمهوری متحد ارتقا یافت و در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ش ناحیه خجند به آن الحاق شد.

در میان نواحی آسیای مرکزی، تاجیکستان آخرین جایی بود که به تصرف روسها درآمد. این امر هم در زمان حکومت تزار و هم در دوران حکومت کمونیستها واقعیت داشت و معلول چند علت بود:

- موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی تاجیکستان، ناحیه را تقریبا غیرقابل نفوذ کرده بود.

- پایبندی مردم ناحیه به فرهنگ و زبان خود؛ تاجیکها دو ویژگی متمایز با ترکهای حاکم بر منطقه داشتند. آنها از لحاظ شیوه معیشت برخلاف ترکها، یکجانشین بودند واز نظر زبانی نیز به فارسی تکلم می کردند. ضمن آن که برخلاف اکثریت مسلمانان آسیای مرکزی که حنفی مذهب هستند، تاجیکهای ناحیه کوهستانی پامیر پیرو مذهب شیعه اسماعیلیه بودند.

روسها در بدو ورود به تاجیکستان، به منظور بهره برداری از منابع سرشار ناحیه و تسلط سیاسی کامل، به ترویج زبان و فرهنگ ایرانی در ناحیه همت گماشتند. آنها می دانستند تاجیکها برای جلوگیری از تسلط ترکها و حفظ استقلال خود به سوی فرهنگ ایرانی که پیشینه ای کهن در میان آنان داشت، روی آورده اند. بنابراین با هدف جلوگیری

از اتحاد ترکها و تاجیکها در مقابله با روسها، برنامه هایی برای حفظ زبان و فرهنگ فارسی تهیه کردند. آنها همچنین سعی داشتند با پخش برنامه های رادیویی به زبان فارسی، تبلیغات خود را به گوش ایرانیان و مردم افغانستان برسانند.

روسها در سالهای بعد اقدامات دیگری انجام دادند، سمرقند، بخارا و فرغانه را ضمیمه ازبکستان و نواحی ازبک نشین را ضمیمه تاجیکستان کردند، سپس گروه زیادی از روسها را به ناحیه آورده و در مشاغل حساس به کار گماردند و سرانجام با اعلام زبان

روسی به عنوان زبان رسمی تاجیکستان، نیت واقعی خود را در هویت زدایی و رواج فرهنگ روسی آشکار کردند.

در اواخر دهه ۸۰ م که روسیه به افغانستان حمله کرد و آنجا را اشغال نمود، از سربازهای مسلمان تاجیک و ازبک برای مقابله با مبارزان مسلمان افغانی استفاده کرد. این افراد در افغانستان با اصول و قوانین اسلامی بیشتر آشنا شدند و در بازگشت به تاجیکستان با استفاده از فضای باز سیاسی دوران گورباچف، به نشر اصول اسلام همت گماشته ونهضت اسلامی را تشکیل دادند. رئیس اداره روحانی تاجیکستان یعنی قاضی تورجان زاده نیز مشابه عامه مردم با مسلمانان تاجیک متحد شد، همزمان با این رخدادها، روشنفکران تاجیک نیز با هدف احیای فرهنگ اصیل خود، در ابتدا با اقدامات فرهنگی و سپس با طرح خواسته های سیاسی، به همراه مسلمانان مبارز دو گروه رستاخیز و دموکرات را تأسیس کردند و برای ایجاد روابط فرهنگی با ایران شروع به فعالیت کردند.

برخلاف توده مردم که از فضای باز سیاسی دوران گورباچف برای رسیدن به هدف و فرهنگ ملی خود و گسستن از سلطه روسها بهره بردند. رهبران کشور به علت وابستگی اقتصادی، کسب استقلال و دور شدن از روسیه را امری نادرست می دانستند. این دوگانگی افکار سبب جدایی مردم و قشر حاکم تاجیکستان شد و زمینه را برای بروز اختلافات فراهم کرد. در همین ایام مجلس تاجیکستان تغییراتی در قانون اساسی کشور داد و ضمن لغو اختیارات حزب کمونیست، به جای مقام دبیرکل حزب، مقام ریاست جمهوری را در کشور به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۹۰م/۱۳۹۹ش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و کاندیدای حزب کمونیست بر کاندیدای مشترک نیروهای ملی و مذهبی پیروز شد. بلافاصله تاجیکستان به جمع کشورهای جامعه مشترک المنافع

پیوست.

سیاست رئیس جمهور درجهت برقراری سیستم حکومتی متکی برروسها، اعتراضات مداوم مخالفان را در برداشت، این مخالفت ها به شکل برگزاری راهپیمایی و سخنرانیهای اعتراض آمیز ابراز می شد، با اعلام استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۱م/ ۱۸ شهریور ۱۳۷۰ش این اعتراضات ادامه یافت و نتایج سیاسی نیز در برداشت. اما «رحمان نبی اف» رئیس جمهور طرفدارانی در میان طوایف «کولاب» و «خجند» داشت و با مسلح کردن آنان و کمونیستها، ناآرامیهایی در کولاب و «قرقان تپه» آغاز شد، با شروع

درگیریهای میان این گروهها ونیروهای مخالف جنگ داخلی آغاز شد. جنگی که سه سال طول کشید و کشور را دچار بحرانهای بسیار شدید سیاسی و اجتماعی واقتصادی کرد، هزاران نفر قتل عام شدند، - دست کم ۵۰ هزار نفر - یا به کشورهای دیگر به ویژه افغانستان پناهنده شدند - بیش از ۵۰۰ هزار نفر - و تأسیسات مسکونی و دولتی بسیاری فرو ریخت، حدود ۱۲۰ هزار واحد مسکونی.(۱)

روسها که تاجیکستان را بخشی از حریم امنیت ملی خویش و مرکز صدور گرایشهای اسلامی به آسیای مرکزی می دانند، مرزهای خارجی کشور را تحت نظارت مستقیم گرفتند و به بهانه این که مخالفان دولت سلاح خود را از افغانستان تأمین می کنند، گروه

زیادی از نیروهای خود را به جنوب فرستادند. مخالفان حکومت نیز معتقد بودند که روسیه و ازبکستان به یاری رژیم برخاسته اند و از هرگونه کمکی به آنان برای سرکوب نهضت اسلامی کشور کوتاهی نمی کنند.

در سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش سرانجام مقدمه مذاکره میان حکومت و مخالفان دولت فراهم شد و سه دوره مذاکره در مسکو، تهران و اسلام آباد برگزار شد و طرفین با قبول آتش بس موافقت خود را به حل بحران از طریق سیاسی ابراز داشتند. برقراری آتش بس موقت، آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی و اسرای نظامی در گفتگوهای تهران مورد توافق قرار گرفت و سرانجام در شهریور ماه سال ۱۳۷۳ش/۱۹۹۴م توافق نامه آن در تهران به امضای طرفین درگیر رسید و یک ماه بعد عملاً به مرحله اجرا درآمد و در همان

سال انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسی قانون اساسی جدید تاجیکستان برگزار شد. «امامعلی رحمانف» به ریاست جمهوری انتخاب شد و قانون اساسی نیز به تأیید مردم رسید.

۱- ایرانی، ناصر، بهار گمشده، یادداشتهای سفر تاجیکستان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص۸.

از زمان برقراری آتش بس تاکنون چندبار مذاکرات میان نیروهای مخالف دولت ونمایندگان دولت برگزار شده و نتایجی نیز به دست آمده است. در این مدت دولت تاجیکستان توانسته است پایه های قدرت خود را محکم کند. گرچه هنوز مخالفان وی خواستار ایجاد تغییراتی در قانون اساسی کشور و ساختار حکومت به سوی احیای ارزشهای اسلامی می باشند.(۱)

فعالیتهای سیاسی در تاجیکستان در ایام حکومت گورباچف آغاز شد و چند سالی ادامه یافت، اما با حاکمیت قطعی کمونیست ها بر کشور مجددا محدودیتهای سیاسی برقرار شد.

در میان احزاب سیاسی تاجیکستان «حزب کمونیست» مهمترین تشکل سیاسی رسمی است، این حزب که از سالها قبل وجود داشته است در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به «حزب سوسیالیست» تغییر نام داد و یک سال بعد مجددا همان نام سابق خود را برگزید. بیشتر مسؤولان و مقامات سیاسی و اداری تاجیکستان عضو این حزب هستند.

«حزب دموکرات»، از احزاب مخالف دولت است که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش به رهبری «شادمان یوسف» پایه گذاری شد. بیشتر اعضای حزب را روشنفکرانی که به دموکراسی غیر مذهبی گرایش دارند تشکیل می دهند.(۲)

«حزب نهضت اسلامی» مهمترین تشکل مذهبی تاجیکستان است. «اکبر تورجان زاده» از رهبران این حزب است که خواستار احیای مجدد اسلام در تاجیکستان است. اعضای این حزب که خواهان به کارگیری قوانین اسلامی در تمام امور کشور هستند، همگی تاجیک اند. در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش فعالیت این گروه غیرقانونی اعلام شد.

«سازمان آریانای بزرگ» از تشکلهای سیاسی تاجیکستان است که در ابتدا با نام «کوروش کبیر» شروع به فعالیت کرد، اما پس از ۶ ماه تغییر نام داد. این گروه اسلام را تنها مذهب مورد قبول خود می داند و به گفته معاون آن هدف نهایی این حزب، ایجاد ایران بزرگ است. اما به علت مخالفت دادگستری تاجیکستان با این موضوع، در اساسنامه سازمان ذکر نشده است.(۳)

«سازمان لعل بدخشان» دیگر گروه سیاسی تاجیکستان است که با دولت فعلی مخالف است وآن را همان حکومت کمونیستها می داند که تغییر نام یافته است، فعالیت این حزب نیز ممنوع است.(۴)

۱- «مسلمانان قربانیان اصلی تاجیکستان»، جمهوری اسلامی،س۱۷، ش۴۶۶۴، ۲۵ تیر ۱۳۷۴، ص۱۵.

۲- اختر، شمیم «اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۱، ص۱۸۹.

۳- «آسیای مرکزی جغرافیای سیاسی»، ص۴۵.

۴- «آسیای مرکزی جغرافیای سیاسی»، ص۴۴.

۲ – ۲ جمعیت

با توجه به ویژگیهای طبیعی و کوهستانی بودن تاجیکستان، این جمهوری در میان کشورهای آسیای مرکزی پرجمعیت محسوب می شود. به طوری که در مدت ۶۶ سال شمار جمعیت آن ۷ برابر شده است (جدول ۱ – ۳).

جدول ۱ – ۳ جمعیت تاجیکستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ – ۱۳۷۱ش(۱)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

جمعیت ۸۲۷۰۱۳۱۹۸۰۵۴۷۲۸۹۹۶۰۲۳۸۰۶۲۲۰۵۵۸۷۰۰۰

مشاهده می شود که در ۳۳ سال اول دوره آماری یعنی حدفاصل سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش جمعیت کشور ۴/۲ برابر شده است و در ۳۳ سال دوم یعنی سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش تقریبا سه برابر شده است. نرخ رشد جمعیت در دوره های زمانی مذکور نیز مؤید همین موضوع است (جدول ۲ – ۳).

جدول ۲ – ۳ نرخ رشد جمعیت تاجیکستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (درصد)

دوره زمانی۱۹۵۹–۱۹۲۶م/۱۹۷۰–۱۹۵۹م/۱۹۷۹–۱۹۷۰م/۱۹۹۲–۱۹۷۹م/۱۹۹۲–۱۹۲۹م/

۱۳۰۵–۱۳۳۸ش ۱۳۴۹–۱۳۳۸ش۱۳۵۸–۱۳۴۹ش ۱۳۷۱–۱۳۵۸ش ۱۳۷۱–۱۳۰۵ش

نرخ رشد۷/۲۵/۳۳۳۹/۲

در همین مدت میزان تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع نشان می دهد که تاجیکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین تراکم جمعیت را دارد (جدول ۳ – ۳). با توجه به ویژگیهای طبیعی کشور و محدودیتهای اقلیم، بالابودن رقم تراکم نسبی جمعیت ناشی از رشد جمعیت است.

ص:۱۹۶

۱– اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۲۸۷؛ جهانفر، محمد، نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی واجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲ میلادی، ص۲۳.

جدول ۳ - ۳ تراکم نسبی جمعیت تاجیکستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (درصد)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۲۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۶ش۱۳۷۱ش

میزان تراکم۳۱/۲۶۳/۲۰۶/۱۳۳/۸/۵۸

نرخ بالای رشد جمعیت سبب شده که گروه سنی کمتر از ۱۵ سال رقم بزرگی از جمعیت را تشکیل دهند و این کشور در میان کشورهای ناحیه جوانترین آنها به شمار آید (جدول ۴ - ۳).

جدول ۴ - ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک گروههای سنی عمده

در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد) (۱)

سال

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش

گروه سنی

کمتر از ۱۵ سال۴۲/۴۳۹/۳

۱۵ - ۶۴ سال۵۳/۵۲۳

۶۵ سال به بالا۳/۴۸/۷

از ویژگیهای دیگر ترکیب سنی جمعیت تاجیکستان، درصد اندک سالخوردگان است، ضمن آن که همین درصد نیز با کاهش زیادی در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش مواجه بوده است. بالا بودن سن سالخوردگان و افزایش میزان مرگ و میر علت اصلی کاهش رقم سالخوردگان از ۷/۴ درصد در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش به ۸/۳ درصد در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش بوده است.

از نظر ترکیب جنسی در تاجیکستان نیز مشابه دیگر جمهوریهای آسیای مرکزی تعداد زنان بر تعداد مردان فزونی دارد. ولی این کشور نسبت به دیگر کشورهای ناحیه وضعیت متعادلتری دارد. در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش نسبت مردان به زنان ۷/۹۷ درصد

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.

بوده که این رقم در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش به ۷/۹۸ درصد افزایش یافته است.(۱)

وضعیت جغرافیایی تاجیکستان ایجاب می کند که جمعیت کشور در اراضی کم ارتفاع اطراف رودخانه ها، کوهپایه ها و دره های حاصلخیز متمرکز شوند. و چون این نقاط استعداد زیادی برای انجام فعالیتهای کشاورزی دارند، اکثر روستاهای کشور در پیرامون این نواحی متراکم شده اند. بنابراین بیشتر جمعیت کشور در روستاها سکنا گزیده اند وجمعیت شهرنشین تاجیکستان رقم کمی از کل جمعیت را تشکیل می دهند (جدول ۵ – ۳). نقش با اهمیت فعالیتهای روستایی، بویژه کشاورزی در اقتصاد کشور و نبود صنایع و کارخانه ها و مراکز تولیدی در شهرها، به همراه وضعیت طبیعی کشور تأثیر بسزایی در مکان گزینی جمعیت داشته است.

جدول ۵ – ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سالهای

۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۱ش (درصد)(۲)

سال۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۹۲

جمعیت۱۳۱۸ش۱۳۲۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش ۱۳۷۱ش

شهری ۱۷۳۳۳۷۳۵۳۲

روستایی۸۳۶۷۶۳۶۵۶۸

در جدول ۵ – ۳ مشاهده می شود که جمعیت شهرنشین تاجیکستان در حد فاصل سالهای ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش تا ۱۹۵۹م/۱۳۲۸ش تقریبا دوبرابر شده است. این فرایند بیش از آن که ناشی از افزایش میزان شهرنشینی در میان تاجیکها باشد، حاصل مهاجرت گسترده اقوام اروپایی به ناحیه واستقرار آنان در شهر بوده است.

در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰م/۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ش رقم شهرنشینان افزایش اندکی داشته و از سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش به بعد با کاهش روبرو شده است. بالا بودن نرخ زاد و ولد در نقاط روستایی و پایین بودن آن در نقاط شهری به همراه خروج اقوام غیر بومی از

تاجیکستان، علل اصلی پایین بودن درصد جمعیت شهری است، وضعیتی که در کشورهای آسیای مرکزی منحصر به تاجیکستان است و سایر کشورها با افزایش جمعیت

ص:۱۹۸

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.

۲- جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص۱۹۸؛ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان،

قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۶.

شهری در دهه ۸۰و ۹۰ روبرو بوده اند.

بدون شک جنگ خانمان برانداز داخلی پس از استقلال نیز تأثیر بسزایی در مهاجرت مردم از شهرها به نقاط دور افتاده روستایی داشته است.

جریانهای مهاجرتی در تاجیکستان در طول قرن حاضر جهات متفاوتی داشته است. در اوایل قرن و با تسلط روسها بر تاجیکستان، بویژه در دوران انقلاب بلشویکی، گروه بسیاری از تاجیکها به کشورهای همسایه، بویژه افغانستان مهاجرت کردند، به طوری که اکنون بخش مهمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند.

در کنار این مهاجر فرستی، نقل مکان اجباری روسها و دیگر اقوام اروپایی به تاجیکستان عملی شد و گروه بسیاری از آنان در تاجیکستان مجبور به اقامت شدند.

با کسب استقلال و بروز تشنجها و درگیریهای سیاسی، بسیاری از روسها کشور را ترک کردند و نیروهای نظامی روس به طور مقطعی جایگزین آنها شدند.

در همین ایام حدود ۷۰۰ هزار نفر از مردم تاجیکستان مهاجرت کردند که شماری از آنها در داخل کشور جابجا شدند و اکثرشان در ردیف مهاجران خارجی قرار گرفتند، از این گروه که تعداد آنها دقیقا قابل محاسبه نیست برخی پس از اعلام آتش بس به کشور بازگشتند.

اما گروههای قومی که تاجیکستان را ترک کردند دیگر به این کشور باز نگشتند، به طور مثال از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴م/۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ش حدود ۱۲۲ هزار نفر از قزاقهای تاجیکستان و افغانستان به قزاقستان بازگشتند، شمار بیشتر این مهاجران از تاجیکستان برای اقامت دایمی روانه قزاقستان شدند.(۱)

جمعیت شناسان براساس میزان موالید، مرگ و میر و نرخ رشد طبیعی جمعیت در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، که به ترتیب ۷/۳۸ درهزار، ۵/۶ در هزار و ۲/۳۲ در هزار بوده است و همچنین نرخ رشد مطلق جمعیت در دهه ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ - ۱۳۶۸ش که ۵/۲۹ درهزار بوده است، مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت تاجیکستان را ۲۲ سال پیش بینی کرده اند. آنها همچنین تعداد جمعیت کشور را در سالهای آینده تخمین زده اند (جدول ۶ - ۳).

جدول ۶ - ۳ برآورد جمعیت تاجیکستان در سالهای

ص:۱۹۹

۱- مالدالی اف، اورازبیک، «مسائل امنیت منطقه ای، امکانات پیشگیری و حل مناقشات منطقه ای»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۵، دوره دوم، ش۱۳، ص۹۳.

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش(۱)

سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش ۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش

جمعیت ۶۲۰۴۰۰۰۸۴۴۱۰۰۰۹۸۹۰۰۰۰

۳ – ۲ ترکیب قومی

بیشتر جمعیت کشور را تاجیکها تشکیل می دهند. در کنار آنها گروههای قومی دیگری نیز زندگی می کنند که از میان آنها تعداد ازبکها و روسها بیش از دیگران است (جدول ۷ – ۳).

اوکراینی ها، تاتارها، ترکمنها، قزاقها و قرقیزها از دیگر ملیتهای ساکن در تاجیکستان هستند که شمار آنان نسبت به ازبکها و روسها بسیار اندک می باشد.

تاجیکها که سکنه بومی تاجیکستان هستند. مشابه تمام ملیتهای آسیای مرکزی در سطح ناحیه پراکنده شده اند. ویژگی خاص پراکندگی تاجیکها، استقرار شمار بسیاری از آنان در کشور افغانستان است و جمهوریهای ازبکستان و قرقیزستان پس از افغانستان به ترتیب بیشترین تعداد تاجیک را پذیرا شده اند.

جدول ۷ – ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ – ۱۳۷۱ش (درصد)(۲)

سال

۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش

گروه قومی

ازبکها۲/۲۱۲۳۲۳۲۳

تاجیکها۶/۷۴۱/۵۳۲/۵۶۵۸

روسها۷/۰۳/۱۳۹/۱۱۸

سایر ۵/۳۹/۱۰۹/۸۱۱

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان؛ قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۴.

۲- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۷؛ «تحولات در آسیای مرکزی»، ص۲۱.

۴ – ۲ زبانهای رایج

مردم تاجیکستان به زبان تاجیکی سخن می گویند. زبان تاجیکی با زبان فارسی بسیار نزدیک است و هر دو زبان، ادبیات و دستور زبان مشترکی دارند. تا پیش از تسلط روسها بر تاجیکستان، گرچه ترکها زبان فارسی را محدود کرده بودند اما تمایز ویژه ای میان گویش فارسی و تاجیکی وجود نداشت وتاجیکها از ادبیات فارسی استفاده می کردند. پس از انقلاب اکتبر و تلاش روسها برای محصور ماندن زبان تاجیکی و قطع رابطه متقابل میان تاجیکستان و سایر نقاط فارسی زبان، زبان تاجیکی ضعیف شد واشکال بومی زبان که به نظر می رسید زبان محاوره ای باشند، جایگزین ادبیات فارسی گردید و واژه هایی از

سایر زبانها وارد آن شد. زبان تاجیکی با چهار گویش شمالی، مرکزی، جنوبی وجنوب خاوری در حد یک زبان درجه دوم که فقط در محاوره به کار می رفت، تنزل یافت و زبان روسی، زبان رسمی تاجیکستان اعلام شد.(۱)

در سالهای اخیر اقداماتی برای احیای زبان فارسی به عمل آمد. شورای عالی تاجیکستان در اوایل سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش گروهی را مأمور تهیه قانون زبان کرد. پیش نویس این قانون پس ازتهیه وتدوین در مطبوعات به چاپ رسید و در همان سال به تصویب شورای عالی تاجیکستان رسید. براساس این قانون، زبان فارسی تاجیکی باید به تدریج جایگزین زبان روسی شود و تمام نهادهای دولتی وغیر دولتی موظف به انجام این دستور شدند. در کلیه مقاطع تحصیلی نیز باید همین رویه اعمال شود. بنیاد فرهنگ تاجیکستان مسؤول اجرای این فرمان بود و باید تا پایان سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش این قانون به صورت کامل به اجرا درمی آمد. در ضمن هر سال در روز ۲۲ ژوئیه/ ۲۶ تیرماه در تمام کشور جشن احیای زبان نیاکان برگزار می شود.

ایران نیز بنا به درخواست تاجیکها اقدامات گوناگونی برای آموزش و رواج زبان فارسی انجام داده است. احداث مراکز فرهنگی، بنیان گذاری پژوهشکده زبان فارسی، تهیه و چاپ کتابهای آموزش الفبای فارسی، اعزام معلمان خط فارسی، تأسیس کتابخانه رودکی با انواع کتابهای فارسی، چاپ کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان از نویسندگان ایرانی به دو خط فارسی و سیریلیک، تهیه ماشین تحریر فارسی، همکاری در برگزاری سمینارها و کنگره ادب فارسی و... مهمترین فعالیتهای ایران بوده است.(۲)

۱- بهار گمشده، ص۲۶ – ۲۷.

۲- ایرانی، ناصر، «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۴، دوره دوم، ش۱۱، ص۱۵۳ – ۱۵۵.

۵ – ۲ مذهب

تاجیکستان مهمترین کشور اسلامی آسیای مرکزی است، مردم این کشور مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند. تا پیش از تسلط کمونیست ها بر کشور تقریبا تمام مردم کشور مسلمان بودند، روسها برای رسیدن به خواسته های خود، سعی در سرکوب گرایشهای مذهبی کردند و تاحدودی نیز موفق شدند. آنان آموزش علوم دینی، مسافرت به کشورهای اسلامی و انجام مراسم و عبادات اسلامی را ممنوع کردند، به گفته رئیس اداره امور دینی تاجیکستان که مهمترین مقام مذهبی کشور است «در آن سالها ما فقط در مراسم ختم اموات خود فرصت برگزاری نماز جماعت را به دست می آوردیم».(۱)

برنامه های روسها برای زدودن افکار مذهبی گرچه تا حدودی توانست در میان جوانان تمایل به اصول مذهبی و پایبندی به شعائر اسلامی را محدود نماید، اما موفق به

از بین بردن و سرکوب مسلمانان نشد، به طوری که بلافاصله پس از روی کار آمدن گورباچف احزاب مذهبی به وجود آمدند و مسلمانان ضمن همفکری با یکدیگر و ایجاد تشکلهای سیاسی، به انجام اعمال و عبادات مذهبی به شکل آشکار روی آوردند. اما اختلافات سیاسی و درگیریهای نظامی سبب ایجاد تفرقه در میان گروههای مذهبی شد و قدرت یافتن مجدد پیروان کمونیسم بار دیگر مانع از رشد و پیشرفت مسلمانان به صورت دلخواه شد.

در میان مسلمانان تاجیکستان، فرقه نقشبندیه طرفداران زیادی دارد. ساکنان ناحیه کوهستانی بدخشان و پامیر نیز شیعه و پیرو فرقه اسماعیلیه هستند. آنها که از سال ۱۹۲۷م/۱۳۰۶ش از برقراری روابط با رهبر مذهبی خود «آقاخان محلاتی» منع شده بودند، پس از کسب استقلال توانستند از طریق اسماعیلیان افغانستان با رهبرشان رابطه برقرار کنند.(۲)

تاجیکستان در بین کشورهای آسیای مرکزی بیشترین درصد مسلمانان را دارد (جدول ۸ – ۳).

از مراکز مذهبی تاجیکستان می توان به مساجد این جمهوری اشاره کرد. «مسجد جامع مولانا یعقوب چرخی» در شهر «دوشنبه» یکی از مهمترین مکانهای مذهبی کشور

۱- «ایران و تاجیکستان مستقل»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱،ش۲، ص۳۰۳.

۲- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۱۷۵ – ۱۷۶.

است. یک مدرسه علوم دینی وابسته به مسجد نیز به تعلیم و تربیت طلاب در دوره ای سه ساله مشغول است. طلاب این حوزه پس از گذراندن موفقیت آمیز آموزش های مقدماتی وارد دوره عالی در اداره قاضیات یا امور دینی میشوند.(۱) «مسجد جامع امام اعظم» در حومه شهر دوشنبه و مسجد جامع و قدیمی «پنج کنت» در شهر «پنج کنت» از دیگر مساجد مهم تاجیکستان به شمار می آیند.

جدول ۸ – ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک مذهب در سالهای ۱۹۲۶ – ۱۹۷۹ م/ ۳۰۵ – ۱۳۵۸ ش (درصد) (۲)

سال

۱۹۲۶ م/۱۳۰۵ ش ۱۹۳۹ م/ ۱۳۱۸ ش ۱۹۵۹ م/ ۱۳۳۸ ش ۱۹۷۰ م/ ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۹ م/ ۱۳۵۸ ش

۱۳۵۸ ش

مسلمان ۸۶/۸۳/۸۱/۹۰/۹۹

غیرمسلمان ۱۴/۱۷/۱۹/۱۰/۱

۶ – ۲ آموزش

آموزش عمومی در تاجیکستان رایگان و اجباری است, به همین دلیل بخش عمده مردم با سوادند. در سال ۱۹۲۶ م / ۱۳۰۵ ش حدود ۲/ ۲ مردم با سواد بودند. این رقم در سال ۱۹۷۰ م / ۱۳۴۹ ش به ۹۹ درصد افزایش یافت.(۳)

در سال ۱۹۹۴ م / ۱۳۷۳ ش تعداد ۳۱۱۲ باب مدرسه در مقاطع مختلف تحصیلی با تعداد ۱۳۳۰۰۰۰ محصل مشغول به فعالیت بودند. در همین سال ۱۲ دانشگاه و مرکز آموزش عالی با حدود ۱۰۰ هزار دانشجو دایر بود. (۴)

«دانشگاه دولتی دوشنبه» که در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ش افتتاح شد با ۱۱۰۰۰ دانشجو, «انستیتوی شوچنکو», «انستیتوی طب» با نام «ابوعلی سینا» و «انستیتو صنعتی تورسان زاده», از مهمترین مرا کز آموزش عالی تاجیکستان محسوب میشوند.

«آ کادمی علوم تاجیکستان» در چهار شاخه علوم فیزیک, شیمی, بیولوژی, منابع معدنی و جمعیت, تحقیق و پژوهش میکند از سال ۱۹۵۱ م / ۱۳۳۰ ش که این مرکز علمی

۱– حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص۹۲.

۲– «تیغ برنده پارسی، سومین سالگرد استقلال تاجیکستان و تجلیل از فردوسی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، ش۶، ص ۱۸۱.

۳- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۸۹.

۴- «گزارش سفر هیأت اعزامی به تاجیکستان جهت گشایش جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قزاقستان، س۱، ش۱، ص ۲۹۲ - ۲۹۳.

گشایش یافت جمع زیادی از متخصصان در آن مشغول پژوهشهای تخصصی هستند. این مرکز با بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی دنیا ارتباط دارد.(۱)

۷ – ۲ رسانه های گروهی

چاپ وانتشار روزنامه و مجله در تاجیکستان سابقه نسبتا قدیمی دارد. روزنامه «بخارای شریف» که در سال ۱۹۱۲م/۱۲۸۱ش به زبان فارسی تاجیکی به چاپ رسید و یک سال بعد انتشار آن متوقف شد. اولین روزنامه تاجیکستان به شمار می آید و «مجله سمرقند» که از سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش به زبان فارسی انتشار یافت قدیمترین مجله تاجیکستان است.

نخستین روزنامه ای که پس از انقلاب بلشویکی به زبان تاجیکی به چاپ رسید «عیدتا تاجیک» نام داشت این روزنامه در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش در سمرقند منتشر شد و از شماره دوم «بیداری تاجیک» نام گرفت. طی سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۵م/۱۳۰۷ تا ۱۳۳۴ش با نام «تاجیکستان سرخ» و پس از آن با نامهای «تاجیکستان شوروی» و «تاجیکستان سوویتی» به چاپ می رسید. پس از استقلال و از سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش روزنامه مذکور با نام «جمهوریت» منتشر می شود.(۲) نخستین مجله تاجیک زبان نیز که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱م/۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ش به چاپ رسید، «شعله انقلاب» نام داشت.

روزنامه «کومسومول تاجیکستان» از سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش با الفبای فارسی و لاتین به چاپ رسید و پس از توقف انتشار در دوران جنگ دوم جهانی، در سال ۱۹۴۵م/۱۳۲۴ش با نام «جوانان تاجیکستان» فعالیت خود را از سر گرفت و یک سال بعد مجددا با نام سابق منتشر شد. این روزنامه پس از استقلال تاجیکستان مجددا جوانان

تاجیکستان نام گرفت. همچنین روزنامه «پیشگام تاجیک» که از سال ۱۹۲۹م/۱۲۰۸ش منتشر می شد به همراه روزنامه «معارف و مدنیت» که از سال ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش به چاپ رسید، مهمترین نشریات روزانه تاجیکستان تا پیش از استقلال این کشور بودند. روزنامه معارف و مدنیت از سال ۱۹۸۱م/۱۳۶۰ش به دو بخش مدنیّت تاجیکستان و آموزگار تاجیکستان تقسیم شد و از سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش به هفته نامه «ادبیات و صنعت» تغییر نام داد.(۳) پرتیراژترین روزنامه کشور ویژه کودکان و نوجوانان با نام «پانیر» از سال

۱– «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۱، ص۳۰۰.

۲– دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۲۱۶.

۳– دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۷۹۶.

۱۹۳۲م/۱۳۱۱ش شروع به کار کرد و پس از استقلال انباز نام گرفت.(۱)

مجله «تاجیکستان سوویتی» از سال ۱۹۵۶م/۱۳۳۵ش به دو زبان فارسی تاجیکی و روسی منتشر می شد و اندکی بعد فقط به زبان فارسی تاجیکی و با نام «تاجیکستان» انتشار یافت. پس از ۶ سال، انتشار این مجله متوقف شد. از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به کوشش یک شرکت خصوصی فعالیت مجدد این ماهنامه آغاز شد.(۲) ماهنامه «صدای

شرق» که از سال ۱۹۳۸م/۱۳۱۷ش جایگزین «ادبیات سوسیالیستی» شد، پس از طی دوره رونق و رکود از سال ۱۹۶۴م/۱۳۴۳ش با نام صدای شرق به چاپ می رسید. این ماهنامه که تا پیش از استقلال تاجیکستان پرتیراژترین روزنامه کشور بود،(۳) به همراه «ماهنامه زنان تاجیکستان» که از سال ۱۹۳۲م/۱۳۱۱ش با نام «راه لنین» و از سال ۱۹۵۵م/۱۳۳۴ش با نام جدید منتشر می شد، و نشریه «پامیر» که از سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش شروع به فعالیت کرد، مهمترین مجلات تاجیکستان تا پیش از استقلال بودند.

ماهنامه «زنان تاجیکستان» پس از استقلال با نام «فیروزه» منتشر می شود و نشریه پامیر در ابتدا به صورت گاهنامه و به زبان روسی و با نام «استالین آباد» ادبی به چاپ

می رسید در سال ۱۹۵۱م/۱۳۳۸ش به «گلستان» تغییر نام داد و از اوایل سال ۱۹۶۸م/۱۳۴۷ش با نام پامیر و به صورت فصلی منتشر می شود.(۴)

از زمان استقلال نیز نشریات گوناگونی به صورت روزنامه، هفته نامه و ماهنامه به زبانهای مختلف منتشر می شود. که از میان آنها می توان نشریات تاجیکی زبان «جمهوریت» «صدای مردم»، «پیام دوشنبه»، «جوانان تاجیکستان»، «ادبیات و صنعت»، «نوروز وطن»، «منبر اسلام»، «هشت گنج»، «چراغ روز» «نجات»، «صدای شرق»، «علم و حیات» و نشریات روسی زبان «شام دوشنبه» و «نوید بازرگان» را برشمرد. همچنین نشریه «ساویت تاجیکستان» به زبان ازبکی، «پیوند» به زبان فارسی، پامیر به زبان تاجیکی و روسی، «فرهنگ» به زبان تاجیکی و فارسی در ردیف نشریات مهم تاجیکستان به شمار می آیند.

ص:۲۰۵

۱- دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۲۲۵.
۲- دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۲۴۶.
۳- دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۵۶۱.
۴- دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی، ص۲۱۹.

۸ – ۲ تقسیمات کشوری

اشاره

جمهوری تاجیکستان از یک جمهوری خودمختار و چهار استان تشکیل شده است. جمهوری خودمختار گورنو بدخشان یا «بدخشان کوهستانی» بخش شرقی و جنوب شرقی کشور را فراگرفته و تقریبا منطبق بر ناحیه طبیعی فلات پامیر است. استان خجند در شمال، استان قراتگین در مرکز و استانهای قرغان تپه و کولاب در جنوب و جنوب غربی تاجیکستان قرار دارند. گفته می شود که اخیرا دو استان قرغان تپه و کولاب در هم

ادغام شده و استان واحدی به نام ختلان را به وجود آورده اند.(۱)

در میان بیش از ۱۸ شهر تاجیکستان، دوشنبه پایتخت کشور بزرگترین و پرجمعیت ترین نقطه شهری است (جدول ۹ – ۳) (نقشه ۳۰).

شهرهای «تورسان زاده» در نزدیکی دوشنبه و «کانی بادام» در استان خجند با جمعیت ۲۱ و ۲۸ هزار نفر از دیگر شهرهای مهم تاجیکستان هستند.

۱ – ۸ – ۲ دوشنبه

پایتخت تاجیکستان در حال حاضر مهمترین و بزرگترین شهر تاجیکستان است، این شهر در ارتفاع ۵۷۰ تا ۹۳۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و حدود ۱۲۵ کیلومترمربع وسعت دارد.

جدول ۹ – ۳ استانهای تاجیکستان و برخی مشخصات مراکز آنها(۲)

مرکز استان

استاننامفاصله ازمرکزکشورجمعیت در سال

(کیلومتر)۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

(هزارنفر)

خجند خجند ۱۹۵۱۶۰

قراتگین دوشنبه۰۵۹۵

قرغان تپه قرغان تپه۸۵۵۵

کولاب کولاب۱۱۴۶۲

جمهوری خودمختار خاروغ۲۶۵۱۴

بدخشان کوهستانی

ص:۲۰۶

۱- «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، ص۱۵۱.

۲- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۸۴ - ۸۷؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۷۰.

هسته اولیه شهر دوشنبه روستایی به همین نام است که محل برپایی اولین دوشنبه بازار، در سال ۱۶۷۶م/۱۰۵۵ش بوده است.(۱) دوشنبه پس از انتخابش به عنوان مرکز تاجیکستان در سالهای پس از انقلاب بلشویکی بسرعت رشد کرد واز یک روستای کوچک به شهری بزرگ تبدیل شد.

دوشنبه در غرب تاجیکستان قرار دارد، تا سال ۱۹۶۱م/۱۳۴۰ش «استالین آباد» نامگذاری شده بود و سپس به نام سابق خود تغییر یافت. این شهر از نظر اداری به چهار ناحیه «راه آهن»، «اکتبر»، «فرونزه» و «مرکزی» تقسیم می شود.

دوشنبه پرجمعیت ترین شهر کشور است و فاصله آن از نظر جمعیت با شهر بعدی بسیار زیاد است (جدول ۱۰ - ۳).

جدول ۱۰ - ۳ جمعیت دوشنبه در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۱م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۰ش(۲)

سال	۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
جمعیت	۸۳۰۰۰	۲۲۷۰۰۰	۲۹۴۰۰۰	۵۹۵۰۰۰

دوشنبه مهمترین واحدهای فرهنگی، اداری، سیاسی و اقتصادی کشور را در خود جای داده است. مهمترین دانشگاه کشور و همچنین بزرگترین کتابخانه جمهوری با نام «فردوسی» در این شهر واقعند. مقبره دو تن از برجسته ترین شاعران معاصر تاجیکستان، «میرزا تورسان زاده» و «صدرالدین عینی» در دوشنبه قرار دارد و در «میدان آزادی» بزرگترین میدان شهر در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ش و در سالروز استقلال این کشور تندیس «حکیم ابوالقاسم فردوسی» جایگزین مجسمه پیکره «لنین» شد.(۳) همچنین مجسمه های «ابوعلی سینا» و «رودکی» در میدانهای دیگر شهر بچشم می خورد.

۲ - ۸ - ۲ خجند

از شهرهای قدیم و بزرگ آسیای مرکزی است که در درّه فرغانه و در ساحل شمالی سیردریا قرار دارد. این شهر که تاریخی طولانی دارد، در دوران حکومت اسلامی، قرون چهارم و پنجم هجری، به دلیل فزونی و تراکم جمعیت و کمی آبادی در اطراف آن، در

۱- «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، ص۲۹۸.
۲- جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص۱۱۹؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۸۷.
۳- «جشن سالگرد استقلال تاجیکستان و سمپوزیوم سهم ایرانیان در رشد تمدن بشری»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۳۴۲.

مورد تهیه برخی از محصولات کشاورزی متکی به نواحی دیگر بود، به طوری که بخشی از گندم مصرفی آن از فرغانه و «اسروشنه» تأمین می شد.(۱)

نقشه ۳۰

خجند از قدیم دارای باغهای میوه و تاکستانهای بسیاری بود و سیب آن شهرت بسیاری داشت، امروزه نیز به همراه محصولات باغی، صنایع و کارخانه های بسته بندی و تهیه مواد غذایی، تهیه ابریشم و پارچه بافی بر اهمیت آن افزوده است و این شهر را در

رأس شهرهای مهم و صنعتی کشور قرار داده است.

۳ – ۸ – ۲ کانی بادام

از دیگر شهرهای قدیمی تاجیکستان است. این شهر نیز در درّه فرغانه قرار دارد و وجه تسمیه آن را فراوانی درختان بادام مرغوب در شهر و اطراف آن دانسته اند که حتی تا

هندوستان نیز صادر می شده است.(۲)

ص:۲۰۸

۱- آبیاری در ترکستان، ص۱۹۳؛ ترکستان نامه، ص۳۷۰.

۲- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی،ص۵۱۰؛ آبیاری در ترکستان، ص۱۹۳.

کـانی بـادام در شـمال شـرق کشور و در نزدیـک مرز تاجیکسـتان و ازبکسـتان قرار دارد و یکی از شـهرهای بزرگ و صـنعتی تاجیکستان است که جمعیت زیادی را در خود جای داده است.

۴ – ۸ – ۲ جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی

این واحد سیاسـی در منتهاالیه جنوب شـرقی آسـیای مرکزی قرار دارد و از شرق و جنوب با چین و افغانستان هم مرز است. این نـاحیه کوهسـتانی آب و هوای قـاره ای و خشـک دارد و بویژه در زمسـتانها هوایی سـرد بر آن حـاکم می شود. میزان متوسـط بارش سالیانه در نقاط شـهری که قلمرو یخچالهای طبیعی است بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی متر است. تعداد ۱۰۸۵ یخچال به وسعت ۸۰۴۱ کیلومتر مربع ارتفاعات ناحیه را پوشانیده اند. رودهای مهم ناحیه با نامهای «موک سو»، «آب خنگو» «گومت»، «برتنگ»، «مرغاب»، «آق سو» پس از پیوسـتن به وخش و پنج، سـرشاخه های آمودریا را تشکیل می دهند. بزرگترین دریاچه تاجیکستان بـا نـام قراکول در این جمهوری خود مختـار واقع است. همچنین دریـاچه هـای سـاریز و بـا شـیل کول از رودهای «رانگکول»، «زارکول» و «شارکول» تغذیه می شوند.

جمهوری خود مختار بـدخشان کوهی با ۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسـعت حدود ۵/۴۴ درصد از وسـعت تاجیکستان را تشکیل می دهـد. جمعیت این ناحیه در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۱۶۷هزار نفر بـود که ۱۱ درصـد آن در نقاط شـهری و ۸۷درصد در نقـاط روسـتایی سـکونت داشـتند. بیشـتر جمعیت بـدخشان کوهسـتانی در بخش شـرقی که از نظر زیست شـرایط بهـتری دارد، زندگی می کنند. ساکنان این قسمت را تاجیکها تشکیل می دهند، در حالی که قسمت شرقی قلمرو سکونت قرقیزها است.

ساکنـان این نـاحیه که پـامیری نیز شـهرت دارنـد به زبانهـای گونـاگونی تکلم می کننـد. تعـدد طوایف و قبایل و عـدم مراوده وارتباط، به دلیل شـرایط سخت محیطی، سبب شده که در طی زمان هر طایفه زبان سنتی خود را حفظ نماید و کمتر با زبانهای دیگر درآمیزد.

حدود ۱۵ زبان و لهجه در ناحیه رایج است که زبانهای فارسـی و پشتو فراگیری بیشتری دارند. زبانهای رایج گرچه با یکدیگر قرابت دارند ولی برای گروههای دیگر قابل درک

نیستند.(۱) به همین دلیل زبان تاجیکی نقش زبان واسطه ای و همچنین زبان تدریس و آموزش در ناحیه را برعهده دارد.(۲)

ساکنان بدخشان کوهستانی تا قرن یازدهم میلادی/ پنجم هجری، آیین بت پرستی و ادیان بودایی و زردشتی داشتند. در آن زمان آنها با اصول اسلامی آشنا شدند و به آن ایمان آوردند. اکنون گروهی از آنها به فرقه اسماعیلیه وابسته اند و جمعی دیگر پیرو مکتب شافعی هستند.

جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده است. نبود راههای ارتباطی و سختی شرایط محیطی این ناحیه را در انزوا قرار داده است، به همین سبب فعالیت اصلی مردم آن زراعت و دامداری است. کوهستانی بودن ناحیه محدودیت زمینهای قابل کشت را سبب شده و این ویژگی در بخش شرقی ناحیه آشکارتر است. گندم، نخود، جو، سیب زمینی، توتون و میوه محصول عمده زمینهای زراعی ناحیه به وسعت ۵/۱۸ هزار هکتار در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش بوده است.

ناحیه بدخشان کوهستانی شرایط مساعدی برای توسعه فعالیتهای دامداری و دامپروری دارد، حدود ۱/۲۸ درصد علفزارها و ۱/۲۱ درصد چراگاههای تاجیکستان در این ناحیه قرار دارند. به همین دلیل یکی از مشاغل مهم مردم دامداری است، در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش تعداد ۳۴۰ هزار رأس گوسفند و بز، ۹/۲۶ هزار رأس گاو شیری در ناحیه نگهداری می شدند. از آنجا که مراتع و منابع طبیعی غذای اصلی دامها به شمار می روند، چرای بی رویه و بیش از ظرفیت دامها در مراتع به همراه نبود مدیریت مناسب برای بهره برداری از مراتع، اکثر چراگاههای ناحیه را در معرض نابودی قرار داده است.

بهبود مدیریت، کنترل بر میزان بهره برداری و اجرای برنامه های حفظ و حراست و بازسازی مراتع می تواند سبب رونق و توسعه دامپروری در ناحیه شود.

معادن این ناحیه عبارتند از سنگهای نیمه قیمتی، طلا، پنبه نسوز ومیکا. برخی از معادن مانند لعل و سنگهای لاجوردی ذخایر آن تمام شده و برخی دیگر هنوز به اندازه کافی مورد بهره برداری قرار نگرفته اند. صنایع ناحیه بسیار محدود و عمدةً در زمینه تبدیل مواد غذایی، تولید پوشاک و قالی بافی است.

با توجه به تعداد زیاد رودخانه های ناحیه و آبدهی فراوان آنها، جمهوری خود مختار

۱- معظمی گودرزی، پروین، «پامیریها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۴، دوره دوم، ش۹، ص۱۳۹.
۲- معظمی گودرزی، پروین، «پامیریها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۴، دوره دوم، ش۹، ص ۱۳۹.

بدخشان کوهستانی می تواند از نظر تأمین انرژی آبی یکی از نواحی مهم تاجیکستان به شمار آید، اما هنوز ظرفیت کامل این رودخانه ها مورد استفاده قرار نگرفته است.

جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی یکی از دور افتاده ترین و عقب مانده ترین نواحی آسیای مرکزی است. درگذشته راهیابی به ناحیه پامیر تقریبا غیرممکن بود اما اکنون وجود دو جاده ارتباطی، پامیر را با دوشنبه مرکز تاجیکستان و ناحیه اوش در قرقیزستان وصل می کند. این ناحیه از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد به طوری که با اشغال ۴۴ درصد وسعت کشور فقط ۳درصد جمعیت را در خود جای داده و ۴درصد تولیدات صنعتی تاجیکستان را تأمین می کند (جدول ۱۱ - ۳).

جدول ۱۱ - ۳ میزان تولید برخی کالاهای دامی و صنعتی بدخشان کوهستانی

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (۱)

نوع کالامیزان تولید

شیر ۳/۴ هزار تن

تخم مرغ ۲۰۲۱ هزار عدد

پیله ابریشم ۱۹۶تن

روغن حیوانی ۲۹ تن

کفش چرمی ۲ هزار جفت

پوشاک ۶۸۳ هزار دست

انرژی الکتریکی ۳/۸۱ میلیون کیلووات ساعت

پس از استقلال تاجیکستان، این ناحیه نیز تحت تأثیر بحرانهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفت و ارتباط آن با منطقه بدخشان در شمال افغانستان برقرار شد. جنگهای داخلی و عوض شدن رژیمها در تاجیکستان و افغانستان سبب شد که گروهی از آوارگان تاجیکی به افغانستان بروند و تعداد زیادی از افغانیها نیز در مواقع سخت به این ناحیه

پناهنده شوند. ثبات سیاسی و اقتصادی تاجیکستان بی شک در بهبود وضعیت مردم ناحیه تأثیر خواهد گذاشت.

۱- معظمی گودرزی، پروین، «پامیریها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۴، دوره دوم، ش۹، ص ۱۳۷.

۳ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۳ کلیات

تاجیکستان فقیرترین کشور آسیای مرکزی به شمار می آید. براساس آمار، در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۸۷درصد مردم آن زیر خط فقر قرار داشتند.(۱) پس از استقلال نیز نابسامانیها و جنگ داخلی وضع اقتصادی کشور را بیش از سایر جمهوریهای ناحیه دچار بحران و رکود کرد.

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل از آن ۳۱درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، ۳۱درصد دیگر هم کاهش پیدا کرد. به همین منوال میزان تولید صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال پیش از آن ۲/۲۴درصد کاهش نشان می دهد، در سال بعد مجددا ۲درصد دیگر از میزان تولید صنعتی کاسته شده است.(۲) همچنین نرخ تورم از ۴درصد در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش،

به ترتیب به ۱۰۲درصد، ۱۰۰۰درصد و ۲۱۴۰ درصد در سه سال بعد از آن افزایش یافته است.(۳)

تحولات اقتصادی و سیاسی ناشی از استقلال به همراه بحرانهای داخلی در طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴م/۱۳۷۰ – ۱۳۷۳ش، همچنان که مشاهده شد، علاوه برآن که در وضعیت اقتصادی کشور تأثیر شگرفی داشت هزینه های فوق العاده ای نیز به همراه آورد. به طوری که خسارات مادی ناشی از جنگ داخلی رقمی حدود ۳۰۰ میلیون دلار بود و اقتصاد کشور چندین دهه عقب افتاد.(۴) پس از ایجاد آرامش و برقراری آتش بس میان

نیروهای دولتی و مخالفان آنها، بهبود اندکی در وضعیت اقتصادی کشور رخ داد و دولت اقداماتی را برای خروج از بحران اقتصادی موجود تدارک دید که تعویض پول تاجیکستان از روبل روسیه به روبل تاجیکی نیز در جهت همین اقدام، صورت گرفت.

به تازگی دولت تاجیکستان خط مشی جدید اقتصادی را برای دوره کنونی، تا سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش تهیه کرده است، در این برنامه چند مرحله در نظر گرفته شده است که در مرحله نخست ایجاد پایه های حقوقی بازار آزاد تا سال ۱۹۹۸م/۱۳۷۶ش است. مرحله دوم تشکیل نهادهای بنیادی ساختار اقتصادی تا سال ۱۹۹۹م/۱۳۷۸ش و

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۰.

۲– «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص۱۷۲.

۳– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۱.

۴– «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص۱۱۶.

سرانجام مرحله سوم نوسازی کارخانه های تولیدی و پیشبرد سیاست اجتماعی فعال برای بهبود سطح زندگی مردم است. بدیهی است که تاجیکستان بیش از هر چیز نیاز به صلح و آرامش دارد تا بتواند اقتصاد خود را اصلاح کند. با ایجاد تفاهم کامل میان نیروهای مخالف و دولت در دی ماه ۱۳۷۵، امید می رود که ثبات سیاسی بهبود وضعیت اقتصادی را به همراه داشته باشد.

۲ – ۳ کشاورزی

اشاره

تاجیکستان اراضی مساعد و شرایط جغرافیایی نسبتا مناسبی را برای انجام فعالیتهای کشاورزی دارد. به همین دلیل و با توجه به سابقه فعالیتهای زراعی به ویژه باغداری، استقرار بیش از ۳۲ جمعیت کشور در نقاط روستایی و گذران زندگی آنها از طریق فعالیتهای کشاورزی قابل درک است.

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۴۳درصد از نیروی شاغل کشور در بخش کشاورزی اشتغال داشتند و حدود ۲۵درصد از تولیدات کشور را محصولات کشاورزی تشکیل می داد.(۱)

۱ – ۲ – ۳ زراعت

وسعت اراضی زراعی تاجیکستان بسیار کم و در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود یک میلیون هکتار بوده است. مرتفع بودن بخش مهمی از وسعت کشور، سطح اراضی قابل کشت را محدود کرده است. در واقع کمبود زمین مساعد بیش از آن که ناشی از کم آبی باشد حاصل ناهموار بودن کشور است (جدول ۱۲ – ۳).

جدول ۱۲ – ۳ وسعت اراضی قابل کشت تاجیکستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۲)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

سال

۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش۱۳۶۷ش

سطح زیر کشت۱/۸۰۷۸۳۷۴/۷۳۷۹/۷۶۴۹/۷۶۳۸۴۸

ص:۲۱۳

۱- «اقتصاد تاجیکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۷، ص۱۷۲.

۲- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۴.

علاوه بر کمبود زمین هموار، کمبود آب نیز مانع مهمی در برابر گسترش فعالیتهای کشاورزی است، به همین دلیل در سالهای قبل مقامات شوروی کوشیدند با احداث سدها و کانالهای آبرسانی، از آبهای جاری برای بخش کشاورزی استفاده کنند و چون وسعت زمینهای زراعی محدود و تعداد و میزان آبدهی رودخانه ها زیاد است، بیشتر مزارع به کشت آبی اختصاص یافتند. به طوری که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، حدود ۶۴۳ هزار هکتار از زمینهای زیرکشت با استفاده از کانالهای آبرسانی آبیاری شدند.

مرغوبترین و وسیعترین زمینهای زراعی تاجیکستان در دره فرغانه، اطراف رود زرافشان و دیگر رودخانه های کشور قرار دارند.

پنبه، غلات، سبزی، کنف، نیشکر، برنج و انواع میوه مهمترین تولیدات زراعی تاجیکستان را تشکیل می دهند. غلات در دیمزارهای پایکوهی، برنج در جنوب غرب کشور و ناحیه درّه زرافشان، میوه شامل انگور، انار، سیب، مرکبات وخرمالو در شمال و جنوب غربی، و سبزی در اکثر نقاط این سرزمین پرورش می یابند (جدول ۱۳ – ۳).

جدول ۱۳ – ۳ میزان تولید برخی محصولات کشاورزی تاجیکستان

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)(۱)

محصول	میزان تولید
انگور	۱۲۱
برنج	۲۴
پنبه	۸۱۹
جو	۴۷
ذرت	۶۰
سبزی	۶۲۸
سیب زمینی	۱۸۱
گندم	۱۴۱
میوه	۱۷۱

مشاهده می شود در میان تولیدات زراعی، پنبه با الیاف بلند مهمترین محصول است و بیشتر اراضی کشور را به خود اختصاص

داده است (جدول ۱۴ – ۳). تاجیکستان

ص:۲۱۴

۱- راهنمای کشور مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۲.

دهمین کشور تولید کننده پنبه در جهان به شمار می آید.

جدول ۱۴ – ۳ سطح زیرکشت پنبه در تاجیکستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا۱۳۶۷ ش (هزار هکتار)(۱)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

سال

۱۳۱۹ش ۱۳۲۹ش ۱۳۳۹ش ۱۳۴۹ش ۱۳۵۹ش ۱۳۶۷ش

سطح زیرکشت ۱/۱۰۶۱۲۶۴/۱۷۲۲۵۴۳۱۱۳۲۰

از این جدول می توان دریافت که در سال ۱۳۱۹ش فقط ۱۲درصد کل اراضی زیرکشت اختصاص به کشت پنبه داشت. این رقم در سال ۱۳۶۷ش به ۷/۳۷ درصد افزایش یافته است.

افزایش سطح زیرکشت پنبه با کاهش سطح زیر کشت سایر محصولات زراعی همراه بوده است. مثلاً سطح زیرکشت حبوبات در سال ۱۹۴۰م/۱۳۱۹ش حدود ۷۰درصد کل اراضی کشور بوده که در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش به ۲۶درصد کاهش یافته است(۲) (جدول ۱۵ – ۳). گرچه پنبه بیشتر اراضی کشور و حدود ۳۲ از ارزش تولیدات کشاورزی را تشکیل می دهد، بازده تولید آن در هر هکتار معادل نصف تولید آن در امریکا است.(۳)

جدول ۱۵ – ۳ سطح زیرکشت حبوبات در تاجیکستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۶م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۵ش (هزار هکتار)(۴)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۶م/

سال

۱۳۱۹ش ۱۳۲۹ش ۱۳۳۹ش ۱۳۴۹ش ۱۳۵۹ش ۱۳۶۵ش

میزان تولید ۲/۵۶۷۵۵۲۳۶۰۵/۳۲۰۱۹۵۱۵۱

۲ – ۲ – ۳ دامداری

یکی از فعالیتهای اصلی کشاورزان تاجیکستان دامداری است. گوسفند مهمترین دام ناحیه است که سابقه پرورش آن به سالیان دور باز می گردد. از میان انواع گوسفند، پرورش گوسفند حصاری برای استفاده از چربی و گوشت آن و گوسفند قره

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۹.

۲- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۱۴۷.

۳- «اقتصاد تاجیکستان»، ص۱۷۷.

۴- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۷.

پوست آن، اهمیت بیشتر دارند.

دامداری در تاجیکستان به منظور بهره برداری از پوست و پشم حیوانات می باشد و بدیهی است که تولیدات لبنی و گوشت حیوانات نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین

چرم یکی از محصولات مهم تاجیکستان است که بخشی از آن صادر می شود. میزان تولید این محصول در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش ۲۷ هزار تن بود که با اختلاف اندکی با میزان تولید ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی در مرتبه سوم قرار می گیرد.

تولیدات دامی حدود ۳۸ درصد از کل تولید کشاورزی تاجیکستان را تشکیل می دهد.(۱) تعداد دام زنده تاجیکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در جدول ۱۶ – ۳ مشاهده می شود.

جدول ۱۶ – ۳ تعداد دام زنده تاجیکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار رأس)(۲)

دام	تعداد
بز و گوسفند	۳۴۰۰
خوک	۱۰۰
گاو	۱۴۰۰

۳ – ۳ منابع معدنی

تاجیکستان دارای ذخایر سرشار کانی است. معادن آهن، آنتیموان، اورانیوم، روی، سرب، جیوه، قلع، مس، طلا، مصالح ساختمانی، سنگهای قیمتی، نفت، گاز و زغال سنگ مهمترین کانیهای کشور به شمار می آیند.

تاجیکستان از نظر منابع نفت و گاز چندان غنی نیست و فقط چند حوزه کوچک نفت و گاز در این کشور کشف شده است. نخستین چاه نفت کشور در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش در نزدیکی شهر کانی بادام کشف و یک سال بعد استخراج آن شروع شد. تولید نفت در این ناحیه را شرکت صنعتی و تجارتی نفت آسیای مرکزی به نام «سانتو» عهده دار بود. در

سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش در تاجیکستان حدود ۷/۹ هزار تن نفت در سال تولید می شد، این رقم در سال ۱۹۸۰م/۱۳۶۹ش به ۳۳۰ هزار تن افزایش یافت. اما پس از کسب استقلال تولید نفت کاهش یافت (جدول ۱۷ – ۳).

۱– «اقتصاد تاجیکستان»، ص۱۷۷.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۲.

جدول ۱۷ – ۳ میزان تولید نفت تاجیکستان در سالهای

۱۹۴۰تا ۱۹۹۱م/۱۳۱۹ تا ۱۳۷۰ش (هزار تن)(۱)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۹۱م/

سال

۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش ۱۳۷۰ش

میزان تولید۳۰۲۰۱۷۱۸۱۳۳۰۲۰۰

وضعیت تولید گاز در تاجیکستان مشابه نفت است و تولید کشور در سال ۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش معادل ۲۰۰ میلیون مترمکعب بود.

اصولاً تاجیکستان پس از استقلال از نظر نفت و گاز و بنزین و دیگر سوختها در تنگنا قرار گرفته است، مشکلات فنی و کمبود بودجه عامل اصلی این معضل است، تا پیش از فروپاشی شوروی در روابط متقابل اقتصادی، سوخت مورد نیاز تاجیکستان تأمین می شد، اما اکنون تاجیکستان برای توسعه اکتشاف و استخراج نفت و گاز نیازمند سرمایه مادی هنگفتی است ضمن آن که ۲ میلیون و ۷۰ هزار بشکه نفت مورد نیاز باید از سایر کشورهای نفت خیز وارد شود.

تاجیکستان ذخایر غنی اورانیوم دارد. در دهه ۱۹۴۰م «استالین» برای ساخت اولین بمب اتمی شوروی نخستین کارخانه تولید اورانیوم را در این کشور تأسیس کرد. وجود این ماده مهم، اهمیت استراتژیکی ویژه ای به تاجیکستان داده است، به همین دلیل امریکا فشار زیادی بر این کشور وارد می کند تا مانع از ساخت و انتشار سلاحهای هسته ای شود.(۲) میزان ذخایر اورانیوم تاجیکستان ۱۴درصد کل ذخایر جهان است.

فلز روی با تولید ۱۵ هزار تن در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش و طلا با تولید ۵/۲ تن در سال از دیگر منابع معدنی مهم تاجیکستان به شمار می روند.

بیشتر معادن تاجیکستان در قسمت شمالی کشور قرار دارند و بسیاری از آنها فقط شناسایی شده و هنوز به مرحله استخراج و بهره برداری نرسیده اند. در حال حاضر معادن آنتیموان، جیوه، تنگستن، قلع، فلوئوریت، مولیبدن و کانیهای انرژی زا شامل زغال

سنگ و نفت استخراج می شوند و به مصرف می رسند.

۱– «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص۳۲۲؛ «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، ص۳۰۴ – ۳۰۵

۲- «اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی»، ص۱۸۹.

۴ – ۳ صنایع

فعالیتهای صنعتی تاجیکستان عمدهً بر محور صنایع سبک و صنایع وابسته به بخش کشاورزی پایه گذاری شده است. صنایع نساجی، تولید پوشاک، قالی بافی، ابریشم کشی، پنبه پاک کنی، روغن کشی و تولید ابزار موردنیاز کشاورزی، صنایع فعال تاجیکستان را تشکیل می دهند. ضمن آن که صنایع تولید سیمان، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی، ماشین سازی وفلزکاری نیز حدود۳۸درصد از محصولات صنعتی کشور را تولید می کنند.

آلومینیم از جمله محصولات عمده صنعتی تاجیکستان به حساب می آید. تا پیش از شروع جنگ داخلی این جمهوری در زمره عمده ترین کشورهای تولید کننده آلومینیم جهان قرار داشت و دارای چهارمین کارخانه بزرگ تولید آلومینیم جهان بود. این کارخانه

که بزرگترین واحد صنعتی تاجیکستان است، توان تولید ۵۰۰ هزار تن آلومینیم در سال را دارد. اما وضعیت اقتصادی موجود، تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را با مشکل مواجه کرده است. به همین دلیل میزان تولید آن بسیار کمتر از ظرفیت کارخانه است.(۱)

تاجیکستان در ردیف تولیدکنندگان یخچال در آسیای مرکزی قرار دارد، ولی کمبود مواداولیه در دوران پس از استقلال تولید آن را کاهش و حتی مدت زمانی متوقف کرده بود.

صنایع تاجیکستان حدود ۵/۱۳ درصد از نیروی شاغل کشور را به خود جذب کرده اند، این بخش تا پیش از استقلال ۵/۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می کرد که از این لحاظ نسبت به بخش کشاورزی با ۹/۴۲ درصد نیروی شاغل و ۳/۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی، نقش مهمتری در شکوفایی اقتصاد تاجیکستان داشت. اما نابسامانیهای پس از استقلال فعالیتهای صنعتی را با رکود و تولیدات آن را با کاهش مواجه کرد.

واحدهای صنعتی عمدهً در بخشهای شمالی و مرکزی کشور و در شهرهای دوشنبه، خجند، کانی بادام، قورغان تپه و اسفرا مستقر هستند (جدول ۱۸ – ۳).

۵ – ۳ انرژی

زغال سنگ و نیروگاههای آبی مهمترین تأمین کننده انرژی تاجیکستان به شمار

ص:۲۱۸

۱– ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۱۷۷.

می آینـد. نیروی برق بخش عظیمی از انرژی مـورد نیـاز کشـور را تـأمین می کنـد و بزرگـترین نیروگاههـای برق آبی آسـیای مرکزی در این جمهوری و بر روی رودخانه های بـدخشان و وخش احداث شده اند. بنابر اظهار یکی از اعضای آکادمی علوم تاجیکستان، ۲۸ رودخانه بزرگ تاجیکسـتان ۷/۱۸ درصـد و ۱۹۰ رودخـانه کوچکتر ۴/۱ درصـد از انرژی آبی تاجیکسـتان را تأمین می کنند، بقیه انرژی آبی از سدهای رودخانه های وخش و بدخشان تهیه می شود.(۱)

جدول ۱۸ – ۳ میزان تولید برخی از کالاهای صنعتی تاجیکستان

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش(۲)

نوع کالامیزان تولید

روغن نباتی ۲/۹۳ هزار تن

سیمان ۱۰۰۰ هزار تن

کفش ۹۰۰۰ هزار جفت

کنسرو مواد غذایی ۲۸۴ میلیون قوطی

منسوجات پنبه ای ۱۰۲ میلیون متر مربع

نخ پنبه ای ۱۰۲ هزار تن

یخچال ۱۴۵ هزار دستگاه

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش تولید انرژی الکتریسـیته ۲/۱۵ میلیون کیلووات در سـاعت بود که فقـط ۲/۵ درصد از امکانات بالقوه کشور است، به عقیـده کارشـناسان بـا اسـتفاده بهینه از منابع موجود، تولیـد حـدود ۲۸۶ میلیـارد کیلووات سـاعت برق در سال امکـان پـذیر است. میزان تولیـد برق کشور بیش از نیـاز داخلی است و یکی از اقلام مهم صادرات کشور را انرژی الکتریسـیته تشـکیل می دهـد. ذخـایری از گـاز طبیعی و نفت هم در بخش سـفلای رود وخش وجود دارد، ولی میزان تولیـد این دو مـاده انرژی زا ناچیز است. میزان تولید مواد انرژی زا در تاجیکستان در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش به شرح زیر بود:(۳)

نیروگاه برقنفت ومایعات گازیگاززغال سنگ

(میلیون کیلووات)(میلیون تن)(میلیاردمترمکعب)(میلیون تن)

۸/۱۸۲/۰۲/۰۷/۰

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۲ - ۷۳.
۲- «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۳۱۶ - ۳۱۷.
۳- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۵.

۶ – ۳ حمل و نقل

به دلیل کوهستانی بودن و وجود نقاط صعب العبور خطوط راه آهن در این سرزمین احداث نشده و وظیفه اصلی حمل ونقل کالا و بار را جاده های ماشین رو انجام می دهند. طول جاده ها حدود ۲۸۵۰۰کیلومتر است که بخش وسیعی از آنها اسفالته است.

نقشه ۳۱

همچنان که ذکر شد خطوط راه آهن در تاجیکستان بسیار محدود و فقط ۴۸۰ کیلومتر می باشد. این میزان نیز فقط غرب کشور و نقاط مجاور مرز را پوشش داده است. شهرهای خجند و دوشنبه و قرغان تپه و کولاب دارای ایستگاه راه آهن هستند. در واقع

ص:۲۲۰

امتداد راه آهن آسیای مرکزی از ازبکستان وارد تاجیکستان می شود و حد شرقی راه آهن ماورای خزر در تاجیکستان قرار دارد. شاخه ای از راه آهن از سمت غرب وارد این سرزمین می شود و با عبور از شهر خجند دوباره وارد خاک ازبکستان می گردد. همچنین دوشاخه خط آهن از شهر ترمذ ازبکستان وارد تاجیکستان می شود، یک شاخه از غرب تاجیکستان وارد و به دوشنبه ختم می شود و شاخه دیگر از جنوب غربی و در مسیر رودخانه پنج به تاجیکستان وارد می شود و سپس با جهت شمالی از شهر قرغان تپه عبور می کند و به دوشنبه می رسد. مشاهده می شود بین شهرهای کولاب و قرغان تپه یک شاخه خط آهن وجود دارد. در واقع به غیر از ناحیه کوچکی در غرب کشور، بخش وسیعی از تاجیکستان فاقد راه آهن است (نقشه ۳۱).

۷ – ۳ بازرگانی خارجی

صادرات تاجیکستان مواد معدنی و تولیدات کشاورزی است. پنبه، میوه، ابریشم، آلومینیم و سنگهای ساختمانی از مهمترین محصولات صادراتی کشور به شمار می آیند که از میان آنها پنبه خام و آلومینیم حدود ۶۰درصد صادرات را تشکیل می دهند، واردات کشور مواد سوختی، مواد غذایی و کالاهای ساخته شده مصرفی هستند (جدول ۱۹–۳).

جدول ۱۹ – ۳ کالاهای صادراتی و وارداتی تاجیکستان

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (درصد)(۱)

نوع کالاصادراتواردات

تولیدات صنایع سبک۴۴۲۰

فلزات سنگین۱۷–

ماشین آلات–۲۲

مواد غذایی۱۵۱۴

مواد شیمیایی–۹

سایر۲۴۳۵

جمع۱۰۰۱۰۰

ص:۲۲۱

۱– راهنمای کشور مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۷۴.

در روابط تجاری به دلیل وابستگی تاجیکستان، هنوز بیشترین حجم کالا در میان این کشور و جمهوریهای مستقل مشترک المنافع جابجا می شود (جدول ۲۰ – ۳).

افغانستان، ایران، چین و کشورهای غربی دیگر کشورهای مهم شریک تجاری تاجیکستان به شمار می آیند. در سالهای اولیه استقلال به علت نبود ثبات سیاسی و بروز

جنگ داخلی فعالیتهای اقتصادی با رکود همراه بود و این کشور در برقراری ارتباطات خارجی ناتوان به نظر می رسید. با قبول آتش بس از سوی طرفین درگیر، زمینه مناسبتری برای گسترش و توسعه روابط تجاری با کشورهای جهان فراهم شده است. اما هنوز

جدول ۲۰ – ۳ تجارت خارجی تاجیکستان با کشورهای مستقل مشترک المنافع

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (میلیون روبل)(۱)

صادراتوارداتتراز

– ۱۶۷۲۲۲۱۲۵۴۰

فعالیتهای اقتصادی و تولید به مرحله ای نرسیده اند که میان تولید و نیازهای داخلی تعادل برقرار شود و همین امر عامل تراز منفی تجارت خارجی تاجیکستان است زیرا میزان واردات کشور بیش از میزان صادراتش می باشد (جدول ۲۱ – ۳).

جدول ۲۱ – ۳ تجارت خارجی تاجیکستان در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (میلیون دلار)

صادراتوارداتتراز

–۲/۲۶۳۶/۳۷۰۴/۱۰۷

۸ – ۳ روابط خارجی

اشاره

پس از استقلال تاجیکستان، این کشور در اندیشه برقراری روابط گوناگون با تمامی کشورهای جهان بود. اما وقوع جنگ داخلی و بروز نابسامانی در فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی سبب شد که این سرزمین از نظر سیاسی روابط نزدیکتری با روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی برقرار کند. در همین زمان کشورهای جهان که بی میل به ایجاد رابطه با تاجیکستان نبودند به سبب نبود امنیت برای سرمایه گذاری، از برقراری

۱- «نقش روسیه در اقتصاد جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص۱۶۶.

روابط اقتصادی با این کشور خودداری کردند. بنابراین همسایگان تاجیکستان مهمترین شرکای تجاری آن کشور شدند.

افغانستان به علت داشتن مرز طولانی با تاجیکستان و همچنین وجود گروه بزرگی از تاجیکان در کشورش و شماری از افغانیها در تاجیکستان، بیشترین ارتباط اقتصادی و سیاسی را با تاجیکستان برقرار کرده است. در زمان جنگ بخشی از این روابط غیرقانونی بود و گفته می شود که مخالفان نیروهای حاکم از سوی افغانستان حمایت می شوند و امکانات مورد نیاز خود را دریافت می کنند. بدون شک افغانستان و تاجیکستان روابط بسیار نزدیکی با هم دارند گرچه شرایط نامساعد سیاسی و اقتصادی افغانستان امکان برقراری روابط اقتصادی گسترده میان دو کشور را محدود می کند.

چین و ایران نیز روابط متعددی با تاجیکستان دارند، پیوندهای میان ایران و تاجیکستان، پیوندهای فرهنگی و دیرپای است و ارتباطات چین با این سرزمین بر مبنای فعالیت تجاری و بازرگانی است.

عربستان سعودی نیز با ارسال کمکهای نقدی وجنسی برای مکانهای مذهبی تاجیکستان، در برقراری روابط با این کشور پیشقدم بوده است.

روابط کشورهای غربی با تاجیکستان محدود است، آنها در انتظار ایجاد شرایط ثبات سیاسی در کشور هستند تا سرمایه گذاریهایشان به هدر نرود. در میان کشورهای جهان کانادا و هند هر یک با ۲۰درصد و چین، انگلیس و امریکا هر یک با ۱۰درصد، بیشترین سرمایه گذاریهای خارجی را انجام داده اند و در زمینه تولید کانیهای قیمتی و انرژی زا

سرمایه خود را به کار انداخته اند.

۱ – ۸ – ۳ روابط با ایران

ایران و تاجیکستان دارای فرهنگ و تمدن مشترک و کهن هستند. بسیاری از مردم تاجیکستان وابستگی فرهنگی خودشان به فرهنگ ایرانی را در طی سالیان دراز حفظ کرده و به آن مباهات می کنند. این یگانگی فرهنگی امتیاز بزرگی برای ایران محسوب می شود که در توسعه روابط متقابل فرهنگی واقتصادی بسیار مؤثر است.

مشترکات فرهنگی میان ایرانیان و تاجیکها سبب سهولت اجرای بسیاری از امور

ص:۲۲۳

می شود و همین مشترکات باعث شد که ایران به عنوان میانجی، زمینه مناسبی در ایجاد آتش بس و مذاکره و گفتگو میان نیروهای درگیر در تاجیکستان فراهم کند واز این طریق قدم اول را برای ایجاد صلح و آرامش در این کشور مسلمان بردارد که نتیجه نهایی آن قبول تفاهم نامه نهایی از سوی سیدعبدالله نوری رهبر مخالفان تاجیکستان و امامعلی رحمانف رئیس جمهور این کشور در آذرماه ۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م و کاهش منازعات و درگیری وایجاد آرامش و امنیت در تاجیکستان بود.

همچنین مقامات کشور با توجه به اهمیت تداوم روابط فرهنگی اقدامات متعددی انجام دادند که مهمترین آنها احداث مساجد، مشارکت در برگزاری کنگره های فرهنگی، اعزام رایگان تعدادی از مسلمانان تاجیک به مراسم حج، برقراری تورهای سیاحتی - زیارتی به مشهد و قم و برقراری حقوق ماهیانه برای طلاب علوم دینی شهر دوشنبه را می توان برشمرد.(۱)

در زمینه اقتصادی ایران امکانات گوناگونی برای ایجاد یک رابطه اقتصادی سالم دوجانبه دارد. ایران می تواند کانیهای تاجیکستان را استخراج و پالایش نماید، بویژه در

فراورده های نفت و گاز، کشور ما توانایی زیادی از استخراج تا حمل به بازار مصرف دارد. همچنین ایران با اعزام متخصصان رشته های گوناگون می تواند تاجیکستان را در فعالیتهای اقتصادی یاری دهد و با ترانزیت کالاهای آن و برقراری ارتباط تاجیکستان با

آبهای آزاد، ضمن آن که خود از منافع اقتصادی فعالیتهایش بهره مند می شود، در بهبود وضعیت اقتصادی این کشور و بالا بردن سطح زندگی مردم آن نقش مهمی ایفا کند.

۱- طاهری، احمد، «اتحادیه جوانان پیرو انبیاء»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱،ش۴، ص۱۹۲- ۱۹۳.

فصل ۴: سرزمین ترکمنستان

۱ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۱ موقعیت جغرافیایی

سرزمین ترکمنستان با مختصات جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۲ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۶ دقیقه تا ۶۶ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی در قسمت جنوب غربی ناحیه آسیای مرکزی واقع است.

این سرزمین با ۴۴۸۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت در پهنه ای به طول ۹۰۰ کیلومتر از سمت جنوب با ایران همسایه است. کشورهای قزاقستان در شمال، ازبکستان در شمال شرق و افغانستان در جنوب شرقی دیگر همسایگان ترکمنستان را تشکیل می دهند. دریای خزر در غرب، این سرزمین را از ناحیه قفقاز جدا می کند (نقشه ۳۲).

ترکمنستان در میان پنج کشور آسیای مرکزی، تنها سرزمینی است که با ایران مرز مشترک دارد. این ارتباط از ناحیه شمال شرق ایران و از طریق استانهای خراسان و مازندران برقرار می شود. رود اترک، کوههای هزارمسجد (کپه داغ) و ترکمن صحرا مرزهای طبیعی ایران و ترکمنستان را تشکیل می دهند.

ص:۲۲۹

نقشه ۳۲

ص:۲۳۰

۲ – ۱ ناهمواریها

ترکمنستان سرزمین هموراری است. به غیر از نوار جنوبی کشور که قلمرو کوههای کپه داغ می باشد بقیه پهنه این جمهوری را اراضی کم ارتفاع و بیابانی و شن زار پوشانیده اند.

کوههای هزار مسجد با امتداد شمال غربی – جنوب شرقی که امتداد رشته کوههای شمال خراسان است با ارتفاع زیاد خود تعدادی از سرشاخه های رودهای تجن و مرغاب را تغذیه می کند. قله «فیروزه» با **۲۹۴۲** متر ارتفاع بلندترین نقطه ترکمنستان در همین

کوهها واقع است.

دره ها و پایکوههای کپه داغ شرایط بسیار مساعدی برای کشت و زرع و سکونت پایدار انسان فراهم کرده است.

بیابان قره قوم که به «بیابان غُز» نیز شهرت دارد، بخشی وسیع یعنی حدود ۸۰ درصد از خاک ترکمنستان را با ارتفاع کمتر از ۲۰۰ متر پوشانیده است. اراضی با بیش از ۱۰۰۰

متر ارتفاع، منحصر به کوههای کپه داغ و امتداد آن تا جنوب غربی کشور است. پایکوههای ترکمنستان تا حواشی بیابانها دارای ارتفاع بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر می باشند (نقشه **۳۳**).

۳ – ۱ آب و هوا

آب و هوای ترکمنستان خشک و بیابانی است، تنها در نقاط مرتفع جنوبی از خشکی هوا کاسته می شود و رطوبت هوا افزایش می یابد. از ویژگیهای بارز آب و هوای ترکمنستان به اختلاف زیاد درجه حرارت هوا در شب و روز و فصول مختلف سال، بارش ناچیز، کمی رطوبت و تبخیر فراوان می توان اشاره کرد.

فصل تابستان طولانی مدت و توأم با هوای گرم وخشک است در حالی که در زمستانها، هوایی ملایم و گاهی سرد همراه با بارشهایی به صورت برف مشاهده می شود. در فصلهای کوتاه پاییز و بهار شرایط اقلیمی از اعتدال بیشتری برخوردار است و آب و هوای مطلوبی بر کشور حاکم می شود.

متوسط درجه حرارت هوا در سردترین ماه سال یعنی دی ماه در نقاط مختلف

ترکمنستان متفاوت است و از ۵ درجه سانتی گراد در اطراف رود اترک، جنوب شرقی ترکمنستان، تا ۵ درجه زیر صفر در قسمتهای شمال شرقی کشور متغیر می باشد. در زمستان، سرماهای ناشی از مراکز پرفشار قطبی، ترکمنستان را تحت تأثیر قرار می دهد و سبب کاهش درجه حرارت هوا می شود به طوری که حداقل درجه حرارت ثبت شده در داش حوض(۱) ۳۲ درجه، در ارتفاعات کپه داغ ۲۹ درجه و در جنوب شرقی دریای خزر ۱۰ درجه زیر صفر، بوده است.

نقشه ۳۳

در تابستانها درجه حرارت هوا در گرمترین ماه سال یعنی تیرماه، از ۲۸ درجه سانتی گراد در بخش شمال شرقی تا ۳۲ درجه سانتی گراد در سایر نقاط، تفاوت می کند.

ص:۲۳۲

۱- Dash Houz -

حداکثر مطلق درجه حرارت هوا در این ماه ۹/۴۹ درجه سانتی گراد ثبت شده است. واین بالاترین درجه حرارت ثبت شده در آسیای مرکزی است.

بارشهای جوی در اواخر زمستان و اوایل بهار رخ می دهد بخشی از بارش به صورت برف است، اما به علت پوشش کم، حتی در نقاط مرتفع نیز دوام و عمر برف از چند روز بیشتر نیست. میزان بارندگی سالانه این سرزمین بسیار ناچیز است و حداکثر بارش سالانه در نقاط جنوبی ۴۰۰ میلی متر می باشد. در سایر بخشهای ترکمنستان میزان متوسط بارش سالیانه بین ۸۰ تا ۲۰۰ میلی متر متغیر است.(۱)

حاکمیت شرایط آب و هوایی نامساعد، سبب رویش پوشش گیاهی استپی، ناچیز و تُنُک در اکثر نقاط این سرزمین شده است و فقط در کوهستانهای جنوبی و پایکوههای آن که شرایط اقلیمی مساعدتری دارند، درختان و درختچه ها، جایگزین بوته ها و خارو خاشاک شده اند. در دوران تسلط روسها بر ترکمنستان، با اقدامات آنها درجهت اسکان عشایر و تدابیری که برای حفظ پوشش گیاهی به کار بستند، پوشش گیاهی اندکِ ناحیه از دستبرد انسانها و چرای بی رویه دامها محفوظ ماند، به طوری که در بخش جنوبی ترکمنستان و در یک ناحیه مشابه طبیعی واقلیمی در دو سوی مرز، در ناحیه شمال خراسان جنگلهای نابود شده جای خود را به تک درختان و بوته ها داده اند، در حالی که در فاصله ای بسیار کم در آن سوی مرز جنگلهای اُرس ارتفاعات ناحیه را فرا گرفته اند. در نقاط پست نیز به همین منوال پوشش گیاهی، هرچند ناچیز، به خوبی حراست شده است.

۴ – ۱ منابع آب

دریای خزر و تعدادی رودخانه منابع طبیعی آب ترکمنستان را تشکیل می دهند. رودخانه های کشور نقش بسیار حیاتی در تأمین آب مورد نیاز سکنه دارند. جیحون یا آمودریا، مرغاب یا «مرو رود» و تجن بیش از رودخانه های دیگر اهمیت دارند.

آمودریا که تقریبا مرز مشترک ترکمنستان را با ازبکستان تشکیل می دهد، تمام نقاط شمالی و شمال شرقی را مشروب می کند. تعداد زیادی از شهرهای عمده و آبادیهای کشور و در واقع یکی از مهمترین محورهای تجمع جمعیت، مسیر همین رودخانه است.

کانال قره قوم که برای آب رسانی به اراضی خشک و بایر ترکمنستان احداث شده و

۱- «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص۳۲ – ۳۳.

در مسیری طولانی امتداد یافته، در سال ۱۹۵۶م/۱۳۳۵ش آمودریا را به رود مرغاب متصل کرد. سپس تا رود تجن و شمال غربی عشق آباد امتداد یافت. این کانال که در برخی جاها عرض آن به سه کیلومتر می رسد. آب آمو دریا را به اراضی وسیع زیرکشت پنبه منتقل می کند. کانال مزبور که قرار بود تا دریای خزر امتداد یابد. در مدت پنج سال و با استفاده از نیروی کار زندانیها احداث شد.(۱)

رود مرغاب از کوههای افغانستان سرچشمه می گیرد، مسیر ابتدایی آن به موازات آمودریا واز شرق به غرب است، پس از طی مسافتی رودخانه جهت شمالی می یابد و سرانجام در ریگزارهای قره قوم ناپدید می شود.

رود تجن، از به هم پیوستن دو رودخانه «هریرود» و «کشف رود» تشکیل می شود. هریرود که از کوههای مرکزی افغانستان سرچشمه می گیرد، ابتدا د رجهت شرق و سپس به طرف شمال جریان می یابد و مرز مشترك ایران و افغانستان را تشکیل می دهد. در امتداد جهت یابی هریرود به سوی شمال، کشف رود که از کوههای هزار مسجد خراسان سرچشمه می گیرد، به آن می پیوندد. از محل تلاقی دو رود به بعد این رودخانه نام تجن می گیرد و پس از طی مسافتی وارد ترکمنستان می شود و در ریگزارهای آن فرو می رود. با

توجه به کاهش آب هریرود به علت بهره برداری در افغانستان، و در نتیجه کاهش آب رودخانه تجن و براساس قرارداد جدیدی که بین ایران و ترکمنستان منعقد شده، بیش از ۹۰ درصد آب تجن به وسیله کانالهای تازه احداث ناحیه سرخس مورد استفاده قرار می گیرد. (نقشه ۳۴)

۲ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۲ پیشینه تاریخی

مورخان عقیده دارند که سابقه سکونت انسان در ترکمنستان به دوران ماقبل تاریخ می رسد. این سرزمین تا پیش از قرن پنجم میلادی سرزمین قبایل ماساژت(۲) ازاقوام ایرانی تبار بود. از دوره حکومت هخامنشیان تا ساسانیان سرزمین کنونی ترکمنستان جزء قلمرو امپراتوری ایران و تحت حاکمیت مستقیم پادشاهان ایرانی قرار داشت.

۱– ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۱۴۷.

۲– ماساژت ها قبیله ای از سلت ها می باشند که در شرق دریای خزر می زیستند. این قوم که از اصلِ هند و اروپایی هستند در جنگ بزرگی با کوروش او را شکست دادند و به قتل رساندند.

نقشه ۳۴

در قرن پنجم میلادی برای نخستین بار ترکها به ناحیه هجوم آوردند، هونها یا هپتالیان توانستند با عقب راندن ساسانیان، جانشین آنان شوند و از همین زمان نفوذ فرهنگی ترکها در ترکمنستان آغاز شد. در اواسط قرن هفتم میلادی، مسلمانان با فتح خراسان به سوی ماوراء النهر حرکت کردند و نخستین نقاطی را که فتح کردند ناحیه جنوبی ترکمنستان بود. مرو در تاریخ اسلام نقش مهمی داشت و این شهر پایتخت حکام عرب خراسان به شمار می آمد و در زمان حکومت «مأمون»، پذیرای مقدم امام رضا علیه السلام بود.

در قرن دهم میلادی دومین گروه ترکها با نام غُز یا اغوز از مغولستان وارد ماوراءالنهر شدند و در سرزمین میان دریاچه آرال و کوههای اورال سکنا گزیدند. گروهی از غزها، که در ساحل راست رودخانه سیردریا ساکن شدند بتدریج اسلام آوردند و از سوی

مسلمانان «ترکمن» نامیده شدند.

بـا حمله مغول، ترکمنسـتان نیز به تصرف مغولاـن درآمـد. از قرن پانزدهم تا هفـدهم میلادی نواحی جنوبی ترکمنسـتان تحت تسـلط حکـومت صـفویه و شـمال آن در اختیـار حاکمـان ازبـک، یعنی خانهـای خیـوه و بخـارا قرار گرفـت. حملاـت مـداوم حکومتهای شـمالی به نقاط جنوبی سـبب شد که شاه عباس برای مقابله با آنها و حفظ آرامش و ثبات ناحیه، تعدادی از کردها را (حدود پانزده هزار نفر) به خراسان بیاورد و در دامنه کوههای

کپه داغ اسـکان دهد. در اوایل قرن هیجدهم میلادی نادرشاه پس از آن که چندبار ازبکها را سـرکوب کرد، ترکمنسـتان را به تصرف خود درآورد.

در حـد فاصـل نیمه دوم قرن هیجـدهم تـا اواسـط قرن نوزدهم میلاـدی ایلاـت ترکمن گـاهی از حاکمـان خراسـان و زمانی از حاکمان بخارا و خیوه فرمانبرداری می کردند، تا این

که روسـها بر خانات آسـیای مرکزی استیلا یافتند و برای تصـرف ترکمنسـتان و سرکوب ترکمنها روانه جنوب شدند و پس از جنگی سـخت و قتـل عـام ترکمنها، در سال ۱۸۸۱م/ ۱۳۶۰ش با شـکست ترکمنها در جنگ گوگ تپه، ترکمنسـتان به اشـغال روسها درآمد.

در سال ۱۸۹۹م/۱۲۷۸ش ترکمنستان ضمیمه فرمانداری کل روسیه در ماوراءالنهر شد، این فرمانداری در سال ۱۸۶۷م/۱۲۴۶ش تشکیل شده بود.

بـا بروز تحولات سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش، بلشویکها در ترکمنسـتان قـدرت یافتنـد و این کشور در محدوده جمهوری خود مختار ترکسـتان قرار گرفت. اما پس از سه ماه دولت مسـتقلی در این کشور با حمایت انگلیسـها و ملی گرایان شـکل گرفت. با ایجاد تفاهم میان روسـها وانگلیسـی ها، نیروهای ارتش سـرخ جایگزین نیروهای انگلیسـی در ترکمنسـتان شدنـد و این کشور تا سال ۱۹۲۴م/۱۲۰۳ش بخشـی از جمهـوری ترکسـتان بـاقی مانـد، در این سـال جمهوری ترکمنسـتان به عنوان جمهوری متحـداتحاد شوروی معرفی شد.

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش پس از فروپاشـی شوروی، ترکمنستان نیز استقلال خود را به دست آورد. رئیس جمهور کشور «صفر مرادنیـازاف» است که در سـال ۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش بـا همه پرسـی به این مقـام رسـید و تا سال ۲۰۰۲م/۱۳۸۱ش بر مسـند قدرت خواهد ماند.(۱)

مجلس ترکمنستان که تنها قدرت قانونگذاری کشور است، دارای ۱۷۵ نماینده است

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ۹۴.

که برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند.

۲ – ۲ جمعیت

به دلیل شرایط جغرافیایی ترکمنستان، پراکندگی جمعیت در سطح کشور یکنواخت نیست و بخش وسیعی از این جمهوری که قلمرو کوههای مرتفع و زمینهای پست بیابانی است، خالی از سکنه می باشد. واحه های پایکوهی و حواشی رودخانه ها که شرایط مساعدتری برای گذران زندگی فراهم می کنند، از روزگاران قدیم مورد توجه مردم بوده و تمرکز جمعیت را سبب شده اند.

تاریخ نخستین سرشماری جمعیت، سال ۱۹۱۳م/۱۲۸۲ش در دوران سلطه حکومت تزارهای روسیه بر ترکمنستان می باشد. از آن زمان تاکنون چندین سرشماری دیگر انجام شده است (جدول ۱ – ۴). ارقام نشان می دهند که در مدت ۷۸ سال جمعیت این سرزمین تقریبا ۵/۳ برابر شده است.

جدول ۱ – ۴ جمعیت ترکمنستان در سالهای

۱۹۱۳ – ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ – ۱۳۷۰ش (هزار نفر)(۱)

۱۹۱۳م/۱۹۲۶م/۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۱م/

سال

۱۲۸۲ش۱۳۰۵ش۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۰ش

جمعیت۱/۱۰۴۱۱/۹۹۸۹/۱۲۵۱۴/۱۵۱۶۹/۲۱۵۸۸/۲۷۵۸۳۷۵۱

کاهش تعداد جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۶م/۱۲۸۲ تا ۱۲۰۵ش ناشی از مهاجرت ترکمنها به منظور گریز از پذیرش اصول سیاسی و اقتصادی حکومت سوسیالیستی، حوادث طبیعی و نبود بهداشت و درمان مناسب در پیشگیری و مقابله با بیماریهای کشنده بوده است (جدول ۲ – ۴). همچنین پایین بودن میزان رشد جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹م/۱۳۱۸ تا ۱۳۳۸ش به سبب بروز جنگ دوم جهانی و کشته شدن شماری از مردم ترکمنستان در طی این جنگ می باشد. در دوره زمانی بعدی نرخ رشد جمعیت به بالاترین رقم می رسد و پس از آن از سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش به بعد رشد جمعیت روند نزولی می گیرد.

جدول ۲ – ۴ نرخ رشد جمعیت ترکمنستان در سالهای

۱– «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۱۹۸؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

۱۹۱۳ تا ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ تا ۱۳۷۰ش (درصد)

دوره زمانی۱۹۲۶-۱۹۱۳م/۱۹۳۹-۱۹۲۶م/۱۹۵۹-۱۹۳۹م/۱۹۷۰-۱۹۵۹م/۱۹۷۹-۱۹۷۰م/۱۹۹۱-۱۹۷۹م/۱۹۹۱-۱۹۱۳م/

۱۲۸۲-۱۳۰۵ش۱۳۱۸-۱۳۰۵ش۱۳۳۸-۱۳۱۸ش۱۳۴۹-۱۳۳۸ش۱۳۵۸-۱۳۴۹ش ۱۳۷۰-۱۳۵۸ش ۱۳۷۰-۱۲۸۲ش

نرخ رشد ۰/۳-۱/۲۶/۲۶/۳۷/۰۲/۱۹/۷

شرایط نامطلوب جغرافیایی، سبب شده که علی رغم وسعت زیاد کشور، ترکمنستان جمعیت کمی داشته باشد. به طوری که تراکم نسبی جمعیت در بالاـترین رقم کمتر از ۹ نفر در هر کیلومتر مربع است (جدول ۳ - ۴)، توزیع همین جمعیت اندک نیز در سطح کشور نامتعادل است. در واقع سه محور عمده تمرکزجمعیت را می توان تشخیص داد.

جدول ۳ - ۴ تراکم نسبی جمعیت ترکمنستان در سالهای

۱۹۱۳ تا ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ تا ۱۳۷۰ش (نفر در کیلومتر مربع)

۱۹۱۳م/۱۹۲۶م/۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۱م/

سال

۱۲۸۲ش۱۳۰۵ش۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۰ش

میزان تراکم۸/۵۵/۴۶/۳۴/۲۱/۲۲۵/۱

محور اول با جهت جنوب شرقی - شمال غربی و در امتداد کانال قره قوم قرار دارد. پایتخت کشور و شهرهای مهم ترکمن باشی (کراسنوودسک)(۱)، تجن، «نبیت داغ»(۲)، «گوگ تپه» و «قزل آروات»(۳) در این مسیر قرار دارند. محور دوم از شرق تا شمال ترکمنستان و در مسیر رودخانه آمودریا جمعیت زیادی را در امتداد خود مستقر کرده است. شهرهای «چارجو» و «داش حوض» و همچنین بسیاری از نقاط کشاورزی و صنعتی ترکمنستان در طول این محور قرار دارند. محور سوم با جهت شمال شرقی - جنوب شرقی، شرق بیابان قره قوم را فرا گرفته و شهرهای مرو و «بایرام علی»(۴) در

۱- (Turkmanbashy (Krasnovodsk -

۲- Nebit Dag -

۳- Kizyl Arvat -

۴- Bayram Ali -

نزدیکی آن و درمرکز محور، مهمترین نقاط شهری این محور هستند.

چون بیشتر ترکمنها در طی تاریخ از طریق دامداری گذران زندگی کرده اند، بنابراین بسیاری از آنها در نقاط روستایی که امکان تداوم این نوع فعالیتهای اقتصادی را فراهم

می کند، سکنا دارند. مشابهت شرایط زیست در نقاط شهری و روستایی و عدم تمایل روستاییان به زندگی شهری، سبب پایین بودن نرخ مهاجرت از روستاها به شهر شده است که این امر، تمرکز بیش از نیمی از جمعیت را در نقاط روستایی به همراه داشته است (جدول ۴ – ۴).

جدول ۴ – ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک نقاط شهری و روستایی

در سالهای ۱۹۱۳ – ۱۹۹۲م/۱۲۸۲ – ۱۳۷۱ش (درصد)(۱)

۱۹۱۳م/۱۹۲۶م/۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۲۸۲ش۱۳۰۵ش۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۷۱ش

جمعیت شهری۱۱۱۴۳۳۴۶۴۸۴۸۱/۴۵

جمعیت روستایی۸۹۸۶۶۷۵۴۵۲۵۲۹/۵۴

از نظر ترکیب جنسی جمعیت، در ترکمنستان نیز مانند تمام جمهوریهای آسیای مرکزی، تعداد زنان بر شمار مردان غلبه دارد. به طوری که در سال ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش، در برابر هر ۱۰۰ نفر زن، تعداد ۷/۱۰۷ نفر مرد در این سرزمین می زیستند، گرچه در سالهای بعدی این نسبت به وضعیت متعادلتری نزدیک شد اما هنوز به حالت تعادل نرسیده است، در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، نسبت جنسی به رقم ۹/۱۰۲کاهش یافته است. بالا بودن متوسط عمر زنان این سرزمین یکی از علل فزونی آنان در کل جمعیت می باشد. به طور متوسط عمر زنان ترکمنستان ۷/۶۹ سال و عمر مردان ۹/۶۲ است.(۲)

جمعیت جمهوری ترکمنستان جوان است. حدود ۸/۴۰ درصد از کل جمعیت در گروه سنی زیر ۱۴ سال قرار دارند (جدول ۵ – ۴). گرچه در میان کشورهای ناحیه آسیای مرکزی درصد جمعیت کودک و نوجوان ترکمنستان نسبت به تاجیکستان و ازبکستان

کمتر است، اما بالا بودن شمار کودکان و نوجوانان نسبت به کل جمعیت کشور

۱- «نظری اجمالی برجمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۶؛ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۱۰۱؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۱.

۲- «نگاهی به ترکمنستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۲۸۴.

سرمایه گذاری زیاد برای امور آموزشی و بهداشتی و ایجاد اشتغال در سالهای آتی را ضروری می سازد.

جدول ۵ - ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک گروههای عمده سنی

در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش (درصد)(۱)

گروه سنیکمتر از ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ سال به بالا

میزان جمعیت۸/۴۰۵/۵۵۷/۳

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۴/۵۰درصد از جمعیت ترکمنستان شاغل بوده اند، این افراد ۸/۷۱ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را تشکیل می دادند. از مجموع شاغلان این سرزمین، بیش از ۸۳درصد در زمره مستخدمان دولت (مزد و حقوق بگیران) قرار داشتند.(۲)

در میـان سه بخش عمـده فعالیتهای اقتصادی، بخش کشاورزی بیش از سایر بخشـها جمعیت ترکمنسـتان را جـذب کرده اسـت (جدول ۶ - ۴).

جدول ۶ - ۴ توزیع جمعیت شاغل ترکمنستان در سه بخش عمده اقتصادی

در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش (درصد)(۳)

نوع فعالیتمیزان شاغلین

کشاورزی۴۱

صنعت۲۱

خدمات۳۸

توسعه فعالیتهای کشاورزی و عدم گسترش فعالیتهای صـنعتی سـبب شده که بخش کشاورزی امکان ایجاد اشتغال برای نیروی فعـال جـامعه را فراهـم کنـد بـه همیـن دلیـل بر میزان جمعیـت شاغـل در ایـن بخش افزوده شـده اسـت بـه طـوری که در سـال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ۴/۴۲ درصد از کل جمعیت را تشکیل می دادند.(۴)

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، نرخ زاد و ولد در ترکمنستان ۳۵درهزار و نرخ مرگ و میر

ص:۲۴۰

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۶.

۲- «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۱۰۵ - ۱۰۶.
۳- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۲۵.
۴- «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۱۰۵.

۷/۷ در هزار بوده است. جمعیت شناسان با استناد به نرخ رشد جمعیت که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، ۳/۲۷ در هزار و در دهه ۱۹۷۹ – ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ – ۱۳۶۸ش رقم ۴/۲ درصد بوده است. مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت این سرزمین را ۲۵ سال اعلام کردند.(۱) آنان همچنین براساس روند کنونی رشد جمعیت، جمعیت ترکمنستان را تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش برآورد کرده اند (جدول ۷ –۴).

جدول ۷ – ۴ پیش بینی تعداد جمعیت ترکمنستان تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش(۲)

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
جمعیت	۴۷۴۱۰۰۰	۵۶۲۶۰۰۰	۶۲۰۶۰۰۰

۳ – ۲ ترکیب قومی

ترکمنستان سکونتگاه اقوام مختلف آسیای مرکزی است ولی اکثریت جمعیت را ترکمنها تشکیل می دهند. روسها، ازبکها و قزاقها از دیگر ملیتهای ترکمنستان به شمار می روند که شمار آنها نسبت به کل جمعیت کشور با توجه به افزایش تعداد ترکمنها، درحال کاهش است (جدول ۸ – ۴).

واژه ترکمن در زمان اقتدار سلجوقیان رواج یافت. صاحب نظران درباره علت برگزیدن اصطلاح ترکمن برای گروهی از مردم، عقاید گوناگونی دارند. اما بیشتر نویسندگان بر این باورند که در واقع ترکهایی که به اسلام گرویدند، ترکمن نامیده شدند.(۳)

ترکمنها تا پیش از تسلط روسها بر آنان زندگی عشیره ای و متکی بر دامداری متحرک داشتند. قبایل گوناگون ترکمن قلمروهای ویژه ای داشتند که امروزه نیز با وجود تحرکات

جمعیتی، هنوز کمابیش در همان محدوده ها سکونت دارند.

«یموت»، «گوگلان»، «تکه»، «سالور» و «ارساری» مهمترین طوایف ترکمن به شمار می آیند که در میان آنها شمار زیادی از گوگلانها و یموتها در ایران و در نزدیک مرزهای

ترکمنستان ساکن هستند.

جدول ۸ – ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک گروههای قومی

۱– «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۴.
۲– «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۵.

۳- ستارزاده، ملیحه، «ریشه کلمه ترکمن»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۵، ص۷۷ - ۸۲.

در سالهای ۱۹۲۶ – ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ – ۱۳۷۰ش (درصد)(۱)

سال۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۱م/

گروه قومی ۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۰ش

ازبکها ۸/۱۰۳/۸۳/۸۵/۸۹

اوکراینی ها ۷/۰۴/۱۶/۱۳/۱–

تاتارها ۵/۰۲/۰۷/۱۵/۱–

ترکمنها ۸/۷۳۹/۶۰۶/۶۵۴/۶۸–

روسها ۷/۷۳/۱۷۵/۱۴۶/۱۲۵/۹

قزاقها ۱۶/۴۲/۳۹/۲۳

سایر ۵/۵۵/۵۱/۵۸/۴۵/۵

بیش از ۹۳ درصد ترکمنهای ساکن آسیای مرکزی در ترکمنستان زندگی می کنند، ازبکستان و تاجیکستان سکونتگاه سایر ترکمنهای ناحیه است، در حالی که درصد بزرگی از ترکمنها در خارج از آسیای مرکزی و در کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه و عراق سکونت دارند.

۴ – ۲ زبانهای رایج

زبان ترکمنی زبان اصلی ترکمنها است. این زبان به گروه ترکی جنوب تعلق دارد و دارای دو گویش عمده است. هر یک از این گویشها خود گویشهای قبیله ای متعددی دارد. به واژگان زبان ترکمنی در طی زمان لغاتی از زبانهای فارسی، عربی و روسی وارد شده است.

در کنار زبان ترکمنی که پیش از استقلال به عنوان زبان دوم به کار می رفت و اکنون زبان رسمی کشور است، زبان روسی نیز استفاده می شود. در سالهای پس از استقلال تلاش شده است، زبان ترکمنی به عنوان زبان اصلی در مراکزاداری و آموزشی به کار گرفته شود و در کنار آموزش زبان روسی و زبانهای قومی، زبان انگلیسی نیز در مراکز آموزشی تدریس شود. همچنین در مراکز آموزش عالی کشور زبانهای بین المللی

۱- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۸۸.

انگلیسی و فرانسه و زبان ترکی، فارسی و عربی به صورت رشته های مستقل تحصیلی راه اندازی و مورد توجه دانشجویان قرار گرفته است.

۵ – ۲ مذهب

قلمرو ترکمنستان کنونی، نخستین ناحیه ای بود که مسلمانان پس از فتح خراسان به آنجا راه یافتند و پس از تثبیت موقعیت خود، به سوی سایر نقاط آسیای مرکزی روانه شدند. بنابراین اکثریت سکنه کشور را پیروان مکتب اسلام تشکیل می دهند. در طول تاریخ اسلام، شهرهای این سرزمین از مراکزمهم حکومت اسلامی و مردم آن از معتقدان واقعی اسلام محسوب می شدند. نام شهر مرو بیش از دیگر نقاط ترکمنستان در تاریخ اسلام ذکر شده است. این شهر مرکز حکومت حکّام مسلمان در خراسان بود و مأمون خلیفه عباسی چندی در آنجا ساکن بود، شهر مرو پذیرای مقدم «حضرت رضا علیه السلام» نیز بوده است.

ترکمنها مسلمانان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند، تصوف در ناحیه رواج بسیاری دارد، و برخی از شهرهای این سرزمین مانند سرخس، «نسا» و مرو از اولین و مهمترین مراکز صوفیه بوده اند. فرقه نقشبندی نیز در میان ساکنان ترکمنستان پیروانی دارد. با وجود آن که روسها به روشهای مختلف کوشیدند از تعلق خاطر واعتقادات ترکمنها نسبت به اسلام بکاهند، اما پس از استقلال بسیاری از ترکمنها خود را مسلمان معرفی کردند، گرچه بسیاری از آنان، بویژه جوانان کمتر به اصول عملی اسلام آشنا و پایبند هستند.

پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان، اماکن مذهبی مسلمانان بازسازی شد، تعداد زیادی مسجد در شهرهای مختلف احداث گردید. بنا به گفته «حاج ایشان قلی مجید اوغلی» امام جمعه «مسجدالاقصی» در عشق آباد، فقط در طول دو سال پس از استقلال بیش از صد مسجد در این سرزمین ساخته شده که از این تعداد ۶ مسجد در عشق آباد بنا نهاده شده است.(۱)

از قدیمی ترین و مهمترین مساجد ترکمنستان می توان به مسجد «طلعتان بابا» و مسجد «خواجه یوسف همدانی» اشاره کرد که در واقع نقش زیارتگاه مسلمانان

۱- جرجانی، موسی، «تجدید حیات اسلام در ترکمنستان»، کیهان، اول اردیبهشت ۱۳۷۲.

ترکمنستان را دارند.

در کنار مسلمانان که تشکیل دهنده اکثریت جمعیت ترکمنستان هستند، طرفداران سایر مذاهب نیز بخشی از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند (جدول ۸ – ۴).

جدول ۸ – ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک مذهب

در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۱)

۱۹۲۶م/۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش

مسلمان۹۳۸۱۷۶۸۱۸۴

غیرمسلمان۷۱۹۲۴۱۹۱۶

۶ – ۲ آموزش

دوره آموزش عمومی در ترکمنستان رایگان و اجباری بوده و مدت آن ۱۰ سال است. کودکان پس از طی دوره شش ساله مهد کودک و دوره یک ساله آمادگی، در هفت سالگی وارد مدرسه می شوند. چهار سال اول دوره ابتدایی است و دانش آموزان پس از گذراندن چهار سال دوم و موفقیت در امتحان ورودی به کلاسهای نهم و دهم راه می یابند و پس از آن می توانند وارد دانشگاه شوند. هر سال تحصیلی متشکل از چهار نیم ترم است و هر مدرسه در تمام مقاطع تحصیلی فعالیت می کند. قرار است به زودی دوره آموزش عمومی به نه سال کاهش یابد.

در مقطع آموزش عالی، «دانشسرای تربیت معلم عشق آباد» اولین مرکزی بود که در سال ۱۹۳۱م/۱۳۱۰ش، در شهر عشق آباد شروع به کار کرد. دانشگاه عشق آباد که پس از چندی «دانشگاه مختوم قلی» نام گرفت، از سال ۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش فعالیتهای علمی خود را آغاز کرد، به غیر از دانشگاه مختوم قلی که مهمترین و بزرگترین مرکز آموزش عالی ترکمنستان به شمار می آید، در شهرهای چارجو، مرو و نبیت داغ، مراکز آموزش عالی وابسته به دانشگاه مذکور فعالیت دارند.

آکادمی علوم ترکمنستان از سال ۱۹۵۱م/۱۳۳۰ش، آکادمی علوم کشاورزی از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش و آکادمی علوم پزشکی از سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ش شروع به کار

۱- حکومت مسکو و مسأله آسیای مرکزی شوروی، ص۹۲.

کردند.(۱)

پس از کسب استقلال، دانشگاه عشق آباد با بسیاری از مراکز علمی جهان ارتباط برقرار کرد، در رشته زبانهای خارجی دانشجو پذیرفت و کوشید از تجربیات کشورهای همسایه و جهان غرب برای بالا بردن کیفیت آموزش و مدیریت خود بهره برد.

۷ – ۲ رسانه های گروهی

مطبوعات ترکمنستان دولتی هستند، برخی به زبان روسی و تعدادی به زبان ترکمنی منتشر می شوند، نخستین روزنامه ترکمن زبان به نام «ترکمانیا» در سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش منتشر شد، و پس از آن بر تعداد نشریات افزوده شد. پس از استقلال، نشریات از آزادی نسبی برخوردار شدند و چاپ آنها به زبان ترکمنی افزایش یافت. در حال حاضر پانزده نشریه در این سرزمین منتشر می شود.

در ترکمنستان یک فرستنده رادیویی و سه کانال تلویزیونی فعالیت دارند. تلویزیون ترکمنستان ضمن پخش برنامه های محلی، یک کانال را به پخش برنامه های تلویزیون روسیه اختصاص داده است. همچنین بخشی از برنامه های تلویزیون ترکیه از طریق ماهواره و از کانال سوم پخش می شود.

۸ – ۲ تقسیمات کشوری

اشاره

جمهوری ترکمنستان متشکل از ۵ استان یا اوبلاست است (جدول ۹ – ۴). این سرزمین دربردارنده ۴۱ ناحیه، ۱۶ شهر، ۷۴ شهرک و ۲۷۶ روستا است (نقشه ۳۵).

شهر عشق آباد در جنوب کشور مهمترین شهر و مرکز کشور می باشد. بندر ترکمن باشی (کراسنوودسک) در ساحل شرقی دریای خزر مهمترین بندر اقتصادی و نظامی کشور و شهرهای مرو، چارجو و داش حوض که مراکز استان، نیز می باشند، مهمترین شهرهای ترکمنستان محسوب می شوند.

جدول ۹ – ۴ استانهای ترکمنستان و برخی مشخصات مراکز آنها(۲)

مرکز استان

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۹.

۲– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۸۴؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان،

ص٨٢.

استاننامفاصله از مرکز کشورجمعیت در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش

(کیلومتر)(هزار نفر)

آخال عشق آباد-۴۰۷

بالکان نبیت داغ۵۱۸۸۸

داش حوض داش حوض۴۵۲۱۱۴

لباب چارجو۴۶۸۱۶۴

مرو مرو-۹۴

۱ – ۸ – ۲ عشق آباد

در میان شهرهای ترکمنستان، پایتخت این سرزمین یعنی عشق آباد، بزرگترین و پرجمعیت ترین شهر کشور به شمار می آید. این شهر که در سال ۱۸۸۱م/۱۲۶۰ش، در نزدیکی پایتخت قدیمی پارتها یعنی شهر نسا به عنوان یک پایگاه نظامی بنا نهاده شد. در

سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۷م/۱۳۹۸ تا ۱۳۰۶ش «پالتاراتسک»(۱) نام داشت. زلزله ای که در سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش رخ داد، شهر را کاملاً ویران کرد. اما پس ازگذشت مدت کوتاهی، به سرعت بازسازی و مراکز مهم اقتصادی و اداری در آن تأسیس شد و شهر چشم انداز تازه ای یافت (نقشه ۳۵).

اولین کارخانه ابریشم بافی ترکمنستان در سال ۱۹۲۸م/۱۳۰۷ش، در عشق آباد ساخته شد و پس از آن واحدهای صنعتی دیگری احداث شدند. در حال حاضر عشق آباد دارای کارخانه های شیشه سازی، نخریسی، چرمسازی، قالی بافی، تولید آهن و... می باشد.

جمعیت عشق آباد در مدت ۵۱ سال تقریبا ۵/۳ برابر شده است (جدول ۱۰ – ۴).

در فاصله پانزده کیلومتری غرب عشق آباد ویرانه های شهر باستانی نسا وجود دارد، این شهر که تاریخی طولانی داشته و گفته می شود که پس از ورود مسلمانان به آن نام نسا

۱- Paltaratsk -

نقشه ۳۵

ص:۲۴۷

گرفت، در عهد «اشکانیان» از نخستین پایتخت های پادشاهان پارت به شمار می رفته و مورد توجه امرای ایرانی بوده است. در دوران اسلامی نیز نسا از شهرهای مهم ماوراءالنهر بود، و اهمیت زیادی از نظر مذهبی داشته است. در همین ایام بوده که مشاهیر بسیاری در این شهر پرورش یافتند و بناها و آثار معماری مهمی در آن ساخته شده است.(۱)

جدول ۱۰ - ۴ جمعیت عشق آباد در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۰م/۱۳۱۸ تا ۱۳۶۹ش(۲)

۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۳م/

سال

۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۷۲ش

جمعیت۱۲۷۰۰۰۱۷۰۰۰۰۲۵۲۰۰۰۳۱۲۰۰۰۴۰۷۰۰۰

شهر نسا پس از حمله مغولان و در دوره تیمور از اهمیت افتاد و بتدریج از رونق آن کاسته شد، تاکنون که آثار آن در زیر خروارها خاک مدفون شده است. د رحال حاضر گروههای متعدد باستان شناسی از کشورهای اروپایی درحال حفاری از این محل هستند. یکی از نقاط دیدنی و تاریخی ترکمنستان همین مکان می باشد. دهکده ییلاقی فیروزه در ۲۸ کیلومتری عشق آباد یکی دیگر از نقاط تاریخی و دیدنی ترکمنستان به شمار می آید که بازدید از آن موکول به موافقت مقامات دولتی است.

«کتابخانه آزادی» (کارل مارکس سابق) با ۵/۶ میلیون جلد کتاب به زبانهای مختلف و بیش از ۸۵۰۰ جلد نسخه خطی از مراکز مهم علمی و فرهنگی ترکمنستان است. در این کتابخانه تعداد زیادی کتابهای قدیمی به زبان فارسی نگهداری می شود.

موزه تاریخ و قوم شناسی، باغ لنین، قبر سرباز گمنام وکانال قره قوم از دیگر نقاط سیاحتی و تفریحی عشق آباد به شمار می آیند (نقشه ۳۶).

۲ - ۸ - ۲ چارجو

دومین شهر بزرگ ترکمنستان است، در متون قدیمی از آن با نامهای «آمویه»، «آمل جیحون» و «آمل کویر» یاد شده است.(۳) این شهر در ساحل غربی رود جیحون قرار دارد و محل انشعاب راههای ترکمنستان به شمار می آید. چارجو که از دوره تیموریان به

۱- جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص۱۱۹؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۸۷.

۲- خراسان بزرگ، ص۲۵۲ - ۲۶۱.

۳- گزیده مقالات تحقیقی، ص۱۱.

نقشه ۳۶

ص:۲۴۹

این نام معروف شد از مراکز مهم داد و ستد و مهمترین محل عبور از رود جیحون و رفت وآمد کاروانها بوده است.(۱)

چارجو اکنون نیز علاوه بر دارا بودن مرکزیت استان و مرکزیت حمل و نقل کشور، دارای باغات مرغوب میوه و مزارع گسترده پنبه واز مراکز مهم صنعتی کشور است. جمعیت این شهر در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش حدود ۹۶ هزار نفر، در سال ۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش، ۱۴۰ هزار نفر و در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۷ش، ۱۶۴ هزار نفر بوده واز این نظر دومین شهر پرجمعیت ترکمنستان محسوب می شود. این شهر در ۱۶ کیلومتری چارجوی قدیم توسط روسها ساخته شد و چارجوی قدیم به «کاگاناویجسک» تغییر نام یافت.(۲)

۳ – ۸ – ۲ مرو

از شهرهای مهم و تاریخی ترکمنستان است و مقدسی آن را «ام القرا»ی خراسان دانسته است.(۳)این شهر که به «مرو شاهجهان» نیز شهرت داشته است، تاریخی بس کهن دارد. تا پیش از اسلام، مرو از شهرهای مهم و آباد ایران بود و در دوران اسلامی نیز

بویژه تا زمان طاهریان، مرکز فرمانروایی حکام مسلمان واز مراکز مهم فرهنگ ایرانی واسلامی به شمار می آمد. در دوران حکومت سلجوقیان از رونق و عظمت مرو کاسته شد و در زمان حمله مغول در سال ۶۱۷ه ق، مرو لگدکوب مغولان شد و به خرابه ای بدل گردید. این شهر تا زمان «ناصرالدین شاه» در سال ۱۸۸۳م/۱۳۶۲ش، در قلمرو ایران بود.(۴)

در دوران بعدی تحولاتی در شهر مرو بوجود آمد واما هیچ گاه مرو نتوانست عظمت گذشته خود را به دست آورد. جمعیت شهر مرو در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش، ۶۲هزارنفر، در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش، ۷۴ هزار نفر و در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، نزدیک به ۹۴ هزار نفر بوده است.(۵)

در مسیر راه ارتباطی عشق آباد به مرو آثار باستانی متعددی وجود دارد که از ایام رونق وعظمت این شهر بجا مانده است. خرابه های شهر باستانی «میمنه» زادگاه «ابوسعید ابی الخیر» و شهر «ابیورد» و مقبره های «سلطان سنجر سلجوقی»، «خواجه

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۹۱.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۹۱.

۳- خراسان بزرگ، ص۲۲۷ – ۲۲۸.

۴- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۹۱.

۵- «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۹۹.

یوسف همدانی» «کاخ دختران و پسران» و تعدادی مزار و مکان مذهبی در اطراف این شهر، یادآور تاریخ پرفراز و نشیب مرو می باشند.

۴ – ۸ – ۲ ابیورد

اکنون فقط خرابه هایی ناچیز از آن باقیمانده است. ابیورد از شهرهای کهن و مهم خراسان بوده که سالیان متمادی از پیش از اسلام تا قرن دهم هجری در قلمرو حکومت ایران قرار داشت. این شهر تاریخی تا پیش از قرن دوازدهم هجری، از مراکز آباد و پر رونق بود، در قرن دوازدهم د راثر تاخت و تاز ترکها بکلی ویران شد و اکنون فقط نامی از

آن برجای مانده است.(۱)

۵ – ۸ – ۲ داش حوض

بزرگترین شهر شمالی ترکمنستان است. این شهر در ساحل رود آمودریا واقع شده و با ۶۳ هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش و ۸۴ هزار نفر در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش و ۱۱۴ هزار نفر در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش سومین شهر بزرگ ترکمنستان محسوب مشود.(۲)

۶ – ۸ – ۲ نبیت داغ

در سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش در غرب ترکمنستان ساخته شد. این شهر بر زمینی مسطح واقع است که قبلاً مسیر رودخانه ای بین دریاچه آرال و دریای خزر بوده است. نبیت داغ

از مراکز مهم تولید نفت ترکمنستان به شمار می آید و جمعیت آن در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش بالغ بر ۸۸ هزار نفر بوده است.

۷ – ۸ – ۲ ترکمن باشی

دیگر شهر مهم ترکمنستان است. این شهر بندری در ساحل دریای خزر و در حاشیه خلیج کوچکی به همین نام ساخته شده است. ترکمن باشی که تا پیش از استقلال کراسنوودسک نام داشت به دلیل داشتن تجهیزات مدرن ونوین بندری و همچنین به

۱– برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: خراسان بزرگ، ص ۲۱ – ۳۶.

۲– «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص۹۹.

علت آن که مرکز صدور نفت ترکمنستان است، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. ضمن آن که مهمترین بندر ماهیگیری کشور نیز محسوب می شود.

۸ – ۸ – ۲ سرخس

از دیگر شهرهای تاریخی ترکمنستان است که با وجود دارا بودن تاریخ طولانی و اهمیت بسیار به عنوان یکی از شهرهای بزرگ خراسان، تا پیش از استقلال کشور فقط از اهمیت استراتژیکی به دلیل نزدیکی با مرزهای ایران برخوردار بود. اما پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان و بویژه پس از اتصال خط آهن آسیای مرکزی به راه آهن ایران بر اهمیت آن افزوده شد و به نظر می رسد در آینده یکی از شهرهای تجاری و ارتباطی مهم ترکمنستان قلمداد شود.

۳ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۳ کلیات

ترکمنستان نیز مشابه تمام جمهوریهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، اقداماتی برای گسستن روابط اقتصادی دولتی و وابسته انجام داد. گرچه در اثر تحولات ناشی از تغییر شرایط سیاسی، پس از استقلال اقتصاد کشور ثبات چندانی نداشته است، اما در میان کشورهای ناحیه به طور نسبی اقتصاد کشور رضایت بخش بوده است.

بر اساس آمار رسمی، تولید ناخالص ملی ترکمنستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل از آن، حدود ۸/۳۵ درصد کاهش و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، حدود ۷/۸ درصد رشد داشته است. همچنین تولید ناخالص کشاورزی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل ۹درصد کاهش داشته و در سال بعد از ۹ درصد افزایش برخوردار بوده است و تولید ناخالص صنعتی کشور نیز در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش، ۹/۱۴ درصد کاهش نشان می دهد، اما در سال بعد، از ۳/۵ درصد رشد برخوردار بوده است.(۱)

وضعیت بی ثبات اقتصادی ترکمنستان از یک سو به دلیل تحولات ناگهانی سالهای

۱– «ویژگی و دورنمای آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص۱۱۵.

اخیر است واز سوی دیگر به دلیل مشکلات اقتصادی کشور می باشد. زیرا ساختار اقتصادی کشور تک محصولی است و به درآمدهای حاصل از صدور پنبه و گاز متکی است. در نتیجه کاهش تولید این محصولات بویژه گاز طبیعی سبب رکود سایر بخشهای اقتصادی می شود. همچنین از مشکلات دیگر اقتصاد کشور کمبود کالاهای مصرفی به دلیل پایین بودن قدرت تولید داخلی و محدودیت ورود کالا است. نظام پولی بی ثبات و تورم شدید به مشکلات مذکور دامن می زند. زیرا با وجود آن که پول کشور «منات» اعلام شده و در ابتدا ارزش آن رسما دو منات در برابر یک دلار اعلام شد، عملاً پس از

چندی و خیلی سرعت از ارزش آن به شدت کاسته شد.

دولت ترکمنستان برای رفع مشکلات اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی، بهره برداری از منابع زیرزمینی و افزایش میزان صدور مواد انرژی زا را مد نظر قرار داده

است. زیرا این کشور ذخایر غنی نفت و گاز دارد. استخراج و صدور این منابع، نیازمند حل مشکلات موجود است. دسترسی نداشتن به آبهای آزاد، کمبود سرمایه و فن آوری از مهمترین مشکلات کشور می باشد. توسعه روابط خارجی، برقراری روابط دوستانه با همسایه ها و تلاش در راه جذب سرمایه های خارجی اقدامات ترکمنستان برای نایل آمدن بر مشکلات مذکور است.

ترکمنستان با کشورهای ترکیه، ایران و پاکستان همکاری نزدیکی در جهت گسترش و بهبود شبکه راه آهن و بزرگراهها به منظور صدور نفت به سوی خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سیاه برقرار کرده است.

دولت ترکمنستان در طرحهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، ایجاد ثبات اقتصادی، اصلاحات در ساختار اقتصاد ملی، ایجاد مالکیتهای عمومی متنوع، جلب سرمایه های خارجی و فن آوری پیشرفته، توسعه صنایع ملی، اجرای برنامه های تأمین اجتماعی و تضمین عرضه کالاهای اساسی مورد نیاز عمومی را در رأس وظایف خود دانسته است و به نظر می رسد با توجه به ۱۰۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی کشور در بانکهای خارجی، ۵/۱ میلیارد دلار بدهی کشورهای مستقل مشترک المنافع به آن، جمعیت اندک و منابع فراوان در تأمین نیازهای مالی وایجاد یک کشور ثروتمند و مرفه کمتر از کشورهای دیگر آسیای مرکزی دچار مشکل شود.(۱)

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۱۵ - ۱۱۶ و ۱۱۹.

در میان بخشهای مختلف اقتصادی، با وجود تنگناهای موجود، هنوز بخش کشاورزی نقش عمده ای در اقتصاد کشور ایفا می کند، در حالی که صنایع نقش اندکی دارند. به نظر می رسد با توسعه و گسترش فعالیتهای صنعتی، بویژه در زمینه استخراج، پالایش و صدور نفت و گاز، فعالیتهای صنعتی در آینده سهم بیشتری در تولید درآمد ملی داشته باشند.

۲ – ۳ کشاورزی

اشاره

تولیدات کشاورزی در حدود ۴۶ درصد کل تولید ملی و ۴۲ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است.(۱)

۱ – ۲ – ۳ زراعت

مشکل عمده کشاورزی ترکمنستان کم آبی است و با وجود اقدامات انجام شده در زمینه ایجاد و حفر شبکه ها و کانالهای آبیاری، به دلیل مشکلات فنی و شور شدن زمین، میزان تولید نسبی بسیاری از محصولات از اندازه های متعارف بین المللی پایینتر است.

از وسعت کل زمینهای زراعی ترکمنستان (جدول ۱۱ – ۴) در سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۵ش حدود ۸/۹۷ درصد را زمینهای زیرکشت آبی تشکیل می دادند.

جدول ۱۱ – ۴ وسعت زمینهای زراعی ترکمنستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۲)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

سال

۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش۱۳۶۷ش

وسعت۴۱۱۳۶۸۴۴۶۶۳۶۸۹۵۱۲۴۳

افزایش سطح زیر کشت عمدتا ناشی از توسعه آبیاری بوده است. بیشترین افزایش در دهه ۱۹۶۰م انجام گرفته که همزمان با اجرای طرحهای متعدد آبرسانی، از جمله بهره برداری از کانال ترکمن باشی بوده است. با تأمین آب زراعی در برخی نقاط ترکمنستان بر سطح زیرکشت افزوده شد و در بعضی نواحی اراضی بایر به زیرکشت

۱- گلی زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص۶۶.

۲- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۴.

رفتند.

حکومت اتحاد شوروی، برای دستیابی به اهداف برنامه های اقتصادی خود، نظام تک محصولی را در کشورهای آسیای مرکزی رواج داد و ترکمنستان را با توجه به موقعیت و شرایط مساعد آن، در زمینه تولید پنبه یاری نمود. حاصل این امر، از یک سو، وابستگی به سایر جمهوریها در زمینه تأمین مواد غذایی واز سوی دیگر وابستگی اقتصادی به خریداران پنبه از نظر تعیین قیمت بود. این مشکلات پس از استقلال ترکمنستان آشکار و مطرح شد.

بیش از ۵۰ درصد از زمینهای زیرکشت محصولات کشاورزی، در سال ۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش به تولید پنبه اختصاص یافته بود (جدول ۱۲ - ۴).

جدول ۱۲ - ۴ سطح زیرکشت پنبه ترکمنستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۲۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۱)

۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۰م/۱۹۸۰م/۱۹۸۸م/

سال

۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۴۹ش۱۳۵۹ش۱۳۶۷ش

وسعت۱۵۰۱۵۳۲۲۲۳۹۷۵۰۸۶۳۶

درصد۵۱/۵۶۱/۶۲۷/۴۹۴/۴۱۷/۳۶۵/۵

محصول پنبه حدود ۶۰ درصد از کل محصولات کشاورزی را تشکیل می دهد(۲)، میزان تولید آن در سال ۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹ش، بالغ بر ۱۴۰۰۰۰۰تن و در سال ۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش حدود ۱۲۹۰۰۰۰تن بوده است. طبق نظر کارشناسان کشاورزی ترکمنستان از نظر کیفیت و تنوع پنبه پس از مصر و از نظر میزان تولید بعد از کشورهای امریکا و کانادا

قرار دارد. این سرزمین اولین ناحیه در جهان است که در آن پنبه رنگین کشت و تولید شده است. نواحی مرو در دره مرغاب، دره تجن و چارجو، اطراف آمودریا و کانال ترکمن باشی از مراکز عمده تولید پنبه ترکمنستان به شمار می آیند.

گندم دیگر محصول عمده زراعی جمهوری ترکمنستان است که میزان تولید آن در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش حدود ۷۰۰هزار تن بوده است. این سرزمین بیش از نیمی از نیاز خود را از سایر کشورها وارد می کند . برای رفع نیازهای داخلی و خودکفایی در زمینه

۱- ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۱۴۹.
۲- گوان فو، گو، «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، ش۸، ص۱۹۴.

تولید گندم برنامه هایی تهیه شده که با تخصیص اراضی بیشتری به کشت گندم، میزان تولید آن افزایش یابد، بدین منظور سطح زمین زیر کشت مورد نیاز و میزان تولید گندم برای هریک از استانها مشخص شده است.

جو، ارزن، انگور، سیب زمینی، سبزی، حبوبات، علوفه بویژه یونجه، از دیگر تولیدات کشاورزی ترکمنستان به شمار می آیند. در حال حاضر حدود نیمی از زمینهای زراعی به کشت پنبه، ۲۸درصد به کشت غلات و حبوبات و ۱۷ درصد به کشت علوفه اختصاص یافته است. این کشور در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش حدود ۳۶۰هزار تن انواع سبزی، ۳۲۰ هزار تن غلات، و ۲۲۸ هزار تن انواع میوه تولید کرده است.(۱)

رواج تک کشتی و اختصاص بیشتر اراضی به کشت پنبه سبب شده این کشور در اکثر محصولات غذایی نیازمند کشورهای دیگر باشد به طوری که فقط حدود ۳۵ درصد غله و ۳۰ درصد سیب زمینی مصرفی در داخل کشور تولید می شود و بقیه نیازها از طریق واردات برطرف می شود، ضمن آن که در مورد برخی محصولات مانند شکر، تمام نیاز مصرفی از خارج تأمین می شود.

۲ – ۲ – ۳ دامداری

در حالی که شرایط جغرافیایی کشور امکانات محدودی را برای کشاورزی فراهم می کند، از نظر دامداری وضعیت نسبتا مساعدتری دارد. به همین دلیل از سالیان قبل دامداری به شیوه کوچ نشینی و سنتی رواج داشته است، در سالهای حکومت روسها بر ترکمنستان دامداری سنتی و زندگی عشایری جای خود را به دامپروری و زندگی ثابت دادند و در کنار اهمیت یافتن تولید محصولات لبنی و پروتئینی، استفاده از پشم و مو و

بویژه پوست دامها نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفت. تعداد دامهای زنده ترکمنستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش شامل ۶/۵ میلیون راس گوسفند و بز، ۴/۱ میلیون رأس گاو و ۱۳۰۰ هزار رأس خوک بوده است.(۲)

تولید و پرورش اسب و کرم ابریشم از دیگر فعالیتهای رایج در میان زارعان ترکمنستان است و سرمایه گذاری دولتی بسیاری برای رونق این فعالیتها انجام شده است. همچنین به دلیل مجاورت ترکمنستان با دریای خزر، صید ماهی اهمیت زیادی

دامداری

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۹.

۲– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۹۶.

دارد واین کشور به سبب داشتن کشتیهای مخصوص صید ماهی کیلکا، از توانایی زیادی برای تولید و صدور آن برخوردار است.

آنچه در ترکمنستان نیز مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی مشاهده می شود، توانایی اندك این کشور برای بهره برداری بهینه از مواد اولیه و تبدیل آنها به محصولات

نهایی است. به طور مثال فقط حدود ۳درصد پنبه کشور و ۳۰ درصد ابریشم آن در داخل ترکمنستان به مصرف می رسد(۱) و به دلیل نبود تأسیسات و کارخانه های تبدیل مواد اولیه به کالاهای ساخته شده، این کشور ناچار است محصولات تولیدی خود را صادر کند و کالاهای ساخته شده از همان مواد اولیه را وارد نماید، که این امر سبب خارج شدن ارزش افزوده کالا از ترکمنستان می شود.

۳ – ۳ منابع معدنی

این سرزمین منابع زیرزمینی بسیاری دارد. گاز، سولفات سدیم و گوگرد از ذخایر مهم آن به شمار می آیند.

گاز طبیعی مهمترین ماده خام کشور است، اولین چاه گاز در سال ۱۹۶۶م/۱۳۴۵ش کشف شد. برآورد می شود دخایر آن حدود ۱۲ تریلیون مترمکعب باشد.(۲) و سالانه بین ۸۰ تا ۹۰ میلیارد مترمکعب استخراج می شود که بخش اندکی از این میزان در داخل کشور به مصرف می رسد و بقیه صادر می شود. مهمترین مورد مصرف گاز در داخل کشور تأمین سوخت نیروگاههای حرارتی است و کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، آذربایجان، روسیه، ارمنستان و گرجستان مهمترین مشتریان گاز ترکمنستان هستند.

ترکمنستان در نظر دارد گاز خود را به اروپا صادر کند و برای انتقال گاز، خط لوله ای به ظرفیت ۲۸ میلیون متر مکعب در سال از طریق ایران و ترکیه در دست احداث است.(۳) عمده ترین ذخایر گاز ترکمنستان در اطراف شهر مرو، و شمال و شمال شرقی کشور قرار دارند (جدول ۱۳ – ۴).

سرزمین ترکمنستان از نظر میزان ذخایر گاز رتبه چهارم را در جهان به خود اختصاص داده است. اما تولید آن در سالهای اخیر کاهش یافته واز ۶/۹۵ میلیارد متر مکعب در

۱– «برنامه توسعه اقتصادی ترکمنستان برای سه سال آینده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۴۰۰ – ۴۰۱.
۲– «نگاهی به ترکمنستان»، ص۲۸۵.
۳– «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۳۲۵ – ۳۲۶.

سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به ۳/۳۲ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش سقوط کرده است.(۱)

جدول ۱۳ – ۴ میزان تولید گاز طبیعی ترکمنستان در سالهای

۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱م/۱۳۴۹ تا ۱۳۷۰ ش (میلیارد متر مکعب)(۲)

سال	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
میزان تولید	۸/۱۱۵	۶۱۶	۹۵

متخصصان میزان ذخایر نفت کشور را ۶۰ میلیارد تن برآورد کرده اند، که از این رقم، ۱۰۰ میلیون تن شناسایی و اکتشاف شده است. ذخایر نفت ترکمنستان عمدةً در شبه جزیره چلکن، اطراف شهر نبیت داغ و بخش جنوب غربی کشور قرار دارند. میزان نفت تولیدی پس از استقلال با کاهش روبرو بوده و از ۶ میلیون تن (۱۲۰ هزار بشکه در روز) در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به ۷/۴ میلیون تن (۹۴ هزار بشکه در روز) در سال ۱۹۹۵م/ ۱۳۷۴ش کاهش یافته است.(۳) دو پالایشگاه قدیمی ترکمنستان، تصفیه نفت را انجام می دهند.

ذخیره گوگرد ترکمنستان آن قدر زیاد است که این سرزمین را در مرتبه سوم جهانی قرار داده است. میزان تولید گوگرد در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش حدود ۵/۵ میلیون تن بوده. در همین سال میزان استخراج سولفات سدیم حدود ۲۶۱ هزار تن بوده است. معادن سولفات سدیم در خلیج قره بغاز قرار دارند.

برم، بنتونیت، سولفور پتاس، سرب، مس، روی، جیوه، ید، موم معدنی دیگر منابع معدنی ترکمنستان محسوب می شوند.

۴ – ۳ صنایع

فعالیتهای صنعتی ترکمنستان بر دو محور تولید منابع معدنی و منابع وابسته به کشاورزی متمرکز شده اند. تولیدات صنعتی که نزدیک به ۲۰ درصد تولید ملی را به خود اختصاص می دهند در رشته های استخراج و پالایش نفت و گاز، استخراج گوگرد،

۱- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۴؛ اسکلیارف، لئونید، «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم منطقه رقابت یا همکاری»، ترجمه مهرداد محسنین، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۵، دوره دوم، ش۱۴، ص۸۱.

۲- «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم منطقه رقابت یا همکاری»، ص۸۱.

۳- «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم منطقه رقابت یا همکاری»، ص۸۱.

سولفات سدیم، صـنایع نساجی و پوشاک، صنایع غذایی، صنایع قالی بافی، پتروشیمی، تولید برق و صنایع سبک، بیش از رشته های دیگر می باشد (جدول ۱۴ – ۴).

جدول ۱۴ – ۴ میزان تولید برخی از کالاهای صنعتی ترکمنستان

در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش(۱)

نوع کالامیزان تولید

فولاد ۲۱۰۰ تن

سیمان ۱/۱ میلیون تن

منسوجات ۶/۵۳ میلیون متر مربع

لباس بافتنی ۱/۱۱ دست

جوراب ۹/۱۹ میلیون جفت

کفش ۸/۴ میلیون جفت

کنسرو، مربا، کمپوت ۸۰ میلیون قوطی

۵ – ۳ انرژی

گاز و نفت منبع اصـلی سوخت هسـتند، اما این کشور از نظر تأمین برق نیز وضعیت مطلوبی دارد، به طوری که مقدار تولید آن مـازاد بر نیـاز داخلی است و به سـایر جمهوریهـای آسـیای مرکزی صادر می شود. بنابر اظهار یکی از مسؤولین ترکمنسـتان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۶۰ درصـد از برق تولیـد شده در داخل کشور مصـرف شده و ۴۰ درصـد باقیمانده به کشورهای همسایه صادر شده است.(۲)

وضعیت منابع انرژی ترکمنستان در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱م/۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ش به شرح زیر بوده است.(۳)

سالنیروگاه برقنفت ومایعات گازیگاز

(میلیون کیلووات ساعت)(میلیون تن)(میلیاردمترمکعب)

۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ۶/۱۳۶/۵۵/۹۱

۱۹۶۱م/۱۳۷۰ش ۱/۱۷۶۳/۸۴

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۶ - ۸۷.

۲- «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۲، ص۳۲۵ - ۳۲۶.

۳- «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۵؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۶.

۶ – ۳ حمل و نقل

راه آهن مهمترین وسیله حمل ونقل در ترکمنستان است، خط آهن مشهور به ماوراء خزر از بندر ترکمن باشی شروع می شود و پس از طی مسافت طولانی در خاک ترکمنستان به ازبکستان وارد می شود. شبکه راه آهن این سرزمین تمام شهرهای مهم آن را تحت پوشش قرار داده است. مسیر خط آهن ترکمنستان از شهر ترکمن باشی در غرب کشور شروع می شود و در جهت جنوب شرقی امتداد می یابد در محل مرو شاخه ای از راه آهن به سوی جنوب و افغانستان کشیده می شود و شاخه ای دیگر به سوی شمال تا چارجو امتداد یافته است. در چارجو شاخه ای از راه آهن به سوی شرق و ازبکستان و شاخه ای دیگر به سوی شمال تا داش حوض کشیده شده که پس از عبور از مرز وارد کشور ازبکستان می شود.

طول خط آهن ترکمنستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، حدود ۲۱۲۰ کیلومتر بود واین سرزمین با استفاده از خطوط راه آهن کشورهای ازبکستان، قزاقستان و روسیه می تواند با کشورهای اروپایی متصل شود. با احداث راه آهن تجن – سرخس – مشهد در سال ۱۹۹۶م/۱۳۶۵ش، ترکمنستان توانست ضمن دستیابی به آبهای آزاد از طریق خلیج فارس، با ترکیه، کشورهای خاورمیانه واروپا از طریق ایران ارتباط برقرار کند.

حمل و نقل جاده ای در ترکمنستان رونق چندانی ندارد. گرچه حدود ۱۳۴۰۰ کیلومتر راه احداث شده است ولی به دلیل وجود خط آهن گسترده و عبور آن از نقاط پرجمعیت کشور و همچنین امکان برقراری ارتباط سهل و آسان با کشورهای همسایه از طریق خط آهن، جاده ها کمتر برای حمل و نقل بین شهری وحمل کالا و مسافر در مسافتهای طولانی مورد استفاده قرار گرفته اند. به همین سبب تعداد وسایل نقلیه جاده ای، بویژه

اتوبوس و مینی بوس، اندک و ناچیز است.

مهمترین مرکز حمل ونقل آبی، بندر ترکمن باشی در حاشیه دریای خزر است. ترکمنستان از طریق این دریا ضمن برقراری ارتباط با دریای مدیترانه و دریای بالتیک، با

کشورهای حاشیه دریا نیز روابط تجاری واقتصادی برقرار کرده است (نقشه ۳۷).

ص:۲۶۰

نقشه ۳۷

۷ – ۳ بازرگانی خارجی

اقلام وارداتی ترکمنستان را ماشین آلات، مواد غذایی، مواد شیمیایی و برخی تولیدات صنعتی، و صادرات عمده آن را گاز، نفت، پنبه و مواد خام تشکیل می دهند.

تا پیش از استقلال تمام روابط تجاری ترکمنستان با جمهوریهای اتحاد شوروی بود. پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان، این کشور ضمن حفظ روابط سابق در سطح پایینتری، به برقراری ارتباطات گوناگون با سایر کشورهای جهان، همت گماشت. اما هنوز حدود ۸۰ درصد از حجم صادرات و واردات ترکمنستان با جمهوریهای سابق شوروی صورت می گیرد. ترکیه، ایتالیا، امریکا، ایران و شماری از کشورهای اروپایی

ص:۲۶۱

مهمترین کشورهای طرف قرارداد با ترکمنستان به شمار می روند.

در آغاز استقلال ترکمنستان، به دلیل تغییر و تحولاتی که در سیستم سیاسی و اقتصادی کشور رخ داده بود، فعالیتهای اقتصادی و در نهایت تجارت خارجی این کشور با رکود مواجه شده بود، اما بتدریج با ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، فعالیتهای تولیدی

رشد یافت و تجارت خارجی کشور توسعه یافت. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ترکمنستان حدود ۱۰۰ میلیون دلار کالا صادر و به همین میزان کالاـ وارد کرده بود. در سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش و در یازده ماه آن میزان صادرات کشور حـدود ۹/۳۴۹ میلیون دلار بود که نسبت به سال قبل صـد در صـد افزایش یافته بود. در همین مدت واردات کشور بالغ بر ۸/۲۷۸ میلیون دلار بوده است. این رقم بـدون در نظر گرفتن میزان تجارت ترکمنسـتان با کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع، که بیشتر کالاهای صادراتی بوده، ذکر شده است.

در سال مذکور ترکمنسـتان ضـمن کاهش میزان تجارت خود با کشورهای مشترک المنافع بویژه روسیه، ازبکستان، قزاقستان و اوکراین، به دلیـل عـدم پرداخت بـدهی خـود به ترکمنسـتان، از ۴۲ کشـور جهـان کالاـ وارد و به ۳۷ کشور کالاـ صـادر کرده است.(۱) در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش میزان صادرات ترکمنستان بالغ بر ۱۰۰ دلار و واردات آن ۴۹۰ میلیون دلار بوده است.(۲)

۸ – ۳ روابط خارجی

اشاره

پس از کسب اسـتقلال، جمهوری ترکمنسـتان سـیاست درهـای باز را برگزیـد و روابط گوناگون را با کشورهای متعـدد برقرار کرد. در میـان شـرکای تجـاری و کشورهایی که روابط گسترده با ترکمنسـتان دارنـد، هنوز کشورهای جامعه مشترک المنافع، بخصوص روسـیه و جمهوریهای آسـیای مرکزی بالاترین و گسترده ترین سـطح روابط را با این سـرزمین دارند. وابستگی های عمیق اقتصـادی ناشـی از سیاسـتهای اقتصـادی دولت شوروی و عـدم آشـنایی رهبران کشور با سیاسـتهای بین المللی و تصـمیم گیریهای سیاسی به طور مستقل، علل اصلی این وابستگی ریشه ای می باشند.

ترکمنستان علاوه بر وابستگی سیاسی به روسیه از نظر اقتصادی نیز بیشترین تبادلات

۱- «افزایش صادرات ترکمنستان در مقایسه با واردات»، اقتصاد خراسان، س۲، ش۸۹، ۲۹بهمن ۱۳۷۳، ص۱۱.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۸۸.

تجاری را با این سرزمین دارد، به طوری که بیش از ۸/۸۲ درصد صادرات کشور به روسیه ارسال می شود و نزدیک به ۷/۶۱ درصد از نیازهای داخلی نیز از همین کشور تأمین می شود. شرایط اقتصادی به گونه ای است که ترکمنستان حتی با وجود بدهی عظیم روسیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی بابت فروش و صدور گاز و نفت، همچنان مبادلات تجاری خود را با این کشورها انجام می دهد. به طور مثال در سفر رئیس جمهور ترکمنستان به روسیه در سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش، موضوع بدهی نیم میلیارد دلاری این کشور به ترکمنستان فقط مورد بحث قرار گرفت بدون آن که به نتیجه گیری بینجامد. موضوع بدهی های کشورهای جامعه مستقل مشترک المنافع یکی از معضلات اقتصادی ترکمنستان است، زیرا این کشور به ناچار در قبال بدهی های خود، کالا-دریافت می کند واین امر در ذخیره ارزی کشور تأثیر گذاشته و برقراری روابط با سایر کشورها را با مشکل مواجه کرده است. به طور مثال اوکراین ۱۷۶ میلیون دلار بابت صدور گاز ترکمنستان به این کشور بدهکار است، و ترکمنستان به اجبار کالا در مقابل بستانکاری خود دریافت می کند.

ترکمنستان همچنین روابط گوناگون با بسیاری از کشورهای دیگر برقرار کرده است. مبادلات تجاری و سرمایه گذاریهای خارجی در این جمهوری آشکارترین شکل روابط اقتصادی است. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ترکمنستان ۱۵ منطقه تجاری ایجاد کرد که در آن شرکتهایی از امریکا، ایتالیا، انگلیس، هلند، آرژانتین، ترکیه و ایران شرکت داشتند.(۱)

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، حدود ۲۲۰ مؤسسه مشترک در زمینه های گوناگون اقتصادی با مشارکت کشورهای خارجی در حال فعالیت بودند، همچنین بیش از ۴۰۰ شرکت خارجی در کشور فعالیت داشتند. در میان کشورهای جهان ترکیه ۳/۲۰ درصد، ایران ۱۵ درصد و آمریکا و آلمان هریک ۷/۹ درصد، اسراییل ۲/۶درصد، ایتالیا ۳/۵ درصد واتریش ۴/۴ درصد از کل سرمایه گذاریهای خارجی در ترکمنستان را انجام داده بودند.(۲)

در بین کشورهای جهان ترکیه با هدف گسترش پان ترکیسم در آسیای مرکزی، اسرائیل با هدف اعلام موجودیت و جلب حمایت ترکمنستان، عربستان سعودی با نیت

۱- «نقش منابع د رتوسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی»، ص ۱۹۶ - ۱۹۷.

۲- «سرمایه گذاری صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، اقتصاد خراسان، سال۴، ش۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵، ص۱۲.

گسترش اسلام، امریکا با طرح افزایش نفوذ خود در این ناحیه و تمام این کشورها با هدف پنهان جلوگیری از نفوذ ایران و محدود کردن روابط دو کشور سعی در برقراری روابط دوستانه با ترکمنستان داشته اند.

این کشورها در لوای کمکهای اقتصادی و سرمایه گذاری، اهداف پنهان خود را که در واقع نفوذ فرهنگی است، دنبال می کنند. ترکیه با سرمایه گذاری فراوان در امور ساختمان

سازی و خدمات رفاهی، اسرائیل با اجرای طرحهای آبیاری و کشاورزی، عربستان سعودی در زمینه ساختمان سازی واحداث واحدهای صنعتی و امریکا با سرمایه گذاری در تأسیسات زیربنایی ترکمنستان، این جمهوری را از نظر کمبودهای سرمایه ای و فنی یاری می کنند.

کشورهای دیگر جهان نیز روابط اقتصادی با ترکمنستان برقرار کرده اند. هندوستان ۱۳ توافق نامه در زمینه های سرمایه گذاری، اهدای وام، صنعت گردشگری و موضوعات علمی و فنی با این سرزمین به امضا رسانده است. در سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش حجم گردش کالا بین دو کشور ۵/۸ میلیون دلار بوده است.

«ژاپن» در زمینه احداث خط لوله گاز ترکمنستان به چین و ژاپن و همچنین در پروژه های دیگر در زمینه احداث صنایع پتروشیمی، پالایشگاه و موارد مشابه در این کشور مشارکت دارد.

ایتالیا، ضمن همکاری در فعالیتهای مربوط به نفت و گاز، در زمینه های فرهنگی، بویژه بازسازی بناهای تاریخی کشور فعالانه مشارکت کرده است.

مشاهده می شود که بیشتر کشورهای جهان تمایل دارند در زمینه منابع سوخت که به وفور در این جمهوری ذخیره شده اند، سرمایه گذاری و مشارکت نمایند، امری که ایران نیز در آن تجربه و سابقه طولانی دارد.

۱ – ۸ – ۳ روابط با ایران

ترکمنستان جنوبی ترین کشور آسیای مرکزی، تنها سرزمینی است که با ایران هم مرز است. همین موقعیت جغرافیایی ترکمنستان امتیاز ویژه ای برای این کشور محسوب می شود زیرا دیگر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و قسمت غربی چین

با جهان خارج از روسیه در ارتباط هستند، در حالی که ترکمنستان ضمن دور بودن از روسیه، از طریق ایران می تواند با آبهای آزاد جهان، خاورمیانه، پاکستان و ترکیه رابطه

برقرار کند.

این ویژگی ممتاز ترکمنستان شرایط بهینه ای برای آن فراهم می کند، زیرا از یک سو خود می تواند به راحتی به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یابد و از سوی دیگر برای کشورهای دیگر آسیای مرکزی روزنه ای برای خروج از محصور بودن در خشکی و راهیابی به آبهای آزاد جهان، از مکانی نزدیک و با ثبات، به شمار آید. این مزیت جغرافیایی سبب گسترش روابط ترکمنستان با سایر کشورهای آسیای مرکزی به منظور بهره برداری از راههای ترانزیتی ایران شده است. همچنین روابط نزدیک و گسترده ای را میان ایران و ترکمنستان به دنبال داشته است.

وجود پیوندهای سیاسی وفرهنگی عمیق، ریشه دار و تاریخی میان ایران و ترکمنستان کنونی و وجوه مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور در طی قرون متمادی، علت دیگر روابط گسترده میان دو کشور است. در واقع ایران در ردیف نخستین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و به سرعت در برداشتن موانع ایجاد روابط نزدیک و دوستانه میان دو سرزمین کوشید.

دیدارهای مکرر رؤسای جمهور دو کشور، امضای بیش از ۱۰۵ موافقت نامه همکاری در زمینه های مختلف، افزایش حجم گردش کالا- میان دو کشور به میزان بیش از ۵۰ میلیون دلار در سال(۱)، مشارکت ایران در طرحهای مختلف زیربنایی ترکمنستان،

اتصال شبکه راههای زمینی و راه آهن دو کشور و گفتگوهای مکرر درباره دریای خزر و مسائل آن، شاهدی بر پیوندهای میان دو کشور در سالهای پس از استقلال است. از آن میان، زمینه های همکاری دوکشور پیرامون طرحهای آبرسانی، فاضلاب، احداث جاده ها، احداث سیلو، طرحهای مخابراتی، ایجاد خطوط آهن، احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این خط لوله انتقال گاز ۲۰۰ کیلومتر طول دارد که ۱۳۲ کیلومتر آن در داخل ترکمنستان است. خط لوله در ساحل دریای خزر و از ناحیه کوربه چه ترکمنستان تا کردکوی ایران امتداد دارد. با احداث این خط لوله تا پایان سال ۱۹۹۷م/۱۳۷۶ش، در

۱- اقتصاد خراسان، ش۱۶۱.

مرحله نخست سالانه ۵/۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به ایران منتقل می شود. ظرفیت این خط لوله تا ۸ میلیارد مترمکعب گاز در سال قابل افزایش است.(۱)

بـا تکمیـل این خـط لوله امکان انتقال گاز ترکمنسـتان به ترکیه واروپا نیز فراهم می شود که می توانـد سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب گـاز را به اروپا صادر کنـد. علی رغم امضای قرارداد این طرح، به دلیل کارشـکنی های امریکا، اجرای آن به تعویق افتاده است.

ترانزیت کالاـ دیگر فعالیت عمـده ایران است. بسـیاری از کالاهای ترکمنسـتان از طریق راههای زمینی و یا بنادر حاشـیه دریای خزر به ایران منتقل و سپس از طریق بندرعباس به

کشورهـای مقصـد حمـل می شود. اولین محموله ترانزیت ترکمنسـتان در سال ۱۳۷۲ از بندر ترکمن باشـی به بندر نوشـهر واز آنجا به بندر عباس حمل شد، تا توسط کشتی های ایران به چین برده شود.(۲)

خراسـان به دلیـل داشـتن مرز مشترک بـا ترکمنسـتان، پـل ارتبـاطی کشورمـان با این جمهوری است بنابراین بیشترین فعالیتهای اقتصادی و سیاسـی در این اسـتان متمرکز شده اند. پس از استقلال ترکمنستان، بلافاصله به ساکنان اطراف مرز اجازه داده شد، به

صورت گذرمرزی به دیدار بسـتگان خود بروند. ایجاد تشکیلات گمرگی در باجگیران، لطف آباد و سرخس بر سهولت رفت و آمدهای اقتصادی و سـیاحتی افزود. همزمان با آن سـفرهای سیاحتی اتباع دو کشور رونق یافت و درآمدهای ارزی زیادی را برای کشورمان و بویژه اسـتان خراسان به همراه آورد. برگزاری نمایشـگاههای متعدد بازرگانی در شهرهای ترکمنستان، اعلام خواهر خواندگی دو شهر مرو و مشهد وایجاد سرکنسولگری ترکمنستان در مشهد، توسعه روابط را سرعت بخشید.

به همراه توسـعه فعالیتهای اقتصادی، صدور کالاهای اسـتان واجرای پروژه های گوناگون توسط متخصـصان و سـرمایه گذاران ایرانی د رنقاط مختلف ترکمنسـتان، فعالیتهای فرهنگی اسـتان نیز توسـعه یافت. برقراری ارتباط فرهنگی میان دانشـگاه مشهد و دانشـگاه مختوم قلی، بازدیـدهای مکرر اساتیـد و دانشـجویان مراکز فوق از سـرزمینهای یکدیگر، تدریس زبان فارسـی توسـط اساتید دانشـگاه مشـهد در دانشـگاه مختوم قلی، تعمیر و بازسازی بناهای تاریخی ترکمنسـتان از سوی متخصصان و کارشناسان خراسانی و... نمونه هایی از روابط فرهنگی دو کشور است.

۱- «عملیـات احـداث خـط لوله انتقـال گـاز ترکمنسـتان به ایران در آینـده نزدیـک آغـاز می شود»، اقتصـاد خراسان، ش ۱۶۰، ۲۳تیر۱۳۷۵، ص ۱.

۲- «گاه شمار»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۳، دوره دوم، ش ۶، ص ۲۷۰.

افتتاح راه آهن مشهد - تجن، نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور بود و با پیوستن خط آهن آسیای مرکزی به اروپا و احیای جاده ابریشم، نقش خراسان، بُعد جهانی یافت و سرانجام اعلام سرخس به عنوان منطقه آزاد تجاری بر اهمیت اقتصادی استان، بویژه بخش شمالی آن افزود.

ص:۲۶۷

صفحه ۲۷۰ سفید

ص:۲۷۰

فصل ۵: سرزمین قرقیزستان

۱ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۱ موقعیت جغرافیایی

جمهوری قرقیزستان با مختصات جغرافیایی ۳۹ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۳ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۶۹ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۸۰ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی، ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

این سرزمین که در شرق آسیای مرکزی واقع است از شمال و شمال غربی به قزاقستان، از غرب به ازبکستان از جنوب و جنوب غربی به تاجیکستان و از شرق به چین محدود می شود (نقشه ۳۸).

۲ – ۱ ناهمواریها

قرقیزستان سرزمینی ناهموار و پوشیده از کوه و تپه است. حدود ۷۰درصد از مساحت کشور را کوهها، تپه ها و دره های کوهستانی تشکیل می دهند. کوههای تیان شان و پامیر مهمترین رشته کوههای قرقیزستان و قله «پوبدی»(۱) (پیروزی) با ارتفاع ۷۴۴۰ متر

۱- Pobedy -

نقشه ۳۸

در شرق کشور و در مرز چین با قرقیزستان بلندترین نقطه کشور به شمار می آید (نقشه ۳۹).

کوههای تیان شان، به معنی کوههای آسمانی و الهی در زبان چینی، مهمترین بلندیهای قرقیزستان را تشکیل می دهند. این رشته کوه که در قوسی به درازای ۵/۲۴۱۳ کیلومتر امتداد یافته، رشته کوههای تالاس و قرقیز در شمال غربی، فرغانه در غرب، آلای و ترکستان د رجنوب غربی قرقیزستان را تشکیل داده است. در تیان شان یخچالهای فراوانی شکل گرفته اند، به طوری که در کوه خان تنگزی(۱) و اقع در شرق کشور دو یخچال به طول ۴/۷۰ کیلومتر وجود دارد. طول این یخچالها بیش از طول یخچالهای هیمالیا است. کوههای تیان شان گردنه های پر پیچ وخم فراوانی دارد به همین دلیل رفت وآمد در طول این رشته کوه بسیار مشکل است. رودهای بسیاری از

ص:۲۷۲

۱- irgnaT nahK -

نقشه ۳۹

ص:۲۷۳

کوههای تیان شان سرچشمه می گیرند، که «تالاس»(۱) چو و «نارین»(۲) مهمترین آنها

محسوب می شوند.

قرقیزستان یکی از نقاط زلزله خیز جهان است و زلزله های متعددی در آن رخ داده که شماری از آنها بیش از ۷ درجه ریشتر شدت داشته اند.

۳ – ۱ آب و هوا

تنوع مناظر جغرافیایی و اشکال ناهمواریها، بویژه اختلاف ارتفاع زیاد، سب ایجاد انواع آب و هوا در مقیاس محلی شده است. ویژگی مشترک این آب و هواها خشک بودن آنهاست، اختلاف زیاد درجه حرارت بین شب و روز و فصول مختلف، هوای خشک و بارش زمستانی، شاخص ترین ویژگیهای اقلیمی قرقیزستان به شمار می روند.

در فصل سرد سال متوسط حداقل درجه حرارت در دره ها بین ۵/۱ - تا ۸ - و در کوهستانها ۲۷ - درجه سانتی گراد است. در همین زمان کمترین درجه حرارت هوا ۶/۵۳ درجه سانتی گراد زیر صفر ثبت شده است.

در تابستانها متوسط حداکثر درجه حرارت در دره ها بین ۲۰ تا ۲۷ و در ارتفاعات ۱۵ تا ۱۷ درجه سانتی گراد می باشد، حداکثر درجه حرارت در دره فرغانه با ۴۳ درجه سانتی گراد مشاهده شده است.

بادهای غربی و شمال غربی که از اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه سرچشمه می گیرد، منشأ اصلی بارشهای جوی قرقیزستان هستند. فصل بارندگی و میزان بارش در بخشهای مختلف کشور متفاوت است.

بیشترین میزان بارش در دامنه های رو به باد نازل می شود، به طوری که در دره فرغانه در دامنه های جنوب رو به باد میزان بارندگی تا ۱۰۰۰ میلی متر نیز ثبت شده است، در حالی که در دامنه های پشت به باد حداکثر بارندگی سالیانه ۲۰۰ میلی متر است. همین وضعیت در حوضه دریاچه ایسیک کول نیز حاکم است. در شرق حوضه که رو به باد است، متوسط بارش سالانه ۵۰۰ میلی متر و در غرب حوضه که دامنه های پشت به باد

۱- Talas -

۲- Naryn -

قرار دارند حداکثر بارندگی ۱۰۰ میلی متر است.(۱)

فصل بارش بهار است، اما ماههایی که بیشترین بارندگی را دارند در نقاط مختلف متغیر است. در دامنه های کم ارتفاع بیشتر بارش در ماههای فروردین واردیبهشت، در پیش کوهها در خرداد ماه و در حوضه های داخلی دریاچه ایسیک کول و کوههای تیان شان در تیرماه رخ می دهد.

ارتفاعات فراوان و بلند شکل گیری یخچال را سبب شده اند. گفته می شود حدود ۶۵۰۰ کیلومتر مربع از مساحت کشور را یخچالها پوشانیده اند. بیش از ۷۵ درصد از یخچالها در حوضه های رودخانه سیردریا و «تاریم»(۲) و بقیه در رأس قله کوهها قرار دارند. بزرگترین یخچال طبیعی این سرزمین با ۶۰ کیلومتر طول و ۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شرق کشور واقع است.

۴ – ۱ منابع آب

علی رغم عدم دسترسی قرقیزستان به آبهای آزاد، بارشهای جوی و ذوب تدریجی برفهای متراکم در قلل کوهها، سبب تشکیل و تغذیه تعداد بی شماری رود و حدود سه هزار دریاچه طبیعی در این سرزمین شده است. به همین سبب شبکه آبهای جاری قرقیزستان در فصل گرم سال، بویژه در ماههای تیر و مرداد، پر آب و طغیانی می شوند.

مهمترین رودخانه های قرقیزستان، سرشاخه های سیردریا هستند که از میان آنها به رودهای نارین و تالاس می توان اشاره کرد. رود چو دیگر رودخانه مهم قرقیزستان است. رودخانه های این سرزمین آب مورد نیاز کشور و همچنین نیروی برق آن را تأمین می کند. انرژی برق آبی قرقیزستان همچنین بخشی از برق ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان را فراهم می کند.

نارین، مهمترین رودخانه قرقیزستان از کوههای تیان شان در شرق کشور سرچشمه می گیرد و با جهت شرقی – غربی، به سوی دره فرغانه جاری می شود و پس از سیراب کردن این دره در خاک ازبکستان با چند رودخانه دیگر بهم می پیوندند و سیردریا را

۱- «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص ۳۷ – ۳۸.

۲- Tarim -

بوجود می آورند. نارین حدود ۷۵۶ کیلومتر طول دارد.

رود چو در شمال قرقیزستان جریان دارد و پس از طی مسافتی با جهت شرقی - غربی وارد قزاقستان می شود و به دریاچه ای کوچک می ریزد. طول این رودخانه حدود ۳/۱۱۲۶ کیلومتر است.

رودخانه «وخش» از کوههای جنوب قرقیزستان سرچشمه می گیرد و با جهت شمالی - جنوبی از جمهوری تاجیکستان عبور می کند و به همراه چند رود دیگر در مرز افغانستان و تاجیکستان آمودریا را به وجود می آورند.

دریاچه ایسیک کول، این دریاچه کوهستانی که چاله آن منشأ تکتونیکی و یخچالی دارد، در شمال شرقی کشور واقع است. ایسیک کول در ردیف بزرگترین دریاچه های کوهستانی جهان محسوب می شود و در اقتصاد قرقیزستان نقش مهمی دارد. جاذبه های گردشگری این دریاچه مشابه تمام دریاچه های دیگر قرقیزستان آن را یکی از مراکز تفریحی و جهانگردی قرقیزستان معرفی کرده است. حدود هشتاد رودخانه به این دریاچه می ریزند. اما حتی یک رود از آن منشعب نمی شود. بنابراین چون آبش جاری نیست، نمک زیاد دارد، این عامل به همراه وزش شدید بادهای زمستانی مانع انجماد آب آن می شود. نام ایسیک کول به معنی «دریاچه داغ» به همین علت به این دریاچه اطلاق شده است (نقشه ۴۰).

قرقیزستان دارای چشمه های آب معدنی فراوانی است که خواص درمانی دارند و در جذب مسافران نقش مهمی ایفا می کنند.

۲ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۲ پیشینه تاریخی

قرقیزها را قره قرقیز، قرقیز دقا آمنجی و بوریات نیز نامیده اند. قرقیزها همواره با چینی ها ارتباط داشته اند. به همین دلیل در اسناد قدیمی متعلق به چینی ها به این قوم

اشاره شده است. در میان اسناد موجود، نخستین بار در قرن دوم قبل از میلاد نام این قوم

مشاهده می شود و قدیمی ترین سندی که در آن به نام قرقیز اشاره شده، سنگ نوشته ای

به زبـان اورخون، زبـان باسـتانی ترکی، متعلق به قرن هشـتم میلادی است. در آن زمان قرقیزها در قسـمت علیای رودخانه «ینی سی»(۱) ساکن بودند. به همین دلیل گاهی هم آنها را ینی سی قرقیز می گفتند.(۲)

نقشه ۴۰

پس از آن که امپراتوری «هون»، متحد قرقیزها، سـقوط کرد، آنان دولت «حاقاس» را تشـکیل دادند و با تشکیل دولت «گوگ تورک» حمایت آنها را پذیرفتنـد. در قرن هشـتم میلادی به یاری اویغورها، حکومت گوگ تورک را برچیدند و یک قرن بعد در سـال ۸۴۰م بر اویغورهـا شوریدنـد و زمینهـای میـان رودخـانه هـای ینی سـی و «اورخون»(۳) واقع در قسـمت شـمال غربی مغولسـتان را تصـرف کردند. قراختاییان در قرن دهم میلادی قرقیزها را به عقب راندند. شماری از قرقیزها به محدوده کوههای تیان شان یا همان محدوده کنونی قرقیزستان، مهاجرت کردند.

ص:۲۷۷

۱- yesyneY -

۲- اقوام مسلمان اتحاد شوروی،ص ۴۱۱؛ ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۲۲۴.

۳- nohkrU -

ظهور امپراتور مغول در قرن سیزدهم میلادی و تحرکات آنها سبب مهاجرت گروه دیگری از قرقیزها به قسمتهای جنوب وجنوب غربی شد. فرزندان چنگیز تمام ناحیه را تصرف کردند و سکونتگاه قرقیزها در قلمرو حکومت جغتای دومین فرزند چنگیز قرار گرفت.

در قرن چهاردهم قرقیزها حکومتی محلی زیر نظر حکومتی از خانهای مغول تشکیل دادند. آنها در اواسط قرن هفدهم میلادی برای مقابله با «کالمیک ها» با قزاقها متحد شدند اما شدت حملات کالمیک ها در سالهای ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵م/۱۰۶۲ تا ۱۰۶۴ش سبب گسستن اتحاد آنها و تصرف سرزمین قرقیزها شد. در طی حملات مکرر کالمیک ها(۱) شماری از قرقیزها به «کاشغر»، «یارکند» و «ختن» در ترکستان شرقی مهاجرت کردند. به دنبال شکست سنگین کالمیک ها از امپراتوری چین، گروهی از قرقیزها به زادگاه خود بازگشتند. در این هنگام قرقیزها تحت حاکمیت چین، حکومت خودمختار تشکیل دادند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی قلمرو قرقیزها در اختیار خانات خوقند قرار گرفت و به دنبال اجرای قوانین اسلامی، آنها پرداخت خراج را پذیرفتند. در سال ۱۸۷۶م/۱۲۵۵ش خانات خوقند تحت الحمایگی روسیه را قبول کردند. با الحاق ایالت فرغانه به قلمرو روسیه در سال ۱۸۷۴م/۱۲۵۳ش قرقیزها نیز به اجبار حاکمیت روسها را پذیرا شدند. روسها بلافاصله به قرقیزستان آمدند و در مدت ۱۴ سال تمام قلمرو آنها را تصرف کردند. پیامد اشغال قلمرو قرقیزها مهاجرت گسترده آنها به پامیر و افغانستان بود. حادثه ای که در سال ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش به دنبال درگیری میان قرقیزها و روسها برای مقابله با سربازگیری اجباری روسها، تکرار شد، اما این بار مهاجران به چین رفتند.

مخالفتهای قرقیزها با حاکمیت روسها پس از انقلاب سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش شدت بیشتری یافت و چندین سال ادامه یافت، اما سرانجام در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش نیروهای شوروی در قرقیزستان مستقر شدند. اگر چه در برخی نواحی بویژه د رجنوب قرقیزستان تا سال ۱۹۲۲م/۱۳۰۱ش درگیریها ادامه یافت.

در سال ۱۹۱۸م/۱۲۹۷ش با تشکیل جمهوری خود مختار ترکستان، قلمرو قرقیز نیز به عنوان بخشی از این جمهوری به شمار آمد. در سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش سرزمین

۱- کالمیک ها، یا قلموقها، قبیله ای از مغولان مغولستان غربی بودند که گروهی از آنها در جنوب سیبری و گروهی دیگر در زمینهای بین رودهای دن و ولگا سکونت داشتند.

قرقیزها از ترکستان جدا شد و نام ایالت خود مختار قره قرقیز بر آن نهاده شد. این ایالت در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش به جمهوری خودمختار قرقیز و یک سال بعد به جمهوری خودمختار قرقیزستان و سرانجام در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به جمهوری قرقیزستان تغییر نام داد.

با آغاز سیاست فضای باز سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی، تحولات سیاسی در قرقیزستان نیز آغاز شد، شورشهایی که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در شهر اوش رخ داد و پیامد آن درگیری میان آوارگان قرقیزی با ازبکهای بخش ازبک نشین شهر بود، زمینه مناسبی برای اتحاد مخالفان «ماسالیف» دبیر اول حزب کمونیست قرقیزستان فراهم کرد. رهبر مخالفان «اسوبالیف» بود که ماسالیف در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش او را از کار برکنار کرده بود. پس از انتخابات شورای عالی جدید جمهوری در سال ۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹ش، گروه نارین که همچنان از اعضای «حزب کمونیست» بودند در مجلس به عنوان یک گروه دموکراتیک تشکل یافته و با حمایت از روشنفکران و میانه روهای مسلمان بر اعتبار خود افزودند.

آنها تلاشهای ماسالیف را برای تصدی مقام ریاست جمهوری خنثی کردند و «عسگر آقایف» را که رئیس آکادمی علوم قرقیزستان بود، به عنوان اولین رئیس جمهور کشور انتخاب کردند و ماسالیف در منصب رئیس مجلس و دبیر اول حزب کمونیست باقی ماند.

اعلام استقلال قرقیزستان در ۳۱ اوت ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش سرآغاز مستقل شدن جمهوریهای آسیای مرکزی بود.

در انتخابات عمومی همان سال آقایف به سمت رئیس جمهور برگزیده شد. عسگر آقایف در هیأت حاکمه سابق قرقیزستان نقش چندانی نداشت. در واقع وی قبل از آن که شخصیتی سیاسی باشد چهره ای روشنفکر و علمی است و به همین دلیل برنامه های سیاسی وی نیز با مد نظر قرار دادن رعایت حقوق بشر و اجرای دموکراسی اجرا می شود. او با این شیوه ضمن جلب رضایت ساکنان قرقیزستان، سعی در برخورداری از حمایتهای سیاسی واقتصادی کشورهای غربی دارد.

ص:۲۷۹

۲ – ۲ احزاب و تشکیلات سیاسی

جمهوری قرقیزستان به عنوان یک کشور مستقل در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۲ش به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در همان سال ارتش ملی خود را نیز تشکیل داد.

در سالهای پس از استقلال فعالیتهای سیاسی تا حدودی در قرقیزستان آزاد شد و گروهها و احزاب سیاسی اعلام موجودیت کردند. آنچه محور گروه بندی ها قرار گرفته است، تعلقات قبیله ای و محله گرایی است تا افکار وایده های سیاسی. بر این اساس سه جهت گیری عمده در فعالیتهای سیاسی قرقیزستان مشاهده می شود:

– افراد ناحیه نارین زادگاه اسوبالیف رهبر سابق قرقیزستان و همچنین طرفداران عسگرآقایف.

– افراد ناحیه تالاس که ناحیه رهبر برکنار شده حزب کمونیست یعنی ماسالیف است.

– قرقیزهای اوش که شبکه حمایتی آنها با تشکیلات حزبی ازبکستان درهم آمیخته است.(۱)

احزاب سیاسی قرقیزستان نیز با توجه به همین گرایشهای محلی تشکیل شدند، گرچه برخی افکار سیاسی و اقتصادی خاص نیز در راستای فعالیتهای سیاسی آنها مدنظر است:

– حزب «ارکاین»، خواستار پیاده شدن سیستم اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی است.

– حزب «اتحاد ملی» که در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش پایه گذاری شد اساس فعالیت خود را بر محور ایجاد همبستگی و وحدت ملی در میان اقوام کشور قرار داده است.

حزب «اشار»، با هدف ایجاد سرزمینی برای تمام قرقیزها در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش تأسیس شد.

حزب «ایماقی»، در ناحیه اوش پایه گذاری شد و مهمترین شعار آن اختصاص دادن زمین به قرقیزهای ساکن اوش می باشد.

«جنبش دموکراتیک قرقیزستان»، در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش با هدف ایجاد هماهنگی و اتحاد میان گروههای دموکراتیک قرقیزستان پایه گذاری شد.

«جناح دموکراتیک قرقیز»، این تشکل سیاسی برپایه اعتقادات مذهبی شکل گرفته

۱– جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص۱۴۵.

و اعضای آن ضـمن محترم شـمردن تمام ادیان، تأکید بر اصول اسـلامی دارند. احیای مساجد و تمام مکانهای مذهبی در رأس فعالیتهای این گروه سیاسی که از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در ناحیه اوش شروع به فعالیت کردند، قرار دارد.

«عـدالت ازبـک»، این حزب در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش تأسـیس شـد و هـدف آن کسب خود مختـاری برای ازبکهای اوش و به کارگیری زبان ازبکی به عنوان زبان رسمی در ناحیه اوش است.

«سازمـان اسـلاوی»، که فعـالیت اصـلی آن حمـایت از اسـلاوهای سـاکن قرقیزسـتان است، «حزب حقیقت» که تشـکل سیاسـی دانشجویان قرقیزستان محسوب می شود و حزب کمونیست که پیشینه طولانی دارد، دیگر گروههای سیاسی قرقیزستان به شمار می آیند.

۳ – ۲ جمعیت

قرقیزسـتان سـرزمینی است که فقط وسـعت کمی از آن قابل سـکونت است و بیشتر قسـمتهای کشور را کوهسـتانهای مرتفع فرا گرفته انـد. بـا توجه به ویژگیهـای جغرافیـایی و وسـعت کشور، قرقیزسـتان در میـان جمهوریهای آسـیای مرکزی جمعیت نسـبتا متعادلی دارد (جدول ۱ – ۵).

جدول ۱ – ۵ جمعیت قرقیزستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۰ش(۱)

سال۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

جمعیت ۹۸۹۹۷۱۲۰۶۵۸۳۷۲۹۳۲۸۰۵۴۴۸۰۰۰

ارقام نشان می دهند که در طی ۶۵ سال جمعیت این کشور ۵/۴ برابر شده است. مقایسه میزان افزایش جمعیت در ۳۳ سال اول یعنی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش با ۳۳ سال بعدی تفاوت زیادی ندارد. در هر دو مقطع جمعیت بیش از دو برابر شـده. که در دوره دوم اندکی بیش از دوره اول بوده است. رقم رشد جمعیت در سالهای مذکور نیز مؤید همین موضوع است. (جدول ۲ – ۵)

۱– اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۴۱۷؛ «تحولات در آسیای مرکزی»، ص۲۱.

جدول ۲ – ۵ رشد جمعیت قرقیزستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۱م/ ۱۳۰۵ تا ۱۳۷۰ش (درصد)

دوره زمانی۱۹۵۹–۱۹۲۶م/۱۹۷۰–۱۹۵۹م۱۹۹۱–۱۹۷۰م۱۹۹۱–۱۹۲۶م/

۱۳۰۵–۱۳۳۸ش۱۳۴۹–۱۳۳۸ش ۱۳۷۰–۱۳۴۹ش ۱۳۷۰–۱۳۰۵ش

میزان رشد۲/۲۲/۳۲۳/۲ ۲/۲۲/۳۲۳/۲

مشاهده می شود رقم رشد جمعیت در دوره زمانی ۱۹۵۹–۱۹۲۶م/ ۱۳۳۸–۱۳۰۵ش از رقم رشد جمعیت در دوره زمانی ۱۹۹۱–۱۹۵۹م /۱۳۷۰–۱۳۳۸ش که ۴/۲ درصد است و تمام مدت ۶۵ سال که ۳/۲ درصد است، کمتر می باشد. وضعیت سیاسی و برنامه های اقتصادی دولت شوروی سابق پس از استقرار حکومت کمونیستی علت اصلی این رویکرد محسوب می شود.

همان طور که ذکر شد، جمعیت قرقیزستان در سطح محدودی از کشور متمرکزند، اگر به منظور مقایسه بهتر وضعیت جمعیتی قرقیزستان با کشورهای ناحیه و سایر کشورها میزان تراکم نسبی جمعیت را ملاک قرار دهیم، که همان تعداد جمعیت در هر کیلومترمربع است، (جدول ۳–۵)، مشاهده می شود قرقیزستان بالا-ترین رقم تراکم نسبی جمعیت در میان کشورهای آسیای مرکزی را دارد.

جدول ۳ – ۵ تراکم نسبی جمعیت قرقیزستان در سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ – ۱۳۷۰ش (نفر در کیلومتر مربع)

سال۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

تراکم۵۴/۱۰۸/۱۴۴/۲۲ ۵۴/۱۰۸/۱۴۴/۲۲

اگر چه مشاهده می شود ارقام مشابه کشورهای کم جمعیت جهان می باشد، اما با توجه به ویژگیهای طبیعی، به تراکم انبوه جمعیت در نواحی حاصلخیز بویژه در دره های نارین، چو و فرغانه پی می بریم. در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش تراکم بیولوژیک(۱) قرقیزستان ۷/۲۵ و تراکم نسبی آن ۷/۱۷ نفر بوده است.(۲)

از نظر ساختار سنی، قرقیزستان در میان کشورهای آسیای مرکزی، پس از قزاقستان،

۱– تراکم بیولوژیک رقمی است که نسبت جمعیت را به اراضی زیرکشت که به نحوی از انحا درکشاورزی مورد بهره برداری

قرار می گیرد، نشان می دهد.

۲- «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه»، ص۴۸.

از وضعیت متعادلتری برخوردار است و ۴/۳۷ از کل جمعیت کشور را افراد کمتر از ۱۵ سال تشکیل می دهند (جدول ۴ – ۵).

جدول ۴ – ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای

۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)(۱)

سال

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش

گروه سنی

کمتر از ۱۵ سال۴/۳۷۴/۳۷

۶۴ – ۱۵سال۴/۵۶۶/۵۷

۶۵ سال به بالا۶۵

ارقام جدول ۴ – ۵ نشان می دهد که در مدت ۱۰ سال درصد جمعیت زیر ۱۵ سال تغییری نکرده است درحالی که در همین مدت در تمام کشورهای آسیای مرکزی سهم این گروه سنی در کل جمعیت کاهش یافته است. هرچند این کاهش اندک و ناچیز بوده است.

آمار موجود نشان دهنده تغییر زیاد ترکیب جنسی جمعیت قرقیزستان در طول چند دهه اخیر است. در سالهای اولیه تسلط نظام کمونیستی براین سرزمین، مشابه تمام ناحیه تعداد مردان بر زنان فزونی داشت به طور یکه در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۳ نفر مرد در

قرقیزستان می زیستند. بتدریج این رقم تغییر یافت. در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش رقم مذکور ۱/۹۴ بود و در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش، ۲/۹۵ بود.(۲) به عبارت دیگر در این سالها تعداد زنان بر مردان برتری یافته است.

قرقیزها از زمانهای بسیار دور فعالیت اصلی اقتصادیشان کشاورزی، بویژه دامداری متحرک بوده است. به همین علت در نقاطی زندگی کرده اند که شرایط مساعدی برای تداوم فعالیت آنها فراهم بوده است. بنابراین فضاهای روستایی بر نقاط شهری ارجحیت یافته اند و تمرکز جمعیت در روستاها در قیاس با شهرها بسیار بالا می باشد. این وضعیت

با وجود تحولات زیادی که در نقاط شهری به وجود آمده، بخصوص در نیم قرن اخیر که با گسترش فعالیتهای غیر زراعی بر تعداد شهرها افزوده شده و شهرهای قدیمی توسعه و گسترش یافته اند، هنوز هم تغییر چندانی نکرده است (جدول ۵ – ۵).

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.
۲- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.

جدول ۵ – ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک روستایی و شهری در سالهای

۱۹۳۹ – ۱۹۸۵م/۱۳۱۸ – ۱۳۶۴ش (درصد)(۱)

سال۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

جمعیت روستایی ۸۱۶۶۶۳۹/۶۱

جمعیت شهری۱۹۳۴۳۷۱/۳۸

مشاهده می شود که در مدت ۴۶ سال جمعیت شهری قرقیزستان از ۵۱ کل جمعیت به۵۲ افزایش یافته است.

متخصصان علم جمعیت شناسی با استناد به نرخ زاد و ولد و میزان مرگ و میر که در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش به ترتیب ۴/۳۰ و ۲/۷ در هزار بوده و همچنین رشد طبیعی جمعیت در سال مذکور که رقم ۳/۲ درصد بوده است پیش بینی می کنند که مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت قرقیزستان ۳۰ سال است آنها همچنین براساس نرخ رشد مطلق جمعیت در دهه ۱۹۷۹ – ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ – ۱۳۶۸ش که رقم ۱/۱۹ درصد بوده است، میزان جمعیت این کشور را تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش برآورد کرده اند(۲) (جدول ۶ – ۵).

جدول ۶ – ۵ برآورد جمعیت قرقیزستان در سالهای

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش

سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش

جمعیت ۵۴۹۸۰۰۰۶۱۶۹۰۰۰۶۹۲۲۰۰۰

۴ – ۲ ترکیب قومی

بدیهی است که در قرقیزستان، قرقیزها گروه قومی حاکم باشند و سایر گروههای قومی نیز درصدی از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص دهند. حدود ۹۰درصد از جمعیت قرقیزها در این جمهوری سکونت دارند و بقیه آنها در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان، چین و افغانستان زندگی می کنند.

۱– «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۰۶؛ جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص۱۱۶؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۹۵.

۲- «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۴ - ۲۱۵.

در میان کشورهای آسیای مرکزی، قرقیزستان پس از قزاقستان دومین کشوری است که جمعیت اصلی کمترین درصد را در کل جمعیت کشور دارد. در واقع قرقیزها در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش حدود ۸/۶۶ درصد، در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش حدود ۹/۴۷ درصد و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش رقم ۵۲ درصد ازجمعیت کل کشور را تشکیل می دادند. روسها و ازبکها به ترتیب پس از قرقیزها بیشترین سهم را در جمعیت کشور دارند (جدول ۷ – ۵).

جدول ۷ – ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک گروههای قومی

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (درصد)(۱)

سال۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

گروه قومی۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

آلمانی۲/۳۹/۱۱/۰۹/۴–

ازبک۱۲۱۳/۱۱۱/۱۰۳/۱۱۶/۱

اوکراینی۳/۴۱/۶۱/۶۶/۵–

اویغور۰/۰۸/۰۸/۰۷/۹–

تاتار۲۲/۲۴/۰۷/۵–

روس۲۵۲۲/۲۹۹/۳۰۲/۱۱۲/۸

قرقیز۴۷۵۲/۴۳۹/۴۰۸/۶۶۵/۸

قزاق۰/۰۸/۰۱۸/۲–

سایر۴۱۳/۴۵/۵۵/۲۸

اوکراینی ها، تاتارها، آلمانیها، قزاقها و اویغورها از دیگر گروه قومی ساکن قرقیزستان به شمار می آیند.

ورود روسها به قرقیزستان براساس برنامه های طرح ریزی شده در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹م/۱۳۱۸ تا ۱۳۳۸ش انجام شد، به طوری که در سال ۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش حدود ۳۱ ازجمعیت قرقیزستان را روسها تشکیل می دادند.

آلمانیهای این کشور نیز بازماندگان آنهایی هستند که پس از انحلال جمهوری خودمختار آلمانی واقع در ساحل رودخانه ولگا، در سال ۱۹۴۱م/۱۳۲۰ش شماری از

۱- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۴۰۳؛ تحولات آسیای مرکزی، ص۲۱.

آنها به قرقیزستان مهاجرت کردند.(۱) در سالهای اخیر و بویژه پس از استقلال

قرقیزستان، شمار زیادی از روسها و تعدادی از آلمانیها، قرقیزستان را ترک کرده اند، به

همین دلیل سهم آنان در کل جمعیت قرقیزستان کاهش یافته است، لازم به ذکر است که نرخ پایین موالید در میان این دو گروه قومی در کاهش درصد جمعیت آنها بی تأثیر نبوده

است.

۵ – ۲ زبانهای رایج

زبان رسمی مردم قرقیزستان، قرقیزی است. زبان قرقیزی از گروه زبانهای ترکی مرکزی محسوب می شود و دارای سه گویش عمده شمالی، جنوب غربی وجنوب شرقی است که هر یک از گویشها نیز، گویشهای محلی متعددی دارند. در طی چند دهه اخیر از زبانهای فارسی، عربی و روسی واژه های بسیار وارد زبان قرقیزی شده است.

زبان روسی که سالها سعی می شد به عنوان زبان رسمی مردم به شمار آید، در حال حاضر به عنوان زبان دوم به کار می رود ولی هنوز در بسیاری از مراکز اداری، فرهنگی وعلمی از زبان روسی د رکنار زبان قرقیزی استفاده می شود. با وجود آن که بسیاری از مردم قرقیزستان با این زبان آشنایی کامل دارند اما در حفظ و حراست از زبان ملی و مادری خود سعی وافر کرده اند.

۶ – ۲ مذهب

در قرقیزستان اسلام و مسیحیت بیش از دیگر ادیان پیرو دارند. بیشتر مرم قرقیزستان مسلمان هستند، آنان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می باشند.

در قرن هشتم هجری بخشی از آسیای مرکزی ضمیمه حکومت مسلمانان بود و در همین زمان نفوذ اسلام در میان اقوام ناحیه بسیار سریع صورت گرفت، اما قرقیزها که به

دلیل شیوه زندگی قبیله ای و کوچ و نقل مکان دایمی و همچنین تسلط طولانی مدت اقوام غیرمسلمان برآنها، نتوانستند به طور مستمر با آیین واصول اسلام آشنا و با مبلغان اسلامی در تماس باشند، بسیار کم به اسلام گرویدند. آنها از اواسط قرن هفدهم میلادی

۱– بلگراد، گرولد، «ملتی با تاریخ و سرنوشت تلخ»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۵، ص۲۰۴.

در اثر تماس با دیگر ترکهای مسلمان، اسلام آوردند. در همین ایام با وجود آن که آشنایی آنها با اسلام اندک بود، در ادبیات حماسی خود از جنگ کالمیک ها به عنوان جنگ مسلمانان قرقیز با بوداییان کالمیک نام می برند.

در زمان حکومت خانات خوقند بر قلمرو قرقیزها، اسلام در میان آنها عمق بیشتری یافت و پیروان دین محمد صلی الله علیه و آله بیشتر شدند. نخستین روحانیون که برای تبلیغ اسلام به میان قرقیزها آمدند، از ازبکستان حرکت کرده بودند. پس از افزایش فعالیتهای مذهبی در میان تاتارها، روحانیون تاتار از ناحیه ولگا، جایگزین مبلغان ازبکستان شدند.

در میان فرقه های مختلف اسلامی، تصوف، بویژه «نقشبندیه»، در اشاعه و رواج اسلام در میان قرقیزها، نقش مهمی داشته است، و اکنون نیز در قرقیزستان، بویژه در میان روستاییان نفوذ زیادی دارد. سابقه تصوف به دوره نفوذ خرقه پوشان ترکستان باز می گردد. اما توسعه و نفوذ فزاینده آن با تبعید چچنی ها به این ناحیه پس از جنگ دوم

جهانی بیشتر شد.(۱)

مسلمانان که بیشترین بخش جمعیت قرقیزستان را تشکیل می دهند (جدول ۸-۵)، برای انجام دادن امور مذهبی یک اداره امور دینی دارند که تا پیش از استقلال کشور تحت نظر اداره امور دینی آسیای مرکزی در تاشکند فعالیت می کرد. پس از تشکیل جمهوری قرقیزستان این اداره نیز اعلام استقلال کرد و در بیشکک پایتخت کشور تأسیس شد و از آن زمان تحت نفوذ دولت قرار گرفت.

جدول ۸ - ۵ جمعیت قرقیزستان به تفکیک مذهب در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۲)

۱۹۲۶م/۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش

مسلمان۸۱۷۶۵۶۶۰۶۶

غیرمسلمان۱۹۲۴۴۴۰۳۴

۱- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی، ص۲۲۸.

۲- حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص۹۲.

ارقام جدول ۸-۵ نشان می دهد که در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش از تعداد مسلمانان کاسته شده است. حاکمیت نظام کمونیستی و نفی عقاید مذهبی به همراه ورود گسترده اقوام غیر بومی به ویژه روسها در این دوره زمانی سبب شد از یک سو مسلمانان به دلیل ترس از عواقب تأکید بر اصول اعتقادی خود، به شکل آشکار به مذهب خود اقرار ننمایند. و از سوی دیگر تعداد آنان در مقایسه با گروههای قومی اروپایی کاهش یابد. در نتیجه شمار آنها نسبت به سالهای قبل از دوره مذکور کاهشی چشمگیر نشان دهد، به طوری که از ۸۱درصد به ۵۶ درصد افت کند. اما از دهه شصت به بعد با افزایش تعداد مسلمانان خواه در اثر زاد و ولد زیاد و خواه در اثر عوامل دیگر

مجددا جمعیت مسلمانان رو به افزایش گذاشته است.

۷ – ۲ آموزش

در قرقیزستان آموزش عمومی در سه مقطع تحصیلی رایگان است. مقاطع آموزشی این کشور عبارتند از:

الف – پیش از مدرسه: این مراکز محل نگهداری کودکان از سن ۵/۱ تا ۷ سالگی است. برحسب سن بچه ها، این مراکز به سه نوع تقسیم می شوند. «یسلی» که محل نگهداری کودکان ۵/۱ تا ۳ سال است. «باغچه» که کودکان ۳ تا ۷ سال را می پذیرد و «یسلی باغچه» برای کودکان ۵/۱ تا ۷ ساله فعالیت می کند. این مراکز دولتی به شکل تمام

وقت یا نیمه وقت مشغول به کارند و زبان آموزش آنها، قرقیزی، روسی، ازبکی و یا دو زبانه است.

ب – مدارس: دوره آموزش در مدرسه ها ۱۱ سال است که ۹ سال آن اجباری است. این مراکز به سه مقطع مدارس ابتدایی از کلاس اول تا چهارم، مدرسه متوسطه ناکامل از کلاس پنجم تا نهم و مدرسه متوسطه کامل شامل کلاسهای دهم و یازدهم، تقسیم می شود. تدریس به یکی از زبانهای قرقیزی، روسی، ازبکی و تاجیکی انجام می شود. دانش آموزان در دوران تحصیل علاوه بر آموزش زبان مادری، یکی از زبانهای خارجی (انگلیسی، فرانسه، آلمانی) و زبان روسی برای مدرسه های قرقیزی و زبان قرقیزی برای مدارس روسی را فرا می گیرند.

سال تحصیلی ۳۴ هفته است که به چهار قسمت تقسیم می شود و چهار تعطیلی پس از هر دوره وجود دارد. این تعطیلات فصلی بوده و در طول سال حداقل ۳۰ روز است در پایان دوره چهارم، تعطیلات تابستانی به مدت حداقل ۸ هفته آغاز می شود.

ج – نظام دانشگاهی: مدت تحصیل در دانشگاههای قرقیزستان بین ۴ تا ۷ سال است و هر سال شامل دو ترم ۵ ماهه می باشد. حدود ۱۹ مؤسسه دولتی و ۴۷ مدرسه خصوصی و کالج در این کشور فعالیت می کنند که «دانشگاه ملی و دولتی قرقیزستان»، «دانشگاه فنی قرقیزستان» و «دانشگاه اوش» مهمترین آنها محسوب می شوند. دانشگاه دولتی قرقیزستان با ۶۰ سال سابقه فعالیت دارای ۱۴ بخش در زمینه های علوم طبیعی، علوم انسانی و علوم اقتصادی می باشد.(۱)

اخیرا و پس از استقلال این کشور یک بخش جدید تحت نام «دانشکده قرقیز – آمریکایی» با هزینه دولت آمریکا در دانشگاه قرقیزستان آغاز به کار کرده است و برای تأسیس بخشهای ترکی – قرقیز، آلمانی – قرقیز، ژاپنی – قرقیز و چینی – قرقیز نیز توافقهایی

با کشورهای ذینفع به عمل آمده است. بین «دانشگاه شهید بهشتی» ایران و دانشگاه دولتی قرقیزستان نیز مذاکراتی در همین زمینه انجام گرفته است.(۲)

۸ – ۲ رسانه های گروهی

قرقیزستان تا پیش از تسلط شوروی سابق بر آن، فاقد نشریه روزانه و یا دوره ای بود. اولین روزنامه قرقیز زبان به نام «کوهستان آزاد» در سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش در تاشکند به چاپ رسید و پس از آن بر تعداد نشریات کشور افزوده شد. از میان روزنامه های منتشره، روزنامه «معلم» که از سال ۱۹۵۳م/۱۳۳۲ش منتشر می شود و روزنامه «مدنیت قرقیزستان» بیش از همه شهرت دارند. مجله «بهداست» که از سال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش به چاپ می رسد و مجله «زنان قرقیز» که از سال ۱۹۵۱م/۱۳۳۰ش منتشر می شوند، در ردیف مهمترین مجلات قرقیزستان به شمار می روند.

ص:۲۸۹

۱– «سیستم آموزشی در جمهوری قرقیزستان» ،مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز،س۲، ش۳، ص۲۲۹ – ۲۳۲.

۲– «نظام دانشگاهی قرقیزستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۳، ص۲۹۷ – ۲۹۸.

۹ – ۲ تقسیمات کشوری

اشاره

جمهوری قرقیزستان از شش استان تشکیل شده است (جدول ۹–۵). این سرزمین که در سال ۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش سه شهر داشت، اکنون بیش از ۱۵ شهر دارد. مراکز استانها در ردیف مهمترین شهرهای کشور قرار دارند (نقشه ۴۱).

جدول ۹ – ۵ استانهای قرقیزستان و برخی از مشخصات مراکز آنها(۱)

مرکز استان

نام استاننام فاصله ازمرکزکشورجمعیت در سال

(کیلومتر)۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

(هزار نفر)

اوش اوش۳۰۱۲۱۳

ایسیک کول قراکول(پرژه والسک)۳۱۰۵۶

تالاس تالاس۲۱۰–

جلال آباد جلال آباد۲۵۶۵۹

چو بیشکک–۶۳۲

نارین نارین۲۰۳۲۶

۱ – ۹ – ۲ بیشکک

شهر بیشکک پایتخت جمهوری قرقیزستان در اصل قلعه ای بود که در محل خرابه کوگان به وسیله ازبکها ساخته شد. در آن سالهای جمعیت بیشکک بسیار اندک بود. ولی در سال ۱۹۱۳م/۱۲۸۲ش با ۳۵ هزار نفر جمعیت در زمره شهرهای کوچک قرار گرفت.(۲)

ص:۲۹۰

۱– ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص۸۳ و ۸۷؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای

بالتیک، ص۹۸.
۲- جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص۱۳۵.

نقشه ۴۱

ص:۲۹۱

در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش روسها آن را «فرونزه»(۱) نامیدنـد. فرونزه یکی از بنیانگذاران ارتش سـرخ و از شاگردان لنین و فاتح جنگهای داخلی و سرکوب کننده قیامهای داخلی بویژه قیام باسماچی بود. پس از استقلال جمهوری قرقیزستان پایتخت کشور، نام اصلی خود را باز یافت.

بیشـکک در فاصـله انـدکی از مرز قرقیزسـتان با قزاقسـتان در شـمال کشور، در کنار رود چو و در مجاورت کوههای تیان شان قرار دارد. کوههای تیان شان جنوب کشور را فرا گرفته انـد، بنابراین از طرف جنوب به شـمال جلگه شـیب داری گسترده شده است. در اطراف بیشکک مزارع، باغها، قشلاقها و روستاهای متعددی متمرکز شده اند. بیشکک در نزدیکی سرچشمه رودخانه چو واقع شده و بین ۷۵۰ تا ۹۰۰ متر از سـطح دریا ارتفاع دارد. رودخانه های «آلامدین» و «آلاآرچی» شهر را طی می کند واز آن خارج می شوند.

بیشکک، بزرگترین و پرجمعیت شهر کشور است (جدول ۱۰-۵). در مدتی که برنامه های اسکان اجباری روسها در قرقیزستان اجرا می شـد، بیشـکک پذیرای شـمار زیادی از روسـها بود، به طوری که سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹م/۱۲۹۸ تا ۱۳۱۸ش فقط ۳۵ درصد از جمعیت این شهر را قرقیزها تشکیل می دادند.

جدول ۱۰ - ۵ جمعیت بیشکک در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۱ش(۲)

۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش۱۳۷۱ش

جمعیت ۹۳۰۰۰۳۱۸۰۰۰۴۲۹۰۰۰۵۳۳۰۰۰۶۵۴۰۰۰

بیشکک مرکز فرهنگی و علمی قرقیزستان است. دانشگاه دولتی، فرهنگستان علوم، انستیتوهای پژوهشی و آموزشی، دبیرستانها و آموزشـگاههای تخصصـی و حرفه ای، مـوزه تاریـخ قرقیزسـتان، کتابخـانه عمومی چرنیشفسـکی بـا بیش از ۵/۳ میلیـون جلد کتاب، تأتر ملی و... در این شهر واقع شده اند. این شهر همچنین بزرگترین مرکز صنعتی جمهوری است. بسیاری از محصولات صنعتی در بیشکک تولید می شود. واحدهای

۱- Frunze -

۲- جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص۱۱۹؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

صنعتی آن شمار زیادی از کارگران صنعتی کشور را به کار گمارده است و بیشتر صنایع قرقیزستان در این شهر مستقر شده اند.

۲ – ۹ – ۲ اوش

شهر اوش در جنوب شرقی دره فرغانه(۱) واقع است. این شهر با ارتفاع متوسط ۱۰۰۰ متر از سه جهت با کوهها و تپه های بلند محصور شده است که از میان آنها «کوه سلیمان» در شرق آن شهرت تاریخی دارد.

شهر اوش سابقه طولانی دارد، نقاشیهایی که در کوه سلیمان بر روی تخته سنگها رسم شده متعلق به ۳ هزار سال قبل از میلاد تا قرن چهاردهم میلادی است. این شهر در ایام حکومت اسلامی نیز رونق بسیاری داشت، به طوری که در قرن چهارم هجری/ دهم میلادی سومین شهر فرغانه به شمار می رفت(۲). اکنون نیز اوش دومین شهر مهم قرقیزستان به شمار می آید و فعالیتهای کشاورزی آن به دلیل فراوانی آب و عبور چندین نهر از سرشاخه های سیردریا از اهمیت و رونق خاصی برخوردار است.

تخته سنگ مشهور به تخت سلیمان در غرب اوش یکی از مکانهای تاریخی و گردشگری شهر است. ضمن آن که موقعیت جغرافیایی خاص شهر آن را از نظر چشم اندازهای جغرافیایی در ردیف نقاط زیبا و دیدنی قرقیزستان قرار داده است. شهر «اوزگن» که در گذشته «اوزکند» نام داشت و در قرن پنجم هجری از نقاط مهم فرغانه وحتی آسیای مرکزی بود، اکنون در حد شمال شرقی اوش واقع است. اوزکند که مدتی پایتخت ناحیه بود و سکونتگاه امیران و صاحب منصبان ماوراءالنهر،(۳) اکنون گرچه

اهمیت گذشته خود را ندارد، اما آثار تاریخی بجا مانده یادآور دوران رونق و بزرگی آن

است.

۳ – ۹ – ۲ نارین

بر کناره رودخانه ای به همین نام واقع است و از دیگر شهرهای مهم قرقیزستان است. این شهر کوهستانی و مرتفع یکی از نقاط زیبای این سرزمین به شمار می آید و ضمن برخورداری از امتیازهای مرکزیت استان، به خاطر آن که یکی از مناطق آزاد تجاری

ص:۲۹۳

۱- ناحیه فرغانه که در واقع همان محدوده دره فرغانه است، یک واحد فرهنگی و قومی یک دست بود که پس از تقسیم شدن آن میان کشورهای قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان، ناحیه اوش آن که از قدیم سکونتگاه ازبکها بود، در قلمرو سیاسی قرقیزستان قرار گرفت و به دنبال آن گروهی از قرقیزها به آنجا مهاجرت کردند. ازدیاد جمعیت و کمبود اراضی قابل کشت زمینه اختلاف میان ازبکها و قرقیزها را فراهم نمود، به طوری که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش و در نتیجه درگیریها میان دو گروه

تعداد زیادی کشته و مجروح شدند (آیا آسیای مرکزی منفجر می شود»، ص۱۹۷.)
۲- آبیاری در ترکستان، ص۱۸۹ - ۱۹۰؛ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی،ص۵۰۹.
۳- آبیاری در ترکستان، ص۱۹۱.

است، از نظر تجاری نیز شرایط مساعدی دارد. از میان آثار تاریخی شهر و ناحیه نارین می توان به کاروانسرای تاش رباط اشاره کرد که متعلق به قرنهای دهم و یازدهم هجری است.

۴ – ۹ – ۲ جلال آباد

مرکز استانی به همین نام است. این شهر د رسال ۱۸۸۰م/۱۲۵۹ش بنا شده است. بنابراین قدمت چندانی ندارد. جلال آباد که در شمال شهر اوش و در نزدیکی آن قرار دارد، به دلیل دارا بودن چشمه های آب گرم فراوان و همچنین چشم اندازهای زیبا، یکی از نقاط تفریحی و گردشگری قرقیزستان محسوب می شود.

۳ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۳ کلیات

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اقتصاد قرقیزستان دولتی بود و سیاستهای اقتصادی در مسکو تعیین می شد. در آن ایام قرقیزستان یکی از فقیرترین جمهوریهای شوروی بود. وحتی در میان کشورهای آسیای مرکزی نیز همین وضعیت را داشت.

پس از استقلال رهبران کشور برای گسیختن پیوندهای پیشین، سیاست «شوک اقتصادی» را اتخاذ کردند و برای خصوصی کردن اقتصاد، فعالیتهای زیادی انجام دادند، که حاصل آن اُفت شدید اقتصادی وایجاد مشکلات متعدد و گوناگون بود.

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۴/۱۶ درصد کمتر از سال قبل و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش ۴/۱۳ درصد کمتر از سال پیش بود.

تولید صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۴/۲۶ درصد و در سال بعد ۲/۲۴ درصد افت نشان می دهد. تولید کل کشاورزی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۵درصد و در سال بعد از آن ۸ درصد کاهش داشته است.

در شش ماهه نخست سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، افت تولید اقتصادی ۸/۲۷درصد

نسبت به مدت مشابه سال قبل آن بوده که این کاهش در بخش صنعت ۸/۳۱ درصد بوده است.

قیمت کالاهای مصرفی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴م/۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ش حدود ۵/۲۶۸ برابر و قیمت مواد غذایی ۲۲۸ برابر شده است. در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش درآمد پولی مردم نسبت به سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ۷۲ برابر شده و هزینه های پولی آنها در همین مدت ۵/۵۸ برابر گردیده است.

دولت قرقیزستان برای بهبود وضعیت اقتصادی و جلوگیری از افت تولید فعالیتهای زیادی انجام داده است. این کشور در آسیای مرکزی نخستین مکانی بود که پول ملی خود به نام «صوم» را به جریان انداخت و برنامه هایی برای تثبیت اوضاع و رفع بحرا نها

تهیه کرد و از کشورهای متعدد برای سرمایه گذاری در قرقیزستان دعوت و استقبال کرد. اما به نظر می رسد شدت بحران داخلی مانع بزرگی برای کامیابی دولت در اجرای برنامه های خود و جلوگیری از رکود اقتصادی و افت تولید باشد و زندگی مردم غرق در مشکلات متعدد است.(۱)

۲ – ۳ کشاورزی

اشاره

کشاورزی در اقتصاد قرقیزستان نقش مهمی ایفا می کند. فعالیت اصلی گروه کثیری از مردم این سرزمین کشاورزی است. حاصلخیزی خاک و نور کافی از شرایط مساعد، و کمبود زمین و ناکافی بودن بارشهای جوی از محدودیت های این فعالیت مهم محسوب می شوند. در شرایط فعلی کمبود زمین مهمترین مشکل زارعان قرقیزستان است این امر از یک سو به علت کوهستانی بودن بخش وسیعی از کشور و کمی اراضی مسطح است و از سوی دیگر ناشی از اختلاف بر سر مالکیت زمینها می باشد.

شیوه معیشت قرقیزها از قدیم دامداری متحرک بود و بیشتر اوقات در کوهستانها به سر می بردند و فقط تعداد کمی از آنها از زمینهای زراعی بهره برداری می کردند. به مرور

زمان زمینهای مرغوب زراعی به مالکیت سایر گروههای قومی ساکن قرقیزستان درآمد. پس از استقلال این سرزمین موضوع مالکیت زمین مطرح شد و گروهی از مردم اراضی را اشغال کردند. پیامد اختلافاتی که به وجود آمد، مجلس قرقیزستان قانونی را تصویب

۱- «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص۱۱۴.

کرد که براساس آن زمین به قرقیزها تعلق داشت، اما رئیس جمهور برای جلوگیری از بروز نارضایتی در میان سایر ملیتهای قرقیزستان این قانون را وتو کرد و تصمیمات دیگری برای حل مسالمت آمیز مسأله زمین مطرح کرد.

۱ – ۲ – ۳ زراعت

زمینهای قابل کشت قرقیزستان ۱۶۱۰۰ هزار هکتار است که در اراضی هموار پای کوهها، دره های عمیق و فضاهای بین کوهی قرار دارند. زمینهای زیرکشت که فقط ۷ درصد وسعت کشور را تشکیل می دهند در دره های چو و تالاس در شمال کشور، اطراف دریاچه آیسیک کول در شمال شرقی و ناحیه اوش در جنوب قرار

دارند.

بیشتر زمینهای زیرکشت قرقیزستان به کشت آبی اختصاص یافته است، به طوری که در سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۵ش حدود ۴/۶۵ درصد از سطح زیر کشت کشور را زمینهای زیرکشت آبی تشکیل می دادند.

محصولات غذایی مهمترین تولید زراعی قرقیزستان است بیشتر اراضی در دره چو به کشت چغندر قند، در دره تالاس به کشت تنباکو، در اطراف دریاچه ایسیک کول به کشت گندم، در ناحیه اوش به کشت پنبه، یونجه، انگور و میوه و در سایر نقاط کشور به کشت غلات، نیشکر و میوه اختصاص یافته است.

میزان تولید غلات که مهمترین مادّه غذایی انسان و دام است، در مقایسه با سایر کشورهای ناحیه چندان زیاد نیست و فقط به میزان مصرف داخلی تولید می شود، در حالی که از نظر تولید حبوبات این کشور پس از ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی در مقام دوم قرار دارد.

میزان سطح زیرکشت پنبه نیز مشابه غلات، آن قدر کم است که قابل مقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی نمی باشد (جدول ۱۱ – ۵) و (جدول ۱۲ – ۵).

کشت خشخاش در اطراف ایسیک کول و برخی از جلگه های کوههای تیان شان رواج دارد. این گیاه که به منظور کاربری دارویی تولید می شود، در سالهای پس از استقلال برای تبدیل به مواد مخدر نیز مورد استفاده قرار گرفته و قرقیزستان را در خطر آلودگیهای

ص:۲۹۶

ناشی از مصرف و حمل و نقل آن به عنوان یک کالای قاچاق، قرار داده است.

جدول ۱۱ - ۵ سطح زیر کشت برخی از محصولات زراعی قرقیزستان در سالهای

۱۹۱۳ تا ۱۹۸۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۱)

سال۱۹۱۳م/۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۱م/۱۹۸۰م/۱۹۸۶م/

محصول۱۲۸۲ش۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۵۰ش۱۳۵۹ش۱۳۶۵ش

غلات۵۶۱/۵۹۳۶/۷۰۴/۷۷۷۴/۵۵۵۹/۵--

گندم۳۱۰/۳۳۹۷/۴۴۲۴/۴۴۹۶/۳۵۰۹/۷--

ذرت۳۳/۲۷۸/۴۰۳/۲۷۳/۳۱۲/۱--

حبوبات-۵۲۵/۵۵۲۶/۵۸۲۵/۵۹۳۸/۷۰۴۵/۷۷۷۹

گیاهان صنعتی۱۴۱/۱۳۲۲/۱۲۴۷/۱۱۳۲/۳۱۹/۱--

پنبه۲۸۳۲/۷۴۴/۷۱۹/۶۵۲/۶۴۲/۲۱۶/۶

چغندر قند-۴۵/۳۴۵/۲۰۸/۱۵۱/۵--

توتون-۱۴/۶۲/۵۱/۴۷/۹--

علوفه۵۰۳/۴۳۹۹/۲۰۴۱/۱۴۰۹/۴۰۷--

سیب زمینی۴۳/۲۷۳۱۹/۱۳۲۳۲/۱--

وتره بار

جدول ۱۲ - ۵ میزان تولید برخی از محصولات زراعی قرقیزستان

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)(۲)

محصولمیزان تولید (هزار تن)

انگور۲۶

پنبه۵۵

جو۵۵۰

ذرت۳۰۰

سیب زمینی۳۲۵

انواع سبزی۳۸۵

گندم۵۵۰

میوه۱۲۶

ص:۲۹۷

۱- آزموده، ابوالفضل، «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، بندر و دریا، ش۴۵ و ۴۶، ص۵۵.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۰۰.

۲ – ۲ – ۳ دامداری

سابقه طولانی مردم قرقیز در دامداری توأم با کوچهای فصلی، به همراه شرایط مساعد طبیعی، سبب رونق نگهداری و پرورش انواع دام شده است. وجود مراتع وسیع با علفهای بلند و آب وهوای معتدل و امکان استفاده از تفاله های چغندر قند که از کارخانه های تولید قند به دست می آید، شرایطی مناسب برای رشد وافزایش فرآورده های دامی فراهم می کند.

قرقیزستان از نظر تولید پشم و گوسفند در میان کشورهای ناحیه پس از قزاقستان قرار می گیرد. بیش از ۵۰درصد از گوشت مصرفی کشور از طریق گوسفندداری تأمین می شود. در نقاط کوهستانی پرورش گوسفند و بز فعالیت اصلی مردم و مهمترین منبع تولید درآمد به شمار می آید (جدول ۱۳–۵).

در سالهای اخیر دامداران قرقیزی برای بهبود کیفیت پشم و افزایش میزان گوشت گوسفند، اقدام به اصلاح نژاد دامها کرده اند و موفق شدند گوسفندانی با پشم نازک و لطیف و گوشت بیشتر به وجود آورند. در این فرایند، مراکز علمی کشاورزی نقش مهمی داشتند. اقداماتی مشابه برای تولید بیشتر گوشت و شیر گاو نیز به عمل آمده است.

جدول ۱۳ – ۵ تعداد دامهای قرقیزستان

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار رأس)(۱)

دام	تعداد
خوک	۲۰۰
گاو	۱۲۰۰
گوسفند و بز	۹۵۰۰

از زمانهای بسیار قدیم قرقیزها به پرورش اسب اهمیت می دادند. اسبهای قرقیزی از نظر چالاکی و مقاومت در مقابل کم غذایی از اسبهای دیگر متمایز بودند. نیاز

فراوان به اسب برای حمل و نقل و کاربری آنها در کشت و زرع، پرورش و نگهداری آنها را رونق بخشیده بود. با رونق حمل و نقل جاده ای، اسکان عشایر قرقیز و به کارگیری ماشین آلات در امور کشاورزی، نیاز به پرورش اسب کاهش یافت، در نتیجه از تعداد

ص:۲۹۸

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۱۰۰.

اسبها کاسته شد. با وجود این هنوز در نقاط کوهستانی اسب به عنوان مهمترین وسیله حمل ونقل بویژه در فعالیتهای زراعی مورد استفاده قرار می گیرد. در دهه ۱۹۸۰م حدود ۳۰۰ هزار رأس اسب در قرقیزستان وجود داشت.(۱) در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش رقم آن به ۳۱۵ هزار رأس افزایش یافت.(۲)

۳ – ۳ منابع معدنی

قرقیزستان با ارزش ترین کانیها را دارد. حدود شصت نوع مواد کانی در این کشور کشف شده است. تولید برخی از آنها مانند جیوه، آنتیموان، زغال سنگ واورانیوم به حدی است که قرقیزستان را در ردیف بزرگترین تولید کنندگان آسیایی قرار می دهد. در این کشور حتی معادنی وجود دارند که دارای چند نوع فلز هستند.

طلا، سرب، روی، مس و کانیهایی که در صنایع مصالح ساختمانی و مواد شیمیایی کاربرد دارند به همراه کانیهای ذکر شده مهمترین مواد معدنی قرقیزستان محسوب می شوند.

زغال سنگ از مهمترین مواد سوختی قرقیزستان است، میزان تولید این ماده در طی ۶۰ سال، تقریبا ۴ برابر شده است (جدول ۱۴–۵). حوزه های زغال سنگ در پای کوههای تیان شان متمرکزند و مهمترین آنها حوزه های سنترال نایا، کاتزی سای و کارابالتا

هستند.

جدول ۱۴ – ۵ میزان تولید زغال سنگ قرقیزستان در سالهای

۱۹۱۳ – ۱۹۹۲م/۱۲۹۲ – ۱۳۷۱ش (میلیون تن)(۳)

سال۱۹۱۳م/۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۱م/۱۹۸۰م/۱۹۹۲م/

۱۲۹۲ش۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش ۱۳۵۰ش۱۳۵۹ش ۱۳۷۱ش

میزان تولید۳/۳۴۹۹/۳۷۴/۱۵/۱۸۴/۱۴۷/۰۳

نفت و گاز در قرقیزستان در حوزه های کوچکی وجود دارند، به همین دلیل در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی میزان تولید نفت و گاز آن اندك می باشد و تمام آن در داخل کشور مصرف می شود (جدول ۱۵–۵).

۱– «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، ص۵۴.

۲– راهنمای کشورهای مستقل مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیك، ص۱۰۰.

۳– «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، ص۵۳؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان،ص ۵۳.

جدول ۱۵ – ۵ میزان تولید نفت و گاز قرقیزستان در سالهای

۱۹۱۳ – ۱۹۹۲م/۱۲۹۲ – ۱۳۷۱ش (۱)

۱۹۱۳م/۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۱م/۱۹۹۲م/

سال

۱۲۹۲ش۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش۱۳۵۰ش ۱۳۷۱ش

نفت–۲۴۷۴۴۶۴۲۹۲–

(به هزارتن)

گاز(به میلیون–––۴۱۳۸۳۶۸

مترمکعب)

در سالهای پس از استقلال میزان تولید محصولات نفتی کاهش یافته است بنابراین قرقیزستان برای رفع نیازهای داخلی محصولات نفتی را وارد می کند.

همچنان که ذکر شد در قرقیزستان مواد کانی ارزشمندی نهفته است، برخی از این مواد در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارند و برخی دیگر کمیاب می باشند. جیوه قرمز و اوسنا ۱۸۷ که از اهمیت اشتراتژیکی خاصی برخوردارند در قرقیزستان تولید می شوند، این دو ماده از نظر نظامی برای ساخت و تولید سلاحهای شیمیایی و هسته ای کاربرد زیادی دارد و گفته می شود که در پزشکی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. این دو کانی برای کشورهایی که سلاحهای هسته ای دارند بسیار اهمیت دارد و قیمت آن در حال حاضر (۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش) هرگرم بین ۵۰ الی ۵۵ میلیون دلار است. امتیاز استخراج این ماده مهم، که اگر پس از استخراج بلافاصله مورد استفاده قرار نگیرد، تغییر وضعیت می دهد و تشعشعات رادیو اکتیویته تولید می کند، به امریکاییها واگذار شده است.(۲)

با توجه به وفور منابع کانی در قرقیزستان، اگر این کشور بتواند با دورنگری در استخراج و تبدیل کانیها سرمایه گذاری کافی بکند در آینده نزدیکی از کشورهای مهم جهان خواهد بود.

۴ – ۳ صنایع

قرقیزستان دارای صنایع متعدد و مهمی است، به طوری که در میان کشورهای آسیای مرکزی به عنوان کشوری صنعتی شناخته می شود. مجتمع صنعتی ایسیک کول – چویسک

۱- راهنمـای کشورهای مسـتقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۰۰؛ «جمهوری قرقیزسـتان گنجینه فلزات گرانبها»، ص۵۳.

۲- «بازار آسیای مرکزی گرسنه است»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۳، ص۲۶۶-۲۶۷.

یکی از بزرگترین نواحی صنعتی آسیا به شمار می آید.

صنایع قرقیزستان حدود صد رشته دارد و تولیدات صنتعی آن به بسیاری از کشورهای جهان صادر می شود. بیشتر این صنایع متکی بر ذخایر معدنی هستند. صنعت تهیه فلزات رنگی که از سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش به بعد آغاز شد اکنون رشد بسیاری کرده است. مجتمع صنعتی ای که در جنوب کشور واقع است و در امر تصفیه و تولید فلزات فعال است توانسته است برای نخستین بار آنتیموان فلزی را به بازار عرضه کند. همچنین جیوه فلزی، محصولات سربی و انواع ترکیبات آنتیموان از تولیدات صنعت فلزکاری این کشور به شمار می آیند.

صنایع غذایی از شاخه های قدیمی صنعت قرقیزستان است، در چند دهه اخیر صنایع تولید مواد غذایی به ویژه تهیه گوشت و لبنیات، آرد و قند رشد زیادی کرده اند.

کارخانه تولید قند قرقیزستان در جلگه چویسک و در مجاورت مزارع چغندر احداث شده است. بخش عمده تولید قند و شکر این کارخانه که در آسیای مرکزی منحصر بفرد است به کشورهای ناحیه صادر می شود.

صنایع تولید البسه و کفش عمدةً در شهرهای بیشکک و «توکماک» مستقر شده اند، تولیدات این کارخانه ها الیاف پنبه ای، پارچه های نخی و ابریشمی، تولید چرم و کفش و

پشم است.

صنایع ماشین سازی و تولیدمصالح ساختمانی ازصنایع نسبتاجدید قرقیزستان به شمار می آیند. از محصولات آنها می توان به تولید انواع وسایل برقی، ماشین آلات کشاورزی، دستگاههای فلزبری، الکتروموتور، سیمان، مواد گچی، کاشی و... اشاره کرد. میزان تولید برخی از فراورده های صنعتی قرقیزستان در سالهای گذشته در (جدول ۱۶-۵) آمده است.

۵ – ۳ انرژی

انـدک بودن ذخایر نفت و گاز و وجود رودخانه های دایمی با آبدهی زیاد زمینه مساعد لازم برای تولید برق آبی فراهم کرده است. ذخایر بالقوه نیروی برق آبی در چند سال اخیر برق آبی زیادی تولید کرده که علاوه بر رفع نیازهای داخلی بخشی از آن نیز به

شبکه سراسری برق آسیای مرکزی منتقل می شود، به طوری که بخش جنوبی قزاقستان نیروی برق مورد نیازش را از طریق قرقیزستان تأمین می کند. از سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش برق تولیدی قرقیزستان به چین نیز صادر می شود.(۱)

جدول ۱۶ - ۵ میزان تولید برخی محصولات صنعتی قرقیزستان در سالهای

۱۹۴۰ تا ۱۹۸۹م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۸ش(۲)

سال ۱۹۴۰م/۱۹۵۰م/۱۹۶۰م/۱۹۷۱م/۱۹۸۹م/

نوع محصول۱۳۱۹ش۱۳۲۹ش۱۳۳۹ش ۱۳۵۰ش۱۳۳۸ش

ماشینهای کشاورزی(به میلیون روبل)-۴/۳۷/۱۱۱/۳۲-

اتومبیل (هزار دستگاه)---۱/۱۵-

انواع پرس (هزار دستگاه)--۲۱/۱۸-

ماشین لباسشوئی(هزاردستگاه)--۳/۱۱۱۴۰-

پارچه نخی(میلیون متر)۰۴/۰۴/۰۵/۱۸/۳۵-

پارچه پشمی (میلیون متر)۳/۰۳/۰۱/۱۸۱۵۰

پارچه ابریشمی (میلیون متر)۰۴/۰۱/۱۴/۵۸/۸-

انواع تریکو (میلیون عدد)۲/۰۶/۲۸/۷۱/۱۷۵/۲۰

کفش چرمی (میلیون جفت)۲/۰۷/۰۱/۳۹/۹۹/۱۱

قند و شکر (هزار تن)۵/۶۵۸/۸۰۷/۱۳۱۱/۱۷۱۵/۴۱

آجر ساختمانی(میلیون عدد)۶۰۷۸۳۸۸۵۹۱-

ورق آزبست سیمان (میلیون عدد)---۱۰۲-

نیروگاههای برق آبی آبشار آلامدین و نیروگاه برق اوبی اوج کورگان به همراه نیروگاه حرارتی شهر بیشکک سهم عمده تولید برق قرقیزستان را به عهده دارند. در قسمت پایین رودخانه نارین نیز یک مرکز تولید برق آبی بنا شده است که یکی از بزرگترین مراکز

تولید برق آبی در آسیای مرکزی است، برق تولیدی این مرکز نیز به شبکه سراسری منتقل می شود، ضمن آن که از ذخیره آبی سد آن برای آبیاری زمینهای کشاورزی استفاده می شود.

تولید انرژی الکتریسته قرقیزستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش معادل ۱۴۹۰۳ میلیون کیلووات ساعت بوده است.(۳)

ص:۳۰۲

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۰۱.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۰۱؛ «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها، ص۵۳.

۳- ویژگیهای جغرافیایی آسیای مرکزی و قزاقستان، ص۱۷۹.

۶ – ۳ شبکه حمل و نقل

در میان کشورهای آسیای مرکزی قرقیزستان تنها کشوری است که خطوط راه آهن در آن توسعه نیافته است. وضعیت دشوار ناهمواریها و کوهستانی بودن عامل اصلی عدم رونق این سیستم حمل و نقل بوده است. در شهرهای اوش و جلال آباد که در شرق کشور و در نزدیکی مرز قرار دارند و همچنین مرکز کشور، بیشکک، که در شمال و نزدیک قزاقستان واقع است، امتداد خطوط راه آهن ازبکستان و قزاقستان به آنها کشیده شده است، اما در داخل کشور و حتی د رمیان شهرهای مذکور ارتباط از طریق راه آهن وجود ندارد. در این سرزمین فقط ۲۷۰ کیلومتر خط آهن احداث شده است.

برخلاف خط آهن شبکه راههای جاده ای و ماشین رو نقش اصلی را در حمل و نقل به عهده دارند و نزدیک به ۹۰ درصد نقل و انتقال کالا و مسافر از طریق جاده (۱۹۱۰۰ کیلومتر راههای ماشین رو) انجام می شود.

در میان شهرهای قرقیزستان، ۲۳ شهر دارای فرودگاه هستند که ۱۴ شهر دارای تجهیزات فرودگاهی بهتر و بیشتری می باشند، از میان آنها فرودگاه بیشکک با نام «ماناس»، مجهزترین، بزرگترین و زیباترین فرودگاه کشور است که ارتباط هوایی قرقیزستان را با سایر کشورها برقرار می کند (نقشه ۴۲).

۷ – ۳ بازرگانی خارجی

مهمترین محصولات صادراتی قرقیزستان را مواد زراعی و دامی، نیروی برق، فلزات و تولیدات صنایع سبک و عمده ترین کالاهای وارداتی را نفت و گاز، مواد شیمیایی، برخی مواد غذایی و ماشین آلات تشکیل می دهند.

این سرزمین هنوز بیشتر کالاهای مورد نیاز خود را از جمهوریهای شوروی سابق وارد می کند و مازاد تولیدات خود را در اختیار آنها می گذارد. با گذشت زمان و توسعه

روابط تجاری، قرقیزستان با سایر کشورهای جهان نیز روابط بازرگانی گسترده ای برقرار کرده است. بدیهی است که در میان شرکای تجاری قرقیزستان، چین همسایه شرقی آن نقش مهمتری خواهد داشت، به طوری که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش بیش از ۶۰ درصد

نقشه ۴۲

ص:۳۰۴

از مراودات تجاری قرقیزستان با کشورهای خارج از جمهوریهای مستقل مشترك المنافع با چین صورت گرفته است. در سال مذکور قرقیزستان حدود ۱۰۰ میلیون دلار کالاـ صادر و ۱۰۶ میلیون دلار کالاـ وارد کرده است. امریکا، کشورهای اروپایی، ترکیه وایران نیز در

میان کشورهای جهان روابط اقتصادی گسترده تری با قرقیزستان دارند.

۸ – ۳ روابط خارجی

اشاره

پس از استقلال قرقیزستان، رهبران کشور برای راهیابی به جهان خارج و برقراری روابط گوناگون با کشورهای دیگر تلاش بسیاری کردند. بدیهی است که به سبب همجواری قرقیزستان با جمهوری خلق چین، نخستین ارتباط برون منطقه ای قرقیزستان با چین برقرار شد و رهبران دو کشور برای نیل به یک روابط پایدار وهمه جانبه دست به کار شدند. فعالیتهای اقتصادی وهمکاریهای تجاری نخستین زمینه مناسب برای گسترش روابط بود. در اوایل سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، میان چین و قرقیزستان ۷۵ مورد سرمایه گذاری مشترك وجود داشت.

قرقیزستان با حفظ روابط خود با جمهوریهای مستقل مشترك المنافع، تداوم روابط و گسترش با آن را در درجه دوم اهمیت نسبت به همسایه خود چین قرار داده است، به همین دلیل بود که پس از شکست اجلاس تاشکند در آغاز سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش با وجود ابراز علاقه تمام رهبران آسیای مرکزی به حفظ نظام پولی مبتنی بر روبل، قرقیزستان اولین کشوری بود که پول ملی خود را به نام صوم(۱) به بازار عرضه کرد.

در میان سایر کشورهای جهان، ترکیه، امریکا و کشورهای غربی بیش از همه در ایجاد روابط با این کشور فعال بوده اند. ترکیه ضمن برقراری روابط تجاری و سرمایه گذاری در صنایع پوشاك و چرم و ساختمان، فعالیتهای فرهنگی متعددی را با هدف احیای هویت ترکی در قرقیزستان انجام داده است. در حالی که غربیها، اهداف فرهنگی خود را به طور غیرمستقیم و در پوشش سرمایه گذاری های تجاری دنبال می کنند. در میان کشورهای جهان کانادا با ۱۸ درصد، امریکا، ژاپن و آلمان و کره هر یک

با ۹ درصد بیشترین سرمایه گذاری را در این کشور انجام داده اند.(۲)

۱– میرحیدر، دره، «تحلیل مکانی – فضایی از بحرانهای کنونی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۴، ص۱۲۵.
۲– «سرمایه گذاری صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص۱۲.

۱ – ۸ – ۳ روابط با ایران

بـا سـفر وزیر امور خارجه قرقیزسـتان به تهران، باب همکاریهای گوناگون بر روی دو کشور گشوده شـد. پس از آن سـفرهای متعـدد مسؤولاـن و مقامـات سیاسـی و اقتصـادی دو کشـور به تهران و بیشـکک، زمینه را برای بازدیـد رؤسـای جمهور ایران و قرقیزستان فراهم کرد. حاصل اجلاسها و جلسات متعدد امضای قراردادهای گوناگون بوده است.

روابـط میـان ایران و قرقیزسـتان بیشتر جنبه اقتصـادی دارد و تبادلاـت و توافقهـای سیاسـی کمتر مطرح شـده است، زیرا رهبری قرقیزسـتان با برخی از سیاسـتهای ایران همخوانی ندارد. رئیس جمهور قرقیزسـتان در سال ۱۳۷۱ ضـمن سفر به فلسطین اشغالی گشایش سفارت کشورش را در «تل اویو» اعلام کرد. این کشور همچنین به عضویت کنفرانس اسلامی در نیامده است.(۱)

قرقیزسـتان مایـل به گسترش روابـط بـا ایران است، نخست به دلیل بهره گیری از منافع حاصل از روابط اقتصادی با ایران و دوم جلب رضایت و حمایت مسلمانان آن کشور.

در توافقنـامه هایی که میان دو کشور امضا شـده است، به توسـعه جهانگردی، مبادله کالا، ایجاد دفترها و شـرکتهای بازرگانی، کارخانه های صنعتی، حمل و نقل کالا و مسافر

به صورت ترانزیت، حمل و نقل هوایی، وضع معافیت از مالیات و حقوق گمرکی به صورت متقابل توجه شده است.

۲ – ۸ – ۳ نقش خراسان در ارتباط ایران با قرقیزستان

اسـتان خراسان علاوه بر ارتباط هوایی از طریق مرزهای زمینی نیز به قرقیزسـتان راه دارد. به دلیل نزدیکی خراسان با قرقیزستان، این اسـتان به صورت پایگاه مهمی برای تبادلات اقتصادی میان دو کشور درآمده است و شـهر مشهد نیز به دلیل تنوع تولیدات و توان تجـاری بالاـ برای تجار و مسافران قرقیزی جاذبه زیادی دارد. گشایش کنسولگری قرقیزسـتان در مشـهد به همین منظور صورت گرفته است.

خراسـان بـه عنـوان یـک اسـتان مهـم کشورمـان روابـط گونـاگون بـا اسـتان اوش برقرار کرده است اسـتان اوش ضـمن آن که نزدیکترین ناحیه قرقیزسـتان به ایران است. در میان اسـتانهای قرقیزسـتان از موقعیت تجاری و کشاورزی برتری برخوردار است. بنابراین

۱- «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»، کیهان، ش۱۴۸۲۳، ۳ مرداد ۱۳۷۲.

مسؤولان و بازرگانان خراسانی و قرقیزی استان اوش با سفر به مشهد و اوش و بازدیداز واحدهای صنعتی و کشاورزی یکدیگر، قراردادهای همکاری را به امضا رساندند

در توافقنامه های میان واحدهای تولیدی استان خراسان و استان اوش صنعتگران و بازرگانان خراسانی در زمینه های ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی پنیر، فرآورده های گوشتی، کنسرو و کمپوت، مرغداری صنعتی، پشم شویی و دباغی، نایلون و ظروف پلاستیکی، صنایع چوبی، سنگبری، تولید آجر و موزائیك و تولید آبگرمکن می توانند به طور مستقل و یا به طور مشترك در استان اوش سرمایه گذاری کنند.

در زمینه فرهنگی نیز برقراری دوره های کوتاه مدت آموزش در زمینه های کاشت و برداشت مکانیزه گندم، ذرت، سیب زمینی، چغندر قند و علوفه، نوغانداری، مبارزه با آفات نباتی و همچنین ایجاد مزارع نمونه آموزشی و ترویجی، برپایی نمایشگاههای محصولات تولیدی استان، برپایی نمایشگاه عکس و نقاشی، برگزاری هفته فیلم ایران، مبادله گروههای موسیقی محلی و جابجایی مسافر از طریق راههای زمینی، هر هفته دو اتوبوس، بین مشهد و اوش مورد توجه قرار گرفته است و در همین جهت نخستین نمایشگاه تولیدات استان خراسان در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش در شهر اوش برپا شد.

ص:۳۰۷

صفحه ۳۱۰ سفید

ص:۳۱۰

فصل ۶: سرزمین قزاقستان

۱ – ویژگیهای طبیعی

۱ – ۱ موقعیت جغرافیایی

سرزمین قزاقستان با ۲۷۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت بزرگترین کشور آسیای مرکزی است. این جمهوری با مختصات جغرافیایی ۴۱ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۸۷ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی، درجهت شرقی – غربی گسترده است.

همسایگان قزاقستان در طرف شمال و غرب، کشور روسیه، در جنوب جمهوریهای ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و در سمت شرق جمهوری خلق چین هستند، همچنین قسمتی از مرز جنوبی کشور را در دریای خزر تشکیل می دهد (نقشه ۴۳).

۲ – ۱ ناهمواریها

در پهنه وسیع قزاقستان اشکال ژئومورفولوژی متعدد و متنوعی را می توان مشاهده کرد. رشته کوههای بلند، دشتهای استپی، بیابانها و جلگه های سرسبز چشم اندازها و مناظر جغرافیایی زیبا و متضادی را به وجود آورده اند. پست ترین نقطه کشور با ۱۳۲ متر

ارتفاع در شرق دریای مازندران واقع است و بلندترین مکان با ۵۰۰۰ متر ارتفاع

ص:۳۱۱

نقشه ۴۳

ص:۳۱۲

قله «خان تنگری» در جنوب شرقی کشور و در مرز قزاقستان با قرقیزستان قرار دارد.

ارتفاعات قزاقستان که سرچشمه تعداد زیادی از رودهای کشور به شمار می روند در ناحیه جنوب و جنوب شرقی و شمال غربی قرار دارند کوههای جنوب شرقی امتداد رشته کوههای آلتایی است وبلندترین اراضی کشور را تشکیل می دهند. در شمال غرب ادامه رشته کوههای اورال ارتفاعات «موگوجار»(۱) را به وجود آورده اند.

در بخش مرکزی قزاقستان فلات قزاق با کوههای «اولوتاو»، «قزل تاش»(۲) و «یرمن تاو»(۳) مشاهده می شود.

زمینهای پست جلگه ای، غرب و شمال و مرکز قزاقستان را تشکیل می دهند. جلگه ای که در قسمت غربی واقع است، با شیبی ملایم به سوی دو دریاچه آرال و خزر امتداد یافته است. فلات اوست اورت در حدفاصل میان این دو گودال قرار دارد. همچنین در قسمت شمال غربی این جلگه دو رودخانه اورال و ایمبا جریان دارند.

استپ زار قرقیز در بخش غربی کشور واقع است و قزاقستان را از سرزمین سیبری غربی جدا می کند این استپ زار خشک و کم آب، از سمت شرق به کوههای اورال واز سمت غرب به کوههای ولگا محدود می شود.

بیابان قزل قوم نیز مشابه جلگه ها و استپ زارها در زمره اراضی پست به شمار می آید. این بیابان که قسمت شمالی زمینهای حدفاصل دو رودخانه سیردریا وآمودریا را تشکیل می دهد، در پیشروی به سوی شمال بخشی از اراضی جنوب قزاقستان را فراگرفته و به نام بیابان «مویون قوم» شهرت یافته است. شنزار «بتپاق دالا»(۴) در شمال بیابان مویون قوم واقع شده است. بنابراین مشاهده می شود زمینهای با ارتفاع بیش از ۱۰۰۰ متر فقط محدود به چند ناحیه کوچک در شرق وجنوب شرق قزاقستان می شود و بقیه کشور را تپه های کم ارتفاع و دشتهای آبرفتی هموار فرا گرفته اند (نقشه ۴۴).

ص:۳۱۳

۱- rahxdoguM -

۲- hsaT lyzyK -

۳- uatnemreY -

۴- alaD kapteB -

نقشه ۴۴

۳ – ۱ آب و هوا

سه عامل دوری از اقیانوسها و آبهای آزاد، وسعت زیاد و کم عارضه بودن نقش مهمی در ایجاد اقلیم نسبتا خشک قزاقستان دارند. خشکی آب و هوا از سمت شمال به طرف جنوب شدت می یابد. به طوری که شدت سرما از شمال به جنوب کاهش می یابد و شدت گرما افزایش می یابد. به همین علت قسمتهای شمالی این جمهوری زمستانهای بسیار سرد و طولانی دارند.

درجه حرارت هوا در بخشهای شمالی کشور در ژانویه (دی ماه) که سردترین ماه سال است، به طور متوسط ۱۸ درجه سانتی گراد زیر صفر است. حداقل دمای ثبت شده

ص:۳۱۴

در همین زمان ۴۵ درجه سانتی گراد زیر صفر بوده است. همین بخش کشور در طول تابستان هوای معتدل دارد، به همین علت متوسط درجه حرارت ماه ژوئیه (یا تیر ماه) یعنی گرمترین ماه سال ۱۹ درجه سانتی گراد بالای صفر است.

در بخشهای جنوبی با وجود آن که در زمستانها گاهی اوقات به علت وزش بادهای شرقی ناشی از مرکز پرفشارسیبری درجه حرارت تا ۳۵ درجه زیر صفر کاهش می یابد، اما به طور معمول، متوسط درجه حرارت سردترین ماه سال ۳ درجه سانتی گراد زیر صفر است. این بخش قزاقستان دارای تابستانهای طولانی گرم و خشک بوده و متوسط درجه حرارت گرم ترین ماه سال در آن بین ۲۸ تا ۳۰ درجه سانتی گراد است.

میزان بارشهای جوی از جنوب به شمال افزایش می یابد، در بخشهای استپی شمال قزاقستان متوسط بارندگی سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر است در حالی که در نواحی خشک مرکز قزاقستان میزان بارش به ۲۰۰ میلی متر و در اطراف دریاچه بالخاش که خشک ترین ناحیه کشور است متوسط بارندگی تا ۱۰۰ میلی متر کاهش می یابد. بدیهی است که د رارتفاعات میزان نزولات جوی بیشتر است به طوری که در دامنه کوهستانها متوسط بارندگی تا ۴۰۰ میلی متر و رأس کوهها تا ۱۶۰۰ میلی متر نیز می رسد.(۱)

فصل بارش در بخشهای جنوبی قزاقستان زمستان و بهار و در قسمتهای شمالی فصل تابستان است. حرکت جریانهای غربی تابستانی به سوی قزاقستان علت اصلی ریزشهای تابستانی محسوب می شوند.

گفته می شود حدود ۲۷۰۰ یخچال طبیعی نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مربع از وسعت قزاقستان را پوشانیده اند. این یخچالها در شرق کشور و در ارتفاعات بالای کوههای تیان

شان و آلتایی قرار دارند.

۴ – ۱ منابع آب

بیش از ۷ هزار رود کوچک و بزرگ که بیشتر آنها به حوضه های داخلی می ریزند و تعدادی دریاچه منابع آب قزاقستان را تشکیل می دهند. در میان رودها سیردریا، چو، ایشیم، ایریتش، ایلی و اورال و از میان دریاچه ها خزر، آرال و بالخاش در تهیه آب مورد

نیاز کشور نقش مهمتری دارند.

ص:۳۱۵

۱- «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص۳۹ – ۴۰.

رودخـانه سـیردریا که از جنوب قزاقسـتان وارد این سـرزمین می شود، عریض ترین و پرآب ترین رودخانه کشور محسوب می شود. سیردریا پس از طی مسافتی درجنوب قزاقستان، که خشک ترین ناحیه کشور است، سرانجام به دریاچه آرال می ریزد.

رودخانه ایرتیش از کوههای آلتایی در چین سرچشـمه می گیرد و پس از طی مسافت کوتاه از شـرق قزاقسـتان وارد کشور می شود. ایریتش مسـافت زیادی با جهت شـرقی - غربی در قزاقسـتان طی می کنـد و سـپس از طرف شـمال قزاقسـتان وارد خاک روسیه می شود.

رود ایشـیم از اراضـی مرتفع اسـتپ شـمال قزاقسـتان سرچشـمه می گیرد، پس از طی مسافتی در جهت شـرقی - غربی به سوی شمال جریان می یابد و سرانجام وارد سرزمین روسیه می شود. بخش بزرگی از طول رودخانه ایشیم در قزاقستان جریان دارد.

رود اورال از کوههـای اورال سرچشـمه می گیرد و پس از ورود به قزاقسـتان از شـمال غرب آن، نـاحیه را سـیراب نمـوده و به سمت جنوب جاری می شود تا سرانجام به دریاچه مازندران می ریزد.

رودهای ساریسو و چو به همراه تعـدادی رودخانه دیگر و همچنین دریاچه های مازنـدران، بالخاش وآرال و شـماری دیگر که شرح آنها در فصل اول آمده است، دیگر منابع مهم آب قزاقستان هستند (نقشه ۴۵).

یخچالهای واقع در کوههای جنوب شرقی و شرق قزاقستان، بسیاری از رودهای شرق قزاقستان را تغذیه می کنند. مهمترین آنها عبارتنـد از «جونگا»(۱) «زایلی آلا»(۲)، آلتـای و آلاتـاو این یخچالهـا در میزان آبـدهی رودهـا، ایجـاد نیروی برق و تأمین آب شرب و آب مصرفی قزاقستان نقش مهمی دارند.

در قزاقستان حدود ۴۸ هزار دریاچه به وسعت تقریبی ۴۵ هزار کیلومتر مربع وجود دارد. این منـابع با وجود آن که بیشتر اوقات سال خشک می شوند ولی املاح رسوبی آنها در صنایع شیمیایی قزاقستان کاربرد بسیار دارند.

ص:۳۱۶

۱- aknuhC -

۲- ulA ilyaZ -

نقشه ۴۵

ص:۳۱۷

۵ – ۱ آلودگیهای محیط زیست

در زمان اتحاد جماهیر شوروی و تسلط روسها بر قزاقستان، این جمهوری به همراه «اوکراین» و «بیلوروسی»، تنها جمهوریهای دارای قدرت هسته ای و سلاحهای اتمی شوروی بودند. قزاقستان با توجه به ساختار مذهبی آن پس از پاکستان دومین کشور مسلمان دارای نیروی هسته ای در جهان بود.

سرزمین قزاقها همچنین محل انجام آزمایشهای اتمی و پایگاه ارسال فضاپیماهای شوروی بود. تداوم فعالیتهای مذکور سبب آلودگی فزاینده محیط زیست نواحی شد که محل فعالیتهای هسته ای و فضایی بودند.

شهر «اوسکمن» «(اوست کامنوگورسک)»(۱) که در سال ۱۹۴۹م/۱۳۲۸ش کارخانه فلزسازی «اُلبینسکی»(۲) در آن تأسیس شد. محل استخراج و آماده سازی فلزات مورد نیاز سلاحهای هسته ای است. این شهر در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م به سرعت رشد کرد و به عنوان یکی از مهمترین شهرهای هسته ای، از امکانات رفاهی و خدماتی فراوان، همراه با سطح زندگی بالا برخوردار شد. تداوم فعالیتهای هسته ای، سبب به هم خوردن تعادل اکولوژیکی و آلودگی محیط زیست شهر شد، به طوری که در دهه ۹۰ م شهر اوسکمن یکی از شهرهای مصیبت زده دنیا به شمار می رفت.(۳)

ناحیه سمی و «کاپوستین یار»(۴) در غرب قزاقستان محل انجام آزمایشهای اتمی و انفجارهای هسته ای اتحاد جماهیر شوروی بودند. این مکانها که در مدت ۴۰ سال تا زمان استقلال قزاقستان شاهد بیش از ۱۳۰ آزمایش و انفجار هسته ای بودند بتدریج با آلودگی شدید خاك وهوا و وجود مواد رادیواکتیویته، مواجه شدند. خسارات ناشی از آلودگیهای محیطی بحدی شدید بود که اخبار آن در سطح جهان به عنوان یکی از فجایع محیطی منعکس شد. پس از استقلال، انجام آزمایشهای اتمی در این مکانها تعطیل و ممنوع شد.

در زمان اعلام استقلال قزاقستان، این سرزمین دارای ۱۰۴ موشك بالستیکی

ص:۳۱۸

۱- Usmeken (Ust Kamenogorsk -

۲- Ulbinsky -

۳- لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه ای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال۵، دوره دوم، ش۱۴، ص ۲۲۷.

۴- Caupustin Yar -

قاره پیمای مجهز به حدود ۱۲۰۰ کلاهک هسته ای و ۴۰ هواپیمای بمب افکن سنگین از نوع تی یو ۱۹۵ م مجهز به ۳۲۰ موشک کروز، بود. از موشکهای بالستیکی قاره پیمای اس اس ۱۸ که هر کدام قادر به حمل ده کلاهک اتمی هستند، ۵۰ فروند در «ایمنی گاستلو»(۱) و ۵۰ فروند در «تنگیز توبا»(۲) مستقر بودند.(۳)

پس از استقلال، مقامات کشور با توجه به عوارض سوء وجود تجهیزات اتمی در کشورشان و پذیرش معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی و همچنین فشار کشورهای دارای نیروی اتمی، بویژه امریکا، تلاش بسیاری برای انهدام وانتقال تجهیزات هسته ای خود کردند. تا اواخر سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، قزاقستان ۴۴ فروند از ۱۰۴ موشک بالستیکی قاره پیمای خود را از کار انداخته بود و ۱۲ فروند از آنها را به روسیه منتقل

ساخته بود. و براساس توافق میان روسیه و قزاقستان قرار شد طی ۱۴ ماه بعدی تمام موشکها به روسیه منتقل شود و تمام پایگاههای پرتاب موشکها نیز طی ۳ سال منهدم شود، در اوایل ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش رئیس جمهور قزاقستان انهدام همه کلاهکهای ذخیره شده در زیر زمین در مرکز آزمایشهای اتمی در سمی وانتقال همه موشکهای قاره پیما را به روسیه اعلام کرد. لازم به ذکر است که دولت امریکا در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش و براساس قراردادی، حدود ۶۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده قابل تبدیل به سلاحهای هسته ای را از اوسکمن با هواپیما به امریکا منتقل کرد.(۴)

درباره پایگاه فضایی بایکونور، روسیه و قزاقستان توافق کردند که استفاده از پایگاه براساس توافق دو دولت باشد وهزینه نگهداری پایگاه نیز توسط دو کشور به نسبت ۹۴ درصد روسیه و ۶ درصد قزاقستان تأمین شود. همچنین طی توافق نامه ای با امریکا قرار شد از این پایگاه برای استفاده تجارتی و فرستادن ماهواره «ایمارست» استفاده شود.(۵)

گرچه اکنون اقداماتی برای حفظ محیط زیست انسان به عمل می آید، اما عوارض ناگوار ناشی از انجام صدها آزمایش اتمی در قزاقستان و از بین رفتن محیط زیست و جان انسانهای بیگناه و بیماریهای مادام العمر، تا سالیان دراز، از یاد نخواهد رفت.

ص:۳۱۹

۱- olletsaG inemI -

۲- abot zigneT -

۳- لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه ای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال۵، دوره دوم، ش۱۴، ص ۲۲۷.

۴- لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه ای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال۵، دوره دوم، ش۱۴، ص۲۱۶

۵- لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه ای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال۵، دوره دوم، ش۱۴، ص۲۲۵.

۲ – ویژگیهای اجتماعی

۱ – ۲ پیشینه تاریخی

قزاقها (۱) یکی از طایفه های ترک هستند که در آسیای مرکزی سکونت دارند. اسناد موجود نشان می دهند که این طایفه در اواخر قرن اول قبل از میلاد در محدوده قزاقستان

کنونی مستقر شدند. قزاقها به روش دامداری متحرک گذران زندگی می کردند و نظام قبیله ای بر روابط گوناگون آنها حاکم بود. تاپیش از ظهور اسلام آنان بخشی از خانات ترک

یا فدراسیون قبایل صحرانورد بودند. این خان نشین از اتحاد آزاد قبیله های ترک تشکیل

شده بود و تا قرن هشتم میلادی که اسلام در ماوراءالنهر مستقر شده بود، دوام یافت و قزاقها به عنوان همسایگان غیرمسلمان مرزهای شمال شرقی حکومت اسلامی محسوب می شدند.

در قرنهای دهم تا دوازدهم میلادی، قراخانیان بر بخشهای جنوبی قزاقستان حکومت می کردند. قراختاییان بساط حکمرانی آنها را برچیدند و خود بر ناحیه مسلط شدند. فرمانروایی کوتاه مدت قراختاییان با حمله مغولها به ناحیه در قرن سیزدهم میلادی به پایان رسید. «اوراد»، اولین نوه چنگیز مغول در اواسط قرن سیزدهم، در ناحیه

حد فاصل قسمت سفلای سیردریا و کوههای آلاتو، اردوی سفید را تشکیل داد و از آنجا به قزاقستان جنوبی حمله کرد و خیلی زود ناحیه را تصرف کرد.

با ظهور ازبکها، که آنها نیز ترک بودند، حاکمیت اردوی سفید به خطر افتاد. ازبکها ابتدا خوارزم را تصرف کردند و سپس قلمرو خود را آن قدر گسترش دادند تا اراضی حدفاصل رودهای سیردریا وایریتش را در اختیار گرفتند و در نتیجه از قدرت اردوی سفید کاسته شد. نبردهای متعدد میان ازبکها و اردوی سفید، مشکلات متعددی برای مردم به وجود آورد و گروهی از قزاقها به سوی «مغولستان» حرکت کردند. در سال ۱۴۶۵م/۸۴۴ش دو تن از رؤسای اردوی سفید به همراه خیل عظیم طرفداران آنها وارد مغولستان شدند. خان مغولستان که از نوادگان چنگیز بود، اراضی سواحل رودخانه های تالاس و چو در غرب مغولستان را در اختیار آنها قرار داد. این گروه بتدریج قدرت یافتند

وحکومتی تشکیل دادند که به نام خانات قزاق شهرت یافت. در اوایل قرن شانزدهم

ص:۳۲۰

۱- کلمه قزاق (Kazakh) با واژه قزاق (Cossack) که در فارسی به سربازان مهاجم روسی که در دوران قاجار گفته می شود، متفاوت است. زیرا اولی به اقوام ترک آسیای مرکزی و دومی به گروههای قومی روسی تبار سرحدات جنوبی روسیه که در شمال کوههای قفقاز ساکن بودند، گفته می شود. اینان به عنوان گروههای شورشی و هنگهای نظامی در فتوحات تزارها

در سراسر روسیه شرکت کرده و بعضا در نقاط فتح شده از جمله قسمتهایی از قزاقستان به صورت مهاجران روسی سکنا گزیده اند. (ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص۲۰۳ - ۲۰۴).

بسیاری از قبایل قزاق تحت حاکمیت «قاسم خان»، معروفترین امیر خانات قزاق، با یکدیگر متحد شدند و قلمرو خود را گسترش دادند. با مرگ قاسم خان، اختلاف و درگیری میان قبیله های قزاق دوباره آغاز شد. پس از یک قرن جنگ وجدال، قدرت قزاقها میان سه گروه تقسیم شد که عبارت بودند از، اردوی بزرگ (اولو) درجنوب قزاقستان، اردوی میانه (اورنا) در نواحی استپی مرکزی و اردوی کوچک (کنی) در زمینهای بین دریاچه آرال و دریای خزر.

مدت کوتاهی پس از این رخدادها، اویراتها یا کالمیک های زردپوست بودایی از مغولستان به قلمرو قزاقها هجوم بردند. نبرد بین قزاقها و کالمیک ها سالیان دراز طول

کشید، تاسرانجام امپراتوری «منچو» در چین کالمیک ها را در سال ۱۷۸۵م/۱۱۶۴ش تارومار کرد. قزاقها در زمان درگیری با کالمیک ها به دلیل اختلاف گروهی و عدم اتحاد،

نتوانستند با هجوم بیگانگان مقابله کنند، و برای دفاع از خود به فکر جلب حمایت نیروهای قوی افتادند. روسها که از قرن شانزدهم با قزاقها ارتباط برقرار کرده بودند،

برای این منظور مورد توجه قرار گرفتند. در ابتدا اردوی کوچک در سال ۱۷۲۱م/۱۱۰۰ش سپس اردوی میانه در سال ۱۷۴۰م/۱۱۱۹ش و سرانجام بخشی از اردوی بزرگ در سال ۱۷۴۲م/۱۱۲۱ش حمایت روسیه را پذیرفتند.

از این زمان سلطه روسها بر سرزمین وسیع قزاقستان آغاز شد و تا اواسط قرن نوزدهم به غیر از بخش شرقی که متعلق به امپراتوری منچو بود، سایر نقاط قزاقستان در اختیار روسها قرار گرفت. در این مدت برخی از قزاقها علیه سلطه روسها قیام کردند، که

از میان آنها شورش گروهی از قزاقها به رهبری «خان کنزاری کاظم اُف» مهمتر از بقیه بود. اما روسها که در ابتدا به بهانه حمایت از قزاقها به ناحیه وارد شده بودند به سرعت

قدرت یافتند و حکومتهای محلی را نیز برچیدند به طوری که خان اردوی میانه در سال ۱۸۲۲م/۱۲۰۱ش، خان اردوی کوچک در سال ۱۸۲۴م/۱۲۰۳ش و خان اردوی بزرگ در سال ۱۸۴۸م/۱۳۲۷ش از قدرت برکنار شدند و روسها با احداث پادگانی در «ورنوی» سابق یا آلماآتی کنونی در سال ۱۸۵۴م/۱۲۳۳ش حاکمیت خود را بر قزاقها قطعی ساختند.

با تسلط روسها بر قزاقستان، مهاجرت گسترده روسها به این کشور آغاز شد واین

رویکرد زمینه مساعدی را برای تسلط روسها بر کلیه امور کشور فراهم کرد. حاکمیت گسترده روسها، مخالفت مردم با نفوذ و قدرت آنها رابیشتر و آشکارتر کرد و شورشهای متعددی رخ داد که مهمترین آنها در سال ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش بود. در این شورش، مخالفان به رهبری «امان گلدی» در ظاهر به عنوان مخالفت با قانون سربازگیری اجباری و تبعیض بین سربازان روس و غیرروس و در واقع به علت مبارزه با حضور گسترده روسها در قزاقستان اقداماتی انجام دادند. این شورشها و مخالفت های دیگر از سوی روسها بشدت سرکوب شد.

با پیروزی بلشویکها در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش درگیری میان آنها و مخالفان، متشکل از ارتش سفید طرفدار تزار، نیروهای ملی گرای مخالف سلطه روسها، و نیروهای باسماچی رخ داد، اما بلشویکها با پیروزی بر تمام آنها در سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش حکومت کمونیستی را در قزاقستان پایه گذاری و جمهوری خودمختار قرقیز را در سرزمین کنونی قزاقستان ایجاد کردند.

پس از استیلای روسها، آنان برای حاکمیت بر ارکان مختلف قزاقستان وجلوگیری از شورشهای محلی اقداماتی انجام دادند که نتایج برخی از آنان بسیار نامطلوب بود. اسکان اجباری دامداران کوچرو، ضمن آن که موجب تلف شدن تعداد بیشماری از دامها شد، هلاکت گروه بسیاری از قزاقها را به دنبال داشت و مهاجرت اجباری بسیاری از آنان به کشورهای همجوار را باعث شد.

مهاجرت و اقامت اجباری گروههای قومی دیگر در قزاقستان در چند دهه ادامه یافت. در دهه ۱۹۴۰م/۱۳۲۰ش تعداد زیادی از آلمانی ها و سایر اقوام به قزاقستان تبعید

شدند، در دهه ۱۹۵۰م/۱۳۳۰ش با عنوان احیای اراضی بایر گروه کثیری از روسها به قزاقستان آورده شدند. حاصل این اعمال تغییر ترکیب قومی جمعیت قزاقستان بود به طوری که روسها بزرگترین درصد جمعیت را به خود اختصاص دادند و برخلاف طول تاریخ قزاقستان، روسها به جای قزاقها گروه قومی غالب شدند. همچنین سایر اقوام نیز سهم زیادی در کل جمعیت کشور داشتند. تعداد بیشمار روسها در قزاقستان یکی از عوامل مهم نفوذ روسیه در این کشور حتی پس از استقلال قزاقستان محسوب می شود.

پس از آن که روسها به اهداف سیاسی خود دست یافتند اقداماتی برای بهبود

وضعیت اقتصادی قزاقستان انجام دادند که حاصل آن توسعه اقتصادی قزاقستان، بویژه درمقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی، بود. روسها از این امر بهره برداری از منابع

و مواد اولیه قزاقستان را مد نظر داشتند، زیرا این کشور به عنوان مرکز تهیه مواد غذایی و مواد اولیه صنایع برای آسیای مرکزی و ناحیه اورال و اوکراین در نظر گرفته شده بود.

فعالیت روسها در قزاقستان گرچه در بهبود وضعیت اقتصادی این کشور مؤثر بود، اما در اذهان قزاقها، نارضایتی ناشی از اشغال کشور را از بین نبرد و سرانجام در سال ۱۹۷۸م/۱۳۵۷ش این نارضایتی آشکار شد، در این سال دانشجویان قزاق در آلماآتی تظاهراتی برپا کردند و درخواستهایی مبنی بر افزایش سهمیه قزاقها برای ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی مطرح نمودند. این رویکرد زمینه را برای بروز مخالفتها و تظاهرات دیگر مهیا کرد.

در سال ۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش، گورباچف بر مصدر قدرت نشست. وی که با مطرح کردن پروستریکا و گلاسنوست، تحولات عمیقی را در اتحاد شوروی ایجاد کرد. یک سال بعد، با عنوان مبارزه با فساد اداری «کونایف» را از رهبری قزاقستان برکنار و یک نفر روس را جانشین وی کرد. قزاقها با آن که از عملکرد کونایف ناراضی بودند، برای جلوگیری ازحاکمیت بیشتر روسها به طرفداری از او پرداختند، تا سرانجام در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش «نظربایف» که قزاق بود به دبیر اولی حزب کمونیست قزاقستان انتخاب شد. نظربایف برای جلب حمایت گروههای قومی ساکن قزاقستان اقدامات گوناگونی انجام داد و توانست در اجرای هدف خود موفق شود.

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش اتحاد شوروی فروپاشید و کشورهای منطقه مستقل شدند. در قزاقستان نیز در ماه اکتبر همین سال طرح استقلال کشور به تصویب شورای عالی قزاقستان رسید. در این طرح ضمن رعایت اصول مربوط به برقراری اقتصاد آزاد، در نظر گرفتن حقوق یکسان برای همه ساکنان قزاقستان وعدم الحاق اداره های دولتی و حزبی با یکدیگر، به قزاقها به عنوان اولین ملیت جمهوری حق حفظ میراث فرهنگی و به روسها حق استفاده از زبان روسی اعطا شد.

در دسامبر ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و نظربایف به مقام ریاست جمهوری دست یافت، در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش مجددا رأی گیری به

عمل آمد و نظربایف در مقام خود ابقا شد.

۲ – ۲ احزاب و تشکیلات سیاسی

فعالیتهای سیاسی در قزاقستان پس از روی کار آمدن نظربایف آغاز شد. او برای جلوگیری از تفرقه وایجاد اختلافات قومی و همچنین حفظ امنیت ملی تلاش بسیاری نمود. وی ضمن آن که قزاقستان را سرزمین قزاقها معرفی نمود با روشهای مختلف بر نفوذ خود میان اقوام گوناگون افزود و با احترام گذاشتن به عقاید و نظرات آنها، بر جلب

اعتماد آنان کوشید. نظربایف همچنین زمینه را برای انجام فعالیتهای سیاسی به شکل محدود مساعد کرد.

در تابستان ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش گروه «اتحاد دموکراتیک» فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد واندك زمانی بعد، طرح پیشنهادی خود را در مورد استقلال کشور منتشر نمود. که با تغییرات مختصری به تصویب شورای عالی قزاقستان رسید. شورای عالی کشور مشابه مجلس در کشورهای دیگر است و مهمترین ارگان تصمیم گیری قزاقستان محسوب می شود. این شورا ۱۷۷ نماینده از گروههای مختلف دارد و کمیته های متنوع آن مسائل قانونی را بررسی می کنند. بیانیه استقلال قزاقستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش و قانون اساسی کشور در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش از تصویب این شورا گذشت.

تعداد احزاب و فعالیت آنها در قزاقستان نیز مشابه سایر جمهوریهای آسیای مرکزی محدود است. سه حزب مهم کشور به نام «حزب سوسیالیست»، «کنگره مردمی قزاقستان» و «حزب وحدت خلق قزاقستان» مهمترین احزاب سیاسی قزاقستان به شمار می آیند. حزب سوسیالیست پس از انحلال حزب کمونیست تشکیل شد واکثر اعضای آن را روسها و قزاقهای غیرکمونیست طرفدار نظربایف تشکیل می دهند. کنگره مردمی قزاقستان که گرایشهای قومی دارد، در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش اعلام موجودیت کرد. رهبر حزب وحدت خلق قزاقستان که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش تأسیس شد، نورسلطان نظربایف است.

دو حزب «آلاش» و «آزادی» تمایلات ملی گرایانه دارند. حزب آلاش همچنین گرایش مذهبی نیز دارد. این دو حزب فعالیت قانونی دارند و اگر چه با اقدامات نظربایف، رئیس

جمهور، مخالفت آشکار و جدی نمی کنند، اما در نشریه های خود، از حاکمیت روسها بر بسیاری از مشاغل اظهارنارضایتی می کنند. «حزب جمهوریخواه» «حزب سوسیال دموکرات»، «اتحادیه کشاورزان»، «اتحادیه دموکراتیک شهروندان آزاد»، «جنبش اسلاوهای جمهوریخواه» و «حزب کمونیست» که در سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش مجددا به ثبت رسید، احزاب دیگر قزاقستان هستند.

۳ – ۲ جمعیت

قزاقستان از نظر تعداد مطلق جمعیت در میان کشورهای آسیای مرکزی پس از ازبکستان در رده دوم قرار دارد اما از نظر نسبت جمعیت به مساحت، کمترین جمعیت را دارد. آمار و ارقام نشان می دهند که جمعیت قزاقستان در مدت ۷۴ سال ۵/۲ برابر شده است (جدول ۱ – ۶).

جدول ۱ – ۶ جمعیت قزاقستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش(۱)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

جمعیت ۶۵۰۰۸۹۵۹۲۹۴۷۴۱۱۳۰۰۸۷۲۶۱۴۶۸۵۰۰۰۱۷۰۴۸۰۰۰

مشاهـده می شود در طی ۳۳ سال اول، فقط ۵۰ درصد به جمعیت قزاقستان اضافه شده است، در مقطع زمانی ۱۹۲۶ – ۱۹۵۹م/۱۳۰۵ – ۱۳۳۸ش به دلیل اجرای برنامه های سیاسی و اقتصادی دولت روسیه در قزاقستان، تعداد زیادی از قزاقها کشته شدند و شمار دیگری به سایر کشورها مهاجرت کردند. در ۳۳ سال دوم، جمعیت ۴/۸۳ درصد افزایش یافته است. رشد بیشتر جمعیت در این دوره ناشی از مهاجرت روسها به ناحیه و افزایش میزان موالید در میان قزاقها بوده است (جدول ۲ – ۶). مهاجرت گسترده روسها به ناحیه عامل اصلی افزایش میزان رشد جمعیت به رقم ۱/۳ درصد در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰م/۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ش است. کم شدن تعداد مهاجران به قزاقستان در کاهش میزان رشد جمعیت در سالهای بعد بی تأثیر نبوده است.

۱– اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۷۱؛ حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ص۱۰۷؛ نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲، ص۲۳.

جدول ۲ – ۶ رشد جمعیت قزاقستان در سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ – ۱۳۷۱ش (درصد)

۱۹۲۶–۱۹۵۹م/۱۹۷۰–۱۹۵۹م/۱۹۷۹–۱۹۷۰م/۱۹۹۲–۱۹۷۹م/۱۹۹۲–۱۹۵۹م/۱۹۹۲–۱۹۲۶م/

دوره زمانی۱۳۳۸–۱۳۰۵ش۱۳۴۹–۱۳۳۸ش۱۳۵۸–۱۳۴۹ش ۱۳۷۱–۱۳۵۸ش ۱۳۷۱–۱۳۳۸ش ۱۳۷۱–۱۳۰۵ش

میزان رشد۱۴/۱/۱۸/۱۱/۳۳/۱۱

میزان تراکم جمعیت در قزاقستان بسیار پایین است، کمی جمعیت و گستردگی کشور هر دو در این امر مؤثرند (جدول ۳ – ۶). با توجه به ویژگیهای جغرافیایی نسبتا مساعد قزاقستان، به ویژه در مقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی، به نظر می رسد که تراکم پایین جمعیت بیشتر ناشی از کمی جمعیت و عمدهً به علت کنترل زاد و ولد باشد. این وضعیت در میان روسها بیشتر رعایت می شود و چون روسها رقم بزرگی از جمعیت قزاقستان را تشکیل می دهند، در میزان جمعیت تأثیر می گذارند.

جدول ۳ – ۶ تراکم جمعیت قزاقستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (نفر در هر کیلومترمربع)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

میزان تراکم۶/۳/۵/۴۴/۳۸/۲۴/۴

جمعیت قزاقستان از نظر ترکیب سنی بسیار نزدیک به وضعیت کشورهای توسعه یافته است (جدول ۴ – ۶). ترکیب قومی قزاقستان نقش مهمی در ایجاد این حالت دارد. زیرا گروه کثیری از جمعیت را گروههای قومی غیرقزاق تشکیل می دهند، این اقوام میزان موالیدشان کم است. در حالی که قزاقها نسبت به آنها میزان زاد و ولدشان بیشتر است.

ارقام موجود نشان می دهند که در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش از کل جمعیت قزاقستان، ۷/۵۲ درصد جمعیت را مردان تشکیل می دادند و ۳/۴۷ را زنان. در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش مردان ۵/۴۹ درصد از کل جمعیت بودند،(۱) به عبارت دیگر در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تعداد مردان از زنان بیشتر بوده است، در حالی که در سال

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، ص۲۰۸.

۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش این وضعیت تغییر کرده و شمار زنان بر مردان فزونی یافته است. روند افزایش تعداد زنان نسبت به مردان تا زمان حاضر تداوم یافته است به طوری که در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش نسبت جنسی ۹۳ و در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ۹/۹۳ بوده است.(۱) یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن به ترتیب ۹۳ و ۹/۹۳ نفر مرد در قزاقستان می زیستند. قزاقستان از نظر ترکیب جنسی در میان جمهوریهای آسیای مرکزی نامتعادلترین وضعیت را داراست.

جدول ۴ - ۶ توزیع جمعیت قزاقستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای

۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)(۲)

سال

۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش

گروه سنی

کمتر از ۱۵سال ۳۱/۳۲۹/۷

۶۴ - ۱۵ سال ۶۲/۶۱۵/۲

۶۵ سال به بالا۵/۶۶/۱

از سالیان دور مهمترین شیوه گذران زندگی در میان قزاقها، دامداری بوده است، به همین دلیل آنها کمتر در نقاط شهری سکونت گزیده اند. در نتیجه مشاهده می شود که در سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش، ۷۲ درصد ازجمعیت قزاقستان در نقاط روستایی مستقر بودند، در حال حاضر نیز با وجود آن که بر جمعیت شهرنشین افزوده شده است (جدول ۵ - ۶) هنوز بیشتر قزاقها در نقاط روستایی ساکن هستند و نقاط شهری سکونتگاه سایر گروههای قومی، بویژه روسها و اروپاییهاست. بنابراین افزایش رقم شهرنشینان، بیش از آن که معلول شهرگرایی قزاقها باشد، ناشی از تعداد زیاد سایر گروههای قومی و میزان زاد و ولد بالای قزاقهای شهرنشین است.

همان طور که تمامی قزاقها در قزاقستان ساکن نبوده و شماری بسیار از آنان در سایر کشورها زندگی می کنند قزاقستان نیز سکونتگاه اقوام بسیاری است. اقامت تعدادی از اقوام در اثر مهاجرتهای اجباری بوده و گروهی دیگر به اختیار قزاقستان را برای سکونت

انتخاب کرده اند. روسها و سایر گروههای قومی اروپایی در زمره کسانی هستند که به

۱- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۳۶۹.

۲- «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.

دنبال مهاجرتهای اجباری اواسط قرن کنونی به ناحیه آمدند، خیل عظیم مهاجران، ضمن آن که سبب به هم خوردن خصوصیات جمعیتی قزاقستان شد، تحولات و اثراتی نیز در وضعیت اجتماعی واقتصادی کشور به دنبال داشت.

جدول ۵ - ۶ توزیع جمعیت شهری و روستایی قزاقستان در سالهای

۱۹۵۹ - ۱۹۹۲م/۱۳۳۸ - ۱۳۷۱ش (درصد)(۱)

سال

۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش ۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش

جمعیت

شهری۵۶۵۰۴۶۴۳

روستایی۴۴۵۰۵۴۵۷

در سالهای اخیر و بویژه پس از استقلال قزاقستان روند مهاجرتها جهت دیگری گرفت و برخلاف سالهای قبل، تعداد خارج شوندگان از کشور بیش از وارد شوندگان به آن بود. سکنه اروپایی قزاقستان بیش از سایر گروههای قومی این کشور را ترک کردند. به

طوری که در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش از رقم ۳۷۰ هزار نفری که قزاقستان را ترک کردند، ۱۵۰ هزار نفر آلمانی بودند. در همین سال ۲۰۰ هزار نفر و در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴م/۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ش به ترتیب ۲۲۱ و ۴۰۰ هزار روس نیز از قزاقستان خارج شده اند.(۲)

اوکراینی ها، لهستانی ها، یونانیها، یهودیها و شماری از قزاق ها از دیگر گروههای قومی بودند که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش از قزاقستان خارج شدند.(۳)

در چند سال اخیر گرچه تعداد زیادی از ساکنان قزاقستان، این کشور را ترک کرده اند، تعداد زیادی نیز به کشور وارد شده اند. در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش تعداد ۱۶۹ هزار نفر از روسهای تاجیکستان به قزاقستان آمدند.(۴) و براساس قراردادی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳م حدود ۶۰ هزار نفر در غالب ۱۲ هزار خانوار برای کار در مجتمع های کشت و صنعت از مغولستان به قزاقستان انتقال یافتند.(۵) به نظر می رسد با توجه به شرایط خاص قزاقستان در سالهای آتی نیز شاهد ورود و خروج گروههای جمعیتی باشیم.

جمعیت شناسان با توجه به ویژگیهای جمعیتی قزاقستان مدت زمان لازم برای دو

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۰۶؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۱۰۹.

۲- «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری»، ص۱۳؛ «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات منطقه ای»، ص۷۲.

۳- «سمینار بین المللی کار و مهاجرت». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش ۷، ص۲۰۴.

۴- «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات»، ص۷۲.

۵- «سمینار بین المللی کار ومهاجرت»، ص ۳۰۴.

برابر شـدن جمعیت را مشـخص کردنـد، آنها با اسـتناد به نرخ زاد و ولد که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش رقم ۴/۳۰ در هزار بود و میزان مرگ و میر کـه ۶/۷ در هزار بود و همچنین نرخ رشـد ۳/۲ درصـد جمعیت در همین سال و ۱/۱ درصد در دوره زمانی ۱۹۷۹ – ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ – ۱۳۶۸ش اظهار داشـتند، ۴۵ سـال زمـان لاـزم است تـا جمعیت این جمهـوری دوبرابر شود.(۱) آنان همچنین جمعیت قزاقستان را تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش تخمین زدند (جدول ۶ – ۶).

جدول ۶ – ۶ برآورد جمعیت قزاقستان در سالهای

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش(۲)

سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش ۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش

جمعیت ۱۹۴۴۶۰۰۰ ۲۰۹۹۰۰۰۰ ۲۲۶۵۶۰۰۰

۴ – ۲ ترکیب قومی

گفته می شود حدود ۱۰۰ گروه قومی در قزاقسـتان وجود دارند که در میان آنها قزاقها و روسها از نظر تعداد جمعیت در صدر قرار می گیرند (جدول ۷ – ۶).

مشاهـده می شود که در سالهـای ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تعـداد قزاقهـا که جمعیت بومی بودنـد، سه برابر تعـداد روسـها بوده، اما در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۹م/۱۳۳۸ تا ۱۳۵۸ش جمعیت آنها کمتر از روسها می شود و از سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش مجددا شمار قزاقها بر روسها فزونی گرفته است.

اوکراینی هـا و آلمـانی ها در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۴۹ش به ترتیب پس از روسـها و قزاقهـا دیگر گروه عمـده قومی بودند. در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش شمار آلمانیها بر اوکراینی ها پیشی گرفته است. این گروه که در سالهای دهه ۱۹۵۰م از ناحیه

ولگا به قزاقستان تبعید شدند، حدود ۶ درصد ازجمعیت قزاقستان را تشکیل می دهند.(۳)

بـدیهی است که مشـابه تمـام اقوام نـاحیه، قزاقهـا نیز در یک محـدوده سیاسـی مسـتقر نبوده و در سـطح ناحیه پراکنـده شدنـد. کشورهای ازبکستان و روسیه بیش از سایر جمهوریها پذیرای قزاقها بوده اند.

۱- «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۶.

۲- «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۵.

۳- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص۲۷۱؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص۲۱.

جدول ۷ – ۶ توزیع جمعیت قزاقستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای

۱۹۲۶ – ۱۹۸۹م/۱۳۰۵ – ۱۳۶۸ش (درصد)(۱)

سال

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

ملیّت۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

آلمانی۸/۰۱/۷۶/۶۱/۶۸/۵

ازبک۳/۳۵/۱۷/۱۸/۱۲

اوکراینی۲/۱۳۲/۸۲/۷۱/۶۴/۵

اویغور۲/۰۶/۰۹/۰۱–

تاتار۲/۱۱/۲۲/۲۱/۲–

روس۷/۱۹۷/۴۲۴/۴۲۸/۴۰۸/۳۷

قزاق۱/۵۷۳۰۶/۳۲۳۶۴۰

کره ای ۰۸/۰۶/۰۶/۰–

سایر۵/۴۷۸/۵۴/۵۹

جمع۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰۱۰۰

۵ – ۲ زبانهای رایج

مردم قزاقستان به زبان قزاقی تکلم می کنند. این زبان از گروه زبانهای ترکی مرکزی است و به دلیل آن که تنوع گویشی زیادی دارد، زبان شناسان آن را زبانی یکپارچه می دانند. واژگان زبان قزاقی ترکی است ولی به مرور زمان لغاتی از زبانهای عربی، فارسی، مغولی و روسی وارد آن شده است. همین وضعیت در نقاط مرزی رخ داده واز زبانهای کشورهای همسایه واژه هایی وارد زبان قزاقی شده است.

پس از تسلط روسها بر قزاقستان و مهاجرت گسترده آنها به این سرزمین، زبان روسی زبان رسمی قزاقستان اعلام شد و اقدامات متعدد و مداومی برای آموزش و فراگیری این زبان به عمل آمد، در مراکز اداری و آموزشی مکالمه به زبان روسی

اجباری شد. بنابراین

قزاقها به اجبار زبان روسی را فرا گرفتند، در حالی که روسها در یادگیری زبان قزاقی که

زبان دوم مردم قزاقستان معرفی شد اجباری نداشتند. این رویکرد موجب شد که اکثریت

ص:۳۳۰

۱- «ملتی با تاریخ و سرنوشتی تلخ»، ص۲۰۴.

مردم قزاقستان زبان روسی یاد گرفتند، به طوری که در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد قزاقها زبان روسی را زبان دوم خود می دانند، اما کمتر از یک درصد روسهای قزاقستان می توانند به زبان قزاقی سخن بگویند.(۱)

پس از فروپاشی شوروی سابق و اعلام استقلال قزاقستان، قزاقها حق استفاده از زبان مادری خود را به جای زبان روسی به دست آوردند و زبان قزاقی در قانون اساسی زبان رسمی و زبان روسی زبان دوم مردم قزاقستان شناخته شد.

۶ – ۲ مذهب

اسلام و مسیحیت آیین اعتقادی ساکنان قزاقستان محسوب می شوند. قزاقها مسلمان و گروههای قومی اروپایی پیرو آیین مسیح هستند. با وجود آن که مبلغان مسیحی برای جذب قزاقها تبلیغات زیادی انجام دادند، اما اکثریت قزاقها به اسلام روی آوردند و مسیحیان کنونی این جمهوری، مهاجرانی هستند که از اواخر قرن نوزدهم در آنجا ساکن شده اند.

آشنایی با اسلام و پذیرش اصول آن در جنوب و شمال قزاقستان متفاوت بوده است، اصولاً قزاقها بسیار دیر با اسلام آشنا شدند، مردم جنوب کشور که زودتر از سایر نقاط به اسلام گرویدند، در قرن سوم هجری با دنیای اسلام ارتباط پیدا کردند. مردم سایر نقاط این جمهوری عمدةً در قرن نوزدهم میلادی به اسلام روی آوردند. در این زمان، روحانیون تاتار در نقاط مختلف قزاقستان بویژه روستاها فعالیتهای زیادی انجام داده، و

اصول و عقاید اسلامی را در میان قزاقها رواج دادند.

قزاقها سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند و قبلاً در قلمرو مرکز روحانی آسیای میانه و قزاقستان قرار داشتند، اما پس از فروپاشی شوروی سابق، تشکیلات اسلامی مستقلی در قزاقستان پایه گذاری شد.

تصوف در قزاقستان طرفدارانی دارد. از قرن ششم هجری / سیزدهم میلادی عقاید این فرقه در میان قزاقها رواج یافت و بتدریج بر تعداد طرفداران آن افزوده شد. «احمد

یسوی» معروفترین صوفی ترک تبار، اهل «یاسی» یا «ترکستان» کنونی، در جنوب قزاقستان بود طرفداران وی در نشر و گسترش اصول اسلام در سراسر منطقه ترک زبان

ص:۳۳۱

۱- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص۲۱۵.

سعی وافری کردند، آرامگاه یاسوی در شهر ترکستان استان «قزاقستان جنوبی» یکی از مقدس ترین زیارتگاههای آسیای مرکزی است، تیمور در سال ۱۳۹۷م/۷۷۶ش مسجدی بر روی مزار وی بنا نهاد و پس از آن شماری از بزرگان و اشراف مسلمان قزاق در این مکان دفن شدند. آرامگاه یاسوی همواره پذیرای زایران بسیاری بوده است، حتی پس از سلطه روسها بر ناحیه.

فرقه یسویه قزاقستان پس از شکست قیام باسماچی در دهه ۱۹۲۰م/۱۳۹۹ش تشکیلاتی به نام ساچلوایشانلر (ایشانهای گیسو دراز) به وجود آوردند. این سازمان مخفی سیاسی، ضمن اعتقاد به جهاد، بابرگزاری جلسات قرائت قرآن، به زنده نگه داشتن اسلام همت گماشتند. مقامات اتحاد شوروی به اتهام خرابکاری، به شدت با طرفداران و اعضای این فرقه مقابله می کردند.(۱)

تا پیش از استقلال قزاقستان، شناخت قزاقهای مسلمان از اسلام سطحی بود و در انجام شعائر و احکام عملی چندان مقیّد نبودند، به طوری که اکثر نمازگزاران چند مسجد

قزاقستان را افراد کهن سال تشکیل می دادند.(۲) روسها نیز برای تضعیف عقاید اسلامی تلاش بسیاری کردند. آنها با انجام اعمال مذهبی به شدت مخالف بودند و مانع برگزاری مراسم مذهبی می شدند و به جای آن با تبلیغ سنتهای قومی سعی می کردند روحیه ملی گرایی را در میان قزاقها تقویت کنند، هدف نهایی آنها دور کردن قزاقها از هویت اسلامی واتحاد مذهبی بود. اما در آن سالها، اسلام به عنوان یک زنجیر ارتباطی مهم وعامل حفظ خصوصیات ملی قزاقها درآمد(۳) و فرهنگ قزاقی همراه با اعتقاد اسلامی

به مثابه ابزاری برای مقابله با هجوم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روسها و وسیله دفاع از

هویت و حیات قزاقها مطرح شد.(۴)

در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش از کل جمعیت قزاقستان ۴۳ درصد مسلمان بودند، در میان سایر مذاهب، مسیحیت بیشترین جمعیت غیرقزاق را دارا بود. گرچه شماری از قزاقها نیز مذهبی غیر از اسلام داشتند، اما مهاجران روسی، اوکراینی و آلمانی بیشترین

درصد جمعیت غیرمسلمان قزاقستان را تشکیل می دهند (جدول ۸ - ۶).

پس از فروپاشی شوروی و آزادی مردم در انجام عبادت، گرایش زیادی در میان مسلمانان قزاقستان برای انجام اعمال مذهبی به وجود آمد و تعدادی مسجد نیز

۱- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۲۱۷.

۲- «اتحادیه جوانان پیرو انبیاء»، ص۱۹۲ - ۱۹۳.

۳- رضوی، حسین و علی رحمانی، «شوک آلماآتا»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱، ش ۱، ص۲۲۶.

۴- ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص۲۱۷.

بازسازی و نوسازی شد، اما هنوز هم در میان مساجد قزاقستان «مسجد حضرت» در شهر ترکستان و در کنار مزار احمد یاسوی مهمترین مسجد این کشور محسوب می شود.

جدول ۸ – ۶ جمعیت مسلمان قزاقستان در سالهای

۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۱)

۱۹۲۶م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۷۹م/۱۹۹۲م/

سال

۱۳۰۵ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش۱۳۵۸ش ۱۳۷۱ش

مسلمان۶۵۵۳۳۵۴۱۴۳

غیر مسلمان۳۵۴۷۶۵۵۹۵۷

۷ – ۲ رسانه های گروهی

تـاپیش از اسـتقلال قزاقسـتان تمـام رسانه های گروهی در کنترل دولت بود، پس از کسب اسـتقلال همین وضـعیت ادامه یافت فقط در ارائه اخبار آزادی مختصری به وجود آمد.

نخستین روزنامه ای که به زبان قزاقی منتشـر شد «ولایت ترکستان» نام داشت. این روزنامه در سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۳م/۱۲۵۰ تا ۱۲۶۲ش به مدت ۱۲ سال به همراه روزنامه روسـی زبان «اخبار ترکسـتان» در تاشـکند منتشر می شد. در سال ۱۸۸۳م/۱۲۶۲ش روزنـامه اخبـار ترکسـتان به زبـان ازبکی و به صورت مسـتقل چاپ شـد، بنابراین تا سال ۱۸۸۸م/۱۲۶۷ش روزنـامه ای به زبان قزاقی وجود نداشت. در این سال روزنامه «ولایت استپ» به ضمیمه روزنامه «استپ قرقیز» در «اُمسک»(۲) منتشر شد که

چاپ آن فقط ۴ سال ادامه یافت.

نخستین روزنامه مستقل به زبان قزاقی در سال ۱۹۰۷م/۱۲۸۶ش با نام «قزاق» به چاپ رسید. اما فقط یک شماره آن بیرون آمد و از آن به بعد روزنامه های دیگری به زبان

قزاقی منتشـــر شدنـــد کـــه مشـــهورترین و مهمـــترین آنهـــا روزنـــامه قزاق بـــود، ایـــن روزنـــامه در فاصـــله سالهـــای ۱۹۱۳تا۱۹۱۸م/۱۲۹۲تا۱۲۹۷ش در شهر «اورنبورگ» به چاپ می رسید.

پس از انقلاب اکتبر و تسلط روسها بر قزاقستان، روزنامه «راه حقیقت» در سال

۱- حکومت مسکو و مساله مسلمانان، ص۹۲.

۲- ksmO -

۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش به زبان قزاقی منتشر شد. و در سالهای بعد نشریات دیگری منتشر

شدند به طوری که در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش از تعداد ۴۵۳ نشریه قزاقستان، ۱۶۰ نشریه به زبان قزاقی چاپ می شدند. سایر نشریات به زبانهای روسی، ازبکی، آلمانی و کره ای منتشر می شوند.(۱)

براساس اعلام وزارت مطبوعات قزاقستان در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش بیش از ۷۵۰ نشریه روزانه، هفتگی و ماهانه در قزاقستان به چاپ می رسد که مهمترین آنها عبارتند از:

«سوویتی قزاقستان»، ارگان شورای عالی جمهوری قزاقستان است که به دو زبان روسی و قزاقی منتشر می شود.

«قزاقستان پراودا»، مدت ۷۰ سال است به زبان روسی چاپ می شود.

«یگه مندی قزاقستان» نام جدید روزنامه «قزاقستان سوسیالیست» است، اولین شماره آن در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش منتشر شد وارگان شورای عالی و هیأت وزیران کشور می باشد.

«دویچه الگمانیه»: نشریه آلمانی زبان است که از سال ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش با نام «فروند شافت» منتشر می شد.

«هالیک کنزی»، از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش به چاپ می رسد و مطالب آن را اخبار پارلمان و اجلاسهای آن تشکیل می دهند.

«زاس آلاش»، این نشریه برای جوانان منتشر می شود مطالبی درباره توسعه اقتصادی و سیاسی به چاپ می رساند.

«ایمان» این ماهنامه اسلامی با اجازه رسمی دولت منتشر می شود و مدیر مسؤول آن مفتی بزرگ قزاقستان است.

«امامت»: ارگان جنبش «نورا سمی پالاتینسک» است و از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش هر هفته مطالبی درباره خلع سلاح و حفظ محیط زیست منتشر می کند.

نشریات «آلماتی اخشامی»، «آناتیلی» و «سوبات» دیگر نشریات مهم قزاقستان هستند. احزاب مخالف دولت نیز نشریاتی دارند که معمولاً ـ سیاستهای دولت را نقد و بررسی می کنند، «آزات»، «آلاش»، «آلاش اوردا» و «خل توکسان» در زمره نشریات حزبی هستند که دوره انتشار منظمی ندارند.(۲)

۱- «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۳۵۳.

۲- «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص ۳۵۷ - ۳۵۹.

روزنامه «نور» نخستین روزنامه اسلامی است که از اوایل سال ۱۹۹۷م/اواخر سال ۱۳۷۵ش هر هفته منتشر می شود و هدف آن تبلیغ اصول اسلام است. این روزنامه در ۸ صفحه به ضمیمه «قزل اوردا» به چاپ می رسد.

خبرگزاری «کازتاک» از سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش فعالیت خود را زیر نظارت دولت شروع کرد. کازتاک مهمترین خبرگزاری قزاقستان است واخبار بین المللی را از خبرگزاری «ایتارتاس» مسکو دریافت می کند، برای گسترش دامنه فعالیتهای خود، کازتاک با خبرگزاریهای «بی بی سی» و چین قراردادهایی بسته است. «کاراوان» «آسیاپرس» و «داناپرس» که با رادیو و تلویزیون قزاقستان همکاری دارند، خبرگزاریهای دیگر قزاقستان هستند. دامنه فعالیت این خبرگزاریها در مقایسه با کازتاک بسیار محدود است.

رادیوی قزاقستان دارای چهار فرستنده است، فرستنده اول برنامه های سراسری و فرستنده دوم برنامه های محلی را پخش می کنند. فرستنده سوم فقط برای آلماآتی و فرستنده چهارم برنامه های برون مرزی را تدارک می بیند.

تلویزیون قزاقستان نیز دو کانال دارد که به پخش برنامه های محلی و سراسری اقدام می کند. همچنین یک کانال تجارتی به نام K.T.K از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش روزانه ۸ ساعت برنامه پخش می کند. کانال خصوصی T.vin از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش از ساعت ۷ تا ۸ صبح اخبار و موزیک پخش می کند. ایستگاه رادیوی بی نهایت نیز توسط همین کانال اداره می شود. کانال خصوصی TAV.TN که برنامه های آن فقط در شهر آلماآتی و حومه آن دریافت می شود از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش برنامه هایی درباره امور مالی و تجاری و موضوعات تربیتی تهیه و پخش می کند.(۱)

رادیو و تلویزیون قزاقستان همچنین برنامه هایی به زبانهای قزاقی، روسی، آلمانی، کره ای و ایغوری نیز تهیه می کند.

۸ – ۲ تقسیمات کشوری

اشاره

جمهوری قزاقستان به ۱۹ استان تقسیم شده است (جدول ۹ – ۶). مراکز استانها مهمترین شهرهای قزاقستان محسوب می شوند که اکثر واحدهای مهم صنعتی کشور نیز در آنها مستقر است (نقشه ۴۶).

ص:۳۳۵

۱– «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص ۳۵۴ – ۳۵۵.

جدول ۹ - ۶ استانهای قزاقستان و برخی مشخصات مراکز آنها(۱)

مرکز استان

استاننامفاصله ازمرکزکشورجمعیت در سال

(کیلومتر)۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش

(به هزارنفر)

آیتراو(گوریف) آیتراو۱۹۹۷۱۴۹

آق مولا(تسلینوگراد) آق مولا۹۷۰۲۷۷

اکتیوبینسک آکتیوبینسک۱۶۸۹۲۵۳

آلماآتی آلماآتی-۱۱۲۸

پاولودار پاولودار۱۰۰۶۳۳۱

تالدی قرغان تالدی قرغان--

(تالای گورکان)

تورغای (تورگای) آرقالیق--

ژامبیل (جامبول) ژامبیل۴۵۵۳۰۷

ژزقازغان(جزقازغان) ژزقازغان--

سمی سمی۸۳۹۳۳۴

قراغاندی(کاراگاندا) قراغاندی۷۸۶۶۱۴

قزاقستان جنوبی چیمکنت۶۰۸۳۹۳

قزاقستان شرقی اوسکمن۸۶۳۳۲۴

(اوست کامنوگورسک)

قزاقستان شمالی پتروپاول۱۴۱۳۲۴۱

(پتروپاولوفسک)

قزاقستان غربی اورال(اورالسک)۲۱۱۰۲۰۰

قزل اوردا قزل اوردا۹۳۳۱۵۳

قستانای (کوستانای) قستانای۱۴۷۶۲۲۴

کوکچه تاو کوکچه تاو۱۲۴۵۱۳۷

منقشلاق (منگیستاو) آق تاو(شفچنکو)۲۰۷۱۱۵۹

بخش جنوبی سرزمین پهناور قزاقستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ بویژه دو استان قزاقستان جنوبی یا چیمکنت سابق و ژامبیل که در زمره نقاط تاریخی با قدمت

ص:۳۳۶

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۱۴ - ۱۱۵؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۷۵ - ۷۷ و ۸۷ و ۸۸.

نقشه ۴۶

ص:۳۳۷

سکونت طولانی هستند. دو ناحیه اخیر که مدت طولانی در قلمرو حکومت اسلامی بودند غنی ترین آثار دوران اسلامی قزاقستان را در خود جای داده اند. در طی چند دهه اخیر نقاط دیگری در این سرزمین اهمیت یافته اند، گرچه تاریخ سکونت درآنها چندان طولانی نیست.

۱ – ۸ – ۲ آلماآتی

پایتخت قزاقستان آلماآتا پس از استقلال به آلماآتی تبدیل شد که در هر دو شکل به معنی «پدر سیب» است. هسته اولیه شهر مذکور در سال ۱۸۴۵م/۱۲۲۴ش در محل واحه ای به نام «آلماآتو» شکل گرفت. آلماآتو که معنی درخت سیب را در زبان قزاقی دارد، در آن هنگام به علت واقع بودن در مسیر ارتباطی جاده ابریشم از موقعیت ممتازی برخوردار بود.

آلماآتی در ناحیه مرتفع جنوب شرقی قزاقستان و در دامنه کوههای آلاتاو قرار دارد وارتفاع متوسط آن ۷۰۰ متر می باشد.

شهر در طی زلزله سال ۱۹۱۰م/۱۲۸۹ش به کلی ویران شد و پس از بازسازی از ساختی نسبتا جدید با خیابان بندی منظم برخوردار شد. تمرکز فعالیتهای اداری، سیاسی، فرهنگی واقتصادی در آلماآتی زمینه مناسبی را برای تمرکز گسترده جمعیت فراهم کرد (جدول ۱۰ – ۶). به طوری که از نظر تعدادجمعیت اولین شهر قزاقستان و دومین شهر آسیای مرکزی محسوب می شود.

جدول ۱۰ – ۶ جمعیت آلماآتی در سالهای ۱۹۳۹ – ۱۹۹۱م/۱۳۱۸ – ۱۳۷۰ش(۱)

۱۹۳۹م/۱۹۵۹م/۱۹۷۰م/۱۹۸۱م/۱۹۹۱م/

سال

۱۳۱۸ش۱۳۳۸ش۱۳۴۹ش ۱۳۶۰ش ۱۳۷۰ش

جمعیت ۲۲۲۰۰۰۴۵۶۰۰۰۷۳۰۰۰۰۹۷۵۰۰۰۱۱۲۸۰۰۰

مهمترین و بزرگترین مراکز فرهنگی و اداری قزاقستان در آلماآتی مستقرند. همچنین کارخانه های متعددی بویژه در بخش صنایع غذایی و پوشاک نیز در این شهر تأسیس

۱– جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۸۷.

شده است. در کنار مکانهای دیدنی شهر، کلیسای قدیمی که دومین ساختمان چوبی بلند جهان بشمار می رود، از شهرت ویژه ای برخوردار است.

۲ – ۸ – ۲ قراغاندی (کاراگاندا)

این شهر در سال ۱۸۵۷م/۱۲۳۶ش تأسیس شد و پس از کشف حوضه های وسیع زغال سنگ در اطراف آن از اهمیت زیادی برخوردار شد و به عنون مهمترین مکان استخراج زغال سنگ مورد توجه قرار گرفت، به طوری که اکنون دومین شهر بزرگ قزاقستان محسوب می شود. فراوانی معادن زغال سنگ در این ناحیه سبب شده که یک نیروگاه حرارتی با سوخت زغال سنگ در آن احداث شود و شهر به دلیل فعالیتهای صنعتی مرکز حمل و نقل گستردهِ هوایی، راه آهن و جاده ای باشد. یکی از شاخه آبهای رودخانه ایشیم ضمن عبور از شمال شهر، آب زراعی زمینهای کشاورزی اطراف آن را تأمین می کند.

۳ – ۸ – ۲ سمی

این شهر که تا پیش از استقلال قزاقستان سمی پالاتینسک نام داشت در سال ۱۷۱۸م/ ۱۰۹۷ش به عنوان پاسگاه مرزی روسیه تأسیس شد. بعدها با توسعه و گسترش آن بر اهمیتش افزوه شد، به طوری که در قرن نوزدهم میلادی از نقاط عمده تجارت میان روسها، چینی ها، قزاقها و قرقیزها به شمار می آمد.

سمی که در شمال شرق قزاقستان، نزدیک مرز با روسیه واقع است و رودخانه ایریتش از وسط آن عبور می کند از سال ۱۹۴۹م/۱۳۲۸ش محل انجام آزمایشهای اتمی روسیه شد. در این سال اولین بمب اتمی و در سال ۱۹۵۳م/۱۳۳۲ش اولین بمب هیدروژنی شوروی در سمی منفجر شدند. آزمایشها وانفجارهای اتمی بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۳م/۱۳۲۵ تا ۱۳۴۲ش و انجام ۲۶۷ آزمایش اتمی، ۲۵ انفجار هسته ای در سطح زمین، ۸ آزمایش در ارتفاع بالا و ۹۱ آزمایش هوایی، سمی را به یکی از آلوده ترین

نقاط دنیا تبدیل کرد.(۱)

پخش مواد رادیوآکتیو سبب آلودگی شدید محیط در سطح وسیعی از ناحیه شد که

۱- «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه»، ص ۲۲۷.

بروز انواع سرطانها و بیماریهای روانی - عصبی آشکارترین جلوه آن بود. با استقلال قزاقستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش انجام آزمایشهای اتمی در قزاقستان ممنوع شد و پس از ۴۲ سال مکان آزمایشها در سمی بسته شد.

۴ - ۸ - ۲ چیمکنت

این شهر از قدیمی ترین نقاط مسکونی قزاقستان محسوب می شود. مقدسی آن را جموکت نوشته و شهری بزرگ و بسیار مستحکم دانسته که دارای مسجد جامع و بازارهای پر رونق می باشد.(۱) چیمکنت زمانی از مراکزعمده تجاری و محل رفت و آمد کاروانهای بزرگ بازرگانی بود. در سال ۱۸۶۴م/۱۲۴۳ش قلعه نظامی آن به تصرف روسها در آمد و از آن پس در قلمرو آنها قرار گرفت.

با احداث راه آهن، چیمکنت نیز در مسیر خط آهن ترکستان - سیبری قرار گرفت و صنایع بسیاری مانند کارخانه های پارچه بافی، داروسازی، تصفیه فلزات و مواد شیمیایی درآن احداث شد. چیمکنت که جنوبی ترین شهر مهم قزاقستان است در نزدیکی مرز این سرزمین با ازبکستان و در فاصله اندکی با تاشکند واقع است.

۵ - ۸ - ۲ ترکستان

این شهر در نزدیکی چیمکنت واقع است و همانند آن سابقه تاریخی طولانی دارد. گفته می شود مکانی که مقدسی با نام «شادغر» شرح داده، در واقع همان «یسی» [یاسی] و به عبارت دیگر ترکستان کنونی است. در وجه تسمیه آن آورده اند که این شهر به نام «حضرت ترکستان» یعنی شیخ احمد یسوی [یاسوی]که از اولیاء الله بود نامگذاری شده است.(۲)

نامبرده در اوایل قرن ششم در این شهر وفات یافت و در زمان امیرتیمور بر مزار او بارگاهی ساختند که حتی اکنون نیز مهمترین مکان مذهبی مسلمانان قزاقستان و زیارتگاه مردم آن دیار می باشد.

۱- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۵۱۶.

۲- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۵۱۷.

۶ – ۸ – ۲ آق مولا

این شهر که یکی از سرشاخه های رود ایشیم از میان آن عبور می کند، تقریبا در قسمت شمال ناحیه مرکزی قزاقستان واقع است. در سالهای پس از استقلال سیاستمداران قزاقی این مکان را به عنوان مرکز و پایتخت کشور معرفی کردند. زلزله خیز

بودن آلماآتی و دوری آن نسبت به بخش بزرگی از کشور علت اصلی این تغییر و تحول ذکر شده است. ضمن آن نزدیکی به مرزهای روسیه و نقاط روس نشین وجذب قزاقها در این شهر برای تغییر ترکیب قومی جمعیت در نقاط روس نشین شمالی در این انتخاب بی تأثیر نبوده است. قرار است آق مولا در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی رسما پایتخت کشور اعلام شود و از هم اکنون نیز اقداماتی برای نقل و انتقال مراکز مهم اداری – فرهنگی – سیاسی و کارکنان آن انجام شده است. آق مولا نیز مشابه قزل اوردا و «لیساکوفسک» منطقه اختصاصی اقتصادی است که فعالیتهای اقتصادی در آن از امتیازهای بیشتری نسبت به سایر نقاط برخوردار است.

۳ – ویژگیهای اقتصادی

۱ – ۳ کلیات

وسعت زیاد، تنوع شرایط اقلیمی و وفور معادن سبب شده که قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی از بزرگترین و مهمترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی، مواد اولیه معدنی و برخی تولیدات صنعتی باشد و به همین دلیل ثروتمندترین کشور ناحیه نیز به شمار می آید.

اقتصاد قزاقستان تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، دولتی و وابسته به روسیه بود. پس از کسب استقلال دولتمردان کشور، برای ایجاد تحول اساسی در ساختار اقتصادی سرزمین خود اقدامات متعددی انجام دادند، اما دو موضوع مهم بجا مانده از وضعیت اقتصادی پیشین، تغییرات را با مشکلاتی مواجه کرده است.

۱ – در سیستم اقتصادی شوروی، برنامه های تولید و توزیع در مجموعه جمهوریها مورد نظر بود، نه در سطح جمهوریها و به صورت مجزا و منفک از یکدیگر. به همین

دلیل مشاهده می شود که مکان تولید با مکان مصرف فاصله زیادی دارد، به طور مثال ذخایر گاز در بخش غربی و بزرگترین مراکز مصرف در بخش شرقی کشور و در فاصله ۳ هزار کیلومتری از آن، قرار دارند. به دلیل عدم اجرای برنامه هایی برای انتقال نفت به

مراکز مصرف، نفت تولیدی قزاقستان به مراکز مصرف نزدیکتر، یعنی روسیه، منتقل می شود و نفت مورد نیاز قزاقستان از طریق خط لوله ازسیبری تأمین می شود.

این وضعیت در مورد بسیاری از کالاها و مواد اولیه دیگر نیز وجود داشته است. اکنون که قزاقستان مستقل شده است، احداث و ایجاد ساختارهای مورد نیاز برای انتقال کالاها و فراورده های گوناگون از مراکز تولید به مراکز مصرف یکی از معضلات کشور و یکی از برنامه های بلندمدت آن می باشد.

۲ - موضوع دیگر نداشتن تجربه لازم مسؤولان امور بازرگانی و تجارت این کشور در مورد بازار جهانی، چگونگی دستیابی به اقتصاد بازار و نحوه برخورد با مشکلات است که این وضعیت نیز ناشی از تمرکز برقراری وانجام روابط تجاری خارجی از طریق دولت مرکزی شوروی سابق است.

مع الوصف قزاقستان پس از استقلال با اشتیاق فراوان به سوی خصوصی کردن سریع اقتصاد و روی آوردن به اقتصاد آزاد گام نهاد و مشابه روسیه سیاست «شوک اقتصادی» را به مرحله اجرا درآورد. نبود ساختارهای اقتصادی لازم و نیز فقدان تجربه کافی سبب شد سیاست اقتصادی اتخاذ شده، مشکلات فراوان و افت اقتصادی را به همراه آورد.

در سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ش هر سال ۱۳ درصد از تولید داخلی قزاقستان کاسته شد. تولیدات صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل از آن ۸/۱۳ درصد کاهش یافت و در سال بعد نیز مجددا ۱/۱۶ درصد دیگر اُفت داشت. در ۶ ماهه اول سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۲ش مجموع تولیدات کشور نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ۹/۲۶ درصد و تولیدات صنعتی ۴/۲۹ درصد کاهش داشته است.

در سالهای مذکور بیشتر کارخانه های بزرگ یا تعطیل شدند و یا کاهش تولید داشتند. در اول ماه ژوئیه سال ۱۹۹۴م/ تیرماه ۱۳۷۳ش، تعداد کارخانه ها و کارگاههای تعطیل و نیمه تعطیل بیش از ۷۳۰ مورد بود و فقط ۱۰ درصد کارخانه های خصوصی تولید عادی

ص:۳۴۲

خود را داشتند. بیش از ۶۰ درصد مؤسسه های اقتصادی قزاقستان با زیان روبرو بودند.

کمبود تولید سبب تورم و افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی شد، از ابتدای سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش تا ماه مه ۱۹۹۴م/ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ش در حالی که میزان درآمد مردم ۲۱۶ برابر شده بود قیمت کالاهای مصرفی ۲۲۰۰ برابر گردیده بود.

با وجود بروز مشکلات متعدد، قزاقستان مصمم به تداوم تسریع در اصلاحات اقتصادی است و براساس برنامه استراتژیک رئیس جمهور، به اصلاحات اقتصادی تا نیل به اهداف پیش بینی شده ادامه می دهد. در برنامه ای که نظربایف در ماه مه ۱۹۹۲م/

اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ش ارائه کرد مدت اصلاحات اقتصادی ۱۵ تا ۲۰ سال و در سه مرحله پیش بینی شده است. در مرحله اول بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م/۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ش، خصوصی کردن خدمات ،مسکن، صنایع کوچک و بزرگ مد نظر است. در مرحله دوم از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵م/۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ش، گسستن از وضعیت تک محصولی و ایجاد نیروی کار و بازرگانی و بازار پیشرفته مورد توجه قرار گرفته است و سرانجام در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳م/۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ش، توسعه اقتصاد مرتبط با جهان خارج و رشد و توسعه صنایع مورد توجه قرار می گیرد. ضمن آن که جلب سرمایه های خارجی، توسعه فعالیتهای اقتصادی وتجاری بین المللی و تأمین کالاهای مصرفی نیز از اهداف دیگر مرحله سوم است.

مشکلات ناشی از شوک اقتصادی سبب شد که از نیمه دوم سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش دولت روش کنترل شدیدتری را به کار گیرد. کاهش هزینه های دولتی و بودجه نظامی، جلوگیری از افزایش بی رویه هزینه های عمومی و محدود کردن میزان افزایش حقوق، تدابیری بودند که دولت برای کاهش نرخ تورم به کار گرفت. همزمان با این برنامه ها، تلاش بسیاری برای توسعه روابط بین المللی و بویژه اخذ وام از صندوق بین المللی پول،

بانک جهانی و کشورهای پیشرفته، برای بهره برداری از منابع زیرزمینی انجام گرفت. در واقع قزاقستان سیاست جلب سرمایه های خارجی و گسترش روابط بازرگانی را به عنوان حربه ای برای مقابله با بحران اقتصادی به کار برده است. بدیهی است که تثبیت شرایط اقتصادی و رسیدن به اهداف برنامه های اقتصادی نیازمند زمان بیشتری است.(۱)

ص:۳۴۳

۱- «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷.

۲ – ۳ کشاورزی

اشاره

این بخش در اقتصاد قزاقستان نقش مهمی دارد. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در حالی که فقط ۱۶ درصد از نیروی کار در امور کشاورزی شاغل بوده اند، تولیدات آن حدود ۳۸ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است.(۱)

۱ – ۲ – ۳ زراعت

انجام کشت و زرع در اراضی جنوب قزاقستان به دلیل حاکم بودن ویژگیهای جغرافیایی نواحی گرم و خشک، با مشکل کم آبی مواجه است. به همین سبب این ناحیه به کشت آبی و دامداری و دامپروری اختصاص یافته است. بخش شمالی کشور مهمترین و وسیع ترین زمینهای زراعی را دارد. این ناحیه که تا دهه ۱۹۵۰م/۱۳۳۰ش کمتر مورد استفاده زارعان قرار می گرفت، با اجرای برنامه بهره برداری از اراضی دست نخورده در زمان زمامداری خروشچف، مورد توجه قرار گرفت و بیش از ۲۰ میلیون هکتار از زمینهای آن به کشت گندم اختصاص یافت، و از آن پس این سرزمین به انبار غله شوروی شهرت یافت.(۲)

در میان محصولات زراعی گوناگون، غلات، بویژه گندمزارها بیشترین اراضی زیرکشت را تشکیل می دهند. سیب زمینی، انواع سبزی، میوه و علوفه نیز سطح زیر کشت زیادی دارند در حالی که پنبه، چغندر قند، آفتابگردان و کتان مجموعا ۱۲ درصد از اراضی زیرکشت را به خود اختصاص داده اند.

گندم مهمترین محصول زراعی قزاقستان است. در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش این جمهوری از نظر تولید گندم مقام ششم را در سطح جهان داشت. در حال حاضر حدود ۳۶ میلیون هکتار از زمینهای کشاورزی به کشت غلات بویژه گندم اختصاص دارد و به طور متوسط سالانه ۱۸ تا ۲۲ میلیون تن گندم تولید می شود. لازم به ذکر است که تحولات سیاسی واقتصادی سالهای اخیر و پیامدهای آن به صورت تغییر سیاستهای کشاورزی و رکود نسبی در فعالیتها، تولیدات زراعی نیز مشابه سایر تولیدات با کاهش روبرو شد. به طوری که در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش میزان تولید گندم به ۹/۱۱ میلیون تن کاهش یافت،(۳) اما با ایجاد ثبات سیاسی و تداوم فعالیتهای اقتصادی کشت و زرع نیز

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۱۷.

۲– «سابقه و جایگاه قزاقستان در جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۶، ص ۱۹۲.

۳– «اقتصاد قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۷، ص ۱۸۷.

روند طبیعی خود را ادامه داد.

بخش عمده مازاد غله تولید قزاقستان به سایر کشورها صادر می شود. روسیه بزرگترین وارد کننده غلات قزاقستان است. ارز حاصل از صادرات غلات در جهت رشد و توسعه کشاورزی مصرف می شود. در حال حاضر مهمترین هدف دولت ایجاد امکانات مناسب برای انبار کردن غلات و افزایش و بهبود وسایل حمل و نقل تولیدات زراعی می باشد. زیرا گفته می شود حدود ۳۰ درصد از محصولات زراعی قزاقستان به علت فقدان امکانات مجهز انبار داری و کمبود وسایل حمل و نقل به هدر می رود.

پنبه، برنج و چغندر قند از دیگر محصولات مهم زراعی قزاقستان محسوب می شوند که بیشتر در زمینهای آبی و در دره های رودخانه ها و یا کوهپایه های جنوب کشور کشت می شوند (جدول ۱۱ – ۶).

جدول ۱۱ – ۶ میزان تولید برخی از محصولات زراعی قزاقستان

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)(۱)

محصول	میزان تولید
انگور	۷۵
پنبه	۲۵۲
جو	۸۵۱۰
چغندر قند	۱۳۰۰
دانه های روغنی	۲۳۵
سبزی	۱۳۰۰
سیب زمینی	۲۵۷۰
گندم	۱۸۲۸۰
میوه	۳/۹۸

۲ – ۲ – ۳ دامداری

نگهداری و پرورش دام بویژه به شکل کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی مهمترین حرفه سنتی قزاقها طی قرون متمادی بوده است.

در نواحی نیمه بیابانی که زراعت بـا مشـکلات فراوانی انجـام می شود. پوشـش گیـاهی متشـکل از انواع گیاهـان مرتعی، منبع غذایی

ص:۳۴۵

۱- «مرزآینده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال۲، ش۳، ص۲۱۹.

رایگانی برای تغذیه دامها در فصل سرد سال مهیا می کند. در فصل گرم سال نیز دامها برای چرا به کوهستانهای شرقی و یا آبادیهای کوهپایه ها برده می شوند. سکنه قزاقستان

با بهره برداری بهینه از این امکانات بالفعل از دیرباز به پرورش گوسفند و بز و شتر مشغول بوده اند.

با اجرای برنامه اقتصادی روسها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش و اسکان اجباری عشایر دامدار و سلب مالکیت آنها از دامها، بسیاری از دامداران یا جان خود را از دست دادند و یا به سایر کشورها مهاجرت کردند و دیگران نیز به سکونت در مساکن دایمی و تغییر شیوه معیشت تن دادند. در چند سال اخیر مجددا گروهی از مردم به زندگی نیمه کوچ نشینی در سطح محدود روی آورده اند. آنان در بخشهای جنوبی و مرکزی قزاقستان زندگی می کنند. در نواحی استپی شمال کشور در کنار پرورش دامهای کوچک، نگهداری از گاو و گاومیش نیز رونق دارد.

قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش دارای ۵/۳۴ میلیون رأس بز و گوسفند، ۹۸/۲ میلیون رأس خوک، ۶/۹ میلیون رأس گاو، ۵۴ میلیون قطعه مرغ و ماکیان، ۶۷/۱ میلیون رأس اسب و ۱۴۵ هزار نفر شتر بوده است.(۱)

تولیدات دامی قزاقستان (جدول ۱۲ – ۶) بخشی به مصرف نیازهای داخلی می رسد و بخشی دیگر صادر می شود.

جدول ۱۲ – ۶ برخی تولیدات دامی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش(۲)

محصول	میزان تولید
شیر	۳/۵ میلیون تن
گوشت	۳/۱ میلیون تن
تخم مرغ	۵۴/۳ میلیارد عدد
پشم	۱۰۵ هزار تن

همجواری قزاقستان با دریای خزر این کشور را از نظر نیاز به آبزیان خودکفا کرده است. یکی از فعالیتهای عمده اقتصادی کشور صید ماهی می باشد که علاوه بر ایجاد اشتغال و تأمین بخشی از پروتئین مورد نیاز مردم، منبع ایجاد درآمد وارز برای کشور به

شمار می آید.

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۱۷ – ۱۱۸.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۱۷ - ۱۱۸.

۳ – ۳ منابع معدنی

اشاره

قزاقستان ذخایر غنی از مواد معدنی دارد. زغال سنگ، نفت، گاز، سنگ آهن، سرب، روی، مس، کرومیت، نیکل، کادمیوم، تنگستن، مس، منگنز، بوکسیت، فسفر، تیتانیوم، نقره و طلا مهمترین کانیهای کشور به شمار می روند.

قزاقستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۹۰ درصد کروم، ۵۰ درصد زغال سنگ و ۷ درصد نفت اتحاد جماهیر شوروی را تأمین می کرد.(۱) در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش

میزان تولید مواد معدنی قزاقستان در مقایسه با کشورهای مستقل مشترک المنافع بسیار بیشتر از نیاز داخلی کشور بوده است (جدول ۱۳ – ۶).

جدول ۱۳ – ۶ میزان ذخایر، تولید و مصرف مواد کانی قزاقستان نسبت به میزان

کل کشورهای مستقل مشترک المنافع در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (درصد)(۲)

کانیمیزان ذخایرمیزان تولیدمیزان مصرف

زغال سنگ۱۲۳۰۲۱

روی۳۶۵۵۶

سرب۳۸۶۱۵

طلا۰/۱۰۰/۱۰۱

فسفات۴۰۱۹۲۱

قلع۷۰۱

کروم۹۶۹۵۴۶

مس۲۹۳۱۶

منگنز۱۳۳۴

نقره۲۶۴۹۶

نیکل۴۷۶

قزاقستان از نظر میزان ذخایر مواد کانی بسیار غنی است. بیش از نیمی از ذخایر شناخته شده کرومیت جهان در قزاقستان قرار دارند و معادن این سرزمین در «خرومتاو» و «دونسکویه» بزرگترین معادن کروم در جهان محسوب می شوند.

ذخایر منگنز قزاقستان در میان کشورهای جهان رتبه سوم را به خود اختصاص

ص:۳۴۷

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص۱۱۷ - ۱۱۸.
۲- «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص۱۹۳.

داده انـد. مهمـترین معـادن سـنگ آهن کشـور در نـاحیه رودنی، ذخـایر مس در ژزقازغـان واقع در مرکز کشور، فسـفریتها در ارتفاعـات قراتـاو قرار دارنـد. همچنین کوههای شـرق کشور معادن فراوان مس، سـرب، نقره، روی و کادمیوم را در خود جای داده انـد. در سـال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش میزان تولیـد برخی از کانیهـای قزاقسـتان و سـهم آن در تولیـد جهـانی در جـدول ۱۴ – ۶ مشاهده می شود.

جدول ۱۴ – ۶ میزان تولید کانیهای قزاقستان

و سهم آن در تولید جهانی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش(۱)

نام کانیمیزان تولیدسهم در تولید جهانی

(به هزارتن)(به درصد)

اورانیوم۳۹

تانتال۳/۰۳۳

روی۲۶۵۵/۳

سرب۱۰۰۵/۳

سنگ آهن ۱۷۷۰۰–

طلا۰۱۲/۰–

کروم۳۵۰۰۳۳

مس۳۰۰۳

نقره۶/۰۴

در میان منابع معدنی قزاقستان، کانیهای انرژی زا به ویژه نفت و گاز نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند.

۱ – ۳ – ۳ نفت

برخی از اقتصاددانـان قزاقسـتان را بـا کـویت مقـایسه می کننـد. براسـاس تخمین منـابع غربی میزان ذخیره نفت خـام این کشور حدود ۲/۵ میلیـارد تن (۱/۳۸ میلیـارد بشـکه) و براسـاس برآورد کارشـناسان قزاق ۶/۱۵ میلیـارد تن (۱۱۴ میلیارد) بشـکه می باشد.(۲)

میزان استخراج نفت خام قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش رقمی بین ۸/۲۵ تا ۲۷

ص:۳۴۸

۱- «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ص۳۰۷ - ۳۰۸.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۱۱۸.

میلیون تن ذکر شده است که مقدار مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

بیش از ۱۶۰ مخزن نفت در این جمهوری شناسایی شده است، ولی فقط ۶۰ مخزن از نظر صرفه اقتصادی قابل بهره برداری می باشند و مخازن دیگر به دلیل هزینه های زیاد

برای استخراج و حمل و نقل اقتصادی نیستند.(۱)

بیشتر حوزه های نفت قزاقستان در بخش غربی کشور قرار دارند، حوزه تنگیز در شمال شرق دریای خزر، حوزه اورال، حوزه آلمونیسک و حوزه قره چغانک مهمترین مخازن نفت می باشند که از میان آنها حوزه تنگیز با چهار هزار کیلومتر مربع وسعت و ۲۵

میلیارد بشکه ذخیره نفت قدیم ترین و مهمترین حوزه نفتی قزاقستان به شمار می رود. مؤسسه زمین شناسی قزاقستان اعلام کرده که تنها ذخایر سواحل دریای خزر آن کشور بالغ بر ۵۰ میلیارد تن نفت (۳۶۶ میلیارد بشکه) و ۱۰ تریلیون متر مکعب گاز می باشد.(۲)

تا پیش از استقلال جمهوری قزاقستان، شوروی سابق در تمام زمینه های کشف، استخراج و صدور نفت قزاقستان سرمایه گذاری کرده بود و از منافع آن بهره برداری می کرد. پس از استقلال قزاقستان، این کشور با مشکلاتی در زمینه تأمین سرمایه، کاربرد

تکنولوژی جدید و استفاده از خطوط لوله برای انتقال نفت به بنادر صادراتی مواجه شد بنابراین برای جذب سرمایه و فن آوری غرب، راه ورود سرمایه گذاران غربی و کارشناسان نفتی آنها را به کشور باز کرد.

کشورهای غربی نیز برای سود جستن از فرصتهای اقتصادی قزاقستان به سرعت به این سرزمین روی آوردند «انگلستان» و «ایتالیا» قرار داد استخراج نفت از میادین قره چغانک در ناحیه اورال را امضا کردند، «شورون» چهارمین کمپانی نفتی امریکا از نظر میزان سرمایه، قرارداد گسترش میادین نفتی تنگیز در شمال شرق دریای خزر را به عهده گرفت. قرارداد این شرکت ۴۰ سال است و سرمایه گذاری آن به ۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید.(۳) طبق برنامه تولید اولیه نفت این ناحیه ۶۰ هزار بشکه در روز و پس از چند سال ۷۵۰ هزار بشکه در روز و بهره برداری نهایی تا ۷ میلیارد بشکه خواهد بود.(۴) همچنین

براساس پیمانی شرکت «الف نفت و گاز» فرانسه در ناحیه ای به وسعت حدود ۱۹ هزار کیلومترمربع در بخش مرکزی قزاقستان بر اکتشاف مخازن نفتی خواهد پرداخت.(۵)

۱- «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری»،ص ۸۰.

۲- «سمینار بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۳، دوره دوم، ش۷، ص۱۹۶.

۳- «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری»، ص ۸۲.

۴- «قزاقستان، میدان بزرگ نفتی قرن ۲۱»، اقتصاد خراسان، س۳، ش۱۵، ص۱۳؛ «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص۱۹۴.

۵- مرز آینده،ص۲۱۶.

شرکت نفتی عمـان نیز موافقت نـامه ای بـا قزاقسـتان امضا کرده که براساس آن اکتشاف نفت در منطقه ای به وسـعت ۱۶ هزار کیلومتر مربع در شمال غربی قزاقستان با ذخیره ۱۵ میلیارد بشکه را به انجام برساند.

فعالیتهای اشتراکی با مشکلات متعددی روبرو شده است، زیرا از یک سو هنوز مشکل حمل و انتقال نفت حل نشده و از سوی دیگر مفـاد قرار دادهـا به مرحله عمـل در نیامـده است. مثلاًـ در میـدان نفتی تنگیز که قرار بود در پایـان سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حدود ۳ میلیون تن نفت استخراج و صادر شود فقط ۹۳۰ هزار تن نفت صادر شده است.(۱)

همچنـان کـه ذکر شـده میزان تولیـد نفـت قزاقسـتان بیش از نیـاز داخلی است، این وضـعیت حتی در نخسـتین سالهـای پس از استقلال که در تمام زمینه های اقتصادی کاهش تولید و کسری توزیع وجود داشت، حاکم بود. (جدول ۱۵ – ۶).

جدول ۱۵ – ۶ توازن محصولات نفتی قزاقستان

در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (میلیون بشکه در روز)(۲)

تولید ناخالصکل تقاضای داخلیجریان خالصدرصد خودکفایی

۳۷/۰۳۳/۰۰۴/۰۱۱۲

متخصـصان براسـاس برآوردهـایی از ذخایر نفتی قزاقسـتان، این کشور را یکی از مهمترین کشورهای نفت خیز جهان می دانند (جدول ۱۶ – ۶).

جدول ۱۶ – ۶ جایگاه قزاقستان در صنعت نفت جهان در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش(۳)

سهم در استخراج جهانیذخایر پیش بینی شدهمکان جهانی

(درصد(میلیاردتن)براساس میزان ذخایر

۸/۰۱/۶۱۰

آنهـا همچنین براساس برآوردهای خود توازن نفتی قزاقسـتان را در سال ۲۰۰۰م/ ۱۳۷۹ش طرح ریزی کرده انـد (جدول ۱۷ – ۶).

ص:۳۵۰

۱- مرز آینده،ص۲۱۶.

۲- «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص۱۹۷

۳- فشارکی، فریدون، «آسـیای مرکزی و قفقاز: چشم انداز نفت و همکاری» ترجمه مرضـیه ساقیان، مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، س ۱، ش ۴، ص ۱۷۸.

جدول ۱۷ – ۶ برآورد توازن نفتی قزاقستان

در سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش (میلیون بشکه در روز)(۱)

عرضهتقاضاصادرات خالص

۹/۱ – ۴/۱۶/۰ – ۴/۰۸/۰ – ۵/۰

مشاهـده می شود که براساس برآورد کارشـناسان نفتی بیشتر نفت تولیـدی قزاقستان صادر خواهد شد. اما قزاقسـتان با مشـکل حمل و انتقال نفت و گاز مواجه است.

قبلاً- روسـیه نفت این کشور را از طریق خطوط لوله به بنادر دریای سـیاه منتقل می کرد. اما اکنون، این کشور با اعلام خطرات زیست محیطی و عدم مقاومت لوله ها در برابر ترکیبات شـیمیایی نفت حوزه تنگیز، استفاده از خط لوله را محدود نموده است. قزاقستان برای جبران خسارت ناشی از کاهش صادرات با شرکتهای غربی وارد مذاکره شده و قراردادهایی در زمینه ایجاد خط لوله ای که نفت قزاقستان را از طریق ترکیه به دریای مدیترانه برساند، منعقد کرده است. همچنین کنسرسیوم نفتی خزر متشکل از روسـیه، قزاقسـتان و عمان قرار است لوله جدیدی برای حمل نفت قزاقسـتان از طریق روسـیه احداث کنند. اقداماتی نیز برای انتقال نفت به بازارهای مصرف از راه خلیج فارس

انجام شده است. اما هنوز هیچ کدام از طرحها به مرحله اجرا و بهره برداری نرسیده است.

۲ – ۳ – ۳ گاز

ذخایر گاز قزاقستان حدود ۱۰ تریلیون مـتر مکعب برآورد شـده که از این میزان ۳/۲ تریلیون مترمکعب آن ذخایر کشف شـده هستند. کارشناسان نفتی در پی شناسایی و کشف سایر ذخایر گاز هستند.

منابع شـناخته شده گاز قزاقسـتان در ۹ منطقه متمرکزنـد که از میـان آنها میـدان بزرگ گازی «شاخپاخت» با ذخیره ای حـدود ۳۰۰ میلیـارد مترمکعب و حوزه منقشـلاق مهمتر از سایرین محسوب می شونـد.(۲) در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حجم گاز منتقل شده حدود ۴/۱۳ میلیارد مترمکعب بود که این رقم معادل ۸۵ درصد حجم گاز انتقالی در سال

ص:۳۵۱

۱– ژوکف، استانیسـلاو، «منافع اقتصادی روسـیه در آسیای مرکزی»، ترجمه محمد نایب پور، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۳، دوره دوم، ش۸، ص۱۰۱.

۲– «آسیای مرکزی و قفقاز: چشم انداز نفت و همکاری»، ص ۱۸۳.

۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش بوده است. میزان گاز توزیع شده در داخل کشور نیز در سال

۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش با ۷/۶ میلیارد مترمکعب نسبت به سال قبل که ۱/۸ میلیارد مترمکعب بوده، حدود ۱۵ درصد کاهش نشان می دهد.(۱) این وضعیت به دلیل تحولات سیاسی و اقتصادی پس از استقلال به وجود آمده است.

کارشناسان، میزان استخراج گاز قزاقستان را تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش برآورد کرده اند (جدول ۱۸ – ۶).

جدول ۱۸ – ۶ برآوردمیزان گاز استخراجی قزاقستان در سالهای

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش (میلیارد مترمکعب)(۲)

سال

۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش

شرکت گاز

قزاق گاز۱۹/۱۷۳/۱۱۳/۳

مونایا گاز۲۴/۲۰۸۳/۱۷۸۵/۲۱

سرمایه گذاری مشترک۲/۰۱۲/۰۹۸/۵۴

سهم کامل قزاقستان۴۶/۳۹۲۵/۲۹۱۳/۰۵

۳ – ۳ – ۳ زغال سنگ

مهمترین منبع تأمین سوخت و انرژی قزاقستان زغال است و این کشور حدود ۵۵ درصد از انرژی خود را با استفاده از این ماده معدنی تأمین می کند. ذخایر و معادن زغال

سنگ قزاقستان عمدةً در اطراف دریاچه زایسان در شرق کشور، اکی باستوز در شمال شرقی و تمیرتاو و قراغاندی در مرکز کشور واقعند. مجموع تولید زغال سنگ در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، حدود ۵/۱۲۶ میلیون تن بوده است.

قزاقستان دارای ذخایر بسیار غنی اورانیوم خام است. از اواسط دهه ۱۹۵۰م استخراج اورانیوم قزاقستان از معادن ناحیه ژامبیل درجنوب شرقی و شبه جزیره منقشلاق در غرب کشور توسط روسها آغاز شد. در واقع معادن قزاقستان و ازبکستان هسته اصلی صنایع تولید این ماده مهم واستراتژیکی شوروی را تشکیل می دادند.

معادن اورانیوم این سرزمین که حدود ۱۱۶۸۰۰۰ تن اورانیوم دارند در شش ناحیه

۱- «برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، ص۵۶.

۲- «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ص۳۱۲.

عمده متمرکز شده اند. این شش ناحیه عبارتند از «کوک چتاوسک»(۱)، «پریا بالخاش»(۲)، «پریکاسپیسک»(۳)، «چو - ساریسیک»(۴)، سیردریا و «ایلیسک»(۵) در حال حاضر از چهار ناحیه سیردریا، چو - ساریسیک، کوک چتاوسک و پریکاسپیسک اورانیوم استخراج و تولید می شود.

اورانیوم استخراجی عمدةً برای استفاده در نیروگاههای تولید نیرو در اروپا و امریکا، صادر می شود. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، قزاقستان حدود ۲۵۰۰ تن اورانیوم صادر کرده است. به نظر می رسد با توجه به رقابت شدید میان کشورهای تولید کننده اورانیوم در پیشی گرفتن بر یکدیگر برای فروش محصول خود، میزان صدور اورانیوم قزاقستان بین ۲ تا ۳ هزار تن در سال ثابت بماند.(۶)

۴ - ۳ صنایع

تا پیش از کسب استقلال، صنایع قزاقستان ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی را تأمین می کرد. پس از استقلال و تحولات اقتصادی ناشی از آن، در بخشهای اقتصادی افت تولید مشاهده شد و چون در بخش کشاورزی و خدمات این وضعیت حادتر بود، نقش صنایع در تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به ۴۵ درصد افزایش یافت.

صنایع این سرزمین عمدةً در زمینه های استخراج و پالایش مواد معدنی، ذوب فلزات، تولید تأسیسات مورد نیاز متالوژی، ابزارسازی، تجهیزات الکتریکی، ماشین آلات کشاورزی، پتروشیمی، نساجی، و صنایع تبدیلی متمرکز شده اند (جدول ۱۹ - ۶).

۵ - ۳ انرژی

قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی به سبب دارا بودن ذخایر فراوان نفت، گاز

۱- Kokchetavsk -

۲- Pribalkhash -

۳- Pricaspiysk -

۴- Chu - Sarysik -

۵- Ilisk -

۶- «سمینار بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی»، ص ۲۰۰.

و زغال سنگ شرایط مطلوبی دارد. بهره برداری از این منابع به همراه نیروی برق تولید انرژی زیادی را به همراه داشته است.

جدول ۱۹ – ۶ میزان تولید برخی کالاهای صنعتی قزاقستان

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش(۱)

نوع کالامیزان تولید

آهن و چدن ۷/۴ میلیون تن

فولاد ۱/۶ میلیون تن

مصالح ساختمانی ۴/۶ میلیون تن

سیمان ۴/۶ میلیون تن

کک ۲/۳ میلیون تن

اسید سولفوریک ۳/۲ میلیون تن

لاستیک ۹/۲ میلیون حلقه

انواع کود ۹۰۰ هزار تن

الیاف مصنوعی ۹/۷ هزار تن

لاستیک مصنوعی ۵/۱۹ هزار تن

کاغذ ۷۰۰ هزار تن

فرش ۷/۱ میلیون متر مربع

پارچه ۴/۲۲۸ میلیون متر مربع

پوشاک ۶۹ میلیون دست

بولدوزر ۳۴۹۴ دستگاه

بیل مکانیکی ۳۱۲ دستگاه

تراکتور ۱۳۴۱۴ دستگاه

ماشین لباسشویی ۳۷۰ هزار دستگاه

ضبط صوت ۱۱۴ هزار دستگاه

نیروی برق قزاقستان از رودخانه ها و سدهای احداث شده، «قاپچاغای»(۲) بر روی رودخانه ایلی و «چاردره» بر روی سیردریا، و همچنین نیروگاه برق هسته ای در ساحل

۱- «وضع اتمی قزاقستان وامنیت منطقه ای»، ص۲۲۸.

۲- yagahcpaK -

دریای خزر تأمین می شود. حدود ۸۰ درصد از برق مصرفی قزاقستان از ۵۴ نیروگاه حرارتی با سوخت زغال سنگ تولید می شود.

قزاقستان بخشی از نیروی برق تولید شده خود را از طریق شبکه انتقال نیروی روسیه به ناحیه اورال و سیبری صادر می کند و بخشی از الکتریسته مورد نیاز خود را از شبکه انتقال نیروی آسیای مرکزی در جنوب و از کشور قرقیزستان وارد می کند، به طوری که در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۳/۸۴ میلیارد کیلووات برق تولید شده، ۲/۱۲ میلیارد کیلووات ساعت آن صادر و ۴/۲۷ میلیارد کیلووات ساعت نیز وارد شده است.(۱)

میزان انرژی قزاقستان در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش به شرح زیر بوده است:(۲)

نیروگاه برقنفتگاززغال سنگ

(میلیون کیلووات)(میلیون تن)(میلیاردمترمکعب)(میلیون تن)

۷/۸۸۶/۲۵۲/۷۹/۱۳۶

۶ – ۳ حمل و نقل

خطوط راه آهن بسیار و راههای جاده ای گسترده و به هم پیوسته، شبکه حمل و نقل قزاقستان را تشکیل می دهند. اصلی ترین نقش را در نقل و انتقال کالا و جابجایی مردم،

خطوط راه آهن برعهده دارند. حدود ۱۴۴۰۵ کیلومتر طول راه آهن این سرزمین است که ضمن عبور از شهرهای مهم و اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب کشور به یکدیگر، با راه آهن های روسیه، چین، ازبکستان و قرقیزستان پیوند دارد (نقشه ۴۷).

راه های ماشین رو با بیش از ۱۶۲ هزار کیلومتر، به شکل شبکه به هم پیوسته ای نقاط مختلف کشور را به هم وصل می کند، اما مشابه دیگر کشورهای آسیای مرکزی که دارای خطوط آهن هستند، به اندازه راه آهن در امر حمل و نقل مؤثر نیستند.

بندر آق تاو یا شفچنکو در ساحل دریای خزر امکان حمل و نقل دریایی با کشورهای حاشیه دریای خزر را برقرار می کند. این بندر گرچه فاقد تسهیلات مورد نیاز می باشد اما

مهمترین بندر قزاقستان در دریای خزر به شمار می آید.

۱- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع وجمهوریهای بالتیک، ص ۱۲۰.

۲- راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع وجمهوریهای بالتیک، ص ۱۲۰.

نقشه ۴۷

ص:۳۵۶

۷ – ۳ بازرگانی خارجی

در میان حدود ۲۹۰ قلم کالای صادراتی، بخش قابل ملاحظه ای به صنایع استخراجی شامل فراورده های نفتی، سنگ معدن، فلزات آهنی وغیرآهنی تعلق داشته است. همچنین فراورده های کشاورزی، تولیدات صنایع سبک، ماشین آلات کشاورزی، مواد شیمیایی، پتروشیمی و منسوجات در زمره کالاهای صادراتی قزاقستان قرار دارند. ماشین آلات، کالاهای مصرفی و مواد غذایی مهمترین اقلام وارداتی قزاقستان را تشکیل می دهند.

مهمترین شریک تجاری قزاقستان در ورود و صدور کالا، جمهوریهای مستقل مشترک المنافع می باشند که هنوز بیش از ۸۰ درصد بازرگانی خارجی قزاقستان با آنها صورت می گیرد. قزاقستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش مبلغ ۸۴۴۳ میلیون روبل کالا به این کشورها صادر و مبلغ ۱۳۰۲۶ میلیون روبل کالا وارد کرده است. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ارقام فوق به ۹/۵ میلیارد دلار صادرات و ۵/۷ میلیارد دلار واردات افزایش یافته است.(۱) در میان کشورهای خارج از محدوده جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، کشورهای چین، امریکا، ترکیه واروپایی بیش از سرزمینهای دیگر روابط تجاری با قزاقستان برقرار کرده اند (جدول ۲۰ – ۶).

۸ – ۳ روابط خارجی

اشاره

رهبران قزاقستان در برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با سایر کشورهای جهان اولویتهایی را در نظر گرفته اند. نخستین و مهمترین کشوری که قزاقستان تمایل به ادامه

همکاریهای گوناگون با آن دارد روسیه است. پیوندهای محکم میان دو کشور به دلیل وجود مرز مشترک طولانی، سکونت گروه زیادی از روسها در قزاقستان و قابلیت منحصر به فرد قزاقستان، در میان کشورهای آسیای مرکزی برای توسعه فعالیتهای هسته ای و وجود تسهیلات علمی و تکنولوژیکی و زیربناهای آن در قزاقستان می باشد.

برقراری روابط گوناگون با کشورهای آسیای مرکزی در اولویت دوم قرار دارد. هدف قزاقستان از ایجاد پیوندهای محکم با کشورهای ناحیه، یکپارچگی سیاسی در ناحیه و

۱– «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص۵۵.

تشکیل واحد سیاسی یکدست به منظور ایجاد موازنه با دو قدرت بزرگ منطقه و همسایه با آنها، یعنی چین و روسیه می باشد.

جدول ۲۰ – ۶ میزان تجارت خارجی قزاقستان با کشورهای غیرمنطقه ای در سالهای

۱۹۹۲ و ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ش (به میلیارد ریال)

سالصادراتوارداتتراز

۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ۵/۱۵/۰۱

۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش ۳/۱۳/۰۱

در اولویت سوم، ایجاد روابط با کشورهای عضو اکو، بویژه ایران و ترکیه قرار دارد و در مرحله چهارم برقراری روابط گسترده بـا چین و سـایر کشورهـای پیشـرفته اروپـای غربی آمریکـا و ژاپن مورد توجه بوده است و سـرانجام گسترش ارتباطات با دیگر کشورها در مراحل بعـد قرار می گیرد. بدیهی است که قزاقسـتان در ایجاد روابط با کشورهای مختلف، سـعی دارد به گونه ای عمل نماید که از تأثیرات سلطه جویانه دو همسایه بزرگ خود، چین ، روسیه ، به دور باشد.

در میـان کشورهـای غیر منطقه ای، چین بیشترین و گسترده ترین روابط را با قزاقسـتان برقرار کرده است، به طوری که در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش حجم مبادلات اقتصادی میان دو کشور حدود ۴۳۰ میلیارد دلار بوده است که این رقم از حجم تجارت ترکیه با پنج کشور آسیای مرکزی در سال مذکور بیشتر است.(۱)

چین در کنـار امور بازرگـانی همکاریهـای فنی واقتصادی قابل توجهی با قزاقسـتان برقرار کرده است. این کشور در اوایل سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش در ۳۱۳ مـورد سـرمایه گـذاری بـا قزاقسـتان شـریك بـوده است و همچنین بـا احـداث راه آهن اورم–چی به گذرگاه مرزی آلاتاو در مرز قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش امکان دسترسی قزاقستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی را، با فاصله ای کمتر، به سواحل اقیانوس آرام فراهم نمود.

مرز طولانی با قزاقستان، نیاز این کشور به منابع انرژی قزاقستان، امکان رسانیدن

۱– راهنمای کشورهای مستقل مشترك المنافع وجمهوریهای بالتیک، ص۱۲۲.

نفت و گاز این کشور به شرق آسیا از طریق چین، وجود بازار مصرف وسیع در چین، تولیدات فراوان چین از دیگر زمینه های مناسب برای گسترش روابط دو کشور به شمار می آیند.

کشورهای عربی نیز برای برقراری روابط با قزاقستان تلاش فراوانی کرده اند، به طور مثال عربستان سعودی طرحی برای چاپ و توزیع حدود ۴۰۰ هزار نسخه قرآن ترجمه شده به زبان قزاقی در دست اقدام دارد و کویت نیز برای احداث یک پالایشگاه استخراج نفت و همزمان با آن ساختن یک مسجد بزرگ در آق تاو، قراردادی با دولت قزاقستان منعقد کرده است.(۱) «مصر» نیز برای احداث یک دانشگاه تربیت معلم در آلماآتی با مقامات قزاقی به توافق رسیده است.(۲) آنچه در روابط کشورهای عربی با قزاقستان

آشکار است، گسترش روابط فرهنگی می باشد.

در میان سایر کشورهای جهان، امریکا، انگلیس، ترکیه، کره جنوبی، کانادا، ایتالیا، سویس واسترالیا در برقراری روابط با این سرزمین پیش قدم بوده اند. بارزترین جنبه روابط دوجانبه میان این کشورها و قزاقستان سرمایه گذاری آنها بویژه در بخش معادن وانرژی قزاقستان بوده است. به طوری که تا پایان سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حدود ۱۳۰۰ شرکت با سرمایه خارجی در زمینه های مختلف قراردادهایی با دولت قزاقستان منعقد کرده اند.(۳) در میان کشورهای مختلف انگلستان ۳/۳۰ درصد، امریکا ۸/۲۱ درصد، ترکیه ۳/۹ درصد. کانادا ۳/۹ درصد، آلمان ۲/۶ درصد واسرائیل ۳ درصد از سرمایه گذاری خارجی را در قزاقستان به خود اختصاص داده اند.(۴)

در میان کشورهای مذکور، امریکا نقش فعالتری داشته است. این کشور علاوه بر سرمایه گذاریهای کلان، در اعطای وامهای گوناگون پیشقدم بوده است. به طوری که در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار برای توسعه بخش خصوصی کشور به قزاقستان وام داده است. لازم به ذکر است که کمکهای اقتصادی امریکا به قزاقستان مشروط به پذیرش معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی به عنوان قدرتی غیر اتمی از سوی قزاقستان بود. و در همین ارتباط امریکا مبلغ ۱۳۴ میلیون دلار برای کمک به قزاقستان در انهدام تسلیحات هسته ای، شیمیایی و جلوگیری از گسترش این گونه سلاحها در نظر گرفته است.(۵)

۱- «همکاریهای اقتصادی منطقه ای میان اعضای اکو و چین»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۲، ش۴، ص۴۵۱.

۲- اولگات، مارتابریل، «استقلال ناخواسته برای آسیای مرکزی»، ترجمه مهدی اعیانی فرد، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س۱، ش۴، ص۱۵۹.

۳- «نقش خاورمیانه عربی در آسیای مرکزی»، ص۳۹۹ - ۴۰۰.

۴- «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص۱۹۶.

۵- «سرمایه گذاریهای صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص۱۲.

امریکا ضـمن اقـدامات تجاری و مالی، در زمینه فرهنگی نیز در قزاقسـتان اقـدامات گوناگونی انجام داده است. به طور مثال در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، این کشور از میان دانش آموزان قزاقسـتان تعـدادی را پس از انجام گزینشـهای علمی برای تحصـیل در امریکا انتخاب کرد.

۱ – ۸ – ۳ روابط با ایران

در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان دورترین فاصله را با ایران دارد، اما این عامل نتوانسته در روابط گسترده دو کشور خللی وارد نماید. گذشـته از منافع ناشـی از گسترش پیوندهای اقتصادی برای هردو کشور بویژه قزاقستان که می تواند از طریق ایران به آبهای آزاد راه یابد، همجواری دو سرزمین با دریای خزر تأثیر بسزایی در افزایش ارتباطات دو کشور داشته است.

سفر رؤسـای جمهور دو کشور به سـرزمینهای یکـدیگر و افتتـاح سـفارتخانه هـا زمینه مساعـد را برای برقرار روابـط اقتصادی و تداوم مراودات سیاسی فراهم کرد.

نخستین تفاهم نامه سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی میان ایران و قزاقسـتان بین اسـتاندار «گیلان» و اسـتاندار منقشـلاق قزاقسـتان به امضا رسـید. در واقع بیشتر مبادلات تجاری میان دو کشور از طریق دریای خزر انجام می شود و به همین سبب بدیهی است که دو استان مازندران و گیلان از فرصتهای اقتصادی ایجاد شده بهره بیشتری ببرند.

یکی از توافقهای مهم دو کشور ترانزیت مواد سوختی قزاقسـتان از طریق ایران است، براساس قرارداد منعقـده سالانه بین ۲ تا ۶ میلیـون تن نفت قزاقسـتان از بنـدر آق تـاو در این کشور به بنـدر نوشـهر حمـل شـده و به همین میزان در بنـادر جنوبی ایران به مشتریان قزاقسـتان تحویل داده می شود. اولین محموله نیز در اول ژانویه ۱۹۹۷م/۱۲ دی ماه ۱۳۷۵ش در نوشهر تخلیه شد. لازم به ذکر است تاپیش از این قرار داد میزان نفت صادراتی قزاقستان ۲۰۰ هزار تن بود که از سال ۱۳۷۳ در بندر نوشهر تخلیه شده بود.

بـا توسـعه روابط دو کشور حجم مبادله کالا نیز افزایش یافت به طوری که در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش حجم مبادله کالا میان دو کشور ۶۰ میلیون دلار بود، پیش از این زمان حجم تبادل کالا فقط ۲۲ هزار دلار بود.

ص: ۳۶۰

دو کشور ایران و قزاقستان به عنوان دو سرزمینی که خط ساحلی وسیعی در دریای خزر دارند، برای تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر و چگونگی بهره برداری از منابع آن و حفظ محیط زیست دریا مذاکرات متعددی با یکدیگر داشته و سرانجام به توافقات مهمی دست یافته اند که موارد آن به امضای رؤسای جمهور دو کشور رسیده است. همفکری دو کشور آنها را در جبهه واحدی قرار داده تا در تلاش خود برای دستیابی به یک تفاهم همه جانبه در میان تمام کشورهای حاشیه دریای خزر، به موفقیت برسند.

گشایش راه آهن سرخس - تجن امکان برقراری ارتباط مستقیم قزاقستان با ایران را از طریق راه آهن فراهم کرد و شرایط آسانی را برای ترانزیت کالا ـ میان قزاقستان و سایر نقاط جهان بویژه حوزه خلیج فارس فراهم کرد. اهمیت خراسان به عنوان پایگاه حمل و نقل زمینی ایران با آسیای مرکزی سبب شد که پس از راه اندازی راه آهن مذکور کنسولگری قزاقستان در مشهد در همان سال، ۱۳۷۴ش، افتتاح شود و خراسان نیز مشابه استانهای مازندران و گرگان از شرایط ویژه ای از نظر ارتباط با قزاقستان برخوردار گردد.

ص:۳۶۱

فصل ۷: ایران و آسیای مرکزی

روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی

با فروپاشی شوروی، دگرگونیهایی در جهان و تحولاتی در روابط بین المللی صورت گرفت. تقسیم دو قطبی جهان، جنگ سرد و برخوردهای سیاسی ناشی از آن جای خود را به برتری کشورهای جهان براساس میزان رشد و توسعه آنها داد و عناصر مذهبی، قومی و فرهنگی در ساختار سیاسی کشورها اهمیت یافت.

ایران که سالها در همسایگی اش یکی از ابرقدرتهای جهان حکومت می کرد که روابطی نابرابر و یک سویه با همسایه جنوبی خود پایه گذاری کرده بود، اکنون شاهد شکل گیری جمهوریهایی است که پیدایش آنها فرصتهای جدیدی را برای برقراری روابط مشترک و متقابل فراهم آورده است.

جمهوریهای آسیای مرکزی حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی را مورد توجه قرار داده اند و نوسازی و دگرگونیهای اقتصادی را درجهت نیل به اهداف فوق پی گرفته اند. ایران که در طی تاریخ طولانی مدت خود، روابط و مناسبات گسترده سیاسی، فرهنگی واقتصادی با ناحیه داشته است، به دلیل موقعیت مناسب و ویژه خود، تمایل بسیاری به توسعه روابط اقتصادی و همکاریهای دوجانبه دوستانه با این کشورها دارد. بدیهی است که رشد وتوسعه این کشورهای نوپا در ثبات سیاسی و توسعه کشورهای

ص:۳۶۵

مجاور بی تأثیر نیست. بنابراین روابط اقتصادی ما با جمهوریهای آسیای مرکزی براساس منافع مشترك و دو جانبه شکل گرفته است.

روابط ایران و آسیای مرکزی را در انواع مختلف می توان بررسی کرد، یکی از قالبهای بررسی روابط ایران و ناحیه تأثیر و نقش این روابط در سطوح مختلف است. به طور کلی این روابط را در چهار سطح می توان بررسی کرد:

الف - روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح بین المللی: جمهوریهای آسیای مرکزی

پس از استقلال، اشتیاق فراوانی برای برقراری روابط با کشورهای مختلف جهان دارند. ایجاد روابط و حمل ونقل کالاها نیازمند دسترسی به آبهای آزاد است. آسیای مرکزی جایگاه جمهوریهایی است که در ردیف کشورهای بسته و محاط جهان قرار می گیرند. آنها برای دسترسی به بنادر آزاد باید مسیرهای طولانی را در شرق، شمال و غرب طی کند، این مسیرها علاوه بر بُعد مسافت، هزینه های حمل و نقل را افزایش می دهد. بنابراین نزدیکترین راه، از جنوب و از مسیر ایران و یا افغانستان و پاکستان است، با توجه به مشکلات سیاسی افغانستان، مسیر ایران شرایط مطمئن و آسانی را برای این کشورها فراهم می کند.

انتقال نفت و گاز به کشورهای مصرف کننده جهان نیز همین وضعیت را دارد. منابع سوخت و انرژی نقش بسیار مهمی در اقتصاد این کشورها ایفا می کند و با توجه به فراوانی این محصولات، صدور آنها از برنامه اقتصادی مهم کشورهای ناحیه است. برای دسترسی به بازارهای جهان، ایران که در ابعاد مختلف اقتصاد نفت و گاز صاحب تجربه و امکانات کافی است می تواند این کشورها را یاری دهد. احداث خطوط لوله وانتقال این مواد از ایران و با استفاده از خطوط لوله کشور ما، می تواند بسیار با صرفه تر از مسیرهای

دریای خزر و یا خط لوله افغانستان و پاکستان باشد که سرمایه گذاری فراوانی را طلب می کند. بنابراین مشاهده می شود که ارتباط ایران با آسیای مرکزی از طریق دریا و خشکی برقرار است و این امکان ارتباط در سطح بین المللی قابل بررسی می باشد.

ب - روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح منطقه: این رابطه نیز برقرار بوده و قابل بررسی است. همکاریهای گوناگون، بویژه روابط اقتصادی میان ایران و آسیای مرکزی و شماری دیگر از کشورهای ناحیه در قالب سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو)(۱)، یک

۱- در بهمن ماه سال ۱۳۶۳ طی اجلاسی در تهران قطعنامه ای بین ایران، پاکستان و ترکیه به امضا رسید که طی آن «سازمان عمران منطقه ای» که در پیش از انقلاب اسلامی فعال بود، با نام تازه «سازمان همکاریهای اقتصادی» (اکو) شروع به کار کرد. در همین قطعنامه پیکره اساسی سازماندهی اکو تعیین شد. کشورهای بنیانگذار در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در اسلام آباد پاکستان «عهدنامه ازمیر» را که قبلاً درباره مشارکت کشورها و سایر مسایل تهیه شده بود اصلاح کردند و زمینه را برای

پیوستن اعضای جدید هموار کردند، به این ترتیب در حال حاضر سازمان اکو به جز سه عضو بنیانگذار دارای ۷ عضو دیگر است. این ۷ عضو، عبارت اند از افغانستان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان. در فوریه ۱۹۹۳م/بهمن ۱۳۷۱ش اعضای اکو در کویته پاکستان برنامه عمل اکو را تهیه کردند. همکاریهای بانکی، ایجاد دانشکده، مطالعه برای شرکت در تشکیل بانک سرمایه گذاری و توسعه، بررسی پیوستگی شبکه حمل ونقل، همکاریهای دریایی، همکاریهای پستی، کشتیرانی در دریای خزر، توسعه وگسترش خطوط حمل ونقل، حفاظت محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر وتوسعه شبکه پستی و ارتباطی از مهمترین اهداف اکو بشمار می آیند.

محدوده وسیع جغرافیایی، فرهنگی واقتصادی را در بر می گیرد که در صورت تداوم موفقیت آمیز همکاریهای مشترک در آینده ای نه چندان دور، از اهمیت زیادی نه فقط در منطقه، بلکه در سطح جهان برخوردار می شود و می تواند یکی از قطبهای اقتصادی مهم جهان را شکل دهد.

علاقه و پیگیری ایران برای تشکیل سازمان متشکل از کشورهای ساحل دریای خزر موضوع دیگری است که در تحلیل روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح منطقه قابل بررسی است. جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل این سازمان تلاش زیادی کرده است، زیرا بهره برداری عاقلانه از منابع متعدد دریای خزر فقط در قالب همکاریهای گوناگون میان کشورهای ذینفع امکان پذیر است.

ج – روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح ملی: پا گرفتن جمهوریهای آسیای مرکزی و برقراری روابط مستقل با دنیای خارج، ایران را که در مسافتی زیاد با ناحیه هم مرز بود در موقعیت مناسبی برای ایجاد روابط مشترک قرار داد. برقراری روابط در سطح ملی اثر بسیاری به همراه داشت. ایجاد پیوندهای مستحکم سیاسی، فرهنگی و تجاری نه تنها از سوی رهبران سیاسی کشور مورد توجه قرار گرفت، بلکه بسیاری از صاحبنظران، این امر را ضرورتی اجتناب ناپذیر دانسته و بر گسترش ارتباطات گوناگون تأکید کرده اند.

ایجاد روابط مشترک، ضرورت شناخت کشورهای آسیای مرکزی را پدید آورد و همین امر سبب رونق پژوهشها وانجام مطالعات گوناگون درباره این کشورها شد به طوری که بسیاری از علاقه مندان به همراه مراکز مطالعاتی، طرحهای کوتاه مدت و دراز مدتی را برای انجام تحقیقات گوناگون و همه جانبه به مرحله عمل درآوردند.

به همراه تغییر نگرش پیشین و رشد فعالیتهای فرهنگی، مؤسسات و مراکز اقتصادی وتجاری نیز در سطح کشور برای سرمایه گذاری در این کشورها و صدور کالاهای تولیدی و ورود کالاهای مورد نیاز پا گرفتند. در سطح کلان صنعت نفت و گاز، صنعت حمل و نقل، صنعت مواد غذایی و صنعت پوشاک و کفش و در سطح خرد فروشگاههای عرضه کالاهای روسی را می توان برای نمونه نام برد.

د – روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح استان: با فروپاشی شوروی سابق و تشکیل کشورهای مستقل، به سرعت مرزهای ناحیه با دنیای خارج گشوده شد. بدیهی است که

استانهای مرزی در برقراری ارتباط اهمیت زیادی دارند. در ایران دو استان خراسان و مازندران و بویژه خراسان در ارتباط فزاینده با آسیای مرکزی قرار گرفته است. در چهار

چوب سیاست خارجی کشور، خراسان و مازندران روابط گسترده ای را با کشورهای آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان برقرار کردند. این ارتباط در ابعاد گوناگون برقرار شده

است، تردد مرزنشینان دو کشور و سفرهای گردشگری به خراسان، گشایش نمایندگی وزارت امورخارجه در مشهد، افتتاح کنسولگری ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در مشهد و کنسولگری ایران در شهر مرو ترکمنستان، حضور بازرگانان ایرانی در آسیای مرکزی، ساماندهی مراکز فروش اجناس آسیای مرکزی در مشهد، گسترش و توسعه شرکتها و مؤسسه های بخش خصوصی در امور تجاری و حمل و نقل در استان خراسان به منظور فعالیت در آسیای مرکزی، نوسازی واحداث تأسیسات و خدمات مورد نیاز نقاط مرزی در شهرهای شمالی استان و نقاط ورودی، حضور چهره های غیربومی و آشنای مردم آسیای مرکزی در سطح شهرهای شمالی استان بویژه شهر مشهد، رونق فعالیتهای کشتیرانی در بنادر جنوبی دریای خزر و رشد فعالیتهای تجاری در بنادر استانهای گیلان و مازندران و شهر مشهد، بارزترین آثار توسعه روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح استان به شمار می آیند.

اهداف سیاست خارجی ایران در روابط آسیای مرکزی

ایران از سوی شمال با کشورهایی هم مرز است که مشترکات زیادی با آنها دارد. مرزهای طولانی خاکی و آبی، تاریخ مشترک کهن و میراث فرهنگی و اصول ایده ئولوژی مشترک شاخص ترین وجوه اشتراک کشور ما با جمهوریهای نوپای آسیای مرکزی است.

احترام به حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تمامیت ارضی اصول اصلی سیاست خارجی ایران در روابطش با کشورهای ناحیه است. برقراری ثبات وحفظ امنیت ناحیه از اهمیت ویژه ای برای ایران برخوردار است. زیرا ناامنی در سرزمینهای آن سوی مرزهای شمالی ضمن ایجاد مشکلات متعدد، صلح و امنیت کشور را به خطر می اندازد، زیرا در دو سوی مرز افرادی با ویژگیهای همسان قومی زندگی می کنند که بی گمان نسبت به رویدادهای آن سوی مرز بی توجه نخواهند ماند.

ص:۳۶۸

بنـابراین حفـظ صـلح و ثبـات در ناحیه یکی از برنامه های سـیاست خارجی ایران است و همکاری گسترده ایران با ناحیه نیز به موازات همین هدف صورت می گیرد. میانجیگری ایران در بحران و درگیریهای داخلی تاجیکسـتان به همین منظور انجام شـد و توسعه روابط اقتصادی نیز همین هدف را دنبال می کند.

روند روابط گوناگون ایران با آسیای مرکزی

ایران به دلیل موقعیت ویژه و مناسب خود تمایل فراوانی برای توسعه روابط و همکاریهای دوستانه با کشورهای آسیای مرکزی دارد و از اولیـن روزهـای کسب اسـتقلال جمهوریهـای آسـیای مرکزی روابـط دوجـانبه در ابعـادمختلف برقرار شـده است. در مجموع همکاریهای ایران با ناحیه در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل ذکر است.

الف – روابط سیاسی ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی: پا گرفتن کشورهای مستقل

آسیای مرکزی سبب شکل گیری مرحله نوینی در سیاست خارجی کشور ما شد. در همان ماههای اول فروپاشی شوروی، ایران از تشـکیل جمهوریهای مسـتقل اسـتقبال کرده و این کشورها را به رسـمیت شـناخت. متعاقب آن زمینه برقراری روابط سیاسـی فراهم شد و ایران در تمام کشورها سفارتخانه دایر کرد و متقابلاً جمهوریهای آسیای مرکزی نیز

در تهران به تدریج سفارتخانه های خود را گشودند.

دیدارها، ملاقاتهای سیاسـی، اجلاس سـران کشورها و بازدیدهای مقامات سیاسـی از کشورهای یکدیگر آغاز شد و به سرعت گسترش یافت به طوری که تمام سـران کشورهای آسیای مرکزی از ایران بازدید کردند وریاست جمهوری ایران نیز چندبار از ناحیه دیدار کرده است. بازدید دیگر مقامات رسـمی دولتهای ناحیه و ایران از سرزمینهای یکدیگر بارها صورت گرفته است و قراردادهای متعددی در زمینه های مختلف در جریان دیدارها به امضای طرفین رسیده است.

ایران با مدنظر قرار دادن صلح و ثبات منطقه اقدامات سیاسی دیگری نیز انجام داده است. حمایت شدید از عضویت کشورهای آسیای مرکزی در پیمان اکو، تأکید بر گسترش مناسبات سیاسی واقتصادی کشورهای حاشیه دریای خزر از طریق ایجاد

اتحادیه همکاریهای کشورهای حاشیه دریای خزر در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در زمره ابتکارات سیاسی ایران بوده است.

تلاش ایران برای حل بحران داخلی تاجیکستان و برگزاری مذاکرات صلح بین دولت و گروههای مخالف کشور از شهریور ۱۳۷۳ به بعد در تهران، حاکی از تمایل ایران در حل مشکلات کشورهای آسیای مرکزی برای برقراری صلح و آرامش در منطقه است.

گشایش کنسولگریهای ترکمنستان و قزاقستان و قرقیزستان در مشهد و کنسولگری ایران در مرو ترکمنستان وگسترش همکاریهای استانهای مازندران، گیلان و خراسان با جمهوریهای آسیای مرکزی از دیگر اقدامات ایران برای گسترش مناسبات سیاسی و سهولت برقراری روابط گوناگون به شمار می آید.

ب - روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی: ایران از ابتدای استقلال کشورهای آسیای

مرکزی در صدد توسعه روابط اقتصادی خود با این جمهوریها بوده است. بخشی از روابط در چارچوب همکاریهای اقتصادی اکو و بخشی دیگر نیز با انعقاد قراردادهای متعدد اقتصای با هر یک از این کشورها برقرار شده است.

یکی از موضوعات مهم در روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی، مسأله ترانزیت کالاـ می باشد ایران برای مبادله کالا با روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع و حتی

اروپایی می تواند از این کشورها استفاه کند و کشورهای آسیای مرکزی نیز با بهره گیری از طرحهای ترانزیتی ایران می توانند از مزایای بسیاری سود برند.

کشورهای بسته آسیای مرکزی برای دستیابی به بنادر آزاد چند مسیر را باید طی کنند. در داخل جمهوریهای مستقل مشترک المنافع و با استفاده از خطوط راه آهن سه مسیر قابل استفاده است. دسترسی به بندر ولادی وستک و ناخودکا در شرق که حدود ۱۰ تا ۱۱ هزار کیلومتر مسافت دارد، مسیر بنادر سنت پترزبورگ و ریگا در شمال اروپا با

۸ تا ۹ هزار کیلومتر فاصله و مسیر بنادر اودسا، سواستوپول و نووروسیسک در دریای سیاه با ۶ تا ۷ هزار کیلومتر فاصله. این مسیرها ضمن طولانی بودن، هزینه حمل و نقل زیادی در بر دارند.

کشورهای آسیای مرکزی برای دسترسی به بنادر آزاد مسیرهای دیگری نیز در اختیار دارند. یک مسیر استفاده از دریای خزر و باکو و رسیدن به دریای سیاه است که با

وجود کوتاه بودن مسیر به دلیل شرایط سیاسی ناحیه قفقاز اکنون قابل بهره برداری نیست. مسیر دیگر خطوط آهن چین و دستیابی به بنادر شرقی چین است. این مسیر گرچه نسبت به خط آهن سیبری سه هزار کیلومتر کوتاهتر است اما فاصله زیادی دارد. ضمن آن که در مرز چین و قزاقستان مسافت کوتاهی در دو سوی مرز فاقد ریل راه آهن است. مسیر ارتباطی افغانستان و پاکستان به اقیانوس هند مسیر دیگر است که به علت شرایط سیاسی افغانستان قابل بهره برداری نیست و سرانجام مسیر ارتباطی از طریق ایران به خلیج فارس و دریای عمان.

شواهد موجود حاکی از آن است که بهترین مسیر ارتباطی برای جمهوریهای آسیای مرکزی دستیابی به آبهای گرم جنوب ایران است. این کشورها برای برقراری روابط تجاری با کشورهای منطقه اقیانوس هند، ژاپن، کشورهای عربی و قاره افریقا وامریکا نیاز به بهره گیری از راههای ترانزیت و بنادر آزاد ایران دارند و در چند سال اخیر نیز

توافقنامه هایی در زمینه های حمل و نقل وتوسعه راههای ارتباطی میان ایران و کشورهای

آسیای مرکزی منعقد شده است. (نقشه ۴۸)

مهمترین اقدام ایران برای بهبود وضعیت خطوط ارتباطی خود افتتاح راه آهن سرخس - مشهد در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ بود. با افتتاح این راه آهن، آسیا بار دیگر با

اروپا از طریق خطوط آهن پیوند خورد و در واقع جاده ابریشم به شکل نوین خود احیا شد.

جاده ابریشم که قدمت آن را به قرن دوم قبل از میلاد نسبت می دهند سالیان متمادی آسیا را به اروپا پیوند می داد. این جاده از شرق آسیا تا حوزه دریای مدیترانه امتداد

داشت و با شاخه های متعدد خود در نواحی شمالی وجنوبی در انتقال فرهنگ، مذهب و همچنین انواع کالا نقش بسیار مهمی داشت.

جاده ابریشم از شهر لویانگ در کنار رودخانه زرد سرزمین چین آغاز می شد و با عبور از شهرهای سیان ولانگ چئو در محل توان هونگ به دو شاخه اصلی تقسیم می شد، شاخه شمالی از طریق هالی، تورقان، کوچا و آقا سو به کاشغر می رسید و شاخه جنوبی میران، نیا و ختن را به کاشغر متصل می کرد. جاده پس از خروج از سرزمین چین با عبور از منازل اوزکند، اوش، اخسیکث (فرغانه)، خجند به سمرقند می رسید و سپس

نقشه ۴۸

شهرهای بخارا، کش، چارجوی، مرو و سرخس را به نیشابور متصل می کرد. مسیر دیگری که کاشغر را به نیشابور متصل می کرد از شهرهای تاش کورگان، پامیر، قندوز و بلخ و سپس یا از میمه و مرو و یا از هرات، فوشنج وجام عبور می کرد و به نیشابور می رسید. این مسیر بیشتر در فصل زمستان محل رفت و آمد تجار و کاروانها بود.

از نیشابور جاده به سوی غرب امتداد می یافت و پس از عبور از شهرهای شاهرود، دامغان، ری، ساوه، همدان، کرمانشاه، قصرشیرین به بغداد می رسید. کاروانیان در بغداد

یا از طریق موصل، اورنا و حلب به انطاکیه می رفتند یا از مسیر رقه و حلب به بندر انطاکیه

می رسیدند و یا مسیرهای دیگری را در خشکی و آب می پیمودند تا به روم برسند.(۱)

۱- راه ابریشم، ص ۱۸ - ۲۱.

اکنون با احداث خط آهن مشهد – سرخس – تجن به نوعی مسیر قدیمی جاده ابریشم احیا و ارتباط چین و کشورهای آسیای مرکزی از طریق ایران با کشورهای اروپا و کشورهای عرب خاورمیانه برقرار شده است. ضمن آن که با احداث خط آهن بافق – مشهد، که عملیات ساختمانی آن آغاز شده است، کشورهای آسیای مرکزی قادر خواهند بود به طور مستقیم و بدون نیاز به ترانزیت کالا از طریق تهران، به بنادر جنوبی

ایران دسترسی پیدا کنند.

خط آهن مشهد – تجن ۲۹۷ کیلومتر طول دارد که ۱۶۷ کیلومتر آن در هفت قطعه از ایستگاه سنگ بست، در مسیر راه آهن مشهد – تهران، به سوی سرخس امتداد یافته است. در خاک ترکمنستان پس از عبور از رودخانه تجن ۱۳۰ کیلومتر راه آهن تا شهر تجن ادامه می یابد. این خط آهن دارای هشت ایستگاه و سه تونل به طول حدود ۶ کیلومتر است و پیش بینی می شود سالانه حدود ۲ میلیون تن کالاـ و ۵۰۰ هزار مسافر در این مسیر جابجا شوند. درحالی که ظرفیت نهایی این خط تا حدود ۸ میلیون تن بار و یک میلیون نفر مسافر قابل افزایش است(۱) (نقشه ۴۹).

ترانزیت مواد سوختی از طریق ایران یکی دیگر از موضوعات مهم روابط اقتصادی ایران وآسیای مرکزی به شمار می آید. و اقداماتی جهت احداث خطوط لوله وانتقال نفت و گاز جمهوریهای آسیای مرکزی از طریق ایران به بازار مصرف جهان انجام شده، همچنین توافقهایی برای انتقال مواد سوختی به مرزهای شمالی کشور و دریافت آن از بنادر جنوبی ایران به عمل آمده و محموله هایی نیز تاکنون به کشور منتقل شده است که معادل آن از طریق بنادر جنوبی به مشتریان کشورهای آسیای مرکزی تحویل داده شده است.

سرمایه گذاری ایران در آسیای مرکزی از دیگر زمینه های فعالیتهای اقتصادی ایران در آسیای مرکزی است، این سرمایه گذاری ها برخی به صورت مشترک با کشورهای مجری و برخی به تمام توسط ایران انجام می شود. بخشی از سرمایه گذاری ها در قالب طرحها و پروژه های صنعتی و بازرگانی توسط دولت و شماری دیگر از طریق بخش خصوصی انجام می شود.

استخراج مواد معدنی، پروژه های حمل و نقل، همکاری در زمینه نفت و گاز،

ص:۳۷۳

۱- «راه آهن سرخس – مشهد، مرکز ثقل تجارت آسیا و اروپا»، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران،ش۳، خرداد ۱۳۷۵، ص۵۵ – ۶۲.

نقشه ۴۹

مهم ترین زمینه های سرمایه گذاری بخش دولتی و شرکتهای خصوصی است و فعالیت آنها در زمینه های تولیدی و خدماتی شامل ساختمان سازی، هتل سازی، بانکداری، کشاورزی، خدمات وانتقال کالا بیش از سایر رشته ها بوده است.

فعالیت حدود ۴۰۰ شرکت خصوصی ایرانی در قزاقستان و تقریبا به همین تعداد در ازبکستان و مشارکت ایران در اجرای بیش از ۱۰۰ طرح صنعتی و بازرگانی در ترکمنستان از اثرات روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی است.

ص:۳۷۴

همجواری ایران با آسیای مرکزی و فاصله اندک کشورمان با ناحیه مذکور شرایط مناسبی برای ایران به عنوان یکی از بازارهای مصرف کالاهای صادراتی آنها و مرکز تأمین نیازهای اقتصادی آنها فراهم کرده است. افزایش حجم صادرات و واردات میان ایران و کشورهای مذکور یکی از پیامدهای گسترش روابط اقتصادی در ناحیه است و ایران برای سهولت فعالیتهای تجاری با ایجاد تسهیلات گمرکی وایجاد بازارچه های مرزی تلاش بسیاری کرده است، که حاصل آن رشد مبادلات ایران با ناحیه بوده است. به طوری که در سال ۱۳۷۲ش میزان صادرات ایران به آسیای مرکزی حدود ۵۷ درصد و میزان واردات کالا حدود ۶۰ درصد نسبت به سال ۱۳۷۱ افزایش داشته است.

مهمترین کالاهای صادراتی ایران به ناحیه شامل وسایل حمل و نقل زمینی، پوشاک، کفش، میوه و مواد غذایی و مهمترین اقلام وارداتی ماشین آلات، مواد معدنی، مصنوعات آهن، فولاد و چدن بوده است.

ج - روابط فرهنگی ایران با آسیای مرکزی: پیوندهای تاریخی - فرهنگی ایران با آسیای مرکزی پیشینه ای کهن دارد. آثار باستانی نشان می دهند که ایران و آسیای مرکزی

از دوران قبل از تاریخ جایگاه فرهنگ و تمدنهایی بوده اند که همسانی و تشابهاتی چشم گیر با یکدیگر داشته اند.

در طول بیش از هفتاد سال روسها تلاش کردند که این پیوندهای کهن را نادیده بگیرند و به شکل گسسته هویت تازه ای به ساکنان آسیای مرکزی بدهند و میان آنها وایران فاصله بیندازند و اقدامات گوناگون نیز برای دستیابی به این هدف انجام دادند. اما با فروپاشی شوروی روابط فرهنگی ایران با آسیای مرکزی مجددا برقرار شد.

ارائه خدمات و دوره های آموزشی برای کارشناسان کشورهای آسیای مرکزی در زمینه های علوم سیاسی، امور گمرکی، کشاورزی، هواشناسی، سند خوانی وترمیم اسناد کتابخانه ها، برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش دانشجویان رشته زبان فارسی دانشگاههای آسیای مرکزی در ایران، چاپ قرآن به زبانهای محلی، اعزام رایگان حجاج ناحیه به مراسم حج و... از مهمترین اقدامات فرهنگی ایران در آسیای مرکزی است.

در میان کشورهای ناحیه، تاجیکستان روابط فرهنگی گسترده تری با ایران دارد و کشور ما برای احیای زبان فارسی در این سرزمین فعالیتهای زیادی انجام داده است.

ص:۳۷۵

خراسان و آسیای مرکزی

خراسان و آسیای مرکزی مناسبات تاریخی و فرهنگی یکسان و کهنی با یکدیگر دارند، که قدمت آن را می توان به درازای عمر تاریخ منطقه دانست. خراسان بزرگ و ماوراء النهر در طول تاریخ خود پیوندهای عمیق با یکدیگر داشته اند که در دوران سلطه

روسها بر ناحیه این پیوندها به اجبار از هم گسست. اما وابستگی ها آنچنان ژرف و پایدار

بود که تلاش گسترده روسها نتوانست راه به جایی برد و پس از فروپاشی شوروی سابق بلافاصله روابط متقابل برقرار شد.

گذشته از پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک خراسان با آسیای مرکزی، همجوار بودن ناحیه با جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و مرز زمینی طولانی شرایط مساعدی برای برقراری روابط مشترک اقتصادی و فرهنگی ناحیه با ایران از طریق خراسان فراهم کرده است. به همین سبب در سالهای اخیر خراسان مرکز رفت وآمد گروهها و هیأتهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بوده است.

اهمیت سیاسی و اقتصادی خراسان در ناحیه سبب رونق فعالیتهای سیاسی و تجاری در استان شده، این رویکرد از یک سو در آن سوی مرز مشاهده می شود و از سوی دیگر در محدوده استان، بویژه ناحیه شمالی چهره خود را نشان می دهد.

در پی گسترش روابط خارجی، وزارت امور خارجه برای سرعت بخشیدن به امور سیاسی و نظارت بر تحولات و روابط در استان خراسان اقدام به گشایش دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در مشهد کرد. این دفتر تنظیم امور مربوط به روابط خارجی در سطح استان خراسان را عهده دار است.

با توسعه روابط سیاسی ایران با آسیای مرکزی، کشورهای ناحیه به جهت نزدیکی با استان خراسان اقدام به تأسیس سرکنسولگریهای خود در مشهد کردند که ابتدا کنسولگری ترکمنستان و سپس در فروردین سال ۱۳۷۵ کنسولگری قزاقستان و در مرداد ماه همان سال کنسولگری قرقیزستان شروع به فعالیت کردند. افتتاح کنسولگریها در مرکز استان به گسترش وسیعتر روابط جمهوریهای آسیای مرکزی با استان خراسان کمک شایانی خواهد کرد.

مهمترین بخش روابط استان خراسان با آسیای مرکزی در امور اقتصادی و تجاری

ص:۳۷۶

است. علاوه بر توانهای تولیدی فراوان استان، اقدامات زیربنایی ملی نیز در توسعه روابط تجاری خراسان با همسایگان شمال شرقی کشور تأثیر بسزایی داشته است.

احداث خط آهن مشهد - سرخس - تجن مهمترین رویدادی بود که جایگاه ویژه خراسان را با آسیای مرکزی پس از چندین دهه دوباره آشکار کرد. گشایش راه آهن مذکور که به حمل و نقل میان آسیا، اروپا وخلیج فارس بُعد تازه ای بخشیده و فاصله میان چین و آسیای مرکزی را نسبت به خط آهن سیبری ۳ هزار کیلومتر کوتاهتر کرده است(۱)، می تواند در گسترش تجارت و توسعه صنعت گردشگری در ناحیه و بویژه در استان خراسان نقش مهمی ایفا کند. برهمین اساس پیش بینی می شود درآینده نزدیک خراسان به یک قطب اقتصادی و تجاری مهم و مرکز صدور و ورود و ترانزیت کالای کشور تبدیل شود.

از زمان افتتاح راه آهن در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ تا اواسط مهرماه همین سال حدود هشتاد هزار تن کالا از طریق راه آهن وارد استان شده و حدود ۳۰ هزار تن کالا نیز صادر

شده است. آرد و بذر گیاهان مهمترین اقلام صادراتی و پنبه، گازوئیل، آهن و... کالاهای

وارداتی بوده اند.(۲) بیشتر مراودات از طریق راه آهن با کشور ترکمنستان بوده است گرچه کشورهای دیگر نیز برای استفاده از این خط آهن اظهار تمایل کرده و اقداماتی انجام داده اند به طوری که نخستین قطار حامل گازوئیل به ظرفیت ۱۰ هزار تن از ازبکستان پنج ماه پس از شروع به کار راه آهن وارد مشهد شد.

راههای زمینی در امر تجارت و ترانزیت کالا ـ هنوز بیش از راه آهن مورد استفاده قرار می گیرند. مراکز گمرک سرخس، باجگیران، لطف آباد و دوقارون محل ترانزیت کالای استان هستند، بدیهی است که حجم عظیمی از صادرات کالاهای خراسان روانه بازارهای آسیای مرکزی می شود. به طوری که از رقم ۳۵ میلیارد ریال صادرات خراسان در سال ۱۳۷۲، حدود ۵/۲۸ میلیارد ریال آن به آسیای مرکزی صادر شده است.

توسعه روابط ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی بر اهمیت تجاری استان خراسان به عنوان پل ارتباطی ایران و ناحیه افزوده و میزان ترانزیت کالا از استان خراسان را با

افزایش فزاینده ای روبرو کرده است، به طوری که در سال ۱۳۷۳، میزان کالای ترانزیت از خراسان، رقم دو هزار و ۱۶۸ تن و در سال ۱۳۷۴، رقم ۴۲۷ هزار و ۶۰۲ تن بوده

ص:۳۷۷

۱- برای کسب اطلاعات فنی نگاه کنید به: «احداث راه آهن مشهد - سرخس علاوه بر اهمیت بین المللی آن نشانگر تکنولوژی پیشرفته کشور در پل سازی و تونل سازی است»، اقتصاد خراسان، س۴، ش۱۴۸، اول اردیبهشت ۱۳۷۴.
۲- «علل کندی در صادرات و واردات ریلی کالا، وقفه در برنامه قطار مشهد - سرخس و تشکیل کمیته ترانزیت کالا تشریح شد»، اقتصاد خراسان، سال۴، ش۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

است که حکایت از رشدی معادل ۲۱۰ درصد دارد.

در شش ماهه نخست سال ۱۳۷۵ نیز میزان ترانزیت کالای استان حدود ۳۲۳ هزار و ۴۸ تن بوده است که بخشی از کالاها از مشهد و بخشی از مراکز گمرک مرزی شمال استان ترانزیت شده است (جدود ۱ - ۷).

جدول شماره ۱ - ۷ کالاهای ترانزیت از مراکز گمرک شمال استان خراسان

در شش ماهه اول سال ۱۳۷۵ش(۱)

نام گمرکنوع کالا ارزش ریالی

اتومبیل و کامیونسایر

باجگیران۹۷۸۹۸۱۵۳۰۰۰۰۰۰۰۰

دوقارون۱۶۵۲۷--

سرخس ۴۹۴۱۴۷۸۷۴۳۱۱۱۴۹۰۰۰

لطف آباد۶۷۸۹۱۹۷۲-

موقعیت استثنایی خراسان و نقش ارتباطی آن با آسیای مرکزی ضمن ایجاد درآمد ارزی برای کشورمان، سبب رونق فعالیتهای اقتصادی، ایجاد اشتغال و بالا رفتن رفاه عمومی در استان، بویژه در قسمت شمالی شده است. در چند سال اخیر که روابط تجاری ایران با آسیای مرکزی گسترش یافته است خراسان و بویژه مشهد، شاهد فعالیتهای بخش خصوصی در زمینه تولید و صدور محصولات مورد نیاز بازار آسیای مرکزی و حمل و نقل کالا بوده است.

در کنار واحدهای صنعتی و تولیدی که با افزایش تولید و صدور کالا بر درآمد ارزی خود افزودند فعالیت شرکتهای حمل و نقل آشکارتر است. حدود ۵۴ شرکت مجاز و ۴۶ دفتر نمایندگی شرکتهای حمل و نقل بین المللی در مشهد فعالیت می کنند که حدود ۳۰۰۰ دستگاه کامیون و تریلر حمل بار را انجام می دهند، مجموعه این تشکیلات برای ۳۰هزار نفر ایجاد اشتغال است.

همچنین ورود کالاهای آسیای مرکزی به بازارهای داخلی استان، ضمن ایجاد مراکز خاص فروش این محصولات، بخشی از نیازهای مصرفی را برطرف کرده وسبب اشتغال

۱- اقتصاد خراسان، س۴، ش۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

شماری از مردم شده است. فروشگاههای متعددی که در سطح شهرهای استان به عرضه محصولات آن سوی مرز مشغولند و مراکزی که منحصرا کالاهای آسیای مرکزی را بفروش می رسانند، در نقاط مرزی، شهرهای شمالی و مشهد شاهد آشکاری است بر بازتاب روابط گسترده تجاری استان با آسیای مرکزی.

توسعه سیاست ایران و آسیای مرکزی در بهسازی و نوسازی شهرها و نقاط مرزی خراسان تأثیر شگرفی داشته است، نوسازی راههای منتهی به مرزهای زمینی، ایجاد امکانات خدمات و رفاهی در نقاط ورودی مرز و ایجاد تأسیسات زیربنایی در نقاط مورد نیاز تغییر زیادی در چهره و چشم اندازهای آبادیها و شهرهای مجاور مرز به وجود آورده

است.

شهر سرخس که درآینده نزدیک به یک شهر تجاری آزاد تبدیل می شود و مرکز ثقل روابط تجاری ایران و آسیای مرکزی خواهد شد، در طی چند سال اخیر شاهد تحولات و تغییرات شگرفی بوده است. احداث خط آهن، افتتاح فرودگاه بین المللی و آغاز فعالیت منطقه آزاد تجاری الماس سرخس و شروع عملیات احداث سد هریرود مهمترین رویدادهایی هستند که زمینه مناسبی برای رشد و توسعه سرخس به عنوان دروازه ایران به آسیای مرکزی فراهم کرده است.

شایان ذکر است که آستان قدس رضوی نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه شهر سرخس داشته است و سرمایه گذاری های کلان آن در زمینه های مختلف شکوفایی اقتصادی و اجتماعی آن را به ارمغان آورده است.

گذشته از روابط تجاری، به دلیل آن که خراسان گلوگاه ورودی آسیای مرکزی به ایران به شمار می آید و دارای قابلیتهای تولیدی بسیار و جاذبه های فرهنگی فراوانی است، از

ابتدای برقراری روابط مشترک ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی مورد توجه مسافران و مشتاقان آن سوی مرز قرار گرفت.

در سالهای اولیه استقلال به دلایل متعدد آمد و شد ساکنان دو سوی مرز منحصر به مرزنشینان بود، اما بتدریج بر تعداد مسافران افزوده شد و مشهد شاهد حضور گسترده زنان و مردان غیر بومی بود که با دو انگیزه تجارت و سیاحت روانه کشور ما شده

بودند. در عشق آباد نیز مسافران ایرانی به وفور بچشم می خوردند. پس از گذشت ۲ – ۳

سال از تب و تاب مسافران ایرانی کاسته شد و بر اشتیاق گردشگران آسیای مرکزی افزوده شد به طوری که در سال ۱۳۷۳، حدود ۱۲۰ هزار نفر از ناحیه به خراسان آمدند. این افراد روزانه بین ۲ تا ۸ هزار دلار کالا خریداری می کردند و بنابراین هر روز ۲۰۰

هزار دلار ارز وارد کشور واستان خراسان می شد.(۱)

افزایش تعداد گردشگران آسیای مرکزی ضمن آن که رونق تجارت را به همراه داشت سبب رشد و توسعه فعالیتهای ساختمانی در زمینه ساخت و ساز مهمانپذیرها و هتلها شد. اما برخی عملکردهای نادرست و بی توجهی و نبود برنامه ریزی مناسب به همراه سیاست دولت مبنی بر تثبیت نرخ ارز، رکود نسبی در آمد و شد گردشگران آسیای مرکزی در سال ۱۳۷۴ را به همراه داشت، به طوری که افت زیادی در تعداد مسافران مشاهده شد (جدول ۲ – ۷).

جدول ۲ – ۷ آمار مسافران خارجی ورودی به کشور از گمرکات استان خراسان

در طی چهار ماهه اول سال ۱۳۷۴ش(۲)

تعداد مسافر

ماهمرز باجگیرانمرز سرخس مرز لطف آبادمرز هواییتعداد کل

فروردین۱۴۸۱۴۸۳۲۴۲۰۱۱۱۸۵۵۰۹

اردیبهشت۷۸۳۲۳۵۰۶۲۶۸۰۱۷۳۹۱۵۹۵۷

خرداد۹۴۱۱۱۵۷۱۸۵۵۵۷۲۴۵۲۵

تیر۶۰۴۱۷۳۲۱۱۲۷۶۵۹۴۱۲۲

مشاهده می شود که در طی سه ماه یعنی از اردیبهشت ماه تا تیر ماه سال ۱۳۷۴، شمار مسافران آسیای مرکزی بیش از ۷۰ درصد کاهش یافته است. کاهش تعداد گردشگران در ماههای بعدی نیز تداوم یافت اما از شدت آن کاسته شد. به طور مثال می توان به کاهش تعداد مسافران ورودی از ازبکستان در نیمه اول سال ۱۳۷۴، اشاره کرد (جدول ۳ – ۷).

مشاهده می شود که تعداد جهانگردان از خرداد ماه رو به کاهش می گذارد، اما با مشخص شدن وضعیت مسافران از نظر مسایل ارزی مجددا شمار گردشگران افزایش

۱– اقتصاد خراسان، س۴، ش۱۵۹، ۱۶تیر ۱۳۷۵.

۲- اقتصاد خراسان، س۴، ش ۱۷۰، ۳۱ شهریور ۱۳۷۵.

می یابد، اما به حالت اولیه باز نمی گردد، به طوری که در پایان سال ۱۳۷۴ش رقم مسافران ورودی به استان ۳۴ درصد کمتر از سال ۱۳۷۳ بوده است.

جدول ۳ – ۷ شمار مسافران ورودی به خراسان از ازبکستان

در ۷ ماهه اول سال ۱۳۷۴ش(۱)

ماه فروردین اردیبهشت خردا دتیر مرداد شهریور مهر

تعداد ۲۷۹۰۲۰۷۶۱۱۶۸۸۶۸۲۵۱۳۰۰۱۳۵۰

در طی سالهای ۷۵ – ۱۳۷۴ تلاشهای بسیاری برای نظم دادن به امور گردشگران و بازگرداندن رونق گذشته به عمل آمده است. اما عزیمت مسافران آسیای مرکزی به سایر کشورها و شرایط سهلتر آمد و شد آنها، تا حدودی از تمایل آنان برای سفر به ایران کاسته است. پیش بینی می شود که با گشایش خط آهن ابریشم و ایجاد منطقه آزاد تجاری در سرخس، این مکان به عنوان کانون ارتباط با آسیای مرکزی و خراسان به عنوان بازار جذب توریست، شاهد فعالیت های سیاحتی و بازرگانی گسترده ای باشند که حاصل نهایی آن افزایش در آمد ناشی از جهانگردی است.

بدیهی است که با برنامه ریزی و کاربرد تدابیر لازم و هدایت و جهت دهی مسافران وتاجران خارجی مطابق با سیاستهای اقتصادی کشور و اصول فرهنگی حاکم برآن از یک سو و پیش بینی و تدارک تسهیلات و خدمات مورد نیاز آنها از سوی دیگر صنعت گردشگری به شکل یک فرصت فرهنگی و اقتصادی مناسب برای کشور و استان جلوه خواهد کرد.

در کنار روابط گسترده اقتصادی استان خراسان و آسیای مرکزی تبادلات فرهنگی بین دو ناحیه نیز توسعه یافته است. تبادل استاد میان دانشگاه فردوسی و دانشگاه مختوم قلی ترکمنستان برای تدریس زبان فارسی و زبان ترکمنی و روسی، بازدید استادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی از ترکمنستان به دفعات مکرر، و دانشجویان دانشگاه مختوم قلی از خراسان و ایران، دیدار کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان خراسان از آثار تاریخی آسیای مرکزی و اجرای طرحهای بازسازی و مرمت تعدادی از بناهای

۱– اقتصاد خراسان، س۳، ش۱۳۵، ۲۳ دی ۱۳۷۴.

مـذکور، بازدیـد متخصـصان اداره کشـاورزی خراسـان از ترکمنسـتان و برگزاری دوره های آموزشـی و برپایی نمایشـگاههای متعدد انواع کالاهای تولید اسـتان در جمهوریهای آسـیای مرکزی برخی از فعالیتهای فرهنگی میان استان خراسان و کشورهای آسیای مرکزی است.

به دلیل همجواری مسـتقیم اسـتان خراسان با جمهوری ترکمنسـتان روابط اسـتان با این کشور بیش از سایر جمهوریهای آسیای مرکزی است. اسـتان مـاری در ترکمنسـتان بیشترین روابـط را با خراسان برقرار کرده و به همین دلیل این دو اسـتان با یکـدیگر خواهر خوانـده معرفی شـده انـد. جمهوری تاجیکسـتان که درگیر مناقشات سیاسـی داخلی بوده است، در حال گسترش روابط خود با ایران و بویژه اسـتان خراسان است. جمهوری قرقیزسـتان بویژه اسـتان اوش این کشور روابط گسترده و بسـیار نزدیک با اسـتان خراسـان برقرار کرده و برگزاری چنـد نمایشـگاه تخصصـی کالاهای اسـتان در این ناحیه و سـفرهای متعـدد مسؤولان و بازرگانـان خراسـانی و قرقیزی به اسـتانهای یکـدیگر حـاکی از گسـتردگی روابـط است. پس از افتتـاح راه آهن ابریشم روابط قزاقسـتان با اسـتان خراسان از طریق راه آهن گسترش یافت و ایجاد کنسولگری قزاقسـتان در مشـهد نیز با هـدف توسـعه روابط اسـتان با این جمهوری صورت گرفت. به نظر می رسد اسـتان خراسان می تواند به عنوان پایگاهی مهم، نقش فعالتر و مؤثرتری در روابط کشورمان با ناحیه داشته باشـد، دستیابی به این مهم مسـتلزم گسترش بیشتر روابط کشورمان با ناحیه در سـطح ملی و برنامه ریزی برای استفاده از فرصتهای مناسب فراهم شده در سطح استان می باشد.

پسگفتار

فروپاشـی اتحـاد جمـاهیر شوروی، دوران جدیـدی را در روابـط بین المللی گشود و بحث نظـام دگرگون شونـده جهـانی را به عنوان یک واقعیت مطرح کرد. پیامد این رخداد تحول اساسی در تمام ابعاد سیاستهای بین المللی بود که از میان آنها می توان به دگرگون شـدن نظـام قـدرت درسـطح جهـان، توسـعه و گسترش مناسـبات و روابـط منطقه ای، اهمیت یافتن فزاینـده عنصـر اقتصادی در ارتباطات بین المللی و آشکار شدن بیشتر نقش عوامل قومی، مذهبی در رخدادهای سیاسی، اشاره کرد.

پنج کشوری که در آسیای مرکزی از ۳۱ اوت تا ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۱ میلادی مطابق با ۱۰ شهریور تا ۶ آبان سال ۱۳۷۰ شمسی به اسـتقلال رسـیدند، پدیده نوینی را در جغرافیای سیاسـی جهان و بویژه منطقه ایجاد کردند. تا پیش از فروپاشی شوروی سابق این کشورها در یک نظام سیاسی و اقتصادی برنامه ریزی شده از بالا و به هم پیوسته قرار

داشـتند. در آن زمـان تمـام تصـمیمات اساسـی در ابعـاد گوناگون، از سوی دولت مرکزی مسـتقر در مسـکو اتخاد و به وسـیله یکایـک جمهوریهـا به مرحله اجرا در می آمـد. بـدیهی است هریـک از کشورهـا با توجه به توانها و تنگناهای محیطی دریک زمینه خاص فعالیت می کردند و به مرحله تخصـص می رسیدند و برای تأمین سایر نیازهای خود در رابطه ای نزدیک و متقابل با یکدیگر قرار داشتند.

بـا سـقوط شوروی، اوضـاع سیاسـی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها با دگرگونیهای عمیقی روبرو شـد. اقتصاد جمهوریها به سرعت از یکـدیگر جـدا شـد، نابسامانیهای گوناگون ناشـی از تحولات ناخواسـته سـبب کاهش فعالیتهای اقتصادی و تولیدات گوناگون

شـد. درموقعیت جدیـد رهبران کشورهـا با تمام توان خود برای تغییر ساختارها، ایجاد ثبات سیاسـی واقتصادی و رفع بحرانهای گوناگون تلاش کردند. و نخستین اقدام آنها در این جهت پیوستن به جمع کشورهای جامعه مستقل مشترک المنافع بود.

جمهوریهای آسیای مرکزی از نخستین روزهای پس از استقلال، تلاش خود را به دستیابی به توسعه ای پایدار و همه جانبه قرار داده انـد. برای رسـیدن به این هـدف آنـان به دنبـال یافتن الگوهای موفق می باشـند، بـدیهی است که الگوهای غربی متکی بر بـازار و اقتصـاد آزاد سـخت مورد توجه آنهـا قرار گرفته است. کشورهـای قدرتمنـد، بویژه کشورهای غربی نیز با اطلاع از این موضوع و بـا نیت بهره برداری هرچه بیشتر از منافع سیاسـی واقتصادی ناحیه هریک به دنبال اعمال قـدرت و نفوذ بر هر یک از این کشورها به صورت منفرد و مجموعه آنها هستند.

تحولات سیاسـی مـذکور ایران را در موقعیت ویژه و در پیوند با دو منطقه حساس جهان یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار داد. در خاورمیانه کشور ما همواره به عنوان

یـک اقلیت متمـایز از سـایر کشورهـای عرب زبـان به شـمار می آیـد. و ما هیـچ گاه نتوانستیم در یک اشتراک فرهنگی وحتی مذهبی با آنها قرار بگیریم. حال با ایجاد جمهوریهای آسیای مرکزی برای ما فرصت بسـیار ارزشمند و گرانقدری پدیدار شده تـا بتوانیم در این نـاحیه که اشتراکـات تاریخی و فرهنگی کهنی با آنها داریم، چه در مجموعه کشور و چه در هر یک از آنها، نقش آفرین باشیم.

در کنـار روابـط پایـداری کـه کشورمـان بـا آسـیای مرکزی می توانـد برقرار نمایـد، ایجـاد اتحـادیه ای منطقـه ای متشـکل از کشورهای اطرافمان، ضـمن آن که فوایـد بسـیاری برای هر یک از کشورها دارد، در سـطح جهان نیز می توانـد به یک قدرت منطقه ای قوی و قدرتمند تبدیل شود و در وقایع سیاسی به عنوان یک وزنه قدرتمند به شمار آید. اما رسیدن به این

اهداف مستلزم انتخاب راه و روشهای مناسب و درست به لحاظ ارتباطات گوناگون کشورمان با آسیای مرکزی می باشد.

نکته ای که در برقراری ارتباط با آسـیای مرکزی، امتیاز ویژه ای به شـمار می آید، موقعیت جغرافیایی عالی کشورمان است. ما ضمن آن که مرز مشـترک زمینی و آبی بـا این کشورهـا داریم، قـادریم ضـمن برقراری روابـط گسـترده بـا آنهـا، به عنوان پل ارتباطی، ارتباط

ص:۳۸۶

آنها را با آبهای آزاد و سایر کشورهای جهان برقرار سازیم.

ارتباط با آسیای مرکزی و گسترش آن با توجه به اهمیت ویژه ای که دارد در دو بُعد فرهنگی و اقتصادی قابل اجرا است. در بعد فرهنگی با توجه به پیوندهای دیرینه تاریخی و فرهنگی ایران با این ناحیه اکنون باید تلاش گسترده ای برای بازشناساندن هویت مشترک فرهنگی انجام دهیم. نخستین قدم در این زمینه اطلاع رسانی است.

برای اطلاع رسانی وسیله ای که براحتی در اختیار ماست و می توانیم از آن برای پیام رسانی استفاده کنیم، صدا و سیما است. این رسانه ها باید ساعاتی از روز را به پخش برنامه های برون مرزی ویژه آسیای مرکزی اختصاص دهند. برنامه های تهیه شده باید ضمن آن که شادی آور باشند مردم ناحیه را با انواع مفاخر فرهنگی ما آشنا سازد و با نشان دادن تشابهات فرهنگی، پیوندهای دیرین را زنده کند.

برگزاری گردهمایی ها و کنگره ها در امور ادبی، برپایی جشنواره ها و نمایشگاههای هنری در جمهوریهای آسیای مرکزی، اهدای بورس تحصیلی به دانشجویان این کشورها برای ادامه تحیصل در ایران، احداث مراکز آموزشی در برخی از کشورها، استفاده از توان پژوهشی و تخصصی جمهوریهای آسیای مرکزی و رونق دادن صنعت جهانگردی، از موضوعات دیگری است که در توسعه روابط فرهنگی میان کشورمان و ناحیه آسیای مرکزی مؤثر خواهد افتاد.

بدیهی است که فعالیتهای فرهنگی ایران خود بخود در انتقال اصول اعتقادی ما نیز مؤثر است، و در مدت کوتاهی سبب جلب جوانان این کشورها خواهد شد. در این باره باید به گونه ای عمل شود که ضمن جلوگیری از بروز اختلافات مذهبی میان ما و آنها، زمینه ای برای رشد فعالیتهای کشورهای مخالف ما فراهم نشود و تبلیغات سوء آنها درباره اصول ایده ئولوژی ما و عملکردمان بدل به واقعیت نشود. بویژه که در این سرزمینها مردمی سکونت دارند که بیش از ۷۰ سال از مسائل و اصول اعتقادی به دور بودند و اشتیاق فراوان آنها، زمینه مساعدی را برای پذیرش افکار ما فراهم می کند.

در برقراری روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی نخستین موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد شناخت توانهاو تنگناهای بخشهای مختلف اقتصادی آسیای مرکزی است(۱) که با توجه به قابلیتهای مادی و معنوی و نیازهای کشورمان در بخشهای

گوناگون اقتصادی می توان جهت دهی های مناسب را انتخاب کرد.

در بررسی و شناخت توانهای ناحیه باید به موضوعات زیر توجه کرد:

- شناخت موقعیت ترانزیت ایران، هم از نظر حمل و نقل کالا و هم در انتقال منابع انرژی زا.

- شناخت چگونگی فعالیت تجاری کشورهای دیگر جهان با آسیای مرکزی

- شناسایی نیازهای وارداتی ناحیه و قابلیتهای تولیدی وکالاهای صادراتی آنها

- شناخت زمینه های مناسب موجود در ناحیه برای سرمایه گذاریهای مشترک

پس از شناسایی موارد فوق ما باید از توانهای گوناگون خودمان نیز اطلاع داشته باشیم:

- شناسایی توان بخش دولتی و بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در آسیای مرکزی

- شناخت توان تولیدی کشور، برای رفع نیازهای آسیای مرکزی

- شناسایی نیازهای کشور برای رفع آن از طریق منابع آسیای مرکزی

پس از بررسی موضوعات مذکور روابط اقتصادی کشورما با ناحیه می تواند بسیار گسترده و همه جانبه ادامه یابد، این مراودات هم در غالب اتحادیه های گوناگون مانند سازمان همکاریهای کشورهای حوضه دریای خزر و سازمان اکو وهم در چارچوب ارتباطات متقابل با هر یک از کشورها قابل اجراست.

بدیهی است سیاستهای ارشادی دولت نقش مهمی در گسترش روابط دارد، زیرا دولت با برطرف نمودن مشکلات بازرگانی، ایجاد دفاتر بازرگانی و تجاری در کشورهای ناحیه، ایجاد مناطق آزاد تجاری در نقاط مرزی وجهت دهی برخی از امکانات کشور برای تأمین نیازهای جمهوریها، احداث و نوسازی جاده های ارتباطی کشور بویژه در ناحیه شرقی از نقاط مرزی تا سواحل خلیج فارس، توسعه وایجاد خطوط آهن در همین ناحیه، ایجاد امکانات حمل و نقل دریایی در بنادر ساحل جنوبی دریای خزر، احداث و تکمیل راههای جاده ای و راه آهن در مسیرهای منتهی به کشورهای همسایه، ایجاد امکانات رفاهی درنواحی مجاور مرز و بویژه استان خراسان واستان سیستان و بلوچستان، می تواند نقش مؤثری در گسترش و رونق روابط اقتصادی ایفا نماید.

ص:۳۸۸

پی نوشت

آرامش ناپـدار و بروز درگیری هـای دوره ای در تاجیکسـتان، گسترش روابـط اقتصـادی کشورهای ناحیه بویژه در زمینه منابع غنی انرژی زا، بحث و گفت وگو پیرامون دریـای خزر مهمـترین رخـدادهای آسـیای مرکزی از پـاییز سـال ۱۳۷۵ تـا پاییز سال ۱۳۷۷ بوده است.

در تاجیکسـتان پس از برگزاری نشـست های متعدد بحث و گفت وگو میان دولت و نیروهای مخالفِ آن با حضور میانجیان و ناظران بین المللی سـرانجام در تیرماه سال ۱۳۷۶ پیمان نهایی صـلح در مسـکو به امضای دو طرف رسـید. اما پس از یک دوره آرامش نسبی در اردیبهشت سـال ۱۳۷۷، درگیری هـای گسترده ای در پـایتخت کشور، میـان نیروهای دولتی و اتحاد مخالفان تاجیک رخ داد. این ناآرامی ها چند روز ادامه داشت تا

سرانجـام بـا متعهـد شـدن طرفهـای درگیر به اجرای مفـاد قرارداد صـلح درگیری هـا به پایان رسـید. پس از آن، دولت با ادغام شمـاری از نیروهـای مسـلح مخالفـان در ارتش ملی، عضویت تعـدادی از رهبران مخـالف در ترکیب هیأت دولت و تهیه لایحه جدید عفو زندانیان، گامهای اولیه را برای برقراری ثبات سیاسی در کشور برداشت.

غیر از تاجیکسـتان، که درگیر حلّ مشکلات سیاسی داخلی بود، دیگر سایر کشورهای ناحیه در اندیشه توسعه مبادلات تجاری و روابـط اقتصـادی بودنـد؛ نفت ، گـاز و چگونگی انتقـال آن به بـازار مصـرف، بیشترین و مهمترین پیمانهـا را شامل می شـد. بدیهی است که شـرکتهای نفتی و کشورهای ذی نفع با توجه به صـرفه های اقتصادی و محدودیتهای سیاسی، هر یک، مسیری را برای خطوط انتقال نفت و گاز پیشنهاد داده اند.

ص:۳۸۹

شماری از این مسیرها عبارت اند از(۱):

مسیر (۱) : از قزاقستان به چین.

مسیر (۲) : از ترکمنستان به افغانستان و پاکستان.

مسیر (۳) : از ترکمنستان به ایران و خلیج فارس.

مسیر (۴) : از ترکمنستان به ایران و ترکیه.

مسیر (۵) : از ترکمنستان و زیر دریای خزر به آذربایجان و دریای سیاه.

مسیر (۶) : از قزاقستان و زیر دریای خزر به آذربایجان و دریای سیاه.

مسیر (۷) : از آذربایجان به بندر سوسپای گرجستان در دریای سیاه.

مسیر (۸) : از آذربایجان به بندر جیهان ترکیه در دریای مدیترانه.

مسیر (۹) : از آذربایجان به داغستان و چچن و بندر نووروسیسک روسیه در دریای سیاه.

مسیر (۱۰) : از قزاقستان به بندر روسی نووروسیسک در دریای سیاه.

مسیر (۱۱) : از قزاقستان به لوله های نفتی روسیه. (نقشه ۵۰).

شرکتهای نفتی که در اندیشه ارزانترین هزینه دسترسی به بهترین بازار هستند، از میان مسیرهای مذکور، خط لوله ای را که به خلیج فارس پایان می یابد (مسیر ۳) بهترین مسیر دانسته اند، اما امریکا برای حفظ منافع خود و جلوگیری از نفوذ ایران در ناحیه،

کوشیده است شرکتهای نفتی و کشورهای ذی نفع را از سرمایه گذاری در این مسیر برحذر دارد.

به هرحال، کشورهای آسیای مرکزی برای بهره برداری از این منابع، کوشش فراوان دارند و قراردادهایی نیز در این جهت بسته اند. قزاقستان در سال ۱۳۷۶ با تعدادی از شرکتهای نفتی قراردادی را برای ساختِ خط لوله مسیر (۱۱) امضا کرده است. در مهرماه همین سال، چینی ها به عنوان بخشی از معامله خرید دو میدان نفتی قزاقستان، برای احداث خط لوله مسیر (۱)، تفاهم نامه ای تهیه کردند. همچنین رؤسای جمهور سه کشور ایران، ترکیه و ترکمنستان در اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶، توافق کردند که خط لوله مسیر (۴) را بسازند تا برای مدت ۳۰ سال سالانه ۲۸ تا ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز

۱- «بازی خط لوله»، صفحه اول، ش ۵۲، ص ۶۲ - ۶۳.

طبیعی به ترکیه و اروپا صادر شود. افتتاح خط لوله ۲۰۰ کیلومتری ترکمنستان به ایران در دی ماه همین سال در واقع بخشی از همین مسیر است.

نقشه ۵۰

یکی از مباحث مطرح در مناسبات اقتصادی آسیای مرکزی، موضوع دریای خزر است. با همه گفت وگوهای زیادی که پیرامون مسایل این دریا مطرح است، هنوز نظام حقوقی آن مشخص نشده و فقط برخی طرحهای مشترک هواشناسی، آب شناسی و مراقبت از محیط زیست دریا مورد توافق کشورهای همجوار دریا قرار گرفته است.

در حالی که ایران همچنان پافشاری می کند که بهره برداری عادلانه از منابع دریا، بستر و زیر بستر، باید در چارچوب رژیم حقوقی مورد قبول همه کشورهای حاشیه دریا باشد، کشورهای دیگر علاقه چندانی به این موضوع نشان نمی دهند. به نظر می رسد مانع جدّی و مؤثّر در کند شدنِ روندِ تعیینِ نظامِ حقوقیِ دریا، مواد سوختی زیر بستر

دریا و اندیشه کشورهای جدید التأسیس حاشیه دریا باشد که می کوشند هر چه زودتر از منافع دریا بهره مند شوند و توافقهای حاصل شده نیز در همین راستاست.

بر طبق موافقت نامه ای که در تیرماه ۱۳۷۷ میان روسیه و قزاقستان به امضا رسید، بستر سواحل مجاور دو کشور بین آنها تقسیم می شود و حقوق حاکمیّت هر طرف برای توسعه و مدیریّت منابع زیر بستر شمال دریا در چارچوب خطوطی که ترسیم خواهد شد، تضمین شده است. این قرارداد که مورد تأیید شرکتهای غربی است و حضور آنها را در ناحیه تحکیم می کند، با مخالفت شدید و جدّی ایران روبه رو شد.

همچنین امریکا برای انتقال نفت کشورهای حاشیه شرقی دریا به بازارهای مصرف، طرحی را ارائه داده که خط لوله در زیر بستر دریا جاسازی شود و برای اجرای آن نیز گفت وگوهایی با کشورهای ذی نفع انجام داده است. اجرای این طرح، خطرهای زیست محیطی عظیمی را به همراه دارد زیرا ممکن است نوسانهای بیشتر دریا و تغییرات فشار آب، که در دریای خزر به فراوانی اتفاق می افتد، مقاومت لوله ها را درهم

بشکند و یا پایه هایی که لوله ها بر روی آنها متصل شده اند، در اثر زلزله های زیر بستر،

شکاف بردارند. در هر دو حالت تا برای ترمیم آنها اقدامی صورت می گیرد، چه بسا هفته ها نفت وارد دریا شود. به دلیل وجود زمینه مناسب برای آلوده شدن دریا، ایران مخالفت خود را با اجرای طرح مذکور اعلام کرده است.

و سرانجام، این که در این مدت، کشورهای آسیای مرکزی همچنان پی گیر گسترش مناسبات سیاسی و روابط اقتصادی خود بوده اند و شرکتهای اقتصادی و کشورهای

گوناگون، بویژه غربی ها، بسرعت جای خود را در اقتصاد ناحیه باز کرده اند. در حالی که به نظر می رسد ایران نتوانسته است از امکانات و شرایط مناسب خود برای بسط روابط گوناگون با کشورهای ناحیه استفاده بهینه ای ببرد و حتی در برخی زمینه ها نه تنها افزایشی در سطح مناسبات تجاری نداشته بلکه نسبت به قبل، رَوَند نزولی داشته است. این امر حتی در بخش گردشگری نیز صادق است، به طوری که در سال ۱۳۷۶، ورود گردشگران آسیای مرکزی به استان خراسان نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۹/۱۳ درصد کاهش نشان می دهد. امید است با بهبود و بسط روابط سیاسی ایران با کشورهای ناحیه، زمینه مساعدی برای گسترش روابط اقتصادی فراهم شود و ایران در جایگاه واقعی خود در ارتباط با این ناحیه کهن و وسیع قرار گیرد.

در آخرین روزهای انتشار این اثر، کتاب Human Geography در دسترس نگارنده قرار گرفت که جدول ۴-۷ براساس آمار این کتاب تنظیم شده است.

صفحه ۳۹۶ سفید

ص:۳۹۴

کتابنامه

۱ – آزموده، ابوالفضل، «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، بندر و دریا،شماره ۴۵ و ۴۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، ص ۵۰ – ۵۵.

۲ – آقایی حاج آقا، بهروز، «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۹۷ – ۳۰۵.

۳ – آکادمی علوم تاجیکستان، کشور کوههای بلند و وادیهای زرنثار، نشریات دانش، دوشنبه، ۱۹۷۰، ۲۳۱ص.

۴ – آکیمف، الکساندر، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۳۱۵ – ۳۲۸.

۵ – ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، ملیتهای آسیای میانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، ۳۶۰ص.

۶ – ابوالحسینی، مینا، «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»، کیهان، شماره ۱۴۸۲۳.

۷ – ابوطالبی، مرتضی، «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۱ –۴۶.

۸ – احمدی نژاد، سید حسن، سیمای سمرقند، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ۹۶ص.

۹ – اختر، شمیم، «اهمیت استراتژیک آسیای میانه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره اول، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۸۵ – ۱۹۴.

۱۰ – «افزایش صادرات ترکمنستان در مقایسه با واردات»، اقتصاد خراسان، سال دوم، شماره ۸۹، ۲۹ بهمن ۱۳۷۳، ص ۱۱.

- «اقتصاد تاجیکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص۱۷۵ - ۱۷۸.

- «اقتصاد قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره۷، زمستان ۱۳۷۳، ص۱۸۶ - ۱۹۰.

- «اقتصاد کشورهای مشترک المنافع در سال ۱۹۹۵میلادی»، اقتصاد خراسان، سال چهارم، شماره ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵، ص۵.

- «اقتصاد کشورهای مشترک المنافع در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶ میلادی»، اقتصاد خراسان، سال چهارم، شماره ۱۶۶، ۳ شهریور ۱۳۷۵، ص۵.

- اسکلیارف، لئونید، «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری» ترجمه مهرداد محسنین، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، ص۷۷ -۹۴.

- اکینر، شیرین، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد۱۳۶۶، ۵۶۷ص.

- اکینر، شیرین، «تنزل شرایط زیست محیطی در آسیای مرکزی»، ترجمه عالیه ارفعی، مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره۷، پاییز ۱۳۷۳، ص۱۲۹ - ۱۳۸.

- امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان،

تاجیکستان وترکمنستان»، ترجمه رویا دُرانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۱، ص۲۰۳ - ۲۱۵.

امیدوارنیا، محمدجواد، «چین و روسیه در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۷۱ - ۷۸.

- امیدوارنیا، محمدجواد، «روش و تجربه چین در بررسی ظرفیتها و منابع اقتصادی آسیای مرکزی»،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص۲۹۱ - ۳۰۲.

- امیر احمدی، بهرام، «بررسی جمعیت ترکمنستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص۹۵ - ۱۱۰.

- «انتقال گاز ترکمنستان به ایران در آینده نزدیک آغاز می شود»، اقتصاد خراسان، سال چهارم، شماره ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵.

- اولکات، مارتابریل، «سیاست در آسیای مرکزی پس از فروپاشی امپراطوری»، ترجمه الهه لاکویی،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص۴۷ - ۷۶

- اولکات، مارتابریل، «استقلال ناخواسته برای آسیای مرکزی»، ترجمه مهدی اعیانی فرد، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص۱۳۵ - ۱۶۶.

- «ایران و تاجیکستان مستقل»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۰، ص ۲۹۹ - ۳۰۵ و نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۵، مرداد - شهریور ۱۳۷۱، ص۲ - ۵.

- ایرانی، ناصر، «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص۱۴۶ - ۱۵۶.

- ایرانی، ناصر، بهار گمشده، یادداشتهای سفر تاجیکستان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ۱۱۱ص.

- بارتولد، و.و، آبیاری در ترکستان، ترجمه کریم کشاورز، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ۳۱۴ص.

- بارتولد، و. و، ترکستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول،۲جلد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، آگاه، تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۲۵ص.

- بارتولد، و. با، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ۵۰۳ص.

- «بازار آسیای مرکزی گرسنه است»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص۲۶۳ - ۲۶۸.

- «بازی خط لوله»، صفحه اول، سال هفتم، ش۵۲، تیر ۱۳۷۷، ص۶۱-۶۳.

- بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، اقبال، تهران، ۱۳۶۲، ۲۱۶ص.

- برجیان، حبیب، «لرزه خیزی و زلزله در آسیای مرکزی»، نامه فرهنگستان علوم، سال چهارم، ش۶ و ۷، ص۱۷۹ - ۲۰۰.

- بردآبادی، کامبیز، «آسیای میانه در جستجوی هویت»، زمان،شماره۶، دی ۱۳۷۴، ص۸ - ۱۴.

- «برنامه توسعه اقتصادی ترکمنستان، برای سه سال آینده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص۳۹۹ - ۴۰۲.

- بکت، فرانس، «نجات آرال، دریاچه بزرگ آسیای مرکزی»، پیام یونسکو، سال ۲۶، شماره ۲۹۳، آبان ۱۳۷۳، ص۳۲.

- بلگراد، گرولد«ملتی با تاریخ و سرنوشت تلخ»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص ۱۹۳ - ۲۱۰.

- بلینتسکی، آ، خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)،ترجمه پرویز ورجاوند، گفتار، تهران، ۱۳۶۴، ۳۲۴ص.

- بهفروز، فاطمه، «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای

ص:۳۹۷

میانه»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۱ - ۸۵.

- پاپلی یزدی، محمدحسین، «آسیای مرکزی، لزوم و اهمیت مطالعات مربوط به آن»، تحقیقات جغرافیایی،

سال سوم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۶۸، ص۷ - ۱۹.

- پاپا دوپولو، آ، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزنی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران ۱۳۶۸، ۳۰۰ص.

- پاکدامن، رضا، «نقش روسیه در اقتصاد جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۱۶۱ - ۱۷۶.

- پیرنیا، محمد کریم، شیوه های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ۴۰۶ص.

- تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، وزارت امورخارجه، تهران، ۱۳۷۴، ۴۰۷ص.

- تکمیل همایون، ناصر، «نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۱، ص۲۱ - ۴۸.

- تیسون، دیوید، «نقش رسانه های سمعی غیر رسمی در ازبکستان»، ترجمه قاسم ملکی، مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۵۷ - ۱۷۴.

- «تیغ برنده پارسی، سومین سالگرد استقلال تاجیکستان و تجلیل از فردوسی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۷۳ - ۱۸۶.

- ثقفی عامری، ناصر، «ایران، هند و آسیا»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۳۵۳ - ۳۶۴.

- جرجانی، موسی، «تجدید حیات اسلام در ترکمنستان»، کیهان، شماره ۱۴۴۵۵، ۱/۲/۱۳۷۲.

- «جشن سالگرد استقلال تاجیکستان و سمپوزیوم سهم ایرانیان در رشد تمدن بشری» مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۳۴۲ - ۳۴۶.

- جهانفر، محمد، نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲ میلادی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران، ۱۳۷۲، ۲۳ص.

- چکنگی، علیرضا و دیگران، راه ابریشم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۶۲ص.

- حاج سید جوادی، سیدکمال، «نامهای دریای مازندران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص۹ - ۱۶.

ص:۳۹۸

– دانشـنامه ادب فارسـی، جلد یکم: آسـیای مرکزی، به سـرپرستی حسن انوشه، مؤسـسه فرهنگی و انتشاراتی دانشـنامه، تهران، ۱۳۷۵، ۹۹۵ص.

– کـاردانکوس، هلن، امپراطوری فروپاشـیده، ترجمه عبـاس آگـاهی، معاونت فرهنگی آسـتان قـدس رضوی، مشـهد، ۱۳۶۲، ۳۲۷ص.

– «دریای خزر در خطر امواج سمی»، نامه اتاق بازرگانی، سال ۱۳۷۴، شماره ۱۰، دی ۱۳۷۴، ص ۵۱ – ۵۲.

– دلدم، اسکندر، سیرو سیاحت در اتحاد شوروی، نشر دی، تهران، ۱۳۶۸، ۱۷۴ص.

– دوبنوآ، م. آ، زمین شناسـی ایران، اسـتخراج مواد معدنی در آسیای میانه در سده های ۱۶ – ۱۹ میلادی، ترجمه شهپر داراب نیا، سازمان زمین شناسی کشور، تهران، ۱۳۷۳، ۱۵۸ص.

– دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیرنظر محمد معین، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷.

– «راه آهن سـرخس – مشهد، مرکز ثقل تجارت آسیا و اروپا»، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۳، خرداد ۱۳۷۵، ص ۵۵ – ۵۶.

– راهنمای کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک،گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۴، ۳۵۱ص.

– رضوی، حسـین، رحمانی، علی، «شوک آلماآتا»، مطالعات آسـیای مرکزی و قفقاز،سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۰۵ – ۲۳۰.

– رنجبر، احمد، خراسان بزرگ (بحثی پیرامون چند شهر از خراسان بزرگ)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ۳۴۳ص.

– روزنامه اقتصاد خراسان، شماره های ۱۳۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۰ و ۱۷۴.

– ریاضی، محمدرضا، «جاده ابریشم، شکل گیری و پیشینه»، باستانشناسی و تاریخ، سال نهم، شماره ۲، ص ۴۸ – ۵۵.

– ریوکین، مایکل، حکومت مسکو و مسأله مسلمانان، ترجمه محمود رمضانزاده، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶، ۲۳۸ص.

– ریوکین، مایکل، «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات منطقه ای»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات

آسیای مرکزی و قفقاز،سال سوم، دوره دوم،شماره ۸، زمستان ۱۳۷۳، ص ۶۷ – ۷۴.

– ژوکف، استانیسلاو، «منافع اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی»، ترجمه محمد نایب پور، مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۹۳ - ۱۰۶.

- «سابقه و جایگاه قزاقستان در جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۹۱ - ۲۰۲.

ص:۳۹۹

- سارلی، ارازمحمد، «ترکستان در تاریخ؛ نگرشی بر ترکستان در نیمه دوم قرن نوزدهم»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ۱۹۲ص.

- ستارزاده، ملیحه، «ریشه کلمه ترکمن»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره جدید، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص ۷۷ - ۸۲.

- «سرمایه گذاری صنعتی درجمهوریهای آسیای مرکزی»، اقتصاد خراسان، سال چهارم، شماره۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵، ص۱۲.

- «سمینار بین المللی کار و مهاجرت»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷،

زمستان ۱۳۷۳، ص ۲۰۳ - ۲۱۲.

- «سمینار بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۹۵ - ۲۰۱.

- سیدی، مهدی، نیمی ز ترکستان، نیمی ز فرغانه، گامی در بازشناسی ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، کتابستان، مشهد، ۱۳۷۱، ۳۰۰ص.

- «سیستم آموزشی درجمهوری قرقیزستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۲۹ - ۲۳۲.

- شارپیف، آلیشر، «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ترجمه قاسم ملکی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۸.

- شیخ عطار، علی رضا، ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۱، ۲۳۶ص.

- طاهری، احمد، «اتحادیه جوانان پیرو انبیا»، ترجمه احمد لواسانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۸۵ - ۲۰۲.

- طوغان، زکی ولیدی، قیام باسماچی، ترجمه علی کاتبی، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ۱۶۹ص.

- عشقی، ابوالفضل، قنبرزاده، هادی، ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، نیکا، مشهد، ۱۳۷۴، ۱۹۸ص.

- عظیمی، مهدی، «لزوم تشکیل مرکز بین المللی بررسی مسایل زیست محیطی دریای خزر»، بندر و دریا، شماره ۴۷ و ۴۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳، ص ۳۲ - ۳۳ و ۱۲۷.

- «علل کندی در صادرات و واردات ریلی کالا، وقفه در برنامه قطار مشهد - سرخس وتشکیل کمیته

ترانزیت کالا تشریح شد»، اقتصاد خراسان، سال چهارم، شماره ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

- فرامکین، گرگوار، باستانشناسی در آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ۳۷۷ص.

- فرای، ریچارد. ن، بخارا، دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ۲۷۰ص.

- فریدمن، رابرت، «رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی: تحلیل مقدماتی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۵۹ - ۱۶۸.

- فشارکی، فریدون، «آسیای مرکزی و قفقاز: چشم انداز نفت و همکاری»، ترجمه مرضیه ساقیان، مطالعات

آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۶۷ - ۱۸۴.

- قندیه و سمریه، دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند، به کوشش ایرج افشار، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، تهران، ۱۳۶۷، ۲۲۳ص.

- کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم انداز ادغام در سازمان همکاریهای

اقتصادی»، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۳۰۳ - ۳۱۴.

- «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز، ۱۳۷۱، ص ۳۰۶ - ۳۴۱.

- «گزارش سفر هیئت اعزامی به تاجیکستان جهت گشایش سفارت جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۸۷ - ۲۹۶.

- گلی زواره ای، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم، ۱۳۷۳، ۳۶۸ص.

- گنجی، محمدحسین، «آب وهوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۹ - ۴۰.

- گنجی، محمدحسن، «گوشه ای از جغرافیای آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۶۹، ص ۵ - ۱۷.

- گوان فو، گو، «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۸، ویژه

نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۱۹۳ – ۱۹۸.

– گوان فو، گو، «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۰۹ –

ص:۴۰۱

.۱۲۰

- لسترنج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، ۶۰۹ص.

- لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه ای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۲۱۵ - ۲۳۲.

- مارتین، کیت، «محیط زیست آسیای مرکزی: تراژدی فراموش شده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۳۹ - ۱۵۶.

- مارشان، پاسکال، «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی از لحاظ آبشناسی»، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، تحقیقات جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۸۵ - ۲۰۳.

- مالدالی اف، اورازبیک، «مسائل امنیت منطقه ای، امکانات پیشگیری و حل مناقشات منطقه ای»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۷ - ۹۶.

- مدیریت نقشه برداری وجغرافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۴ جلد، تهران، ۱۳۶۷، ۱۴۰۰ص.

- «مرز آینده»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۱۵ - ۲۲۲.

- «مسلمانان قربانیان اصلی تاجیکستان»، جمهوری اسلامی، سال هفدهم، شماره ۴۶۶۴، ۲۵ تیر ۱۳۷۵.

- معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل مرکز تحقیقات استراتژیک،«وضعیت کلی انرژی در شوروی»، راهبرد، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۵ - ۵۸.

- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد پنجم و ششم، اعلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

- مؤسسه صلح ایالات متحده «افغانستان و آسیای مرکزی: چشم انداز تحول سیاسی و نقش اسلام»، ترجمه کاملیا احتشامی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۳ - ۶۲.

- موسوی روح بخش، سید محمد، «بر آورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۵۱ - ۶۶.

- «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»، کیهان، شماره ۱۴۸۲۳، ۳ مرداد ۱۳۷۲.

- مهاجرانی، مصطفی، «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱ - ۱۵۱.

ص:۴۰۲

- مهتدی، محمدعلی، «نقش خاورمیانه عربی درآسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۳۹۵ - ۴۰۴.

- میراحمدی، مریم، «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، سال ششم، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۰، ص ۵۳ - ۷۵ ومطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۶۲ - ۹۰.

- میرحیدر، دره «تحلیل مکانی - فضایی از بحرانهای کنونی در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۲۱ - ۱۲۶.

- میرحیدر، دره، «تحولات آسیای مرکزی»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۲ - ۲۴.

- میرحیدر، دره، «چگونگی شکل گیری نقشه سیاسی آسیای مرکزی»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۸۵ - ۹۶.

- میرحیدر، دره، «ریشه های تاریخی مسایل جغرافیایی سیاسی امروزآسیای مرکزی وقفقاز»، مجموعه مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۷ - ۱۱۲.

- «نظام دانشگاهی قرقیزستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.

- «نظامهای حمل ونقل کشورهای آسیای مرکزی» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۳۶۵ - ۳۸۳.

- «نگاهی به ترکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۸۱ - ۲۸۷.

- واتر، ایگور، «آیا آسیای مرکزی منفجر می شود»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره اول، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۹۵ - ۲۰۴.

- ورجاوند، پرویز، «ایران و جمهوریهای خراسان و آسیای مرکزی»، اطلاعات سیاسی واقتصادی، سال نهم، شماره ۸۷ - ۸۸، ص ۵۴ - ۶۰.

- ورهرام، غلامرضا، تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲، ۳۴۳ص.

- ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای تاریخی سیردریا»، تحقیقات جغرافیایی،سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۶۹، ص ۵۶ - ۶۷.

- ورهرام، غلامرضا، «روند تاریخی جغرافیای فرهنگی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، سال هفتم،

شماره ۲۵، تابستان ۱۳۷۱، ص ۵ – ۲۸.

– ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای مذهبی آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۷۰، ص ۱۰۱ – ۱۲۳.

– «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص۲۵۳ – ۳۶۰.

– «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز، سال اول، شماره۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۳۷ – ۲۵۲.

– «همکاریهای اقتصادی میان اعضای اکو و چین»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴،بهار ۱۳۷۳، ص ۴۴۹ – ۱۵۱.

– یوسف، شادمان، تاجیکستان، بهای آزادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ۳۳۳ص.

- Webster's New Geographical Dictionary, ۱۹۸۰, ۱۳۷۰p.

- De Blij, Harm, j, Hunman Geography: Culture, Society, and Space, ۵th ed, ۱۹۹۵, ۵۳۱p.

نمایه

نام اشخاص

نیکلای خانیکف، ۱۹

ولهر، ۳۲

هانتینگتون، ۳۲

ص:۴۰۶

حکومتها

نام جایها

۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶،

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹